



مرکز تحقیقات اسلامی

اصفهان

گامی



عمران
علیه السلام

www. **Ghaemiyeh** .com
www. **Ghaemiyeh** .org
www. **Ghaemiyeh** .net
www. **Ghaemiyeh** .ir



کتابخانه مجلس شورای اسلامی

مجلس شورای اسلامی
ایران

۱۰

آیین برنامه سازی در باره

«زندگی امام صادق (ع)»

محمّد رضایی اندریانی



بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

آیین برنامه سازی درباره زندگی امام صادق علیه السلام

نویسنده:

محمد رضایی

ناشر چاپی:

مرکز پژوهشهای اسلامی صدا و سیما جمهوری اسلامی ایران

ناشر دیجیتال:

مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

فهرست

۵	فهرست
۱۰	آیین برنامه سازی درباره زندگی امام صادق علیه السلام
۱۰	مشخصات کتاب
۱۰	فهرست مطالب
۲۱	پیش گفتار
۲۶	بخش اول: کلیاتی درباره ایده یابی در زندگانی معصومان
۲۶	اشاره
۲۶	الف) پیش فرض ها و پیش نیازهای مطالعه زندگی معصومان
۲۶	اشاره
۲۷	۱: نگرشی کلامی و عرفانی به شخصیت انسان کامل
۳۳	۲: بررسی زندگانی انسان کامل با رویکرد فلسفه تاریخی
۳۹	ب) ضرورت نگاه میان رشته ای
۴۳	نتیجه گیری
۴۴	بخش دوم: ایده یابی از زندگانی امام صادق(ع)
۴۴	اشاره
۴۶	نگاهی اجمالی به زندگانی امام صادق(ع)
۵۰	فصل اول: زندگانی توصیفی امام صادق(ع) از منظر خط تاریخی و زمانی
۵۰	اشاره
۶۰	نکاتی درباره روش پژوهش و منابع در این مرحله
۶۱	نکته ای درباره خط زمانی رحلت شخصیت های علمی اسلامی
۶۱	اشاره
۶۲	الف) خط زمانی زندگانی امام صادق(ع) از تولد تا امامت پدر (۸۳ تا ۹۵ ه.ق)
۶۲	اشاره
۶۹	نکته ها و ایده ها

- ب) خط زمانی زندگانی امام صادق(ع) از امامت پدر تا امامت خود (۹۶ - ۱۱۴ ه.ق) ۷۰
- اشاره ۷۰
- نکته ها و ایده ها ۸۰
- ج) خط زمانی زندگانی و امامت: امام صادق(ع) در دوران مروانیان (۱۱۴ - ۱۳۲ ه.ق) ۸۳
- اشاره ۸۳
- نکته ها و ایده ها ۱۰۱
- اشاره ۱۰۱
۱. اولین دانشگاه اسلامی ۱۰۲
۲. ظهور پدیده ای به نام غلات ۱۰۵
۳. توقع و انتظار قیام از امام ۱۰۵
۴. تبدیل تدریجی کوفه به پایگاه تاریخی برای تشیع ۱۰۶
۱. امام صادق(ع) در دوران خلافت عباسیان ۱۰۸
۲. امام صادق(ع) و توسعه بخشی و کاربردی سازی سبک زندگی تقیه محور ۱۳۴
۳. مدیریت فعال امام صادق(ع) و طراحی نظام اجتماعی جدید شیعی ۱۳۴
۴. فرهنگ سازی امام برای جامعه شیعه ۱۳۵
- جمع بندی و نگاهی کلی به فصل ۱ ۱۳۶
- اشاره ۱۳۶
- الف) نمودار ادوار تاریخی حق از هبوط تا پایان تاریخ، از دیدگاه اسلام شیعی ۱۳۷
- ب) ادوار تاریخی امامت یازده امام ۱۳۹
- ج) ادوار تاریخی باطل از هبوط تا پایان تاریخ (طراحی تاریخی ابلیس در برابر حق) ۱۴۰
- د) بررسی تطبیقی حق و باطل در دوران زندگی و امامت امام صادق(ع) ۱۴۱
- خط زمانی مدرسه علمی و دانشگاه صادقین ۱۴۴
- اشاره ۱۴۴
- الف) روند شکل گیری دانشگاه و مدرسه علمی امام صادق(ع) و مکتب شیعه جعفری ۱۴۴
- ب) نمودار خط زمانی مدرسه و مکتب کوفی شیعه در جایگاه نخستین مدرسه علمی شیعه: ۱۴۶
- ج) نمودار خط زمانی وضعیت فکری و علمی شاگردان امام ۱۴۷

- نمونه ای از نمودارهای اجتماعی شیعه در زمان امام صادق(ع) ۱۴۹
- اشاره ۱۴۹
- الف) جامعه شیعه از جامعه اسمی تا جامعه رسمی و هویت یافته ۱۴۹
- ب) حضور فعال امام در مراسم سالانه حج و رویدادهای مرتبط با آن ۱۵۱
- ج) نمودار خط زمانی سفرهای امام و خلفا، دیدارهای ایشان با یکدیگر و بازتاب های اجتماعی آنها ۱۵۳
- نمودارهای خط زمانی جبهه باطل در روزگار امام صادق(ع) ۱۵۶
- اشاره ۱۵۶
- الف. سیر خط زمانی خلفای روزگار امام جعفر صادق(ع)، از کودکی تا شهادت آن امام ۱۵۶
- ب. نمودار پیدایش یا خیزش تدریجی ناگهانی فرقه‌ها و جریان‌های گوناگون اسلامی در برابر جبهه حق ۱۶۶
- ج. خط زمانی علویان و گروه های کجروی درون شیعه یا نزدیک به جامعه شیعه و بازتاب آنها در جامعه شیعه ۱۶۹
- د. آغاز انحراف در مهدویت ۱۷۰
- هـ. جریان‌های علمی و فکری حاکم بر جامعه اهل سنت در دوره امام صادق(ع) ۱۷۲
- فصل دوم: اطلس جعفری ۱۷۵
- اشاره ۱۷۵
- الف) اطلس نگاری، پایه ایده‌یابی رسانه‌ای ۱۷۶
- ب) نگاهی گذرا به جغرافیا و اطلس تاریخی حق و باطل ۱۷۸
- اطلس زندگانی امام صادق(ع) ۱۸۱
- اشاره ۱۸۱
- الف) جلوگیری از ایجاد منطقه جغرافیایی حق ۱۸۳
- ب) ایجاد جغرافیاهای موازی ۱۸۳
- ج) نفوذ و تصرف کانون جغرافیایی حق ۱۸۴
۱. اطلس جغرافیای حق در دوران امام صادق(ع) ۱۹۵
- اشاره ۱۹۵
- الف) فهرست ایده های جغرافیای حق ۱۹۶
۲. اطلس و جغرافیای سیاه ۱۹۹
- اشاره ۱۹۹

- ۲۰۲ - جغرافیای جهان اسلام و جغرافیای فتوحات
- ۲۰۲ - جغرافیای استان ها و تقسیم های سیاسی جهان اسلام
- ۲۰۲ - اطلس تحولات و مهاجرت های بزرگ جمعیتی
- ۲۰۳ - جغرافیای فکری و فرهنگی و اطلس مدارس علمی فقهی و کلامی در جهان اسلام
- ۲۰۳ - اطلس بازتاب خلافت عباسی بر تغییرات سیاسی، اجتماعی و فکری جهان اسلام
- ۲۰۳ - اطلس پایتخت های سیاسی و مراکز فکری و اجتماعی آن دوران
- ۲۰۳ - اطلس جنگ ها، قیام ها و شورش ها
- ۲۰۴ .۳. اطلس و جغرافیای خاکستری
- ۲۰۵ - نکته پایانی
- ۲۰۶ - فصل سوم: امام صادق(ع) و طراحی سبک زندگی شیعی
- ۲۰۶ - اشاره
- ۲۰۸ - سبک زندگی، چیستی و جایگاه آن
- ۲۰۹ - ضرورت بحث سبک زندگی در زندگی امام صادق(ع)
- ۲۱۲ - چگونگی سبک سازی امام صادق(ع)
- ۲۱۲ - اشاره
- ۲۱۵ - دوره اول و آغازین امامت در دوره اقتدار مروانیان
- ۲۱۶ - دوره دوم امامت هم زمان با افول خلافت مروانیان
- ۲۱۶ - دوره سوم امامت هم زمان با خلافت تازه تأسیس عباسی
- ۲۱۷ - مبانی و ساختار سبک زندگی در مکتب جعفری
- ۲۱۷ - اشاره
- ۲۱۸ - الف) ضرورت نگاه جامع در طراحی مکتب
- ۲۱۹ - ب) ضرورت نگاه توحیدی به ابعاد متکثر و گاهی(به ظاهر) متضاد سبک ها
- ۲۱۹ - ج) ضرورت وجود انسانی کامل به عنوان الگو، معیار و مبنای زندگی انسانی
- ۲۲۰ - د) توجه به رابطه ثابت و متغیر در طراحی سبک زندگی دینی
- ۲۲۱ - ه) سبک سازی مبتنی بر اصل تقیه
- ۲۲۳ - نتیجه

۲۳۰	سیمای کلی سبک زندگی شیعی بر مبنای مکتب جعفری
۲۳۰	اشاره
۲۳۱	۱. حوزه دانشی و معرفتی مکتب جعفری، مبنای سبک زندگی شیعی
۲۳۸	۲. حوزه گرایش ها و باورها
۲۴۰	۳. حوزه عمل و رفتار، حوزه سبک سازی و نظام دهی به جامعه شیعه
۲۴۰	اشاره
۲۴۰	۱-۳. سبک زندگی شیعی در حوزه فردی زندگی
۲۴۳	۲-۳. سبک زندگی شیعی در حوزه خانوادگی
۲۴۵	۳-۳. سبک زندگی شیعی در حوزه اجتماعی
۲۶۲	۴-۳. سبک زندگی اجتماعی شیعه از نظر رویارویی با جامعه اسلامی
۲۶۵	سخن پایانی
۲۶۸	کتابنامه
۲۶۸	اشاره
۲۶۸	کتاب:
۲۷۲	نرم افزار:
۲۷۳	درباره مرکز

آیین برنامه سازی درباره زندگی امام صادق علیه السلام

مشخصات کتاب

سرشناسه: رضایی، محمد، ۱۳۵۰ -

عنوان و نام پدیدآور: آیین برنامه سازی درباره زندگی امام صادق علیه السلام/ محمد رضایی.

مشخصات نشر: قم: صدا و سیما جمهوری اسلامی ایران، مرکز پژوهشهای اسلامی، ۱۳۹۱.

مشخصات ظاهری: ۱۹۸ ص.

فروست: مرکز پژوهش های اسلامی صدا و سیما؛ ۱۸۷۱ مجموعه پژوهش های برنامه ای؛ ۱.

شابک: ۶۰۰۰۰ ریال: ۹۷۸-۹۶۴-۵۱۴-۲۶۳-۴

وضعیت فهرست نویسی: فایا

یادداشت: کتابنامه: ص. [۱۹۵] - ۱۹۸.

موضوع: جعفر بن محمد (ع)، امام ششم، ۸۳ - ۱۴۸ ق.

موضوع: تلویزیون -- ایران -- برنامه های اسلامی

موضوع: تلویزیون -- ایران -- تولید و کارگردانی

شناسه افزوده: صدا و سیما جمهوری اسلامی ایران. مرکز پژوهشهای اسلامی

رده بندی کنگره: BP۴۵/۱۵۷ الف ۹ ۱۳۹۱

رده بندی دیویی: ۲۹۷/۹۵۵۳

شماره کتابشناسی ملی: ۲۹۹۳۹۵۹

ص: ۱

فهرست مطالب

آیین برنامه سازی درباره زندگی امام صادق (ع)

ص: ۳

بخش اول: کلیاتی درباره ایده یابی در زندگانی معصومان ۱۳

الف) پیشفرض ها و پیش نیازهای مطالعه زندگی معصومان ۱۳

۱: نگرشی کلامی و عرفانی به شخصیت انسان کامل ۱۴

۲: بررسی زندگانی انسان کامل با رویکرد فلسفه تاریخی ۱۸

ب) ضرورت نگاه میان رشته ای ۲۳

نتیجه گیری ۲۷

بخش دوم: ایده یابی از زندگانی امام صادق؟ ع؟ ۲۹

نگاهی اجمالی به زندگانی امام صادق؟ ع؟ ۲۹

فصل اول: زندگانی توصیفی امام صادق؟ ع؟ از منظر خط تاریخی و زمانی ۳۳

نکاتی درباره روش پژوهش و منابع در این مرحله ۳۹

ص: ۷

نکته ای درباره خط زمانی رحلت شخصیت های علمی اسلامی ۴۱

الف) خط زمانی زندگانی امام صادق؟ع؟ از تولد تا امامت پدر (۸۳ تا ۹۵ ه. ق.) ۴۲

نکته ها و ایده ها ۴۶

ب) خط زمانی زندگانی امام صادق؟ع؟ از امامت پدر تا امامت خود (۹۶ - ۱۱۴ ه. ق.) ۴۷

نکته ها و ایده ها ۵۲

ج) خط زمانی زندگانی و امامت: امام صادق؟ع؟ در دوران مروانیان (۱۱۴ - ۱۳۲ ه. ق.) ۵۴

نکته ها و ایده ها ۶۴

۱. امام صادق؟ع؟ در دوران خلافت عباسیان ۶۸

۲. امام صادق؟ع؟ و توسعه بخشی و کاربردی سازی سبک زندگی تقیه محور ۸۳

۳. مدیریت فعال امام صادق؟ع؟ و طراحی نظام اجتماعی جدید شیعی ۸۴

۴. فرهنگ سازی امام برای جامعه شیعه ۸۵

جمع بندی و نگاهی کلی به فصل ۱۸۶

خط زمانی مدرسه علمی و دانشگاه صادقین ۹۲

نمونه ای از نمودارهای اجتماعی شیعه در زمان امام صادق؟ع؟ ۹۵

نمودارهای خط زمانی جبهه باطل در روزگار امام صادق؟ع؟ ۱۰۰

فصل دوم: اطلس جعفری ۱۱۱

الف) اطلسنگاری، پایه ایده یابی رسانه ای ۱۱۱

ب) نگاهی گذرا به جغرافیا و اطلس تاریخی حق و باطل ۱۱۳

اطلس زندگانی امام صادق؟ع؟ ۱۱۶

الف) جلوگیری از ایجاد منطقه جغرافیایی حق ۱۱۸

ب) ایجاد جغرافیاهای موازی ۱۱۸

ج) نفوذ و تصرف کانون جغرافیایی حق ۱۱۹

۱. اطلس جغرافیای حق در دوران امام صادق؟ ع؟ ۱۲۷؟

ص: ۸

الف) فهرست ایده های جغرافیای حق ۱۲۹

۲. اطلس و جغرافیای سیاه ۱۳۱

- جغرافیای استان ها و تقسیم های سیاسی جهان اسلام ۱۳۴

۳. اطلس و جغرافیای خاکستری ۱۳۵

نکته پایانی ۱۳۷

فصل سوم: امام صادق؟ ع؟ و طراحی سبک زندگی شیعی ۱۳۹

سبک زندگی، چیستی و جایگاه آن ۱۳۹

ضرورت بحث سبک زندگی در زندگی امام صادق؟ ع؟ ۱۴۰

چگونگی سبک سازی امام صادق؟ ع؟ ۱۴۳

دوره اول و آغازین امامت در دوره اقتدار مروانیان ۱۴۶

دوره دوم امامت هم زمان با افول خلافت مروانیان ۱۴۶

دوره سوم امامت همزمان با خلافت تازه تأسیس عباسی ۱۴۶

مبنای و ساختار سبک زندگی در مکتب جعفری ۱۴۸

الف) ضرورت نگاه جامع در طراحی مکتب ۱۴۸

ب) ضرورت نگاه توحیدی به ابعاد متکثر و گاهی (به ظاهر) متضاد سبک ها ۱۴۹

ج) ضرورت وجود انسانی کامل به عنوان الگو، معیار و مبنای زندگی انسانی ۱۵۰

د) توجه به رابطه ثابت و متغیر در طراحی سبک زندگی دینی ۱۵۱

ه) سبک سازی مبتنی بر اصل تقیه ۱۵۱

نتیجه ۱۵۳

سیمای کلی سبک زندگی شیعی بر مبنای مکتب جعفری ۱۵۸

۱. حوزه دانشی و معرفتی مکتب جعفری، مبنای سبک زندگی شیعی ۱۵۹

۱-۱. خداشناسی و جهان بینی و روششناسی در حوزه دین شناسی ۱۶۰

۱-۲. انسان کامل و امام شناسی ۱۶۲

ص: ۹

۱-۳. انسانشناسی جامع و کامل ۱۶۳

۲. حوزه گرایش ها و باورهاها ۱۶۶

۳. حوزه عمل و رفتار، حوزه سبکسازي و نظامدهي به جامعه شيعه ۱۶۷

۳-۱. سبک زندگی شيعی در حوزه فردي زندگی ۱۶۸

۳-۲. سبک زندگی شيعی در حوزه خانوادگی ۱۷۰

۳-۳. سبک زندگی شيعی در حوزه اجتماعی ۱۷۲

۳-۴. سبک زندگی اجتماعی شيعه از نظر رويارويی با جامعه اسلامی ۱۸۸

سخن پایانی ۱۹۲

کتابنامه ۱۹۵

کتاب: ۱۹۵

نرم افزار: ۱۹۸

پیش گفتار

ص: ۱۰

برنامه ساز رسانه ای (تلویزیونی) فرآیندی است که در آن، فکر یا پیامی پیمودن مراحل گوناگون نرم افزاری و سخت افزاری، به تک برنامه یا مجموعه ایاز برنامه های تولیدی رسانه ای در قالب های گوناگون تبدیل می شود.

این فرآیند در مراحل اولیه شامل عملیات های نرم افزاری و در گام های دیگر، تبدیل محصولات فرآوری شده نرم افزاری به تولیدات سخت افزاری است. نخستین و مهم ترین مرحله در این فرآیند، مرحله شناسایی، تولید یا گزینش ایده (فکر و پیام اولیه) است.

ایده تلویزیونیرا در جمله ای کوتاه این گونه می توان تعریف کرد: «پیام، جان مایه، روح و سخن اصلی یک برنامه تولید شده رسانه ای و تلویزیونی است». این ایده با ساختار تک یا چند جمله ای کوتاه، در فرآیند برنامه سازی، قابلیت تبدیل شدن به برنامه های گوناگون کوتاه و بلند رسانه ای و تلویزیونی را دارد. همین ویژگی، فصل امتیاز ایده از دیگر جملات خبری است.

جایگاه ایده در روند برنامه سازی در جایگاه بُن مایه، اساس و پایه و رکن اولیه برنامه سازی

است. در مهندسی معکوس به بُن مایه و ایده اصلی هر برنامه تولیدی می توان رسید و کشف کرد که ایده اولیه هر برنامه چه چیزی و چگونه بوده است و چه وضعیت، قوت یا ضعفی از نظر محتوا، مخاطب شناسی، زمان شناسی، روزآمدی و کاربردی یا راهبردی بودن دارد. از این دیدگاه، به مطالعه دلایل موفقیت یا آسیب شناسی ناکامی گروه های برنامه سازی در دوره و بازه زمانی می توان پرداخت و با شیوه مهندسی معکوس یا به اصطلاح، شیوه منطقی برهان اِنِفهمید که آن گروه در آن بازه زمانی در شناسایی، رصد و گزینش ایده های برنامه سازی موفق بوده است یا خیر.

با توجه به تبیینی که از جایگاه ایده و چگونگی بازشناسی و کشف آن از برنامه های تولیدی شد، به شکلی آگاهانه تر به موضوع این پژوهش، یعنی «ایده های برنامه سازی درباره زندگی امام صادق (ع)» می توان پرداخت.

پس از پیروزی انقلاب اسلامی، در دوران گذار؛ یعنی دوره ایجاد تحول در درون سازمان صدا و سیما برای تبدیل شدن آن از صدا و سیمای ملی ایران به صدا و سیمای جمهوری اسلامی ایران، به طور طبیعی و به اقتضای اسلامیت نظام باید در همه شبکه های تلویزیونی و رادیویی، گروه هایی با نام گروه معارف یا گروه مناسبت های مذهبی تشکیل می شد تا هم زمان با مناسبت های فراوان مذهبی و هماهنگ با نیاز های فراوان جامعه داخلی و خارجی، برنامه هایی درباره معارف حقه شیعه - بنیان انقلاب اسلامی - تهیه و تولید کنند. همچنین هم سو با تحولات داخلی که جامعه باید به تدریج به سوی ایجاد جامعه اسلامی و سپس تمدن اسلامی می رفت، به برنامه سازی های معارفی، دینی و اسلامی در قالب های گوناگون می پرداختند.

اینک پس از سه دهه، وقتیدست کم در دو سطح، برنامه های تولید شده معارفی و تاریخچه مدیریتی و روند برنامه سازیدر گروه های معارفی را بررسی می کنیم، درمی یابیم متأسفانه در این بخش از نظر برنامه سازی بیشتر آثار تولیدی، در سطح «ج» و «د» قرار دارند. معمولاً گروه ها نیز برنامه ای مدون و منسجم برای ایده یابی های هماهنگ با شرایط زمانه ندارند و کار گروه های عالمانه و فرهیخته دوزیست و میان رشته ای بین مباحث معارفی و رسانه شناسی)

در آنها نمی توان یافت. روند برنامه سازی در این گروه ها، بیشتر روزمره، بدون نمی توان نوآوری و از نظر پیام و قالب، تکراری و در شیوه استفاده از شعایر دینی، سطحی و مستقیم (استفاده از کارشناسان دینی، نمادهای دینی و...) است. متأسفانه در بیست سال اخیر، پس از پایان دفاع مقدس، گروه های معارفی صدا و سیما جمهوری اسلامی، با وجود توسعه کمی و ایجاد شبکه های گوناگون برای مخاطب های گوناگون جغرافیایی، فرهنگی، سنتی و...، به جای اینکه به فرموده امام راحل؟ ره؟، نقش دانشگاه - که فرهنگ سازی و الگوسازی های کلان است - ایفا کنند، در بیشتر موارد، دنباله رو وضعیت فرهنگی جامعه، آن هم در سطح عامیانه و عوامانه اش بوده و به گونه ای به سطحی زدگی فرهنگی و دینی در جامعه پرداخته اند.

یکی از مهم ترین دلایل پیدایش این معضل در برنامه ها و روند برنامه سازی معارفی، حضور نداشتن کارگروه های تخصصی حوزوی و رسانه ای در مرحله ابداع، مهندسی و مدیریت ایده های معارفی برای ساخت این گونه برنامه هاست.

نگارنده به اقتضای داشتن چندین سال تجربه در شبکه های گوناگون تلویزیون و نیز تجربه کارشناسی محتوایی - که همراه با سختی ها و نامهربانی های فراوان بوده - دریافته است که تقریباً در بیش از نود درصد برنامه های معارفی در مراحل پیش تولید، هرگز از کارشناسان دینی و معارفی استفاده نمی شود و نقش کارشناس دینی به مرحله آخر - روی آنتن رفتن و ایفای نقش مستقیم و بدون طرح و برنامه حساب شده - منحصر شده است. به همین سبب، نه تنها بیشتر برنامه های معارفی، ضعیف، سطحی و تکراری است، بلکه این برنامه ها، مخاطبان فراوانی را نیز از دست داده اند.

این معضل به دلیل تصور بیشتر مسئولان و دست اندرکاران و برنامه سازان پدید می آید؛ زیرا نقش کارشناسان دینی در برنامه سازی رابه مرحلها آخر منحصر و در مراحل قبل، برای آنها جایگاهیدر نظر نمی گیرند، چون آن افراد نیز با چارچوب و خطوط کلی و فرعی معارف دینی، آشنایی تخصصی و جامع ندارند و معمولاً در مرحله ایده یابی و طراحی، به صورت تک بعدی و سطحی به معارف می نگرند. بدین سبب، محصول نهاییهمانیمی شود که شاهد آن هستیم.

البته باز هم تأکید می‌کنیم که تنها ورود کارشناسانی به مرحله اولیهرنامه سازی- که همان مرحله‌نرم افزاری و طراحی و مهندسی و مدیریت پیام‌های معارفی است - سودمندخواهد بود که افزون بر دین‌شناسی تخصصی، رسانه‌شناس هم باشند؛ و گرنه بهره‌مندی از کارشناسان ناآشنا با رسانه و اقتضائات آن، تجربه‌های شکست‌خورده در سریال‌سازی‌هایدرجه «الف» معارفی، مانند سریال ولایت عشق و تنهاترین سردار تکرار می‌شود که با وجود کارشناسان تاریخی و معارفی قوی در تخصص‌های خود، ولی ناآشنا با ساخت فیلم‌نامه و فیلم، تمام روند طراحی و تولید نرم‌افزار و پیام، به نویسنده و کارگردان واگذار می‌شود. بدین ترتیب، آثاری تولید می‌شود که از نظر ایده، پیام و محتوا و حتی قالب، اشکال و انتقاد بسیاری بر آنها وارد است. اینک با توجه به درک این پیشینه از وضعیت برنامه‌سازی معارفی، در این اثر که دومین تلاش پس از «پژوهش‌نامه‌سازی درباره‌زندگانی امام کاظم(ع)» است، می‌کوشیم برایش تجربه‌های تخصصی در آینده و بازشناسی چگونگی‌فرآیند ایده‌یابی و رصد و معرفی نمونه‌هایی از ایده‌ها درباره‌زندگانی امام صادق(ع)، موضوع‌هایی را با نام «ایده‌های برنامه‌سازی در مورد زندگانی امام صادق(ع)» ارائه دهیم.

این پژوهش شامل این بخش‌هاست:

بخش اول، کلیاتیدرباره ایده‌یابی در زندگانیمعصومان که دربردارنده پیش‌فرض‌ها و پیش‌نیازهای مطالعه‌زندگی معصومان و ضرورت نگاه میان‌رشته‌ای در برنامه‌سازی معارفی است.

بخش دوم، با نام ایده‌یابی‌زندگی امام صادق(ع) در سه بخش سامان یافته است:

زندگی‌نامه تحلیلی و تطبیقی امام صادق(ع) از دیدگاه خط‌زمان (Time Line)؛ اطلس جعفری و امام و طراحی سبک‌زندگی شیعی.

بخش اول: کلیاتی درباره ایده یابی در زندگانی معصومان

اشاره

بخش اول: کلیاتی درباره ایده یابی در زندگانی معصومان

زیر فصل ها

الف) پیش فرض ها و پیش نیازهای مطالعه زندگانی معصومان

ب) ضرورت نگاه میان رشته ای

نتیجه گیری

الف) پیش فرض ها و پیش نیازهای مطالعه زندگانی معصومان

اشاره

الف) پیش فرض ها و پیش نیازهای مطالعه زندگانی معصومان

به اعتقاد شیعیان که مبتنی بر ضرورت های عقلی و فطری و مستندات قرآنی و روایی است، بشر برای زندگانی باسعادت و موفقیت روی کره خاکی و نیز مراحل پس از آن، به انسان کامل نیازمند است. انسان کامل، انسانی همانند دیگر انسان هاست با همان ویژگی های فیزیکی، روحانی، رفتاری و روانی که مهم ترین امتیاز و شاخصه اش آن است که در تمام این ویژگی ها، بر خلاف دیگر انسان ها که در مرحله استعداد و در حال رشد تدریجی و تحصیلی هستند، کامل و تام و تمام است و به صورت حصولی، واجد رشد تام و تمام در تمام ابعاد وجودیشده است. از این رو، انسان کامل نامیده می شود؛ یعنی انسانی که در نقطه اوج مراتب انسانی خود هست. (۱)

نگاه به شخصیت معصومان از دریچه انسان کامل، پیش فرضی بنیادین و هویت بخش در

ص: ۱۵

۱- در این زمینه رک به: امامت و انسان کامل از دیدگاه امام خمینی، بخش اول ص ۳.

مکتب تشیع و فصل امتیاز شیعه از تمامی ادیان، فرقه‌ها، مذاهب و مکتب‌هاست. در هر مطالعه ایدر باره زندگان معصومان، به ویژه در پژوهش‌های رسانه‌ای و برنامه‌سازی‌ها، غفلت یا کم‌توجهی نسبت به این ویژگی، عامل بسیاری از ضعف‌ها، انحراف‌ها، تحریف‌ها یا سطحی‌نگری‌ها شده است و می‌شود. برای فهم بهتر و بیشتر این پیش‌فرض بنیادین می‌کوشیم آن را از دو دیدگاه کلامی و تاریخی بررسی کنیم.

۱: نگرشی کلامی و عرفانی به شخصیت انسان کامل

۱: نگرشی کلامی و عرفانی به شخصیت انسان کامل

در بینش کلامی و عرفانی شیعه بین ذات حق تعالی - که غیب الغیوب است - و جهان مخلوقات - که در نهایت مرتبه فقر و نیاز و محدودیت است - واسطه‌ای به نام خلیفه و جانشین حق تعالی در مُلک و ملکوت نیاز است تا از یک سو، مظهر تام و جامع صفات حق تعالی باشد و از سویی دیگر، به واسطه آن مظهریت، به مرتبه و مقام خلافت نسبت به هر آنچه غیر اوست، برسد. (۱)

به جز انسان، دیگر مخلوقات توانایی تحمل این مرتبه را ندارند؛ چون بر اساس نصّ قرآن، خداوند تنها انسان را به صورت خود و در مقام خلیفه الهی آفریده است. البته بدیهی است این مقام خلافت برای همه انسان‌ها نیست و تحصیل شدنی هم نیست؛ بلکه این مقام، صورت صفات حقه خالق بوده و خلافت بر مخلوقات تنها منحصر به کامل‌ترین انسان‌هاست.

در مقام بازشناسی انسان‌های کامل با استقصای تاریخی و بر اساس آنچه از متون آسمانی کشف می‌شود، می‌توان گفت این مرتبه و مقام به چهارده معصوم اختصاص دارد که شامل پیامبر اکرم؟ ص؟، امیرالمؤمنین علی(ع)، حضرت زهرا؟ عها؟ و یازده نور پاک از تبار آنها هستند. برای بازشناسی بهتر و بیشتر شخصیت این چهارده انسان کامل و ولی معصوم، مطالعه متون کلامی، عرفانی و ویژه احادیث امام‌شناسی ضروری است تا افزون بر شناختن ذات و مرتبه ذاتی انسان معصوم، دو نقش ویژه رابطه انسان معصوم با انسان‌ها و نسبت انسان کامل با حق تعالی و اکاوی

ص: ۱۶

۱- بحار الانوار، ج ۲۵، باب اول، باب انهم نور واحد.

البته واکاوی نقش های دوگانه، به ویژه نقش اولیای معصوم با جهان انسانی و حیات زمینی را از دو منظر می توان مطالعه کرد: یکی، به صورت مطلق و مشترک بین همه چهارده معصوم و دیگری، از منظر تجلی ویژه و ممتاز زمانی و تاریخی هر یک از چهارده معصوم؛ بدین گونه که چهارده معصوم با اینکه همگی نوریکسان و در مرتبه ای واحد هستند، ویژگی های خاصی هم دارند که متأثر از مرتبه وجودییا مرتبه زمانی و تاریخی آنان است.

بدیهی است غفلت از این ساحت های قدسی در هر پژوهش علمیا برنامه رسانه ای موجب ترسیم شخصیتی دنیوی، سکولار و زمینی از انسان کامل می شود. بدین ترتیب، کمال آن معصوم به محدود و سطحی، تبدیل و پردازش شخصیت معصومان دچار تحریف و انحراف می گردد. برای پرهیز از این آسیب بزرگ، مطالعه و کشف ابعاد و زوایای شخصیتی معصوم باید در دو جهت از چهار جهت این مقام صورت بگیرد؛ چون برای هر انسان، چهار رابطه متصور است:

در این رابطه های چهارگانه، معصوم در مرتبه کامل است و عصمت او هم در رابطهاول (رابطه دوسویه خدا با او و خود با خودش) ریشه دارد. بدین گونه که برای نمونه، عصمت معصوم دو ویژگی خاص برای او به همراه دارد: طهارت مطلق و علم غیب (و حضوری).

انسان کامل به آن دلیل طهارت مطلق دارد که مظهر و تجلی تمام اسماء و صفات حق تعالی است. (۱)

با این نگاه، انسان کامل از نظر زمینی و تاریخی ممکن است در حالات و شرایط مساعد یا

ص: ۱۷

۱- امامت و انسان کامل از دیدگاه امام خمینی، ص ۴، صورت و سیرت انسان در قرآن، جوادی آملی، ص ۲۱.

نامساعد گوناگون باشد، ولیهمواره انسان کامل است؛ مانند دانشمند نابغه ای که ممکن است از دانش او بهره برده شود یا در کنج عزلت یا تبعید باشد، اما همچنان دانشمند نابغه خواهد بود. این در حالی است که در تصور عامیانه و بیشتر برنامه سازی ها، امام معصوم در موارد انفعالی و انزوا و محاصره های همه جانبه، امام مظلوم، درمانده، منفعل و عاجز تصور می شود. باید دانست آنچه رخ داده است، محدودیتی انسانی و اجتماعیو محصول اراده های محدود باطل است که به گمان باطل خودشان شکل داده اند. امام معصوم حتی در چنان شرایطی هم روابط ملکی و ملکوتی و غیبی خود را با جامعه و تاریخ حفظ می کند.

از این منظر، تفاوت مهم انسان کامل با دیگر انسان ها در این است که انسان های معمولی در شرایط سخت و بحرانی و محاصره ها، چون دایره استعدادها و روابطشان صرفاً زمینی و فیزیکی است (مگر صالحان و عارفانی که به تربیت معنوی و معنایی خود همت گماشته و سیر و سلوک کرده باشند)، به ضعف مدیریت، سوء تدبیر و اشکال در طرح ها و برنامه های اصلی دچار می شوند. وضعیت انسان کامل در همین شرایط، متفاوت است.

بر اساس مطالعات نقلی (۱) و علمی، دامنه و ابعاد وجودی انسان که انسان - کامل در همه آنها در مرتبه کامل و جامعیت است - چنین است:

ص: ۱۸

۱- در این زمینه نک: حرکت، علی صفائی، ص ۱۷؛ مسئولیت و سازندگی، علی صفائی، ص ۱۳؛ انسان شناسی (محمود رجیبی)، ص ۹۴.

برای فهم بهتر و بیشتر کمال انسان کامل، توجه ویژه به ابعاد وجودی فردی انسانی او و نسبت کمال در هر یک از این موارد، ضروری است و می تواند به فهم معنی و رابطه دوسویه کمال انسانی و انسان کامل کمک بیشتری کند.

انسان موجودی ترکیبی و دوبعدی از منظر قرآن

بُعد جسمانی و فیزیکی

بُعد روحانی و فطری

ویژگی ها

نیازها

ویژگی ها

نیازها

اعضا، جوارح و سیستم های بدن

غذا، هوا و پوشاک

ترک فقر و خلأ درونی

گرایش به معنایابی و تکیه گاه جویی نامحدود و حسّ عبادت و عبودیت آن معنا و معنویت ماورایی

ص: ۱۹

غریزه جنسی

همسرگزینی و استمرار نسل

درک توانایی فهم و تعقل

گرایش به جست و جوگری، کشف و فهم وقایع، تشخیص حق و باطل و رشد و شکوفایی معرفتی و علمی

خستگی و خواب

مسکن و استراحت

درک خوبی و بدی

گرایش به خیرها و گریز از شرها و گرایش به عدالت در خیرها و منافع و میل به مدینهفاضلهجهانی

حواس پنج گانه

مُدركات حسی جهت ایجاد روابط با انسان ها و جهان فیزیکی

درک نظم و تناسب

گرایش به زیبایی ها و گریز از بدی ها و زشتی ها

درک اراده و آزادی و قدرت نسبی

گرایش به تولید و آفرینش و ایجاد تحول پیرامون خود

درک مرگ و محدودیت زندگی زمینی

گرایش به جاودانگی

با مطالعه این دو جدول و بر اساس مبانی و پیش فرض های کلامی و عرفانی، انسان کامل، انسانی است که در حوزه اراده فردی خود و آنچه به شخص او باز می گردد، در مرتبه کمال بالفعل است. البته اوج این کمال و رشد در ابعاد فطری و روحانی معصوم متبلور است. در ابعاد فیزیکی و جسمی، انسان معصوم ویژگی ترکیبی شگفتی دارد؛ بدین گونه که او از یک سو، از منافع دنیوی، به صورت حداقل استفاده می کند، ولی از نظر توان مندیا تولید دارای بالاترین مرتبه و درجه است. مثلاً خواب ولی معصوم از نظر کمیت، کمترین مقدار است و از جهت کیفیت، با خواب عمیق و همراه با غفلت انسان های دیگر متفاوت است؛ چون هنگام خواب از نظر دایره و دامنه و کیفیت و کمیت ادراک های حسی در بالاترین مرتبه قرار دارد.

معصوم شناسی، بحثی کلامی، عرفانی، انسان شناختی، قرآنی و روایی است که با وجود

ص: ۲۰

اهمیت و گستردگی متون نقلی و سنتی درباره آن، از نظر روش‌های آکادمیک کمتر واکاوی شده است. در عرصه پیش‌نیازهای برنامه‌سازی، با وجود سریال‌سازی‌های الف‌صدا و سیما درباره امیرالمؤمنین علی (ع)، امام حسن مجتبی (ع) و امام رضا (ع) شاید بتوان گفت تاکنون به این بعد توجه نشده است. در این پژوهش‌ها نیز چون محور ایده‌یابی، زندگی امام صادق (ع) است، ناچار به همین حد بسنده می‌شود.

۲: بررسی زندگانی انسان کامل با رویکرد فلسفه تاریخی

۲: بررسی زندگانی انسان کامل با رویکرد فلسفه تاریخی

زندگی انسان، حدّ فاصل اولین تا آخرین نفس کشیدن است و در شرح حال‌نگاری تاریخی داستان‌های متعارف و معاصر، زندگی انسان به این دو حد محدود است. حتی وقتی از این حدود فراتر می‌رود، از جهت گذشته‌شناسی، از تبارشناسی فراتر نمی‌رود و از نظر آینده‌شناسی، در محدوده بازتاب افکار و آثار فرد باقی می‌ماند.

این نگاه درباره انسان‌های معمولی با دامنه‌گذارهای محدود در افق زندگی محدود، پذیرفتنی است. در مقابل، بر اساس آنچه در رویکرد کلامی - عرفانی زندگانی انسان کامل به آن اشاره شد، انسان کامل کسی است که هر چند همانند دیگر انسان‌ها زندگی طبیعی و محدودی دارد، دامنه تدبیر، طراحی، مدیریت و برنامه‌ریزی او در حوزه افعال ارادی و اختیاری اش یا در مقام تاریخ‌سازیرخلاف دیگر انسان‌ها، محدود و همراه با افت و خیز و پراکندگینست. انسان کامل، فراتر از زمان و مکان و برتر از افق زمان و زمانه و جامعه خود است. پس در مقام رفتار و کنش و واکنش، زمانی رفتار می‌کند یا زمانه خود را می‌بیند و در زمان و مکان خود اقدام و کنش دارد، ولی در مقام نگرش و چشم‌انداز و ارزیابی، سراسر پهنه تاریخی و روند آن و اهداف آن را در نظر می‌گیرد. (۱) انسان کامل، تاریخی (در گستره پهنه تاریخ) می‌نگرد و زمانی و مکانی عمل می‌کند. تفاوت این نگرش با نگرش‌های محدود و ناقص دیگر انسان‌ها در برون‌داد رفتاری متفاوت انسان کامل با دیگر انسان‌ها مشخص

ص: ۲۱

۱- فرامرز سهرابی، مهدویت و فلسفه تاریخ، ص ۱۰۵ رحیم کارگر، آینده جهان، ص ۸۳.

بدین گونه، دامنه اثر گذاری دیگر انسان ها، محدود و زوال پذیر است و بالاترین مرتبه آن، ایجاد و پایه گذاری مسلکی است که نیازمند رشد و تکامل توسط شاگردان بعدی است، ولی انسان کامل پایه گذار جریان و روندی مانا و مقدس است که با گذشت زمان نه تنها افول نمی کند، بلکه گسترش روزافزون می یابد.

از این منظر، برای فهم بهتر و بیشتر زندگانی هر یک از چهارده معصوم، پیش فرض دوم و فهم شناخت فلسفه تاریخ از منظر مکتب تشیع ضروری است (۱) تا در نگاهی تلفیقی بین مبانی کلامی امام شناسی، فلسفه تاریخ و هر یک از معصومان، به درکی جامع و کامل از زندگانی هر یک از آنان بتوان رسید:

امام صادق(ع)، امام ششم شیعیان است که در مرحله حساسی به امامت می رسد و چنان نقشی در جریان تاریخی خود و تشیع ایفا می کند که از آن پس، تشیع به نام «مکتب جعفری» یا «شیعه جعفری» شناخته می شود. این نقش و جایگاه را نمی توان شناخت، مگر در چارچوب شناخت و فهم فلسفه تاریخی حق و باطل و بازشناسیدوره های تاریخی حق و باطل از آغاز تا زمان امام صادق(ع) و پس از امام صادق(ع) تا رسیدن به هدف غایم سیر تاریخ (۲) برای بازشناسی این پیش فرض مهم، نگاهیاجمالیبه خط سیر کلی تاریخ از آغاز تا پایان و نسبت سنجی زندگانی شخصیت مورد نظر (امام صادق(ع)) با آن ضروری است. (۳)

ص: ۲۲

۱- ۲. مرتضی مطهری، مجموعه آثار، ج ۱۸، صص ۳۵ - ۸۴.

۲- همان.

۳- در این زمینه نک: آیین برنامه سازی زندگانی امام موسی کاظم(ع)؟ / محمد رضایی، ص ۲۱.

امروزه چنین کاری در قالب دانشی‌در رشته‌تاریخ انجام می‌شود که به آن خط زمان (۱) می‌گویند و بر اساس آن تلاش می‌شود رویدادهای موازی در یک خط سیر تاریخی به صورت تطبیقی نشان داده شود. البته طرح‌های خط زمان از نگاه غیر دینی، به نگاه دیروزی و گذشته‌گرا و همان تاریخ منحصر است، ولی از منظر ادیان آسمانی به ویژه اسلام با قرائت شیعی-که نگاهی جامع و کامل به خط زمان و تاریخ دارد- این خط سیر، منحصر به گذشته نیست و از گذشته‌های دور تا آینده‌های دور و پایان تاریخ را شامل می‌شود.

از منظر قرآنی و مبتنی بر روایات تفسیری و تأویلی شیعی، خط زمان دیروز- امروز- فردا، از داستان آفرینش آدم و حوا در آسمان‌ها و ماجرای سجده خواهی حق تعالی و فرمان برداری فرشتگان و نافرمانی ابلیس و سپس وسوسه‌گری او نسبت به آدم و حوا آغاز می‌شود که به هبوط آن دو به کره خاکیانجامید. چشم انداز پایان تاریخ زمینی هم تحقق مدینه فاضله موعود جهانی به یاری آخرین انسان کامل است. از این منظر، خط زمان همانند مکتب تکامل از دنیای حیوانات و میمون‌ها تا ناکجاآباد آینده- که حد فاصل آن، تمدن‌های سکولار و زمینی است- نیست، بلکه با اولین زن و مرد موحد و آسمانی آغاز می‌شود و امتداد آن هم ماجرای درگیری حق و باطل در قالب راهبری انبیا و اولیاست.

خط زمان تاریخ زمینی انسان از منظر شیعه چنین است:

طرح ۱

دوران پیامبران

نوح(ع)

ابراهیم(ع)

موسی(ع)

عیسی(ع)

پیامبر اسلام؟ ص؟

دوران امامان

دوران حضور

ص: ۲۳

یازده امام

دوران غیبت صغری

دوران غیبت کبری

دوران ظهور

دوران رجعت

طرح ۲

امام علی (ع)

امام مجتبی (ع)

امام حسین (ع)

امام سجاد (ع)

امام باقر (ع)

امام صادق (ع)

امام کاظم (ع)

امام رضا (ع)

امام جواد (ع)

امام هادی (ع)

امام عسکری (ع)

امام زمان؟ عیج؟

۳۰ سال

۱۰ سال

۱۰ سال

۳۳ سال

۱۹ سال

۳۴ سال

۳۴ سال

۲۰ سال

۱۷ سال

۳۴ سال

۶ سال

غیبت صغرا ۶۹ سال

غیبت کبرا تاکنون یک هزاره و بیش از نیم قرن

فلسفه تاریخ بر اساس این دو خط زمان، به اجمال چنین است: هدف آفرینش انسان، رسیدن به کمال و سعادت از دریچه عبودیت است، ولی با دشمنی ابلیس و مانع تراشی های او، بهشت آسمانی- که تجلی بیرونی عبودیت و کمال انسانی بود- از دست رفت و آدمی به تبعیدگاه زمین آمد تا با سیر و سلوک و مجاهدتی بیشتر و در پناه ولایت پذیری اولیای حق و تدبیر و مدیریت آنان در اولین گام به بهشت زمینی و سپس به بهشت آسمانیراه یابد. آن دشمن نابکار که می دانست بر اساس مهلتی که گرفته است، حتی تحقق بهشت زمین موجب مرگ اوست، همواره می کوشد با جذب اکثریت اراده های سست و متزلزل انسانی به مانع تراشی برای سیر تاریخی حرکت انسان ها به سوی بهشت زمین بپردازد. بدین گونه است که مصاف تاریخی کلان حق و باطل بین اولیای معصوم (پیامبران و سپس چهارده معصوم) و ابلیس سرکش و در مرتبه خرد بین جوامع حق و باطل در می گیرد. تاریخ و خط زمان تاریخ مصاف

ص: ۲۴

این دو جبهه تا پایان غلبه تاریخی بر دیگری پس از پیمودن دوره ها و مراحل سیاسی، اجتماعی و تاریخی است که از نگاه شیعی، این پایان با غلبه حق در قالب مهدویت شیعی تحقق می یابد.

در این خط زمان، دوره پیامبران (که رهبران آن از نظر عصمت، مادون چهارده معصومند و بالاترین آنان، پیامبران اولوالعزم هستند) دوره ارتباط مستقیم آسمان با زمین (وحی) برای فرستادن تدریجی و تاریخی قانون و طرح نامه زندگی جامع و سعادت محور بشری (قرآن) به موازات رشد تدریجی عقول و فهم بشری است؛ دوره انبیای اولوالعزم هم دوره های تجربه های گوناگون جامعه توحیدی و سختی های آن از ابتدایی ترین شکل تا تجربه سخت ترین الگوها یا آن است. (۱) دورها مامان نیز پس از دریافت دین حق و اوج گیری شدت و حِدَّت باطل در قالب و چهره دینی و غیر دینی و تو در تو و لایه به لایه خود، زمینه سازی تدریجی برای گسترش جامعه حق باور تا زمان موعود برای ظهور است.

در نگاه تلفیقی بین دو رویکرد عرفانی و کلامی انسان کامل و تفسیر و تطبیق تاریخی و زمانی آن، مقطع تاریخیندگی امام صادق(ع) که پس از هفت معصوم و قبل از شش معصوم دیگر است و در میان خط امامت قرار می گیرد، بسیار مهم و اثرگذار است. به ویژه آنکه دوران امامت امام صادق(ع)، یکی از طولانی ترین دوره های امامت امامان حاضر و ظاهر شیعه است که با اوضاع نابسامان سیاسی اجتماعی جهان اسلام هم زمان است. این وضعیت، خود، فرصتی طلایی برای رهبری شیعه در یک دوره باثبات طولانی داخلی بود تا با توجه به فراغ نسبی که برای جامعه حق ایجاد شده بود، مکتب جعفری را پیریزد.

روشن است در این مسیر، امام صادق(ع) بر خلاف جریان های هیجانی و انقلابی زیدیه یا خوارج (۲) که فقط منتظر شکار فرصت ها و لحظه های آنی برای قیام یا شورش بودند، با در نظر

ص: ۲۵

۱- تبار انحراف، پژوهشی در دشمن شناسی تاریخی، مؤسسه لوح و قلم، ص ۵۲.

۲- چراکه آن قیام ها، قیام های بی بنیان و حاصلی بودند که با وجود کشتارهای فراوان، در نهایت، سبب استحاله این دو فرقه در دیگر مکتب ها و فرقه ها شد.

گرفتن هدف غایی تاریخ و تلاش های تاریخی اولیا، در امتداد رسالت و تلاش هایانیا و معصومین پیشین و توجه به شرایط آینده، مکتب جعفری را طراحی کرد و به بازسازی و گسترش سبک زندگی و جامعه شیعی پرداخت.

(ب) ضرورت نگاه میان رشته ای

(ب) ضرورت نگاه میان رشته ای

نگاه خطی تک بعدی و تک ساحتی به زندگانی معصومان یکی از مهم ترین علت های تکراری و یک نواخت بودن برنامه سازی در باره زندگانان در سال های اخیر است. بدین معنا که با مطالعه و بررسی آثار منتشر شده درباره زندگی معصومان در نیم قرن اخیر (قبل و بعد از انقلاب) در بیرون از سازمان یا حتی در داخل پژوهشکده های سازمان درمی یابیم مجموعه آثاری که درباره زندگانی معصومان منتشر شده است، عمدتاً نگاه و روشی ترجمه نگاری (زندگی نامه ای خطی) داشته اند. به همین دلیل، تلاش کرده اند به زندگانی معصومان در مقطع زمانی تولد تا شهادت و به خود ایشان به عنوان رهبر اجتماعینگرند. آن گاه با جمع آوری داستان ها و رویدادهای مربوط به آن از لابه لای متون تاریخی و به میزان یافته های خود، متن نهایی حجیم یا محدودی را روانه بازار کنند. این نگاه سبب می شود نه تنها زندگانی معصوم به نوعی غیر مستقیم و ناخواسته به نگاهی سطحی و حتی سکولار تقلیل یابد، بلکه گاهی آن معصوم را نیز منفعل و متأثر از شرایط زمانه به تصویر بکشد. همچنین با وجود آثار متعدد شرح حال نگاری، تفاوت عمده ای بین آثار تولید شده نیست و به نوعی فقر علمی و محتوایی به وجود آمده است که برون داد نهایی آن نیز خود را در برنامه سازی رسانه ای نشان می دهد.

این در حالی است که با توجه به دو رویکرد کلامی و تاریخی (که در فصل پیشین بدان اشاره شد)، شخصیت انسان کامل و همچنین ابعاد سیره او در جامعه همانند منشوری چندوجهی دارای ابعاد و رویکردهای فراوان است و می توان آن را از زوایای گوناگون مطالعه و بررسی کرد.

از این منظر بین شیوه مطالعه و پژوهش درباره انسان کامل و ولی معصوم با دیگر شخصیت های تاریخی می توان از نظر دامنه کمی و کیفی تفاوت قایل شد و با توجه به کمال

شخصیتی و تاریخی انسان کامل، هماهنگ با نیازهای زمانه، به مطالعه و کشف پاسخ ها از زندگانی معصومان پرداخت؛ به ویژه آنکه امتیاز مهم مکتب تشیع نسبت به دیگر فرقه ها و ادیان این است که در این فرقه، پس از خاتمیت قطع ناگهانی مرحله اجرا و تجربه فرمان های دینی رخ نمی دهد تا به سکولاریسم در دین آسمانیینجامد. چنین پدیده ایبه تقدس زدایی از دین در مرحله سیاست و جامعه و ایجاد انحراف و تحریف و بدعت های فراوانی در دین می انجامد و نتیجه آن، پیدایش فرقه ها و انشعاب های جدید دیناست. در تشیع، پس از اثبات ضرورت استمرار ولایت رهبران آسمانی، با توجه به شرایط گوناگون زمانی و مکانی هر یک از این اولیا، به تدریج، دایره المعارفی وسیع و مستند و معتبر از سیره و روش های معصومانه (انتخاب ها و تصمیم گیری ها و کنش ها و واکنش های معصومانه) برای دین داران گردآوری شده است. به این ترتیب، حتی هنگامی که این فرقه حقه با پدیده غیبت ولیروبه رو شود، خلأهای معرفتی و روشی در جامعه حق ایجاد نمی شود و این غیبت به معنای قطع تمامی روابط آسمان و زمین نیست.

بدین سبب، یکی از ضروری ترین راهکارهای ایجاد تحول در پژوهش هایمربوط به زندگانی و سیره معصومان در دوره حضور، به ویژه از منظر ایده یابی و برنامه سازی رسانه ای، وارد کردن نگاه و روش مطالعات میان رشته ای به زندگانیان بزرگواران است. روش سنتی مطالعه زندگانی معصومان، مطالعه ترجمه و شرح حال نگاری است که اگر هم گسترده شود، نیم نگاهی هم به مباحث کلامی و اخلاقی و هم سیاسی-اجتماعی آن با شیوه و روش های سنتی دارد.

از نگاه میان رشته ای در اینجا، در مرتبه حداقلی به دلیل خاستگاه مشترک می کوشد از علوم انسانی به صورت تطبیقی و ترکیبی و میان رشته ای به صورت گسترده استفاده شود. در این نگاه تلاش می شود با تلفیق مناسب بین رشته های علوم انسانی معاصر و توسعه ای که در زیرشاخه های آنها صورت گرفته است با زندگی معصومان، از ترکیب پرسش های روزآمد و خرد و کشف پاسخ های عالمانه، نتایج و دستاوردهای مناسب در سطح خرد و کلان برای جامعه دینی امروز به دست آید و تحلیل های راهبردی کاربردی مفیدی از زندگانی معصومان

امروزه این روش، روش غالب و حاکم در مطالعات علوم انسانی است که در گذار از دوره دایره المعارف گرایی به تخصص گرایی و پس از آن، از تخصص گرایی به دوران میان رشته ایرسیده است. البته با توجه به گسترش شاخه های علوم و روابطی که بین آنها برقرار می شود، دیگر جایی برای تخصص گرایی محض باقی نمی گذارد. (۲) بدیهی است با این وضع، نوع مطالعات تاریخی - دینی ما درباره زندگانی معصومان هم باید تغییر کند. به ویژه بر اساس عقاید شیعه که تشیع را مذهبیکامل و جامع می داند و معصومان را انسان کامل می بیند، نگاه های تک بُعدی به زندگانی و سیره آن بزرگان ضمن آنکه جفا به مرتبه و منزلت معصومان است، سبب می شود انسان های تشنه سیره و روش های معصومانه از الگو و سبک زندگی جامع رهبران حق که با شرایط زمانه نیز هماهنگ است، محروم شوند.

البته لازمه تحقق این اهداف، ایجاد رشته ها و مطالعات مضاف و میان رشته ای در حوزه زندگی معصومان است. تحقق این هدف، نیازمند پرورش نیروهای دوزیستی است که از یک سو، در دانش های اسلامی مرتبط با معصوم شناسی خیره باشند و از سویی دیگر، در یکی از شاخه های علوم انسانی تبخّر داشته باشند تا با مطالعه از منظرهای تخصصی به نتایج مطلوب دست یابند. اگر این نگاه مضاف نباشد یا این کار را افرادی انجام دهند که در روش یا تخصص ضعف داشته باشند، محصول مطالعه، ضربه بیشتری به دین پژوهی رسانه ای معاصر خواهد زد. بدین جهت، طراحی الگو یا الگوهای برای شناسایی و مهندسی رشته های علوم انسانی قابل استفاده در زمینه معصوم شناسی معرفتی و رفتاری و تاریخی، ضروری است؛ به ویژه که در طرح میان رشته ای در این زمینه، یک سوی مطالعات در گذشته است (زندگی و سیره چندوجهی حضور تاریخی معصومان) و سوی دیگر آن، روش ها و شگردهای مطالعاتی برآمده از علوم انسانیا نیازهای گوناگون اجتماعی در زمان حال. بنابراین، در متن تاریخ و متن زندگانی معصومان باید نگاهی عمیق تر و وسیع تر داشت و

ص: ۲۸

۱- احد فرامرز قراملکی، روش شناسی مطالعات دینی، صص ۳۷۳ - ۳۹۶.

۲- سید ابوالفضل رضوی، «درک بین رشته ای در تاریخ»، ماهنامه زمانه، ش ۷۸.

دیگر نباید و نمی توان زندگی معصوم را فقط در محدوده خودش یا در محدوده شاگردان موافق یا حاکمان و دشمنان سیاسیو مخالفانش نگریست. پس باید بر معیار تقابل تاریخی و گسترده حق و باطل به شناسایی تمام سطوح و لایه های حق و باطل پرداخت. برای فهم این مهم، این موارد ضروری دارد: شناخت جامعه و ویژگی های آن عصر، روابط، گروه ها، شخصیت ها؛ سیر روند تحولات لایه ها و سطوح حق و باطل در عرصه های سیاسی، اجتماعی، اقتصادی، فکری، علمی، فرهنگی، اخلاقی، جغرافیایی و تربیتی؛ نوزایی حق و باطل، متناسب با شرایط زمانه؛ بررسی نوع تعامل یا تقابل جریان های حق و باطل؛ چگونگیالگوها، ابزارها و روش ها در تقابل ها یا هم زیستی ها.

روشن است با افزایش پرسش ها از تاریخ، معضل کمبود و نبود اسناد و مدارک تاریخی در برخیا بسیاری از موارد پیش می آید. در این موارد، هم باید از روش های خاص تاریخی برای کشف حلقه های مفقود استفاده شود و هم پیش فرض های کلامی و عرفانی و تاریخی برای رفع ابهام ها به کار رود.

اگر پژوهش تاریخی درباره زندگی معصومان این گونه انجام شود، تازه می توان گذشته را با زمان حال برای درس گیری و عبرت گیری و تجربه گیری پیوند داد و به استمرار اصول مکتبی متناسب با شرایط زمانه، امیدوار بود. البته زمینه های تحقق این مهم وقتی فراهم خواهد شد که بین تاریخ شناسی معصومان و دیگر علوم انسانی پیوند دوسویه ای برقرار شود تا از دریچه و نگرش های رو به تکامل آن علوم، امکان پرسش ها یا روش های مطالعات تخصصی تر فراهم شود؛ علمی مانند روان شناسی، جامعه شناسی، تعلیم و تربیت، اخلاق، سیاست، حقوق، اقتصاد، جغرافیا، مدیریت، عرفان و ارتباطات.

این پیوند دوسویه دست کم در دو مرحله و مقام می تواند به یاری دانش معصوم شناسی تاریخی بیاید:

یکی، استفاده از داده ها و دستاوردهای علمی این علوم و دیگری، استفاده از روش های پژوهشی آنها در برخی مطالعات و پژوهش های تاریخی. وقتیبه کمک داده ها یا روش های علوم دیگر یا روش های سنتی تاریخی، داده هایی جمع آوری شد، در مرحله تجزیه و تحلیل

داده ها هم از نگاه میان رشته ای می توان استفاده کرد.(۱)

ضرورت این شیوه در تاریخ شناسی معصومان وقتیشتر می شود که بر اساس مباحث گذشته اثبات شود تمام انسان های کامل تاریخی، در همه رفتارها، برنامه ها، کنش ها و واکنش ها، چشم انداز آینده را در نظر گرفته اند. بدین سبب، فهم بهتر بسیاری از حوادث آینده تاریخ و حتی معاصر، به فهم میان رشته ای دوران زندگانی معصومان بستگی دارد. براینمونه، در بررسی حوزه اخلاقی زندگانی امام صادق(ع)، در نگاه سنتی، صرفاً حکایت هایی از سیرهاخلاق امام در روابط جزئی و فردی روایت می شود. در مقابل، اگر به اخلاق از منظر امروزی و دریچه ای تخصصی-چه در روش و چه در داده ها- بنگریم؛ بحث مهمی همچون سبک زندگی پیش می آید. برای نمونه، اگر زمانه امام صادق(ع) به عنوان پایه گذار مکتب شیعه با این دید سنجیده شود، موضوع مهم و ارزنده ای با نام «نقش امام صادق(ع) در بازسازی ابداع و توسعه بخشی به سبک الگوی زندگی شیعی» را از میان آن می توان استنتاج کرد که بحثی بسیار راهبردی و کاربردی برای مطالعات تاریخی و نیز مباحث اخلاقی دربار سبک زندگی در زمانه کنونیست.

باید دانست نگاه میان رشته ای بین مطالعات تاریخی زندگانی معصومان و شاخه های گوناگون علوم انسانی، از منظر چرایی، چیستی و چگونگی و نسبت پسینیا پیشینی بودن علوم مورد مطالعه و تأثیر آن در مطالعات روزآمد دینی و توسعه علوم دینی و علوم انسانی اسلامی، همچنان عرصه ها و فضاها علمی بکر و دست نخورده ای دارد، به ویژه از منظر مطالعات و پژوهش های رسانه ای که تاکنون به آنها توجه نشده است. ایجاد، گسترش و نهادینه سازی آنها نیز نیازمند ایجاد کارگروه های تخصصی در مراکز پژوهشی، به ویژه واحدهای پژوهش های برنامه ای سازمان صدا و سیماست.

نتیجه گیری

نتیجه گیری

برایکشف ایده هایروزآمد و متنوع در زندگانی امام صادق(ع) با هدف برنامه سازی

ص: ۳۰

تلویزیونی، باید از نگاه های تک بُعدی شرح حال نگاری تاریخیپرهیز کرد و به نگاهی جامع و چندسویه داشت. از یک سو باید نگاهی جامع و درون دینی به شخصیت و زندگانی معصوم داشت و پس از به دست آوردن این نگاه که تلفیقی از کلام، عرفان، فلسفه تاریخ، و اخلاق دینی است، آن را بر اساس نگاه میان رشته ای، دست کم با علوم انسانی از نظر روش، شیوه، کشف و مطالعه داده ها و تجزیه و تحلیل و استنتاج پیوند زد تا بتوان با توجه به کامل و جامع بودن مکتب و انسان کاملی که راهبر مکتب است، از رویدادهای تاریخی معصومانه به راهبردهای روزآمد برای جامعه و زندگی امروز شیعیان و علاقه مندان به مکتب حق دست یافت. سپس از این راهبردها و استنتاج های روزآمد، ایده هایی پویا، کاربردی، متنوع و جذاب برای سطوح گوناگون مخاطب های داخلی و خارجی شبکه های رسانه ای و تلویزیونی کشف و تولید کرد تا یاری رسان برنامه سازان باشد.

بخش دوم: ایده یابی از زندگانی امام صادق(ع)

اشاره

ص: ۳۱

بخش دوم: ایده یابی از زندگانی امام صادق(ع)

زیر فصل ها

نگاهی اجمالی به زندگانی امام صادق(ع)

فصل اول: زندگانی توصیفی امام صادق(ع) از منظر خط تاریخی و زمانی

فصل دوم: اطلس جعفری

نگاهی اجمالی به زندگانی امام صادق(ع)

نگاهی اجمالی به زندگانی امام صادق(ع)

امام جعفر بن محمد صادق(ع)، ششمین پیشوای شیعیان است که بنا بر نقل مشهور، در سال ۸۳ هـ. ق در مدینه چشم به جهان گشود. ایشان در سال ۱۱۴ هـ. ق، پس از شهادت پدرش، امام باقر(ع)، رهبری و امامت شیعیان را به عهده گرفت.

دوران امامت آن حضرت یکی از طولانی ترین دوره های رهبری امامان شیعه و هم زمان با دوران انحطاط تدریجی امویان و انتقال خلافت از آنها به بنی عباس بود. در این دوره، ایشان فرصت یافت با کمک شاگردان پدرش، با استمراربخشی به برنامه های علمی و فرهنگی، به طراحی بنیادین مکتب شیعه پردازد.

امام صادق(ع) در دوران امامت خود، با در پیش گرفتن سیاست تقیه، ضمن حفظ خود و جامعه شیعه از فتنه ها و ایجاد مرزبندی روشن بین جامعه شیعه با تمام جریان های انحرافی سیاسی، فکری، اجتماعی و فرهنگی جهان اسلام، به جذب جوانان علاقه مند به مکتب حق

پرداخت. ایشان فارغ از درگیری های سیاسی، ضمن هویت بخشی به جامعه شیعه، آن را از نظر کیفی، کمی، جغرافیایی و انسانی ارتقا داد. امام صادق(ع) برای اولین بار به واسطه گسترش جوامع شیعی، سازمانی با نام «سازمان وکالت» بین خود و جوامع ایجاد و برای سبک زندگی شیعی و فرهنگ سازی برای جامعه شیعی الگو سازی کرد.

سرانجام خلافت عباسی پس از گذار از مرحله تشکیل دولت، وقتیدر مرحله تثبیت متوجه غفلت خود از امام و جامعه شیعه شد، به حصر و انزوای اجتماعی امام دست زد. با این حال، عباسیان پس از مشاهده توسعه کمی و کیفی تشیع و احساس خطر از ناحیه آنها، با وجود اینکه با شعار «الرضا من آل محمد» بر سر کار آمده بودند، امام را در سال ۱۴۸ ه. ق به وسیله زهر، مسموم و شهید کردند. امام صادق(ع)، چهارمین و آخرین امام شیعه است که در بقیع و در کنار پدر و اجدادش، امام مجتبی، امام سجاد و امام باقر؟ عهما؟ به خاک سپرده شد.

برای بازشناسی شخصیت و سیره امام صادق(ع) در دورهامتشان، نگاهی به دوره شناسی امامان معصوم از آغاز تا زمان ایشان ضروری است که شرح آن در این جدول بیان شده است:

ولی معصوم

ویژگی دوره

رویکرد امام معصوم

پیامبر اکرم؟ ص؟

تبلیغ و تبیین اسلام

تلاش برای پایه گذاری و ایجاد اولین حکومت اسلامی

امیرالمؤمنین علی و حسنین؟ عهم؟

حفظ اصل اسلام از نابودی به وسیله منافقان حاکم

سیره سیاسی ترکیبی بین صلح و خانه نشینیا قیام و تلاش برای احیای حاکمیت دینی هماهنگ با شرایط زمانه

امام سجاد(ع)

تلاش برای بازسازی دوباره شیعه بر محوریت امامت و مبتنی بر سیاست تقیه و مرزبندی رسمی جامعه شیعه با جریان اسلامی پیرو مکتب خلافت

نیروسازی و احیای دوباره و اولیه شیعه مبتنی بر پیام عاشورا و عرفان شیعی (دعا)

تلاش برای بازسازی دوباره شیعه بر محوریت امامت و مبتنی بر سیاست تقیه و مرزبندی رسمی جامعه شیعه با جریان اسلامی پیرو مکتب خلافت

پایه گذاری جریان علمی و مکتبی شیعه و تلاش برای ایجاد اولین جوامع شیعی در جهان اسلام

امام صادق(ع)

تلاش برای بازسازی دوباره شیعه بر محوریت امامت و مبتنی بر سیاست تقیه و مرزبندی رسمی جامعه شیعه با جریان اسلامی پیرو مکتب خلافت

طراحی گسترده و رسمی کمی و کیفی مکتب تشیع و الگو سازی برای مدیریت سیاسی و اجتماعی مستقل آن مبتنی بر نظام امامت و سازمان وکالت و گسترش جوامع شیعه در جهان اسلام

شیعیان که تا پیش از حادثه کربلا، بخشی از جهان اسلام و امیدوار به اثر گذاری بر جهان اسلام بودند، پس از واقعه عاشورا به مرزبندی تاریخی و نهایی با جریان اسلام برآمدند از مکتب خلافت دست زدند. این در حالی بود که در عصر خلافت امویان، به دلیل شدت اختناق و تعصب های عربی گرای، تشیع، مجال گسترش نیافته بود. پس از آغاز درگیری های امویان و عباسیان، فرصتی تاریخی برای رهبری شیعه فراهم شد تا در طرحی کلان و حساب شده، به جای اقدام ها و قیام های زود هنگام و شتاب زده سیاسی، به طراحی مکتب و جامعه سازی تاریخی شیعه پردازد؛ یعنی هم زمان با درگیری های تاریخی جریان های باطل و غفلت آنها، به ایجاد و نهادینه سازی و توسعه کیفی و کمی جامعه حق پردازد. در این دوران، رهبری شیعه در اقدامی تاریخی پس از حذف موانع عربی گرای امویان و استفاده از ضعف مدیریت عباسیان در حفظ و همراه سازی مسلمانان غیر عرب با خود، به جذب گسترده مسلمانان عرب و عجم (غیر عرب) به مکتب شیعه پرداخت و به کمک یاران و خاندان های علمی و فرهنگی تربیت یافته شیعی و فرستادن آنها به مناطق مستعد، اولین جوامع شیعی را در عراق و ایران و دیگر مناطق جهان اسلام به وجود آورد. (۱)

مهم ترین ابزار برای تحقق این مسئله مهم، قیام ها و شورش های نظامیو بازی های سیاسی

ص: ۳۵

۱- تاریخ تشیع در ایران ج ۱ ص ۱۶۸؛ عباسیان و شعارهای شیعی؛ و تاریخ تشیع (۱) دوره حضور امامان / مؤلفان / پژوهشگاه حوزه و دانشگاه / ص ۳۵ و ۲۲۱ و ۲۳۹.

و فریبکاری های اجتماعی نبود، بلکه کمک مدرسه علمی و شاگردان تربیت شده مکتب تشیع و جذابیت های فرهنگی و عاطفیان مکتب بود.

برای فهم بهتر این تحول عظیم تاریخی که امام صادق(ع) در زمانی نزدیک به سه دهه در شرایط حساس تاریخی ایجاد کرد، از منظر ترکیبی بین پژوهش های تاریخی و ایده یابی، برنامه های مهم در سه فصل، معرفی، تحلیل و ایده پردازی خواهد شد.

فصل اول: زندگانی توصیفی امام صادق(ع) از منظر خط تاریخی و زمانی

اشاره

ص: ۳۶

خط زمان که در زبان انگلیسی به آن **time line** و در زبان عربی، «التسلسل الزمینی» می گویند، شیوه ایدر مطالعات تاریخی است که در آن تلاش می شود روند و چگونگی توالی (پشت سر هم آمدن) رویدادهای تاریخی و همچنین نسبت و روابط بین رویدادها و چگونگی تأثیر و تأثر آنها بر یکدیگر شناسایی شود.

در تاریخ نویسی های رایج، نوعی خط زمان نوشتاری طبیعی به اقتضای توالی رویدادها در متن اثر وجود دارد، اما موضوع خط زمان، زمان شناسی تاریخی و روزشمار یا گاه شماری تک خطی موازی رویدادهاست. در این روش، تاریخ نگار به جای نوشتار ساده کوتاه یا بلند می کوشد با استفاده از نمودارها، جدول ها و آمارها در قالب خط زمان، در ترکیبی از طرح و نوشتار به روایت تاریخ پردازد و به گونه ای مستقیم تر و عینی تر، توالیا روند علی و معلولی رویدادها را بیان کند.

خط زمان به دو الگو سطحی و ساده و پیچیده و تخصصی تقسیم می شود. در الگوی ساده، یک شخصیت یا جریان به صورت تک بُعدی در گستره زمان بررسی می شود، ولی در الگو پیچیده و پیشرفته، با مبنا قرار دادن خط اصلی شخصیت یا جریانی که مبنای مطالعه است، جریان ها و رویدادها یا شخصیت های موازی مهم و دارای ارتباط، کنش و واکنش، به صورت تطبیقی در خطوط زمانی موازیتبین می شوند. در این الگو، همانند الگوی ساده، روش تاریخ نگاری توصیفی حفظ می شود، ولی تنوع خطوط موازی و امکان مطالعه نوع روابط آنها در گستره زمان بر خط زمانی اصلی می تواند پیش در آمد مباحث و مطالعات تحلیلی پسینی باشد.

در بحث ایده یابی رسانه ای نیز یکی از راهکارها برای خروج مباحث تاریخی از روایت های تک خطی پراکنده یا دوبعدی و سه بُعدی، به صورت مستقل نمی تواند پژوهشگر رسانه را به ایده های ناب و خلاق رهنمون سازد، بلکه استفاده از شیوه چیدمان رویدادهای زندگانی معصومان(ع) در الگوی خط زمانی موازی و تطبیقی با دیگر رویدادهای معاصر آن دوران، بهترین راهکار برای کشف و شناسایی ایده های رسانه ای است.

در این الگو، مبتنی بر مباحث کلامی - عرفانی درباره شخصیت معنوی معصومان؟ عههم؟، و بر اساس نگاه کلی ارائه شده از تعریف حق و باطل و همچنین جریان شناسی (خط زمانی) تاریخی حق و باطل، تلاش بر آن است که مسیر زندگانی هر یک از معصومان در این اثر، زندگانی امام صادق(ع)، در نگاهی تطبیقی با مهم ترین جریان ها و رویدادهای معاصر زندگانی آنها بررسی شود. بدیهی است در مطالعات خط زمانی، مهم ترین مبنا برای پژوهش های موازی، جریان شناسی تطبیقی حق و باطل است. در این نگاه، از نظر دینی، جریان ها و رویدادهای تاریخی به دو دسته حق و باطل تقسیم می شود؛ یعنی افراد یا سفیدند یا سیاه. البته بر اساس سخن حضرت علی(ع) در واقعیت بیرونی، باطل محض وجود ندارد یا یک لایه بیشتر ندارد و آنچه هست، لایه های تو در تو و بسیار در هم آمیخته حق و باطل است. از این رو، در متن جوامع بشری و واقعیت بیرونی نیز شاید تقسیم بندی سفید و سیاه بسیار محدود کننده و ناکارآمد باشد؛ به ویژه از نظر ایده پردازی رسانه ای و حتی از منظر مطالعات

روان‌شناختی و پدیدارشناسی اجتماعی. بر این اساس، در این اثر که متأثر از فضای تلفیقی و ترکیبی رسانه‌ای و پژوهشی‌های تاریخی است، شاید بتوان تقسیم‌بندی سه‌گانه سفید، سیاه و خاکستری را پذیرفت که در عالم روایت داستانی و هنری و رسانه‌ای (و روان‌شناختی) وجود دارد؛ بدین گونه که در مطالعات تاریخی همواره شاهد رویدادهای موازی فراوانی هستیم که اقلیتی بر حقد و اکثریتی قابل توجه بر باطل آشکار هستند؛ در حالی که اکثریت غالب، گروهی است که بین حق و باطل یا سرگردان یا از آن غافل و یا به آن جاهل هستند که در اصطلاح به آنها جریان‌های خاکستری گفته می‌شود.

این گروه از منظر حق‌بین و درون‌دینی، اگرچه بالفعل به واسطه دوری از حق با سکوت یا همراهی اجمالی‌شان با باطل از روی اراده یا اجبار، به گونه‌ای جزو جریان رقیق شده باطلند، با این حال، از منظر مطالعات دینی و تربیتی و حتی جامعه‌شناسی تاریخی، به واسطه وجود امکان تحول بالقوه در آنها به سوی حق به صورت سطحی و تبلیغی در افق کوتاه مدت یا عمیق و نهادینه شده در افق بلندمدت، نمی‌تواند باطل محض و آشکار باشد، بلکه به دلیل همین خاصیت دوپهلوی بودن آنها به ویژه جریان‌ها و گروه‌هایی که به حق نزدیک‌تر، و جلوه‌های انحراف و تحریف در آن کمتر است، شاید اطلاق نام خاکستری بر آنها منعی نداشته باشد. بدین معنا که به جای اینکه این گروه را صرفاً در مقایسه با حق و فاصله‌هایش با حق بنگریم تا بطلانشان را مشخص‌سازیم، می‌توان فاصله و نسبت آن را با باطل سنجید و بازتابی را که از نظر سیاسی و اجتماعی در تضعیف یا تخریب باطل ایجاد می‌کنند، از منظر پدیدارشناختی بررسی کرد تا به جای قضاوت سیاه بتوان به آنها نمره خاکستری داد.

این دسته بندینگاه‌ی‌در بخش‌هایی از سیره سیاسی اجتماعی معصومان؟ عه‌م؟ نیز دیده می‌شود. برای نمونه، امام صادق(ع) در مواجهه با قیام زید (و در مرتبه پایین تر قیام نفس زکیه) اجمالاً شخص زید و قیام او را تأیید کرد، ولی شیعیان را به واسطه مباحث مبنایی و روشی از همراهی و همکاری با قیام بازداشت. با وجود این، به خانواده‌شهی‌دان قیام زید توجه ویژه داشت. همین تفاوت واکنش امام درباره جریان‌های غیر شیعه بین باطل محض و بین مخلوطی از حق اکثری و

باطل اقلی می تواند مبنای تقسیم بندی سه گانه سفید، سیاه و خاکستری در مباحث آینده باشد. (۱)

از این رو، در مقام مطالعه توصیفی زندگانی امام صادق(ع) و طراحی خطوط موازیخط زمانی، این مهم بر اساس تقسیم بندی سه گانه سفید، خاکستری و سیاه ارائه می شود.

بر این اساس، طرح واره اجمالی زندگانی امام صادق(ع) در نگاهی کلیه این شرح است:

جدول خط زمانی زندگانی امام صادق(ع)

سفید

زمان ها

امام

جامعه و شخصیت های شیعه

از تولد تا امامت (۸۳ - ۱۱۴ ه. ق)

رابطه و نسبت امام معصوم قبل از امامت به امام بالفعل از جهت یآوری امام و ارتباطات اجتماعی

جوامع دارای گرایش های شیعه، به تدریج با جذب و تربیت نیروهای خاصی، در حال احیا و بازگشت به مسیر حق بودند.

امامت در دوران امویان

(۱۱۴ - ۱۳۲ ه. ق)

تلاش در مدیریت نسل اول و دوم رجال علمی شیعه به منظور طراحی بنیادین مکتب از نظر علمی و معرفتی

در جوّ ملتهدی که همه در حال انقلاب و تغییر هستند، آنها زیر نظر امام به تثبیت معرفتی و فرهنگی مشغول بودند.

امامت در دوره عباسیان

(۱۳۲ - ۱۴۸ ه. ق)

حفظ و مدیریت جامعه شیعه از انبوه تحولات بیرونی و کنترل هیجان ها و بنیان گذاری جامعه مستقل شیعی

پس از آشکار شدن سطحی بودن تغییرهای اجتماعی عباسیان و فریب کاری آنها، جامعه شیعه به طور مستقل و مبتنی بر ارزش

های مکتب حق بنیان گذاری شد.

۱- البته اگر خواننده محترم این استدلال را _ که بیشتر کاربرد رسانه ای دارد _ نپذیرد، دست کم می پذیرد در باطل، مراتب مشکک وجود دارد و باطل نزدیک تر به حق، زمینه تعامل و همکاری بیشتری دارد؛ همانند قضاوت اسلام درباره مسیحیت که در مقایسه با نگاه به یهود یا مشرکان با کفار، نگاهی معتدلانه تر دارد.

از تولد تا امامت (۸۳ - ۱۱۴ ه. ق.)

جریان کیسانیه پس از شهادت مختار و رحلت محمد حنفیه و فشار مروانیان رو به افول گذاشت.

امامت در دوران امویان

(۱۱۴ - ۱۳۲ ه. ق.)

در ثلث آخر خلافت مروانی که در مرز خفقان و تزلزل درونی و نارضایتی عمومی است، قیام زید بستر ساز قیام های عمومی در جهان اسلام شد.

امامت در دوره عباسیان

(۱۳۲ - ۱۴۸ ه. ق.)

قیام نفس زکیه و کشتار گسترده علویان آشکارا مشروعیت و حقانیت عباسیان را به چالش کشید و نشان داد این تغییر در جهت امتدادبخشی جدید به باطل است.

سیاه

زمان ها

خلفا و جامعه اسلامی

والیان عراق و حجاز

جریان های علمی و فرقه ای

از تولد تا امامت (۸۳ - ۱۱۴ ه. ق.)

خلافت مروانی پس از تثبیت جایگاه خود تلاش می کرد در برنامه ترکیبی از خفقان سیاسی و اجتماعی، ابتذال فرهنگی و توسعه بخشی فتوحات به منزله شعار عمومی به تثبیت و اقتدار خلافت خود پردازد.

حجاج، والی خشن عراق و خراسان و حجاز

فرقه های اولیه کلامی با هدف ایجاد افکار آزادی خواهی ضد جبرگرایی اموی پدیدار شدند.

امامت در دوران امویان (۱۱۴ - ۱۳۲ ه. ق.)

انحطاط و فساد خلفای واپسینی مروانی در کنار نارضایتی افکار عمومی از تبعیض ها و بی عدالتی ها، زمینه را برای هرج و مرج فکری و قیام های اجتماعی فراهم می کند... قیام

ص: ۴۱

زید سبب بیداری سطحی جامعه اسلامی برای همراهی با طرح نابودی مروانیان شد.

والیان دارای عمر امامت کوتاه و گاه ضعیف و مدیریت ضعیف

پیدایش فرقه های سیاسی زیدی و عباسی با هدف براندازی مروانیان و اجوج گیری مدعیان فرقه سازی در هر رشته علمی در آشفته بازار فکری و اجتماعی جامعه ای که دچار تحول سیاسی بود.

امامت در دوره عباسیان (۱۳۲ - ۱۴۸ ه. ق)

خلافت عباسی با شعارهای علوی و رفع تبعیض به قدرت رسید. پس از کسب قدرت، ایجاد اصلاحات سطحی و حفظ مبانی فکری و فرهنگی نظام خلافت، سبب شد نومیدی اجتماعی افزایش یابد و اکثریت به ناچار با شرایط موجود همراه شدند.

والیان خشن و آشنا با جریان های مخالف، به ویژه ناظر بر فعالیت شیعیان و علویان

عباسیان پس از کسب قدرت برای حذف فرقه های مزاحم و رقیب (شیعیان و علویان) و مدیریت و جذب فرقه های عامه برای طراحی دکترین فکری جدید جهان اسلام تلاش کردند.

بر اساس این جدول، زندگانی ۶۵ ساله امام صادق (ع) مانند زندگانی همه امامان به دو دوره قبل و بعد از امامت تقسیم می شود، ولی از نظر حوادث بیرونی و مهم تحول خلافت و بازتاب های سیاسی اجتماعی و فکری و فرهنگی آن، به سه دوره تقسیم می شود.

البته در دوره اول، چون مدیریت جامعه حق و تصمیم گیری در برابر نوع تعامل شیعه با دیگر جوامع با امام قبلی است، چندان زمینه ای برای پژوهش و بررسی وجود ندارد. از این رو، پژوهش بر دو دوره بعد متمرکز می شود. در این دو دوره نیز از نظر مطالعات میان رشته ای می توان بر اساس این جدول، در مورد هر یک از خانه های جدول و عنوان ها، آنها را از زوایای گوناگون بررسی کرد؛ زیرا توصیف رویدادها و فهم و کشف واقعیت ها و حقایق موجود در آنها، موضوعی گسترده و تخصصی است. با افزودن مباحث تحلیلی به پژوهش های توصیف محور تاریخی، لایه های جدیدی به مباحث اضافه می شود. این تحلیل های تاریخی صرفاً از منظر انسان شناسی تاریخی پدیدارشناسی اجتماعی رویکرد کلامی و عرفانی می تواند باشد.

برای نمونه، وقتی در نگاه عرفانی شیعه و از نظر مدیریت عرفانی و ماورایی، هر سال در شب قدر مقدرات یکسال آینده (این از نظر طرح کلی و کلان سالانه ملک و ملکوت است) یا هفته ایدو مرتبه نامه اعمال انسان ها به امام ارائه می شود (این از جنبه بررسی خرد و روزآمد تحولات در حال جاریاست)، بدیهی است امام در مدیریت غیبی، با وجود اینکه جامعه حق در اقلیت و جامعه باطل در اکثریت است، با در نظر گرفتن خط زمانی کلی حق تعالی برای مسیر تاریخی بشر در زمانه خود متناسب با شرایط دو جبهه حق و باطل، اقدام مناسب را انجام می دهد. از این منظر در کنار گزارش های تاریخی، از تفسیرهای عرفانی نیز در تحلیل و رمزگشایی از چیستی و چرایی سیره اهلبیت؟ عههم؟ می توان استفاده کرد.

برای نمونه، در این جدول با مشاهده تنوع و سیر قیام ها یا فرقه های مدعی قیام و تحول درمی یابید در زندگانی امام صادق(ع) در مقایسه با دیگر امامان، بیشترین مواجهه با انواع و اقسام قیام ها و مبارزات سیاسی و اجتماعی وجود دارد؛ از قیام های شیعه کیسانی و زیدی تا قیام های برنامه ریزی شده عباسیان و شورش های کور خوارج یا شورشوالیان مروانی که پس از جدایی آنها از مروانیان صورت می گرفت.

بدیهی است این قیام ها و تحولات نوعی کنش و واکنش مستقیم برای امام و جامعه شیعه ایجاد می کرد و امام باید به مدیریت کلان جامعه شیعه در مواجهه با این رویدادها می پرداخت. همچنین یکی از معضلات و مشکلات مهم امام، بازتاب و رسوخ برخی افکار افراطییا تفریطی این جریان ها در جامعه شیعه و ضرورت مراقبت گرایش فکری جامعه شیعه بود. براینمونه، یکی از مشکلات امام صادق(ع) که دیگر امامان با آن کمتر روبه رو بودند، مسئله توقع قیام یا اصرار به قیام و خروج و یا توقع همراهی و همکاری با هر جریان معارض و مخالف مروانیان بود.

یکی از کارکردهای نگاه خط زمانی چندلایه و موازی بین رویدادها در زندگانی معصومان؟ عههم؟، کشف همین پیچیدگی ها و فراز و فرودهای تاریخی است و اینکه امام در جمع بین مرحله زمانی خود و طرح کلی خداوند، چگونه برای حفظ، کنترل و راهبری جامعه حق با تمام دشواریتلاش می کردند.

فهم بهتر و بیشتر این موارد را در قالب ایده یابی و نمونه های کشف ایده ها، در بخش بعد و جدول خط زمانی تفصیلی زندگانی امام صادق(ع) بیان خواهیم کرد.

نکاتی درباره روش پژوهش و منابع در این مرحله

نکاتی درباره روش پژوهش و منابع در این مرحله

این مرحله از پژوهش، مبتنی بر جدول ها در ساختار سه گانه ای (افقی) است که بر حسب گاه شمار سالانه (البته در سال هایی که رویداد مهم و مرتبط وجود داشته باشد) تقسیم بندی (عمودی) می شود. هدف این جدول بندی، توصیف رویدادهای تاریخی است؛ یعنی ثبت و ارائه اجمالی و مختصر رویدادها و شخصیت ها. بنابراین، چه بسا در قسمت زندگانی امام، کمبود و ضعف اطلاعات دیده شود. این مشکل به دلیل نبود و فقر منابع تاریخی و نیازمندی پژوهش برای فرصت طولانی و مطالعات بسیار تخصصی است. البته برای طراحی این بخش در پژوهش حاضر، زندگانی شخص امام مبنای بوده است؛ هر چند در پروژه ای تکمیلی و مطالعه تفصیلی و تطبیقی و خط زمانی با محوریت شاگردان و اصحاب آن حضرت به غنی سازی این بخش می توان یاری رساند؛ امری که مجال دیگری می طلبد. اگرچه مبانی کلامی و عرفانی در مقایسه با رویدادهای خاکستری و سیاه خود، به گونه ای دیگر می تواند به غنی سازی این بخش کمک کند که این امر هم خارج از بحث توصیف است و به بحث تحلیل مربوط می شود. پس در این بخش، نه به دلیل ارائه مباحث تحلیلی تاریخی در پژوهش توصیفی تاریخی، بلکه در مقام بازشناسی این روش جدید در مقام ایده یابیتلاش بر آن است که در آغاز و پایان هر مرحله، پیش درآمدهای آغازین و جمع بندی های پسینی ارائه شود تا پژوهشگران رسانه و برنامه سازان در فرآیند ایده یابی چندان دچار زحمت نشوند.

گفتنی است روش پژوهش از نظر منابع و مآخذ استخراج و کشف رویدادها و نوع چیدمان آنها به شرح ذیل است:

* در بخش سفید (زندگانی امام و یاران)، نرم افزار بحارالانوار متعلق به مرکز کامپیوتری نور، جلد ۴۸ بحارالانوار که ویژه زندگانی امام صادق(ع) است و مسند الامام صادق(ع) نوشته عزیزالله عطاردی که شامل ۲۲ جلد است، منابع اصلی درباره زندگانی حضرت به

شمار می آیند. همچنین همه مجلد فقهای تابعین و اصحاب زمان امام صادق(ع) از موسوعه الفقهاء (تألیف آیت الله سبحانی)، مرجع اصلی در زمینهای امام و عالمان معاصر حضرت بوده است. (در این بخش، از کتاب هایتاریخ تشیع در ایرانتألیف رسول جعفریان، سازمان و کالتألیف دکتر جباری و کوفه و نقش آن در قرن اول هجری تألیف دکتر رجبی نیز استفاده شده است).

* در بخش خاکستری، علاوه بر بحارالانوار، کتاب مقاتل الطالبینو تاریخ طبری، منابع اصلی بوده اند.

* در بخش سیاه، تاریخ طبریدر مباحث سیاسی اجتماعیو موسوعه طبقات الفقهاء در شخصیت شناسی علما و وضعیت حاکم بر جریان های علمی و فرهنگی در جبهه باطل، و همچنین مجلد آخر طبقات ابن سعد از منظر شخصیت شناسی مدارک، اصلی بوده اند.

در این میان، از برخی کتاب های پژوهشی و نرم افزارهای اسلامیمهم استفاده شده است.

از منظر چیدمان رویدادها نیز اصل بر چیدمان رویدادهای زمان دار مستند بوده است. آن گاه رویدادهایی که ناظر بر حادثه ای مهم و زمان دار بوده اند، در جدول زمانی قرار گرفته اند. سرانجام با ذکر برخی رویدادهای مبهم ناظر به زمان تولد یا وفات یا سفر شخصیت ها یا رویدادهای فرعی ذکر و در قصه ها و حکایت ها تلاش شده است که زمان تقریبی استخراج شود و در جدول خط زمانیکرار گیرند.

نکته ای درباره خط زمانی رحلت شخصیت های علمی اسلامی

اشاره

نکته ای درباره خط زمانی رحلت شخصیت های علمی اسلامی

یکی از محورهای اجمالی مهم در خط زمانی زندگانی امام صادق(ع)، معرفی زمان مند تولد یا رحلت یا انتخاب برخی رویدادهای مهم در زندگی شخصیت های علمی عامه (اهل سنت) در جهان آن روز است. اهمیت این بخش از آن روست که رویکرد اصلی امامان شیعه پس از در پیش گرفتن سیاست تقیه و کناره گیری از فعالیت سیاسی مستقیم پس از حادثه عاشورا، فعالیت علمی فکری و فرهنگی و جامعه سازی مکتبی بود. برآیند غیر مستقیم این فعالیت، تحقق برنامه های سیاسی جبهه حق بود، ولی این جبهه گیری سیاسی در لایه فعالیت های

اجتماعی و فکری پنهان شده بود.

به همین دلیل، جبهه باطل در مواجهه با جبهه حق می کوشید پس از کسب قدرت سیاسی از همین سلاح علمی، فکری، دینی و فرهنگی استفاده کند، بنابراین، پس از غصب خلافت در فرآیند تاریخی تلاش کرد در مناطق گوناگون جهان اسلام به ویژه مکه، مدینه، بصره، کوفه و دمشق، مدرسه ها و جریان های گوناگون و موازی فکری و فرهنگی در برابر مکتب اهل بیت؟ عه؟ ایجاد کند که برخی از آنها عبارتند از:

مدرسه حجاز، مدرسه ای حدیثی و مبتنی بر بزرگ نمایی خلفای سه گانه و صحابه بود.

مدرسه دمشق و شام، مدرسه ای کاملاً طرفدار امویان (جبرگرایی و حقانیت امویان) بود.

مدرسه بصره، دارای گرایش های عثمانی گری (ضد علوی، اما نه در قالب اموی) و فقهی - حدیثی بود.

مدرسه کوفه، مدرسه ای التقاطی از همه گرایش ها و اهل رأی و اجتهاد و معتقد به هم گرایی بود.

نخست این مدارس به شکل ساده و سطحی و در شکل صحابه و تابعین اولیه ایجاد شدند، ولی به مرور زمان با جدایی از آموزه هایوحی و ضرورت پاسخ گویی به نیازهای زمانه، به تکامل خودبنیاد روی آوردند و به تدریج، مکتب ها و جریان های فقهی و کلامی و حدیثی و سیاسیبه وجود آمدند.^(۱)

زمان امام صادق(ع)، زمان شکل گیری اولیه این جریان هاست. از این رو، در جدول خط زمانی، صرفاً کُدی درباره آنها داده می شود، ولی بر اساس مطالعات تفصیلی و تطبیقی، برنامه سازان یا پژوهشگران برنامه ای می توانند به ایده یابی های گوناگون از این روند پردازند. نمونه ای از این ایده های خط زمانی محور در پایان همین فصل ارائه خواهد شد.

الف) خط زمانی زندگانی امام صادق(ع) از تولد تا امامت پدر (۸۳ تا ۹۵ ه.ق)

اشاره

ص: ۴۶

۱- تاریخ تشیع در ایران، ج ۱، ص ۱۷۳؛ اخبار الدوله العباسیه، ص ۲۰۶؛ الامام الصادق و المذاهب الاربعه، ج ۱، ص ۱۵۷.

الف) خط زمانی زندگانی امام صادق(ع) از تولد تا امامت پدر (۸۳ تا ۹۵ ه.ق)

امام صادق(ع) ۲۲ سال بعد از حادثه کربلا متولد شد. در این زمان، مروان بن مروان پس از دوره انتقالی از اموی به مروانی و سرکوب خلافت زبیریان در اوج قدرت بودند و والی خشن آنها، حجاج بن یوسف ثقفی در عراق و حجاز، شدیدترین خفقان تاریخی را در جهان اسلام ایجاد کرده بود.

هم زمان با این خفقان سیاسی و اجتماعی، به تدریج، در کنار ایجاد آخرین موج از هیجان فتوحات اسلامی، ابتذال فرهنگی در جامعه ترویج می شد. در این شرایط، جامعه دچار رکود و نومیدی بود و فاصله افتادن بین امام سجاد(ع) و قبایل و جوامع دارای گرایش شیعی پس از شهادت مختار نیز بحران فکری و فرهنگی را در جبهه حق ایجاد کرد و بدترین ضربه را به آن زد.

امام سجاد(ع) با سلاح دعا می کوشد هم زمان هم به جذب احساسات و عواطف راكد و نومید پردازد و هم با معارف عمیقی که در قالب ادعیه ارائه می کرد، معارف و ارزش های اسلامی را برای ضمیرهای هوشیار احیا کند.

سفر حج و حضور حاجیان از هر گروه و ملت و منطقه و برنامه ریزی امام سجاد(ع) برای حضور هر ساله در مراسم حج به همراه امام باقر(ع) و همه خاندانش و حتی همراه همگی غلامان و کنیزهایی که در حال فراگیریتربیت غیر مستقیم دینی بودند، بزرگ ترین ظرفیت را برای احیای روح زندگی توحیدی در جامعه ایجاد می کرد.

در این شرایط، دوران کودکی و نوجوانی امام صادق(ع) در نجواها و مناجات های دل ربای پدر بزرگ و سفرهای معنوی و ملکوتی حج و شب ها و روزهای خاطره آمیز آن گذشت. مشاهده برخی حالات های اندوه بار پدر بزرگ که ناشی از یادآوری حادثه کربلا بود، بخشی دیگر از زندگی امام در این دوران است. (۱)

ص: ۴۷

۱- در زمینه مطالعه تحلیلی زندگانی امام سجاد نک: تحلیلی از زندگانی امام سجاد؛ نوشته باقر شریف قرشی ترجمه محمد رضا عطائی آستان قدس رضوی مشهد ۱۳۷۲ ش.

سال ۸۳ ه. ق. تولد امام صادق(ع)

سفید

امامان

شیعیان

- تولد امام صادق(ع) در مدینه در زمان امامت امام سجاده(ع)

- پدرش، امام باقر(ع) و مادرش، فاطمه (ام فروه بنت قاسم بن محمد بن ابی بکر)

- مادر رضاعی، ام داوود (داود بن حسن مثنی بن حسن مجتبی(ع) از سادات حسنی که بعدها امام دعای ام داوود (مختص در نیمه رجب) به او را آموخت

- بنیان گذاری قم به دست اعراب اشعری شیعه مهاجر از کوفه (معجم البلدان، تاریخ قم)

- آزار دیدن شدید شیعیان از دست حجاج در سراسر عراق

- شهادت کمیل پس از شکست قیام عراقی ها علیه حجاج در کوفه

خاکستری

علویان

تولد داود بن حسن مثنی از علویان (او از شجره ای پاک بود و شخصیتی سالم داشت، ولی از نظر گرایش، بعدها زیدی مسلک شد).

سیاه

خلافت و جهان اسلام

والیان عراق و حجاز

جریان های علمی و فرقه ای

- اوج خلافت عبدالملک بن مروان

- سال پایانی شورش دو ساله عبدالرحمان بن محمد بن اشعث با همکاری قاریان و عالمان و اکثریت کوفیان (و عراقیان) و

حتی (برخی شیعیان همانند کمیل) علیه حجاج و شکست خوردن آنها از حجاج

والی مدینه: هشام بن اسماعیل و اوج آزار های او بر امام سجاد (حجاج در این سال ها، والی عراق و حجاز و یمن بود و هشام، والی حجاج در مدینه بود).

- ۲ تا ۳ سال از پیدایش فرقه قدریه (در برابر جبریه) در شام می گذشت. آنها به تفویض در اراده انسانی معتقد بودند.

- پس از شکست قیام عبدالرحمان، بسیاری از قاریان کشته و بسیاری از عالمان و افراد مهم قیام به مکه و مدینه پناهنده شدند.

ص: ۴۸

- گذشت امام سجاد(ع) از ستم های والی سابق (هشام بن اسماعیل و قصاص نکردن از او با وجود درخواست والی جدید)

- اعتراض بی نتیجه بنی هاشم به تخریب خانه امیرالمؤمنین علی(ع)

عالمان عراقی در طول چند سال اقامت در حجاز، دیدارها و دانش اندوزی های مختصری از محضر امام سجاد(ع) داشتند، ولی مهم ترین عالم عراقی بهره گیر از دانش و عرفان امام، سعید بن جبیر است.

- شهادت سعید بن جبیر به وسیله حجاج، وقتی که به اجبار از مدینه به کوفه بازگردانده شد.

- اوج گیری مهاجرت قبیله اشعری از کوفه به قم بر اثر اجبار حجاج به ترک کوفه

- شهادت امام سجاد(ع)

- آغاز امامت امام باقر(ع)

- با مرگ حجاج و آغاز امامت امام باقر(ع)، به تدریج فضا برای رفت و آمد افراد دارای گرایش شیعی به مدینه و نزد امام فراهم شد. اینان زیر نظر تربیت علمی امام باقر(ع) هسته اولیه دانشمندان شیعه را پایه گذاری کردند.

- آغاز طرح توسعه مسجد پیامبر و تخریب خانه های پیامبر و بنی هاشم و حتی صحابه در اطراف مسجد

- مرگ حبيب بن عبدالله بن زبير در اعتراض به طرح توسعه مدینه

- فتوحات گسترده در خراسان تا بخارا و سند

۹۲

آغاز فتح اندلس (موسی بن نصیر، فرمانده اصلی فاتح اندلس از مردم کوفه و دارای گرایش های علوی بود)

۹۳

- اوج گیری خفقان حجاج در عراق و مهاجرت عالمان کوفه به مدینه و پناهنده شدن آنها به عمر بن عبدالعزیز و حمایت او از آنها که با فشار حجاج بر خلیفه، در اواخر سال از مدینه

ص: ۴۹

عزل شد.

- تولد مالک بن انس، فقیه معروف اهل سنت در مدینه (مؤسس مذهب مالکی)

سال

سیاه

۸۶

- مرگ خلیفه عبدالملک بن مروان و جانشین ولید بن عبدالملک (بهترین خلیفه مروانی نزد شامیان از جهت توسعه فتوحات و آرامش دوران خلافتش)

- مرگ عبدالله بن اباض، مؤسس فرقه اباضیه، بزرگ ترین فرقه خوارج

۸۷

امارت عمر بن عبدالعزیز در ۲۵ سالگی بر مدینه و امیرالحاجی او در مراسم حج در این سال ها (و عزل هشام بن اسماعیل، والی خشن و دشمن اهل بیت؟ عهم؟ از امارت مدینه)

۸۸

ولید در این سال حج گزارد و چون در مدینه دید خانه اهل بیت؟ عهم؟ هنوز در مسجد پیامبر پابرجاست، با راهنمایی مشاوران خود، پس از بازگشت به شام در همه شهرها طرح توسعه مساجد، به ویژه مسجدالحرام و بیت المقدس و مسجدالنبی را اجرا کرد تا بدین بهانه، همه آثار خانه اهل بیت؟ عهم؟ و خانه های پیامبر محو شود.

۹۳

عزل عمر بن عبدالعزیز از مدینه با فشار حجاج، والی کل عراق و حجاز به وسیله خلیفه مروانی و جایگزینی عثمان بن حیان به جای او

۹۴

- امارت عثمان بن حیان بر مدینه با هدف بازگردان پناهندگان عراقی از مدینه و تعقیب خانه به خانه او و بازگردان همه عالمان و شخصیت های عراقی از مدینه به کوفه

- رحلت عروه بن زبیر، فقیه مشهور مدینه و از مخالفان فکری متعصب اهل بیت؟ عهم؟

- مرگ حجاج بن یوسف (والی خون ریز عراق و حجاز و آزادی افراد بسیاری از زندان های او)

- نقش آفرینی عثمان بن حیان، والی مدینه در مسموم کردن و به شهادت رساندن امام

- عثمان بن حیان در این سال ها عالمانی را که به امر به معروف و نهی از منکر معتقد بودند و آن را اجرا می کردند و نیز برخی اصحاب امام باقر(ع) را تازیانه زد و امر به معروف را به طور رسمی ممنوع اعلام کرد.

- پس از مرگ حجاج (و هم زمان با سخت گیری های والی مدینه، بر عالمان عامه در عراق و مدرسه رأی و قیاس، فضای باز موقتی فراهم آمد. در این سال، پایه گذار فقه رأی و قیاس، حماد بن ابراهیم نخعی در گذشت. ربیعہ (الرأی) و ابوحنیفه راه او را ادامه و توسعه دادند.

نکته ها و ایده ها

ص: ۵۰

دعاهای پدر بزرگ، سفرهای حج او، آمار غلامان و کنیزانی که پس از دوره ای تربیت به بهانه کوچکیآزاد می شدند، از جمله درس های امام سجاد(ع) برای نوه اش بود که بر اساس آنها می توانست در محدودترین شرایط سیاسی و اجتماعی، با استفاده از کوچک ترین فرصت ها، به جذب استعدادها و مدیریت تربیتی آنها و نیروسازیبپردازد.

سیره عملی و تربیتی امام سجاد(ع) نسبت به غلامان خود یا در سفر حج، در حقیقت، راهبردی نرم و غیر مستقیم برای الگوسازی زندگی اسلامی در جامعه ای بود که از نظر زندگی و سبک ها، دچار آشفتگی و اختلاط سبک ها شده بود.

تربیت و رشد و بالندگی امام صادق(ع) به مدت دوازده سال زیر نظر مستقیم امام سجاد(ع) انجام گرفت. امام صادق(ع) با دقت در سیره پدر بزرگش، این سبک زندگی را در شرایط زمانی خود با توسعه بخشی کمی و کیفی، به طرح بنیادین جامعه شیعه تبدیل کرد.

از این نکته و ایده مهم نباید درباره زندگی امام سجاد(ع) و ادوارشناسی تاریخی آن غفلت کرد که دوره زندگانی ایشان پس از حادثه عاشورا، دوره مرزبندی رسمی جامعه شیعه از جامعه اسلامی و روی آوردن به سبک زندگی تقیه محور (بر مبنای جامعه اقلیت حق و اکثریت باطل و چگونگی تعامل و هم زیستی اقلیت بر حق با اکثریت به ظاهر دین دار) است. بدیهی است این الگو از زندگی تقیه محور را که اصول و قواعد آن قرار است تا زمان ظهور رعایت شود و مبنای حرکت کلی و تاریخی تشیع از عاشورا تا ظهور باشد، امام سجاد(ع) در الگو خرد و کوچک طراحی کرد، ولی امام صادق(ع) در نسل دوم و سوم این طرح، هم زمان با طراحی کلان و کلی مکتب، آن را به طور منسجم در قالب طرح کلی زندگی و جامعه شیعه ارائه داد.

این الگو در زمان امام سجاد(ع) در قالب خرد خانواده و سبک زندگی خانوادگی، و در زمان امام صادق(ع) در چارچوب اجتماعی ارائه و تلاش شد در جامعه در حال شکل گیری و رو به رشد شیعی، اجرا و نهادینه شود.

(ب) خط زمانی زندگانی امام صادق(ع) از امامت پدر تا امامت خود (۹۶ - ۱۱۴ ه.ق)

اشاره

ص: ۵۱

ب) خط زمانی زندگانی امام صادق(ع) از امامت پدر تا امامت خود (۹۶ - ۱۱۴ ه.ق)

یکی از روابط و نسبت های مهم در زندگی انسان معصوم، مرحله پیش از پذیرش و فعلیت ولایت الهیه است. در این مرتبه، او انسانی معصوم و متصل به غیب است، ولی مسئولیت راهبری جبهه حق با ولی مقدم بر اوست. در این شرایط، این ولی بالقوه و مقدر، در همراهی و یآوری ولی بالفعل و همچنین کسب آگاهی کامل از همه برنامه های او رسالتی مهم دارد؛ همانند رابطه امیرالمؤمنین علی(ع) با پیامبر اکرم؟ص؟ در ۲۳ سال رسالت وی، به ویژه در دوران ده ساله مدینه که مهم ترین بازوی اجرایی ایشان بود.

امام صادق(ع) نیز در دوران نوزده ساله همراهی با پدر، مهم ترین یار و یاور پدر در آستانه شرایط جدید بود؛ زیرا قرار بود از زمان امام باقر(ع) با لقب شکافنده علوم، دوران نوزایی علمی شیعه شروع شود و در زمان امام صادق(ع) به اوج خود برسد، تا در نهایت، در تاریخ، این دوران را دوران باقرین یا صادقین یا پایه گذاری مذهب جعفری بنامند. بدین دلیل، در این زمان، نزدیک ترین و همراه ترین فرد به امام باقر(ع) در سفر و حضر، امام صادق(ع) است.

از امتیازهای آغازین این دوران، مرگ خلیفه اموی و والی خشن و مقتدر او در عراق و حجاز بود که فرصتی کوتاه، ولی تاریخی را برای آغاز این دوره مهم در اختیار امام باقر(ع) گذاشت.

دوران امام باقر(ع) ۹۵ - ۱۱۴ ه.ق

سال

سفید

۹۶

با مرگ خلیفه و والی، او حجاج، برخی جوانان دارای گرایش های شیعی فرصت پیدا کردند آزادانه به مدینه و دیدار امام باقر(ع) بروند.

۹۸

تضعیف شدید تفکر کیسانیه در عراق و کوفه سبب بازگشت نگاه جریان های شیعی به سوی امامان معصوم شد.

ص: ۵۲

عمر بن عبدالعزیز هر سال، ده هزار دینار به امام باقر(ع) اعطا می کرد. این کمک مالی و فضای باز سیاسی، فرصتی فراهم آورد تا امام شیعیان را برای تحصیل معارف در مدینه جذب کند.

۱۰۰

رحلت عبیدالله بن ابی رافع، از شیعیان و یاران امیرالمؤمنین علی(ع) در کوفه

۱۰۱

رحلت اصبع بن نباته، از یاران امیرالمؤمنین

۱۰۴

- مرگ چهره های مزاحم سبب توجه بیشتر مردم یا جوانان جویای علم به امام شد.

به دلیل نزدیکی پدر همسر امام باقر(ع) به والی شهر، محدودیت های امام به طور موقت کاهش یافت.

۱۰۵

با آغاز خلافت هشام و امارت خالد قسری بر عراق، دوباره سخت گیری ها بر شیعیان در کوفه فزونی گرفت (به مدت بیست سال).

۱۰۶

- دیدار امام باقر(ع) همراه امام صادق(ع) در حج در مسجدالحرام با هشام و خطبه خوانی کوتاه امام صادق(ع) درباره مناقب اهل بیت؟ عههم؟. پس از بازگشت هشام، امام باقر و فرزندش، به دمشق احضار شدند تا توبیخ و تحقیر شوند، ولی بازتاب معنوی حضور آنها در شام سبب بازگرداندن سریع آنها از شام به مدینه شد.

- هشام در مدینه و همچنین هنگام سفر حج، شاهد حضور گروهی ثابت از شیعیان جویای دانش در محضر امام باقر(ع) بود.

۱۰۷

امام باقر(ع) همراه امام صادق(ع) عازم دمشق شد، ولی شخصیت علمی و مهارت های رزمی و ابعاد ماورایی شخصیت حضرت موجب رسوایی هشام و ناکامی علمای شامی شد و برخی مردم به ویژه برخی راهبان مسیحی نیز به حضرت متمایل شدند. بنابراین، آنها را به سرعت به مدینه بازگرداندند.

در حوالی این سال ها، مردم منطقه اردهال کاشان تحت تأثیر تشیع قم، به دعوت سلطان علی فرزند امام باقر(ع)، به نشر تشیع پرداختند، ولی با مداخله مروانیان به شهادت رسید.

۱۰۹

توسعه مدرسه علمی امام باقر در مدینه و مسجدالنبی و پیدایش تدریجی نسل اول از شاگردان علمی ثابت و متخصص در تاریخ شیعه

۱۱۲

۱۱۳

در این سال ها، امام باقر(ع) با آگاهی غیبی از شهادت ناگهانی خود، وصایت امام صادق(ع) را به تدریج، به شیعیان به ویژه خواص شاگردانش اعلان کرد.

- در همین سال ها، کُمیت اسدی، شاعر شیعی، به دیدار امام باقر و امام صادق؟ عهما؟ رفت و اشعار معروف هاشمیات را برای آن بزرگواران می خواند.

- مدرسه علمی امام باقر(ع) در این سال ها در اوج قرار داشت. به نوشته مورخان، محمد بن

مسلم، چهار سال ساکن مدینه بود که در این مدت ابتدا از امام باقر(ع) سی هزار حدیث و پس از شهادت ایشان، از امام صادق(ع) شانزده هزار حدیث آموخت. در این زمان، بخشی دیگر از شاگردان به کوفه بازگشتند و به تألیف احادیث فرا گرفته و تبلیغ و جذب علمی و مکتبی قبایل شیعی کوفه پرداختند.

۱۱۴

- شهادت امام باقر(ع) در ماه آخر این سال (ذی الحججه) هم زمان با مراسم حج در مدینه، در حالی که مدینه از زواری و بخشی عمده از مردم خود خالی شده بود.

- تولد حسین بن زید بن علی (او فرزند زید شهید بود که پس از شهادت پدر، امام صادق(ع)، او را به منزلش برد و به تربیت او پرداخت و او از عالمان شیعه شد).

- امام باقر(ع) در آستانه شهادت به امام صادق(ع) وصیت کرد که ده سال در مراسم حج در منا به اقامه عزاداری آشکار برای ایشان پردازد.

سال

خاکستری

۹۶

گسترش دامنه فتوحات به مرزهای کاشغر و چین و هند

۹۸

- رحلت (مسمومیت) ابوهاشم پسر محمد بن حنفیه (فرزند امیرالمؤمنین علی) در شام؛ او پیشوای کیسانیه بود و چون فرزند نداشت، علی بن عبدالله بن عباس را وصی خود قرار داد. (بر این اساس، بنی عباس مدعی وصایت و وراثت خلافت از امیرالمؤمنین هستند و از این طریق برای خود مشروعیت کسب می کنند)

- قتل موسی بن نصیر، فاتح اندلس به وسیله خلیفه به دلیل اختلاف سلیقه و گرایش های علوی او

۹۹

- رحلت حسن بن محمد حنفیه (برخی عقاید مرجئی گری به او منسوب است).

۱۰۰

- رحلت ابوالطفیل عامر بن واثله، آخرین صحابی پیامبر؟ ص؟

- تولد محمد بن عبدالله بن حسن مثنی (نفس زکیه) چون میان دو شانه او خالی درشت بود، پدر نامش را محمد و کنیه اش را مهدی نفس زکیه نهاد و کوشید از کودکی او را کمتر در مجامع آشکار کند و مدعی مهدویت برای او شود.

۱۰۵

- غیلان بن جامع محاربی کوفی از علمای عامه قاضی کوفه از سال ۱۰۲ در دوره امارت عمر بن هبیره بود، ولی در دیداری با امام صادق(ع) متنبه شد و از منصب خود استعفا کرد.

۱۰۶

- اختلاف و مشاجره بین داعیان عباسی با یکی از داعیان علویان که باعث ایجاد فاصله بین نهضت بنی عباس از علویان شد.

۱۰۸

- رحلت قاسم بن محمد بن ابی بکر. او فقیه تابعی مدینه بود که پدر و دخترش، شیعه

ص: ۵۴

بودند، ولی خودش تربیت شده عمه اش، عایشه و از عالمان عامه (ولی متمایل به اهل بیت؟ عهم؟) بود.

۱۰۹

- رحلت محمد بن سیرین، از عالمان بصره و خواب گزار.

- رحلت فرزندق، از شاعران زمان و مرتبط با دربار اموی که اشعاری درباره مناقب اهل بیت به ویژه امام سجاد(ع) دارد (و با سیدالشهداء در جوانی در راه عراق دیدار داشته است).

سال

سیاه

۹۶

- مرگ ولید بن عبدالملک، خلیفه اموی (ده سال)، خلافت دو ساله سلیمان بن عبدالملک (که مهم ترین مشاور او، عمرو بن عبدالعزیز بود. بنابراین، از این زمان با تلاش عمر بن عبدالعزیز به تدریج فضای باز سیاسی در جهان اسلام ایجاد شد).

- والی مدینه، ابوبکر بن محمد انصاری، از عالمان مدینه و قاضی سابق مدینه

۹۹

- خلافت عمر بن عبدالعزیز

او والیان معتدل انتخاب کرد؛ از فشارهای اجتماعی کاست؛ فرمان آزادی نقل حدیث و ممنوعیت لعن امیرالمؤمنین علی(ع) را صادر کرد.

- در زمان او توسعه فتوحات کم رنگ شد.

- او به بلاد اسلامی نوشت تا به فتوای محمد بن شهاب زهری، عالم دربار مروانی عمل شود.

- بنی عباس با استفاده از فضای باز این زمان، شروع به اعزام دعوت گران خود به کوفه و خراسان کردند.

- قاضی کوفه: عامر شعبی از عالمان معروف عامه

۱۰۰

- عمر بن عبدالعزیز فرمان تدوین حدیث (از گفته های پیامبر و صحابه) را با هدف استحکام بخشی علمی به مکتب عامه در

برابر فرقه های انحرافی در حال پیدایش به محمد بن شهاب زُهری عالم اول دربار صادر کرد. (این تصمیم به دلیل مرگ سریع عمر بن عبدالعزیز و بی توجهی خلفای بعد از او تا زمان خلافت عباسیان اجرایی نشد.)

۱۰۱

- مرگ عمر بن عبدالعزیز

- خلافت یزید بن عبدالملک (یزید فاسق)

- تولد منصور عباسی

- شورش بزرگ یزید بن مهلب در عراق و فارس

- والی مدینه، عبدالرحمان بن ضحاک جوانی تندخو و دشمن انصار و اهل بیت؟ عهم؟ بود.

ص: ۵۵

- اواخر سال: امارت عمر بن هبیره بر عراق و خراسان

۱۰۴

- والی مدینه: عبدالواحد نضری (والی آرام که قاسم بن محمد بن ابی بکر را مشاور خود قرار داد)

- مرگ عالمان مشهور عامه:

شعبی (عامر بن شراحیل) (کوفه)

ابوبرده پسر ابوموسی اشعری (کوفه)

عکرمه مولی بن عباس (مکه)

عطاء بن یسار، از رهبران قدریه

۱۰۵

- مرگ خلیفه‌زید فاسق

- خلافت هشام بن عبدالملک

- امارت خالد بن عبدالله قسری (ناصبی) بر کوفه و عراق

- مرگ ابان بن عثمان بن عفان: از عالمان عامه در مدینه

- قتل غیلان دمشقی، دومین رهبر قدریه در دمشق

- سال پیدایش معتزله در بصره به سرکردگی واصل بن عطاء (پیدایش معتزله و قدریه با رویکرد کلامی و با هدف نوعی مشروعیت بخشی غیر مستقیم به آزادی و جواز خروج بر حاکم خلیفه جور بود که در برابر تفکر جبرگرایی اموی قرار داشت)

۱۰۶

- حج گزاردن هشام بن عبدالملک

- والی مدینه و حجاز، ابراهیم بن هشام مخزومی (دایی هشام)

- در سفر حج هشام، سعید بن ولید بن عثمان (نوه خلیفه سوم) کوشید خلیفه را به احیای لعن امیرالمؤمنین علی (ع) در جهان اسلام تشویق کند، ولی هشام به بهانه تغییر اوضاع زمانه نپذیرفت.

- پیگیر شدن خشم هشام از تشکیل مدرسه علمی امام باقر(ع) و تصمیم گیری برای مقابله با امام، پس از بازگشت به شام.

۱۰۷

- هشام پس از بازگشت از حج، امام باقر و امام صادق؟ عهما؟ را به شام احضار کرد و به والیان مسیر حرکت امام نوشت که با آنها برخورد سرد و اهانت آمیز داشته باشند و مردم را از آنها دور نگه دارند.

(این سفر بعد از سفر کاروان اسارت، تنها سفر معصومان به شام بود.)

۱۰۹

- مرگ حسن بصری، معروف ترین عالم بصری که مکتب عثمانی گری بصره را نظام بخشید و تثبیت کرد.

ص: ۵۶

- مغیره بن سعید از شیعیان ضعیف النفس که مدتی کوتاه شاگرد امام بود، پس از بازگشت از کوفه، یکی از اولین فرقه های غالیان را ایجاد کرد.

از خیانت های مهم او، قرض گرفتن اولین نسخه های احادیث مکتوب اصحاب امام باقر(ع) و دستبرد در آنها و جعل احادیث است.

- مرگ مکحول از عالمان عامه (مروانی) و مفتی شام.

- هشام بن عبدالملک، در ماه ربیع الاول، والی مدینه را عزل، و به جای او، خالد بن عبدالملک را نصب کرد. این والی در این سال به حج نرفت تا طرح مسمومیت و شهادت امام باقر(ع) را اجرا کند.

- مرگ عطا بن ابی رباح (فقیه مکه)

نکته ها و ایده ها

نکته ها و ایده ها

در دوران نوزده ساله امامت امام باقر(ع)، خلافت مروانی دچار افت و خیز شد. از مرگ ولید (خلیفه) و حجاج تا آغاز خلافت هشام و امارت خالد قسری بر عراق، نه سال فرصت تاریخی برای جهان اسلام ایجاد شد. در این نه سال، جریان بنی عباس فعالیت خود را برای تبلیغ سیاسی- اجتماعی و با هدف دست یابی به قدرت به قیمت دست یازیدن به هر روش و شیوه ای گسترش دادند. از این رو، با نفی تفکر امویان، بدون طراحی الگوی خاص سیاسی، فکری و فرهنگی، صرفاً شعار مبهم و کلی «الرضا من آل محمد» را سر دادند تا با همراه کردن همه مخالفان اموی با خود، به خلافت برسند.

امام باقر(ع) این سال ها را فرصت تاریخی برای پایه گذاری و تربیت نسل اول از شخصیت های متخصص علمی و دینی مکتب حق در چارچوب مکتب اسلام دانست.

بنابراین، با جذب دو گروه جوان که عمدتاً کوفی بودند، هسته اولیه شاگردانش را تشکیل داد. گروه اول، جوانان برآمده از قبایل دارای گرایش های شیعی کوفی بودند؛ مانند جابر جعفی و محمد بن مسلم و... گروه دوم، از جوانان خانواده های تازه مسلمان شده مهاجر به جهان عرب کوفی، مانند زراره و برادرانش از خاندان اَعین که در اصل رومی بودند. در این زمان، شیعه کوفه در ابهام فکری و فقهی بود، اما پس از تضعیف کیسانیه،

کتر دچار حاشیه های فرقه سازی شدند. از این رو، اندک جوانان شیعی در مدینه فرصت یافتند اصول و فروع مذهب و مکتب را از امام باقر(ع) بیاموزند.

امام باقر(ع) از همان آغازین روزهای امامتش، بر امامت فرزندش، امام صادق(ع) تأکید می کرد. از این رو، امام صادق(ع) همواره همراه پدر بود و شاگردان پدر اُنس ویژه ای با او داشتند و گاهی کلاس های تکمیلی را از ایشان فرا می گرفتند.

این جوانان در تاریخ صدر اسلام، به جز برخی موارد استثنایی، تقریباً اولین گروهی بودند که به صورت تخصصی در بازه زمانی چند ساله، تمام وقت و حضوری، صرفاً به تحصیل علوم اهلیت؟ عهم؟ پرداختند.

اهمیت این هسته و گروه اولیه را -به ویژه نسبت به امام صادق(ع)- از دو منظر می توان بررسی کرد: یکی از منظر دغدغه مقدس امام باقر(ع) که در آستانه شهادت، مهم ترین وصیتش به فرزند خویش، توجه ویژه و رسیدگی و رعایت حال اصحاب و یارانش بود؛ (۱) دوم، از منظر پدیدارشناختی اجتماعی است؛ بدین گونه که در دانش رجال، پیشینه دانشمندان شیعه به یاران باقرین برمی گردد. اصحاب اجماع شامل دو دسته هستند:

- یاران مشترک امام باقر و امام صادق؟ عهما؟ (دانش آموختگان دوره اول)؛

- یاران امام صادق(ع) (دانش آموختگان دوره دوم). (۲)

البته وقتی گروه اول به تدریج به کوفه بازگشتند، دو اتفاق مهم را در کوفه - به عنوان تنها شهری که نزدیک به ثلث آن دارای گرایش های علوی و شیعی بود - رقم زدند. اول اینکه سبب نهادینه شدن تشیع در میان بیشتر قبایل و گروه های شیعی کوفه شدند و تشیع آنها را از تشیع سطحی، تقلیدی، تاریخی، احساسی و عاطفی به تشیع مبتنی بر مکتب و بینش و ارزش های منسجم فطری و عقلانی - که مستقل از همه فرقه های اسلامی است - ارتقا دادند. دوم اینکه به جذب علاقه مندان، به ویژه جوانان کوفه پرداختند و در همان کوفه کوشیدند اولین شعبه

ص: ۵۸

۱- رسول جعفریان، تاریخ تشیع در ایران از آغاز تا قرن دهم هجری، ج ۱، ص ۱۳۰.

۲- اسد حیدر، الامام الصادق و المذاهب الاربعه، ج ۱ ص ۵۳.

دانشگاه باقرین؟ عهما؟ را تأسیس کنند. (۱)

البته این اتفاق بیشتر در زمان امام صادق(ع) (اواخر دوره اموی) رخ داد؛ زیرا در نیمه دوم امامت امام باقر(ع) و آغاز امامت امام صادق(ع)، دوباره موجی دیگر از خفقان و فشارهای سیاسی-اجتماعی بر شیعیان آغاز شد، به گونه ای که شاگردان اندک امام باقر(ع) که دریایی از احادیث ناب را از امام باقر و امام صادق؟ عهما؟ فرا گرفته بودند، گاهی ناچار می شدند برای رهایی از فشار روانی ناشی از انبوه محفوظات حدیثی و علمی، به توصیه امامان، آنها را در چاه بازگو کنند. البته در زمان امام صادق(ع) گاه در مسجد کوفه، نهصد شاگرد امام به تدریس معارف اهلیت؟ عهم؟ برای جوانان کوفیمی پرداختند.

بنابراین، زمان امام باقر(ع)، دوره تربیت مدرس اولیه و فوق تخصصی بود که به سفارش امام باقر(ع) و زیر نظر امام صادق(ع) حفظ و کنترل می شدند تا با بهبود شرایط، کوفه و دیگر مناطق را برای خیزش و تحول مهم فرهنگی و اجتماعی شیعه آماده کنند. (۲)

ج) خط زمانی زندگانی و امامت: امام صادق(ع) در دوران مروانین (۱۱۴ - ۱۳۲ ه.ق)

اشاره

ج) خط زمانی زندگانی و امامت: امام صادق(ع) در دوران مروانین (۱۱۴ - ۱۳۲ ه.ق)

از منظر عرفانی، امامان معصوم؟ عهم؟ نسبت به پیامبر اکرم؟ ص؟ به جز در مسئله وحی و نبوت، دارای مرتبه این همانی و وحدت در حقیقت نوریه هستند (کلهم نورٌ واحد)؛ یعنی وقتی این انوار مقدس را با عالم ملکوت و غیب و رابطه قدسی آنها بنگریم، به توحید می رسد. وقتی این انوار مقدس ملکوتی بخواهند تجلی و تنزل زمینی بیابند و در چارچوب زمان و مکان قرار گیرند، از این منظر باید در دایره زمانی خود تاریخ ساز باشند، نه به اعتبار انفعال و وادادگی؛ بلکه در مقام درک شرایط و ویژگی های زمانه، نیازمندی ها و اقتضائات موجود، تجلی زمانی مناسبی از خود

ص: ۵۹

۱- کوفه و نقش آن در قرون نخستین اسلامی، محمد حسین رجبی، ص ۴۵۱.

۲- برای مطالعه بیشتر در مورد زندگانی امام باقر؟ ع؟ نک: موسوعه سیره اهل البیت، الامام محمد الباقر (ج ۱۷ - ۱۸) باقر شریف القرشی / ۱۴۳۰ ه - / قم / وزارت ارشاد اسلامی و CD سیره معصومان / از مجموعه آثار کامپیوتر نور.

به دلیل همین شرایط، نیازها و اقتضائات زمانی، سیره و کنش و واکنش امامان معصوم؟ عهه؟ فرقی می کند. به اعتبار اینکه جبهه حق در مسیر رشد و بلوغ تاریخی و زمانی خود باید انواع امتحان ها، غربالگری ها و بحران ها را در مسیر رویش ها و ریزش ها تجربه کند، دوران امامت ائمه؟ عهه؟ متفاوت است. برای نمونه، آغاز امامت امیرالمؤمنین علی (ع) با ماجرای غصب و طرد اجتماعی، و آغاز امامت امام رضا (ع) با بحران اجتماعی و داخلی واقفی ها همراه است. همچنین آغاز امامت امام جواد و امام هادی؟ عهه؟ با مسئله امامت در کودکی، روبه رو و امامت امام زمان (ع) با مسئله غیبت آغاز می شد.

از این منظر، امامت امام باقر و امام صادق؟ عهه؟ با کمترین حاشیه ها و به راحتی و سرعت و آرامش آغاز شد. تفسیر و تحلیل عرفانی این وضعیت شاید بدین صورت باشد که در این دوران، شیعه در حال ضعف و نوزایی فکری و اجتماعی جدید بود و این اتفاق (از منظر پدیدارشناسی اجتماعی) باید با آرامش و کمترین حواشی و بحران ها صورت می گرفت، به ویژه اینکه از نظر امتحان ها و ابتلاها، به زودی قرار بود هم در جهان تشیع و هم در سراسر جهان اسلام اتفاق های مهمی رخ بدهد. بنابراین، از منظر غیبی و ملکوتی، اصل رهبری و امامت این جامعه نوپا باید محکم و استوار باشد تا اولین ریزش ها و لغزش های داخلی و درون گروهی اثرگذاری بازتاب بحران های بیرونی، به اصل هویت و کیان تشیع در روند کلی تاریخآسیبی نرساند.

به همین دلیل، امامت امام صادق (ع)، محکم و استوار و با رابطه متقابل و دوسویه با نسل اول شاگردان دانشگاه باقرین آغاز شد. این روند امیدوارکننده بود، به گونه ای که وقتی نیمه اول این دوران همراه با فشارهای سیاسی اجتماعی بر جامعه شیعه آغاز شد، دیگر جامعه شیعه در کوفه، همانند زمان امام سجاد (ع) جامعه ای رهاسده و سرگردان یا در دست مدعیان گوناگون فرقه ساز نبود. در آن زمان این جامعه شخصیت های علمی و متخصصی داشت که هم

ص: ۶۰

مورد اعتماد امام بودند و هم دست کم سالیکیبار مستقیم یا غیر مستقیم در پوشش مراسم حج، به صورت تعریف شده با امام خود ارتباط علمی و عاطفیرقرار می کردند.

توجه ویژه به همین ایده و نکته جالب می تواند شاه کلید تحلیل و تفسیر برای مطالعه بسیاری از رویدادهای مهم این بخش باشد. برای نمونه، در مراسم حج سالانه، امام سجاد(ع) و امام باقر(ع) کارکرد و نقش جاذبه ای در این مراسم داشتند، ولیدر بسیاری از رویدادهای مهم مراسم حج سالانه، امام صادق(ع)، بیشتر نقش و کارکرد ارتباطی، مدیریتی و نظارتی را داشت.

امامت امام در دوره مروانی (۱۱۴-۱۳۲ ه. ق.)

سال

سفید

۱۱۴

- آغاز امامت امام صادق(ع) با کمترین شبهه و با اعتقاد راسخ شاگردان و شیعیان امام باقر(ع) همراه بود.

- حبابه والیه، بانوی شیعه ای که از زمان امیرالمؤمنین(ع) زنده بود و و علامت امامتی (سنگریزه ای با نشانه امامت امامان قبلی) با خود داشت، نزد امام آمد. امام صادق(ع) هم نشانی دیگری به عنوان امامت، در کنار نشانه های دیگر گذاشت.

۱۱۶

امام صادق(ع) با آگاه سازی جامعه شیعه کوفه از انحراف مغیره بن سعید، ضمن ایجاد مرزبندی جامعه شیعه از غالیان، از اصحاب مؤلف خواست با بازنگری کتاب ها، به بازشناسی احادیث غلو و حذف آنها پردازند.

۱۱۷

۱۱۸

- امام صادق(ع) در سال های اوج گیری فعالیت اولیه رهبران غالیان، در باره هفت نفر از رهبران غالیان (و آرزوی مرگ آنها) صریح موضع گیری کرد و از شیعیان خواست از آنها کناره گیری کنند.

- امام صادق(ع)، نگران تفرقه افکنی غلات در جامعه شیعه و رشد حساسیت زایی خلافت مروانی نسبت به جامعه شیعه، به واسطه رفتارهای خلاف تقیه غالیان بود.

- رحلت فاطمه بنت امیرالمؤمنین و سکینه بنت الحسین(ع) (۱۱۷) ه. ق.

۱۱۹

- هم زمان با آشکار و رسمی شدن فرقه انحرافی خطاییه در کوفه، امام معیاری مهم به شیعه کوفه نشان داد و پس از معرفی خواص اصحاب خود، همانند زراره و مفضل بن عمر و

ص: ۶۱

مرجع قرار دادن آنها، هر فرد یا تفکری را که مخالف آنان باشد، باطل اعلان کرد. همچنین با نیایش و سجده های ویژه، مرگ و نابودی سریع ابی الخطاب و دیگر رهبران غلات را از خداوند خواستار شد.

- حکایت مفضل بن عمر، نماینده امام در کوفه و انس او با جوانان لابالی شیعه و نامه اعتراضی بزرگان شیعه به امام و پاسخ ایشان. (هدف، جذب جوانان شیعه است).

۱۲۰

- ناراحتی زید از ظلم مروانیان و وداع با امام صادق(ع) و سفر اتمام حجت به دمشق نزد هشام و پس از ناکامی، رفتن به سوی کوفه با هدف دعوت آنها برای قیام (در این وداع زید امام را وصی خود قرار می دهد).

- زید قبل از سفر در چندین جلسه با امام و دیگر، با قیام خود برای جذب شیعیان امام تلاش کرد، ولی آنها با استدلال های محکم کلامی، همراهی با امام را بر همراهی با او مقدم دانستند.

۱۲۱

رفتن زید پس از دمشق به کوفه و زمینه سازی برای قیام

۱۲۲

- قیام زید در کوفه و شکست و شهادت سریع او (در این قیام، امام شخص زید تأیید کرد، ولی شیعیان را از همراهی او بازداشت).

- دیدار برخی شیعیان در آستانه قیام و کسب تکلیف از امام و اجازه ندادن امام

- پس از قیام و شهادت زید و یارانش، امام، عبدالرحمان بن سیابه را با مبلغی پول به کوفه فرستاد تا آن را میان خانواده شهدای قیام توزیع کند.

- ام خالد، بانویی شیعی و فعال در قیام زید بود که پس از قیام، والی کوفه دست او را قطع کرد.

- پس از زید، پسرش، یحیی که در آغاز جوانی بود، همراه چند نفر مخفیانه به سوی ایران گریخت.

- پس از شهادت زید و اوج گیری دوباره آزار شیعیان، موج دوم مهاجرت موالی خاندان اشعری به ایران و قم صورت گرفت.

- پس از شهادت زید، سید حمیری، شاعر زیدیه، شعر زیبایی در رثای زید سرود. وقتی این شعر را نزد امام صادق(ع) خواند، امام در حق شاعر و برای هدایت وی دعا فرمود.

۱۲۳

- در این سال ها، در چند مورد، وقتی شیعیان- خواص اصحاب امام صادق(ع) - ناچار به مراجعه به قاضی کوفه ابن ابی لیلیا شریک قاضی) شدند و با تهمت رافضی گری به آنها، شهادتشان را نپذیرفتند.

وقتی این خبر به امام در مدینه رسید، این قضات اموی را سرزنش و نفرین کرد.

ص: ۶۲

تولد علی بن یقظین، از رجال آینده شیعه و وزیر دربار هارون عباسی، در کوفه

(پدر علی از دعوتگران مهم بنی عباس بود و چون خانواده اش در کوفه امنیت نداشت، خانواده را به مدینه فرستاد. در مدینه، علی جذب امام شد و همراه برادرانش زیر نظر امام بزرگ و رشد یافت. وی در باطن، شیعی و در ظاهر، عباسی بود تا اینکه وارد دربار عباسیان- از منصور تا هارون- شد.

شهادت یحیی بن زید در خراسان

شهادت کمیت اسدی، شاعر شیعی به دست یوسف بن عمر والی کوفه

- رحلت عاصم، قاری شیعی کوفه

(قرائت قرآن های امروزی به قرائت حفص از عاصم است).

- پس از قتل ولید و تزلزل خلافت شام و والی کوفه، جابر جعفی از بزرگان شیعه کوفه، با لباسی وزین و هیبت و وقاری خاص، کرسی درسی در مسجد کوفه برای خود ایجاد کرد و به طور رسمی و با صراحت، برای اولین بار در مسجد کوفه می گفت: «قال الصادق».

قبل از آن، شیعیان از امام با لقب و کنیه و غیر مستقیم نام می بردند. عالمان عامه و عوام آنها با مشاهده این برنامه جابر می گفتند او دیوانه شده است.

- رحلت جابر بن یزید جعفی

- رحلت اسماعیل بن عبدالرحمان سدی، مفسر شیعی

- وحشت شیعیان کوفه از قدرت گیری کوتاه مدت خوارج در کوفه و چاره جوئی از امام و دستور امام به تقیه شدید و حتی تبری جوئی زبانی از امیرالمؤمنین علی(ع) برای حفظ جان

(البته مؤمن الطاق از بزرگان شیعه در مناظره با ضحاک، او را مفتضح کرد).

- میلاد امام کاظم (ع) در ابواء. در بازگشت امام صادق (ع) و خانواده اش از سفر حج سال قبل (۱) (ماه صفر) و پس از آن، امام بعد از ورود به مدینه، سه روز اطعام گسترده در مدینه ترتیب داد.

- حضور دوباره عالمان عامه کوفی در مدینه (و مکه) که همراه با شاگردی کوتاه مدت نزد امام یا ایجاد مراکز علمی موازی در برابر امام یا خرده گیری متقابل امام و آنها از همدیگر درباره روش های علمی بود (کسانی همانند ابوحنیفه، سفیان ثوری و...).

- با اقامت موقت عالمان اهل رأی و قیاس عراقی در مدینه، امام به شدت مراقب بود شاگردان و یارانش از نظر علمی و روش فهم فقه، تحت تأثیر روش های انحرافی آنها قرار نگیرند.

۱۳۰

- رحلت حمران بن اعین

- با آغاز قیام سیاه جامگان خراسانی، سُدیر و گروهی دیگر از عالمان و مجابان اهل بیت؟ عهم؟

ص: ۶۳

در کوفه، در نامه ای از امام اجازه خواستند با قیام در کوفه، آنجا را تصرف کنند، ولی امام به آنها جواب رد داد.

۱۳۱

- نامه ای دیگر از برخی چهره های متمایل به تشیع، مانند فیض بن مختار به امام، برای قیام در کوفه و مخالفت مجدد امام با این درخواست

- رحلت عبدالله بن ابی یعفر بر اثر طاعون (این سال، سال طاعون در عراق و شام بود). امام در رحلت او محزون شد و همه فرقه های شیعی و غیر شیعی، به دلیل جایگاه علمی اش در تشیع جنازه او در کوفه شرکت کردند.

سال

خاکستری

۱۲۰

رحلت عبدالله بن کثیر قاری مکه (از قراء سبعه)

۱۲۲

- در قیام زید بیشتر فقیهان و عالمان کوفه مثل ابوحنیفه، با او همراهی کردند یا فتوای همکاری دادند.

- در این قیام، زید به واسطه تقیه مستقیم نمی توانست مردم را به امام صادق (ع) دعوت کند. از این رو، به «الرضا من آل محمد» دعوت کرد. بنی عباس با کشف این شعار، به سرعت آن را شعار اصلی قیام خود قرار دادند و آن را به نفع خود مصادره کردند.

- ابن شبرمه، قاضی کوفه و از علمای کوفه چون با زید ابراز همراهی کرده بود، به قضاوت سیستان فرستاده شد (تبعید شد) و ابن ابی لیلی از علمای کوفه، قاضی شهر شد.

۱۲۴

رفتن یحیی به خراسان و دعوت گسترده در آنجا برای «الرضا من آل محمد» و اقبال خراسانی ها به سوی او

۱۲۵

- شهادت یحیی موحی از خشم و نفرت را در خراسان ایجاد کرد و در آن سال، خراسانی ها نام همه نوزدان پسر خود را یحیی گذاشتند.

- عبدالله بن حسن مثنی، پس از ایجاد موج هیجان اجتماعی علیه مروانیان در حجاز و عراق برای مهدویت و صلاحیت فرزندش، محمد (نفس زکیه) برای خلافت تبلیغ کرد و عالمان و فقیهان عراق و حجاز به او تمایل پیدا کردند. (در مقام علوی میانه رو و آمر به معروف).

۱۲۶

- رحلت عبدالرحمان بن قاسم محمد از عالمان و فقیهان مدینه (دایی امام صادق(ع))

- در اوج فتنه و اختلاف شامی ها در مراسم حج، علویان و عباسیان جلسه ای تشکیل دادند تا برای خلافت اسلامی تصمیم بگیرند. در نهایت، آنها تصمیم گرفتند با محمد نفس زکیه به عنوان شایسته ترین فرد برای خلافت بیعت کنند. امام نیز به این جلسه دعوت شده بود، ولی با بیان حقایق، با خلافت محمد مخالفت کرد. در اواخر جلسه، پس از بیعت عباسیان با او،

ص: ۶۴

وقتی از مفاد سخنان امام به ناکامی محمد و احتمال موفقیت خود یقین پیدا کردند و ناگهان اخباری از موفقیت دعوتگران خراسانی به آنها رسید. آنها هم علویان را رها کردند و به دنبال تقویت نقشه های خود رفتند.

- پس از قتل ولید و آشفته شدن اوضاع شام، در سفر حج آن سال، سران معتزله به رهبری واصل بن عطا، عمرو بن عبید و حفص بن سالم نزد امام آمدند و گفتند ما با نفس زکیه برای خلافت بیعت کرده ایم. پس شما هم به ما بیوندید. امام در مناظره ای مفصل درباره شرایط امام و خلیفه، تصمیمشان را باطل اعلان کرد و آنها را از خود راند.

۱۲۷

- رحلت ابو اسحاق سبعی همدانی از عالمان کوفه

- عبدالله بن حسن، پدر نفس زکیه در آشفته بازار اختلافات شامی ها سعی کرد با ائتلاف یا همکاری بخشی از علویان و عباسیان و عالمان عراق و حجاز، زمینه را برای خلافت و مهدویت فرزندش فراهم سازد. به دلیل همکاری امام صادق(ع)، خیانت و نقض بیعت و استقلال طلبی عباسیان و پراکنندگی عالمان منطقه، طرح او ناکام ماند. پس از این، او به دلیل نداشتن نیرو و تشکیلات، از جامعه و تحولات آن کناره گرفت. با قدرت گرفتن مروان حمار، خلیفه مروانی، عبدالله در نامه ای به خلیفه، او را از اقدامات ابراهیم عباسی باخبر کرد. از این رو، خلیفه ابراهیمرا دستگیر و زندانی کرد و عبدالله و نفس زکیه در امان بودند.

۱۳۱

- ابومسلمه خلال، رهبر فکری عباسیان در عراق و کوفه بود. او در آستانه پیروزی عباسیان نامه ای به امام و عبدالله بن حسن نوشت و از ایشان خواست به جای عباسیان، پنهانی، رهبری نهضت را به عهده گیرند. امام درخواست او را نپذیرفت. عبدالله موافقت کرد، ولی عباسیان طرح ابومسلمه را کشف و خنثی کردند.

سال

سیاه

۱۱۴

خلافت هشام و امارت خالد بن عبدالله قسری در عراق و خالد بن عبدالملک بر مدینه. آنها در این سال ها در اوج اقتدار بودند، به همین دلیل، گمان نمی کردند آغاز امامت امام صادق(ع) بر ایشان، خطری جدی باشد. پس تهدیدی جدی را متوجه ایشان نکردند.

۱۱۶

- خالد، والی مدینه در یکی از این سال ها در اوج غرور، بر منبر پیامبر، به امیرالمؤمنین علی (ع) هتاکی کرد و مردم از ترس، ساکت بودند. با فریاد و برخورد تند امام در حضور مردم، والی شوکه شد و دیگر جرئت نکرد کار پلید خود را ادامه دهد.

- در این سال، هشام، ولید (فاسق) را امیر حاجیان کرد و او به همراه سگ و بساط شراب خود به حج رفت.

ص: ۶۵

- در این سال ها، ابی الخطاب از شاگردان درجه دوم امام که سواد علمی چندانی هم نداشت، اما به دستور امام چند مأموریت اجتماعی در کوفه انجام داده بود، نزد عده ای از عوام جایگاهییافت. به تدریج، وی دچار وسوسه شد و جریانی جدید و آشکار از غلو همراه اباحه گری ایجاد کرد.

۱۱۷

۱۱۸

- ابی الخطاب پس از موضع گیری آشکار امام کوشید همراه گروهی هفتاد نفره از یارانش در این سال، ضمن مراسم حج به دیدار امام برود و با چرب زبانی و فریب کاری، خود را جزو شیعیان امام بنمایاند. امام با هشدار دادن به او، وی را از خود راند و بلافاصله پس از رفتن او فرمود ابی الخطاب گمراه است.

- والی مروانی در خراسان، برخی دعوتگران عباسی منطقه را دستگیر کرد و کشت یا به زندان افکند.

- قیام فردی به نام حارث بن سریج در ماوراءالنهر (تازه فتح شده) علیه تعصب و تبعیض نژادی و ظلم های مروانیان و راه انداختن نهضتی گسترده که برای اولین مرتبه شوکت مروانیان را در ماوراءالنهر از بین برد و زمینه را برای دعوت عباسیان در منطقه فراهم کرد.

(او عقایدی مرگب از مرجئه گری، ادعای مهدویت، مطالبه تساوی عرب و عجم و دعوت به خلیفه ای از اهل بیت پیامبر؟ عهم؟ داشت.

۱۱۹

- ابی الخطاب همراه یاران اندک خود به مسجد کوفه رفت و قیامی کوچک را در ائتلاف با دیگر رهبران غلات (بیان بن سمعان و مغیره بن سعید) و یاران اندکشان شکل داد. خالد قسری، والی کوفه آنها را به شدت سرکوب و نابود کرد. از این افراد، تنها یک نفر (ابی خدیجه) نجات یافت که بعدها توبه کرد و جزو شیعیان خالص شد.

با نابودی سران غالیان، در آغاز شکوفایی مدرسه علمی امام صادق(ع) و مکتب جعفری، دوباره اتحاد و سلامت جامعه شیعه تضمین شد.

۱۲۰

- رحلت حماد بن ابی سلیمان از عالمان معروف کوفه و استاد ابوحنیفه، مؤسس فقه حنفی.

- عزل خالد قسری از کوفه و انتخاب یوسف بن عمر ثقفی (پدرش، پسر عمومی حجاج بود).

- رحلت سلیمان اشدق (۱۱۹)، مفتی دمشق

- قتل ابومنصور عجلی، رئیس غلات شیعه، (پس از ابوالخطاب، به دست والی کوفه

- مرگ سلمه بن کهیل از عالمان عامه و طرفدار مروانین که زمانی کوتاه هم نزد باقرین؟ عهما؟ شاگردی کرده و امام باقر(ع) در مذمتش فرموده بود: او و گروهی از عالمان عامه سبب گمراهی بسیاری از مردم شده اند.

- یوسف بن عمر ثقفی پس از شکست دادن قیام، موجی جدید از کشتار و آزار شیعیان و

محبان اهل بیت؟ عههم؟ در کوفه به راه انداخت.

- هشام دستور داد پس از شهادت زید، بدن او در کوفه، مصلوب و سر او نخست به شام فرستاده شود. پس از آن، سر او را به مدینه فرستادند که به مدت یک هفته در مسجد پیامبر بر نیزه بود و بعد آن را به مصر فرستادند.

محمد بن هشام، دایی هشام و والی مدینه دستور داد سر را یک هفته در مسجد پیامبر، بالای نیزه بگذارند.

۱۲۳

- کشته شدن حکیم بنت عیاش کلبی، شاعر مروانی به وسیله حیوانی درنده در حومه کوفه (او پس از شهادت زید با سرودن اشعاری زنده به هجو زید و اهل بیت؟ عههم؟ پرداخته بود و امام او را نفرین کرد).

- پس از شکست قیام زید، بر اساس حکایتی مشکوک، جریان عامه در جنگ نرمی جدید، به کمک امویان تلاش می کردند با جعل لقب «رافضه» (رانده شده)، به طرد، هجو و مقابله با تشیع پردازند.

۱۲۴

- مرگ محمد بن شهاب زهری، مهم ترین عالم دربار مروانی در این سال ها. وی به دلیل جایگاهش در دربار اموی، از زمان امام سجاد(ع) تا امام صادق(ع)، مورد مذمت اهل بیت؟ عههم؟ بود، ولی نزد عامه و عالمان حجاز از عالمان شمرده می شد و هر وقت به سفر حج می آمد، دانشمندان حجاز به او احترام می گذاشتند و به او رجوع می کردند.

۱۲۵

- مرگ هشام و جانشینی ولید بن یزید (ولید فاسق) به جای او (یک سال و دو ماه). به فرموده امام، مرگ هشام بازتاب شهادت زید و یحیی بود، همانند مرگ زودرس یزید و با مرگ او سقوط نهایی مروانیان کلید خورد.

- مرگ محمد بن علی بن عبدالله بن عباس، رهبر عباسیان و جانشینی ابراهیم امام، برادرش.

- سران بنی عباس پس از شهادت زید و یحیی، با جمع کردن دعوتگران خود، جلسه ای مهم تشکیل دادند و کوشیدند با مصادره شعارها و هیجان های ایجاد شده ناشی از قیام زید و یحیی، به جذب سریع خراسانی ها پردازند. در این جلسه، ابومسلم برای اولین مرتبه به خراسان اعزام شد.

۱۲۶

- در پایان این سال، ولید فاسق به دلیل شدت فسق و فجور، به وسیله پسرش، یزید (ناقص) کشته شد و یزید به خلافت پنج ماهه رسید.

یزید دارای گرایش فکری معتزلی و قدری است.

- پس از قتل ولید، میان شامیان اختلاف افتاد و خلافت یزید مستقر نشد و در فلسطین و اردن شورش های گسترده ای رخ داد.

ص: ۶۷

- یزید، یوسف بن عمر را از کوفه عزل کرد و منصور بن جمهور را (شش ماه مانده به عمر خلافت یزید) والی آنجا کرد.

- والی مدینه (یوسف بن محمد، دایی ولید و برادرزاده حجاج ثقفی که چند ماه والی بود) عزل و به جای او عبدالعزیز بن عمر بن عبدالعزیز والی شد (تا سال ۱۲۹ ه. ق)

- در این سال، اختلاف بین قبایل عرب مضر (حجازی) و یمنی شدت گرفت و تفرقه آنها (به منزله سربازان فتوحات) فرصت های خوبی برای خراسانیان و طرفداران عباسیان ایجاد کرد.

- آغاز قیام عبدالله بن معاویه بن عبدالله بن جعفر در کوفه و غرب ایران با همراهی ضمنی عالمان کوفه و حتی بیعت و همراهی اولیه رهبران عباسی (بیعت منصور و سفاح با او) بود، این قیام به موقیعت مروانیان در عراق و غرب ایران ضربه فراوانی زد و سبب ایجاد فرصت برای عباسیان در خراسان شد.

۱۲۷

- کشته شدن خلیفه یزید و خلافت ابراهیم بن زید (دو ماه) و سرانجام به خلافت رسیدن مروان حمار، آخرین خلیفه مروانی

- شورش خوارج در عراق و تصرف کوفه و حکومت دو ساله ضحاک بن قیس خارجی بر کوفه

- در مراسم حج این سال، داعیان بنی عباس از جمله ابومسلم و دیگر دعوت گران خراسانی و عراقی در مکه، نزد بنی عباس جمع شدند. ابراهیم امام، ابومسلم را با توجه به شرایط جدید به امیری و فرماندهی تمام دعوت گران خراسان، منصوب و ادعا کرد در سال ۱۳۰ ه. ق دولت آنها تشکیل خواهد شد.

۱۲۸

- قتل جهم بن صفوان سمرقندی، پایه گذار فرقه جهمیه که به جبر و تعطیل صفات خداوند قائل بود و اهل سنت و معتزله تکفیرش کردند. البته او به جواز خروج بر خلیفه نیز قائل بود.

- ابراهیم امام به ابومسلم نامه نوشت که در این سال، قیام عباسیان را در خراسان آشکار سازد و رنگ سیاه را شعار خود قرار داد.

- انتصاب یزید بن عمر بن هبیره به عنوان والی عراق

- شکست عبدالله بن معاویه از مروانیان و فرار او به سوی ابومسلم خراسانی در خراسان. ابومسلم او را کشت تا مبادا حضورش در خراسان مانع آغاز نهضت عباسیان شود.

- همکاری ابوحنیفه با قیام عبدالله بن معاویه و فرار او پس از شکست قیام به مدینه و اقامت دو ساله اجباری او در طول مدت امارت یزید بر عراق در مدینه. (در این دو سال، او بعضی اوقات از مجلس درس امام صادق (ع) استفاده می کرد).

- ابومسلم خراسانی در این سال قیام خود را آشکار کرد و شهر مرو را گرفت.

ص: ۶۸

- در آخر این سال، گروهی از خوارج به حج آمدند و حضور خود را آشکار کردند و پس از حج، ناگهان مکه را تصرف کردند.

۱۳۰

- ابو حمزه خارجی، قاضی حضرموت که جزو خوارج اباضیه بود، برای سه ماه، مکه و مدینه را در تصرف خود داشت، (یمن، عمان و حجاز) ولی سرانجام از مروانیان شکست خورد و کشته شد.

- حرکت تدریجی ابومسلم پس از تصرف خراسان به سوی مرکز و غرب ایران و شکست های پی در پی مروانیان از او.

- در مدت تسلط خوارج بر مدینه، افراد بسیاری کشته شدند.

- مرگ عبدالله بن ذکوان، از عالمان عامه و شاگردان ابوهریره که متولی برخی امور بنی امیه بود و حدود سیصد شاگرد داشت.

۱۳۱

- کشته شدن ابراهیم امام (عباسی) به دست مروان حمار در زندان شام و جانشینی ابوالعباس سفاح در نهضت، به جای او

- فتح کامل ایران و مناطق شرقی خلافت به وسیله ابومسلم و ورود تدریجی آنها به عراق

- از سال ۱۲۹ تا ۱۳۲ هـ. ق، والی کوفه و عراق یزید بن عمر بن هبیره بود. او قیام های عبدالله بن معاویه از زیدیه و ضحاک خارجی را در این سال ها شکست داد، ولی در مقابل پیشروی سریع عباسیان کاری از پیش نبرد.

- رحلت ایوب سختیانی، فقیه بصره

- وفات واصل بن عطاء، مؤسس معتزله در بصره

- رحلت عبدالله بن ابونجیح مکی از فقیهان مکی متمایل به معتزله

نکته ها و ایده ها

اشاره

نکته ها و ایده ها

امامت امام صادق (ع) در دوران مروانیان، آکنده از رویدادها، نکته ها و ایده های درون گروهی و بیرونی است که از طریق

مطالعات تخصصی و تفصیلی می توان آنها را استخراج کرد. در ادامه بر اساس جدول زمانی ارائه شده، به مواردی اشاره می شود:

۱. اولین دانشگاه اسلامی

۱. اولین دانشگاه اسلامی

اولین دانشگاه اسلامی در دوران امامت امام صادق(ع) در زمان امویان پی ریزی شد. شاهد این

ص: ۶۹

مدعا، جدول آماریاران امامان شیعه است. (۱)

امامان

همه اصحاب

تعداد موالیان

امام سجاد (ع)

امام باقر (ع)

امام صادق (ع)

امام کاظم (ع)

امام رضا (ع)

۱۶۱

۴۶۶

۳۲۲۳

۲۷۳

۳۱۷

۲۰

۲۵

۴۴۰

۲۰

۴۶

با توجه به اینکه در بیشتر دوران بنی عباس، امام به شدت در تقیه و زیر نظر بود، بدیهی است عمده فعالیت این دانشگاه در

زمان مروانیان است. البته اوج درخشش این دانشگاه در نیمه دوم این دوران، یعنی از مرگ هشام تا سقوط مروانیان است. در دورانی که جهان اسلام و بیشتر گروه‌ها در التهاب تحولات یا تلاش برای کسب سهمیه در تحولات سیاسی و اجتماعی بودند. امام با در نظر گرفتن افق بلندمدت و با دوری از جو زدگی و اثرپذیری از انبوه فشارها برای مداخله یا قیام، به تربیت نیروها و جوانان مستعد برای مکتب حق و توسعه ناگهانی کمی و کیفی دانشگاه خود در فرصت تاریخی ایجادشده پرداخت.

بر مبنای مطالعات تاریخی و استقرای جالب کتاب الامام الصادق و المذاهب الاربعه، (۲) از نکات مهم در این دانشگاه، ایجاد و توسعه دانشکده‌های تطبیقی برای فرقه‌های اهل سنت است؛ بدین معنا که اهل سنت به دلیل دوریاز منبع اصلی و حیو نداشتن دسترسی به معارف آن دچار خلأ محتوایی و نقصان روشی بودند. از این رو، رهبران علمی و فکری آنها در فرصت‌های کوتاه یا بلندمدت به دانشگاه امام می آمدند و به اندازه نیاز خود از آن حضرت بهره می بردند تا با درآمیختن معارف امام با دانش‌های ناقص خود به نوزایی و به روزسازیمکتب‌های خود پردازند.

ص: ۷۰

۱- تاریخ تشیع در ایران از آغاز تا قرن دهم هجری، ج ۱، ص ۱۳۰.

۲- الامام الصادق و المذهب الاربعه، ج ۱، ص ۱۳۴.

از دیگر نکات، توجه به تخصص های دینی و استعدادها و توان مندی افراد است؛ به گونه ای که این دانشگاه مثل مکتب خانه های اهل سنت مدینه نبود که فقط محدث (حدیث شناس) پرورش دهد و مانند مکتب خانه های اهل سنت در کوفه نیز نبود که فقط مجتهدان اهل رأی و قیاس تربیت کند. امام در همه رشته های علوم اسلامی و انسانی و گاه تجربی، شاگردان تربیت کرد که گاهی گستره رشته های علمی یادشده به طب، شیمی نجوم نیز می رسید.

۲. ظهور پدیده ای به نام غلات

۲. ظهور پدیده ای به نام غلات

وقتی در نظامی علمی، ترکیبی از آموزش و پرورش مبنای قرار می گیرد، بی مهری و سستی برخی شاگردان و اصحاب آن مکتب به همراه ورود آنها به موقعیت های اجتماعی که آکنده از وسوسه ها و جذابیت هاست، می تواند زمینها برای افراط یا تفریط فکری و اجتماعی و ظهور پدیده ریزش ها به راحتی فراهم سازد.

دوران امام صادق(ع) به غیر از ماجرای کیسانیه که اصولاً چندان از بدنه اصلی تشیع به وجود نیامد و بیشتر در قبیله ها و شخصیت های دارای گرایش های التقاطی شیعی و اسلامی ریشه داشت، شاهد اولین گزارش های مستند و معتبر از معضل فکری- اجتماعی غالیان. را در زمان امام صادق(ع) این جریان تا هفت گروه انشعاب برشمرده اند که همگی در کوفه به وجود آمدند. روح عقاید فکری آنها الوهیت و خدایی امام صادق(ع) و عصاره برنامه عملی آنها نیز بر اباحه گریا پرستش امام صادق(ع) مبتنی بود. نکته مهم، مواجهه صریح و قاطع امام در برابر آنهاست. (۱) ایشان با هوشیارسازیاران فرهیخته و متخصص و هشدار دادن درباره اثرپذیری جوانان و اهتمام بخشی به مسئله تربیتی عرضه عقیده در حوزه عقاید و حتی عرضه مجدد احادیث مکتوب برای پالایش آنها به امام یا قرآن، به سرعت و با صراحت علیه ایشان موضع گرفت. همچنین با نفرین کردن آنان، زمینه غیبی برای نابودی آنها را فراهم ساخت.

۳. توقع و انتظار قیام از امام

ص: ۷۱

۱- در این زمینه نک: غالیان؛ کاوشی در جریان ها و برآیندها تا پایان سده سوم، ص ۹۰.

از نکات مهم دیگر در این زمان که جلوه های گوناگون نیافت، توقع و انتظار قیام از امام است، به گونه ای که وقتی موج خستگی از خلافت مروانین و ظلم و تبعیض های آنها در همه سطوح جامعه اسلامی و شیعی، فراگیر و عطشی عمومی برای تحول ایجاد شد، همه می کوشیدند امام را به قیام دعوت کنند. البته بیشتر این دعوت های گسترده، نه از روی صدق، بلکه به اعتبار اصل و نسب امام یا به اعتبار موقعیت های علمی و اجتماعی ایشان یا با این هدف بود که گروه های درخواست دهنده با سوء استفاده از جایگاه امام بتوانند به اهداف خود برسند.

امام می دانست برای قیام معطوف به حق، در کنار رهبری و قانون، مهم ترین شرط، درک جامعه نسبت به حق، رهبر حق و آرزوی تحقق ارزش های حق باید باشد، نه صرف تغییر و نفی باطل قبلی بدون طرح و برنامه یا بدون آمادگی و تربیت اجتماعی برای حق و یا بدون فراهم آمدن بسترهای اجتماعی برای عدالت خواهی.

بنابراین، امام در این سال ها، درخواست قیام زیدیه، عباسیان، شیعیان، معتزله و فقیهان عامه را رد کرد و به جای آن، به نیروسازی و پی ریزی طرح بنیادین مکتب به دور از احساس زدگی پرداخت.

۴. تبدیل تدریجی کوفه به پایگاه تاریخی برای تشیع

۴. تبدیل تدریجی کوفه به پایگاه تاریخی برای تشیع

کوفه همواره در طول تاریخ خود، از زمان پیدایش در سال ۱۷ ه. ق تا زمان امامت امام صادق (ع) در مقایسه با عشق حجاز به شیخین و عثمانی گری بصره و اموی زدگی دمشق، به تشیع موصوف بود. تا پیش از خلافت عباسیان و پیدایش شهر بغداد، هیچ گاه آمار شیعه کوفه در بهترین وضعیت، بیش از ثلث جمعیت آنجا بود و همواره بیشتر مردم شهر از اهل سنت بودند. البته اهل سنت کوفه با اهل سنت بصره، دمشق و حجاز تفاوت داشت؛ زیرا آنها دارای

رگه‌هایی قوی از گرایش و محبت به اهل بیت؟ عه‌م؟ بودند که به آن «شیعه عراقی» می‌گویند. (۱)

بیشتر شیعیان کوفه ساختاری قبایله‌دارند و تشیع را در فضاهایی احساسی، همراه با شعور اولیه پذیرفته‌اند؛ (شور و شعوری که در سفر تاریخی امیرالمؤمنین علی(ع) در سال آخر زندگانی پیامبر به یمن ریشه دارد. البته آنها جز در دوره پنجم ساله حضور امیرالمؤمنین علی(ع) در کوفه، فرصت توسعه و تعمیق گرایش‌های شیعی خود را نیافته‌اند، بلکه سال‌ها تبلیغات منفی امویان یا تبعیض‌های اجباری از کوفه یا شهادت‌خواص و رهبران شیعه خود را شاهد بوده‌اند. از این رو، کوفه هیچ‌گاه شهری شیعی نبوده؛ اگر چه همواره مهم‌ترین پایگاه شیعیان بوده است.

در زمان امام صادق(ع)، با گسترش جذب جوانان مستعدی که بیش از هشتاد درصد آنها کوفی بودند، تربیت آنها و بازگشتشان به کوفه - تا آنجا که نهصد نفر در مسجد کوفه، کلاس درس احادیث امام صادق(ع) را برگزار کردند - سبب شد موج تشیع، آن‌هم به شکلی علمی، فرهنگی و فکری در کوفه گسترش یابد.

از عوامل اثرگذار در این زمینه، اشتباه تاریخی عالمان و فقیهان اهل سنت کوفه بود که با قیام زید همراهی کردند و پس از شکست قیام، ناچار به فرار از کوفه یا در پیش گرفتن انزوای موقت شدند. بدین‌گونه صحنه علمی و فکری شهر به طور موقت در اختیار شخصیت‌ها و عالمان شیعه قرار گرفت. تشیع در کوفه چنان گسترش کمی و کیفیافت که در آغاز خلافت عباسیان، آنها از انتخاب اولیه کوفه به منزله پایتخت خود پشیمان شدند و ترسیدند «حضور لشکر خراسانی‌ها در کوفه و اختلاط آنها با کوفیان سبب فسادشان شود.» پس به سرعت، دو بار پایتخت خود را عوض کردند تا سرانجام چاره را در ایجاد شهری نو با هویت و ارزش‌های جدید خود دیدند. در نهایت، این رخداد به معنای عقب‌نشینی همه جریان‌های فکری و سیاسی و فرقه‌ای از کوفه و واگذشتن آن در اختیار شیعیان بود. (۲)

ص: ۷۳

۱- تاریخ تشیع در ایران، رسول جعفریان، ج ۱ ص ۲۲.

۲- کوفه و نقش آن در قرون نخستین اسلامی، محمد حسین رجیبی، فصل چهارم، ص ۴۰۳.

نکته مهم تر این بود که کوفه به موازات تبدیل شدن به مرکز تشیع در عراق و جهان اسلام، به پایگاه دوم شیعه (بعد از مدینه و دانشگاه امام صادق(ع)) برای نشر و گسترش تشیع به دیگر مناطق جهان اسلام بدل می شد، به گونه ای که پیدایش قم از جهت اجتماعی و فکری، وام دار مستقیم مهاجرت شیعیان کوفی به قم است.

۱. امام صادق(ع) در دوران خلافت عباسیان

۱. امام صادق(ع) در دوران خلافت عباسیان

در نگاه نخست، خلافت عباسیان می توانست تحولی مثبت برای اهل بیت شمرده شود؛ زیرا آنها شاخه ای از قبیله بنی هاشم و عموزاده اهل بیت بودند و روزگار را در کنار هم می گذراندند. در ظاهر نیز هدف دعوت و قیام عباسیان، «الرضا من آل محمد» بود. این اقدام عباسیان خلاف زمامداری خلفای راشدین و امویان بود؛ زیرا این دو حکومت برای نابودی اهل بیت؟ عهه؟ و اسلام می کوشیدند. در این دوران، جریانی قدرتمند و گسترده با شعار تبلیغاتی اهل بیت محور ایجاد شد.

امام صادق(ع) برای یارانش، به صورت گسترده و هم برای علویان زیدی در برخی موارد، تأکید داشت که این تحول، تغییر تاکتیک تاریخی خط باطل با هدف به روزسازی آن علیه پیشرفت حق است، چنان که ابلیس و رهبران باطل با درک ناکارآمدی روزافزون شیوه حکومتی امویان و خستگی از آنها و عطش اجتماعی برای نابود کردنشان، می خواستند به مدیریت و کنترل این عطش اجتماعی پردازند. از این رو، با ایجاد جریانی التقاطی و فریبنده و با حربه دین علیه دین با بنی هاشم علیه اهل بیت؟ عهه؟ کوشیدند بر این موج سوار شوند و باطل را هماهنگ با تحولات زمانه روزآمد سازند.

اگر دوره تاریخی دعوت عباسیان را تا دو دهه اول خلافت آنها، با نگاه تحلیلی براساس باطل و با روش خط زمانی مطالعه کنیم، درمی یابیم آنها با آغاز تبلیغاتشان سعی در جذب همه گروه های مخالف داشتند و بسیاری از جریان های اجتماعی نیز با آنها همراه شدند. با این حال، پس از به دست آوردن قدرت و ایجاد تحولات قهری سطحی، زمانی که شخصیت حقیقی آنها آشکار شد، به ناچار پس از خشونت و سرکوب به فکر تثبیت جایگاه خود افتادند. در نتیجه،

برای جذب گسترده جریان‌های فکری و فرهنگی - البته در جبهه باطل - کوشیدند ائتلاف و همراهی تمام لایه های باطل را در برابر حق ایجاد کنند.

از این رو، عباسیان در جذب عالمان عامه، رفتار زیرکانه ای داشتند و در برپایی ارتباط متقابل با آنها و تعدیل سازی متقابل روش ها و برنامه های خود و عالمان عامه در راستای هم گرایی، به گونه ای تدریجی عمل کردند که از دیدگاه تاریخی اجتماعی و فکری کارگر افتاد. به این ترتیب، عباسیان پانصد سال با همه انحطاط ها، پوسیدگی ها، انحراف ها و ضعف ها به حیات خود ادامه داد. سرانجام اگر این خلافت با تهدید خارجی - مغول - نابود نمی شد، روشن نبود در داخل با همکاری جریان‌های فکری اهل سنت، آن خلافت پوسیده تا چه زمانی ادامه می یافت.

نکته مهم، در این شرایط و در برخورد تاریخی حق و باطل؛ نوع واکنش و روبه رو شدن امام با این تحولات گسترده جهان باطل است. پرسش اصلی این است که در این دوران، آیا امام، اثرگذار و تاریخ ساز است یا منفعل و اثرپذیر؟

براساس تبیین رویکرد کلی و کلان امام، روشن است ایشان به منزله انسان کامل و زمانمند که افق تاریخی جبهه حق را می نگریست، نمی توانست منفعل باشد. با این حال، پرسش این است که در این تحولات به ظاهر در حال جریان که به سود جبهه باطل بود، امام چگونه به مدیریت و مهندسی آشکار و پنهان رویدادها به نفع حق، در افق بلندمدت پرداخت؟

برای نمونه، آیا برخورد اهل بیت؟ عهه؟ با احضارها و نقل مکان های اجباری - که از سیاست های کلی عباسیان برای دور نگاه داشتن اهل بیت؟ عهه؟ از مدینه النبی بود - انفعالی است یا اینکه ایشان ضمن پذیرش این شرایط تحمیلی، به ناچار می کوشیدند از نظر سیاسی، اجتماعی و فرهنگی، این تحولات را به سود جبهه حق مدیریت کنند؟

با توجه به این نکته مهم، خط زمانی زندگانی امام صادق(ع) را در این دوران ویژه و حساس بررسی می کنیم:

سال

سفید

۱۳۲

- امام صادق(ع) در رویداد تحول خلافت، ضمن برکنار داشتن شیعیان از دخالت در

ص: ۷۵

درگیری های اموی-عباسی، با همه توان به ترتیب نیرو و تقویت کمی و کیفی‌اران و شیعیان خود پرداخت. ایشان کوشیدند وضعیت فکری و فرهنگی شیعه به ویژه در کوفه، با تحولات ساختاری هماهنگ شود و به ساختار فکری، فرهنگی و اجتماعی مستقل و ثابتی دست یابد.

- هم زمان با سقوط امویان، برای دوره ای موقت، برخی شیعیان آشکارا به نشر احادیث و فضایل امیرالمؤمنین، علی(ع) و اهل بیت؟ عههم؟ به ویژه در کوفه پرداختند، ولی این اتفاق با مخالفت ابوحنیفه و فقهای اهل رأی عراق روبه رو می شد.

امام نیز در سفر حج آن سال، شیعیان را دوباره به استمرار تقيه سفارش کرد.

- از دیدگاه امام صادق(ع) تنها تفاوت ایجاد شده در تحول خلافت اموی به عباسی این بود که با سقوط اموی، برخی جریان های فقهی کلامی که امویان حامی آنها بودند، کم رنگ شد و در تحولات فکری در جهان اهل سنت، امام برای نخستین بار توانست برخی احکام فقهی حق را بیان کند.

۱۳۳

- درگذشت عمار بجلي، بزرگ ترین و بنیان گذار خانواده شیعی عمار بجلي در کوفه. پسرش، معاویه و دخترش و نواده- هایش، از خواص اصحاب امام صادق(ع) بودند.

- امام با پیش بینی شهادت ناگهانی معلی بن خنیس، از خواص یارانش که کوفی، اما ساکن مدینه بود و خانواده اشهدر کوفه بودند، تمهیدی غیبی فراهم کرد که با طی الارض، در سفری کوتاه و سریع به کوفه برود و با خانواده اشدیدار و وداع کند.

- معلی بن خنیس، از خواص و ملازمان و صاحب اسرار امام صادق(ع) در مدینه و از مردم کوفه بود.

او پس از سقوط مروانین در مدینه، آشکارا به نشر فضایل اهل بیت؟ عههم؟ پرداخت.

داوود بن علی، والی مدینه، با سوءاستفاده از غیبت امام به سبب سفر حج، معلی را دستگیر کرد و از او اسامی‌اران و وکلای امام صادق(ع) و سران شیعه را خواست، ولی او سر باز زد. داوود نیز معلی را با خشونت به شهادت رساند و رسماً دشمنی عباسیان با شیعیان را اعلان کرد.

امام پس از بازگشت از سفر حج، ابتدا با خشم فراوان با داوود روبه رو شد، به گونه ای که داوود، فرمانده شرطه ها را که قاتل معلی بود، به امام سپرد و اسماعیل، پسر امام به دستور پدر، او را به قصاص معلی کشت. همان شب هم امام تا سحر به درگاه الهی متوسل شد و داوود را نفرین کرد و هنگام سحر، داوود دچار مرگ ناگهانی شد.

- در این سال ها پس از تثبیت تدریجی بنی عباس و سعی آنها در برداشتن اولین گام برای

شناسایی و آزار یا نابودی رهبران درجه دوم و خواص شیعه، امام ضمن سفارش شیعیان به تقیه بسیار، به سرزنش بزرگان شیعه به ویژه بزرگان کوفی، همانند زراره که در مرکز خطر بودند - پرداخت تا دشمن با توهم جدایی آنها از امام، مزاحم شان نشود.

۱۳۴

- اولین احضار از مجموعه احضارهای امام صادق(ع)، پس از ماجرای معلی، در کوفه و دربار سفاح. این دیدار اولین دیدار مستقیم و رسمی امام از کوفه و عراق بود، امام در ابتدای ورود به کوفه آزاد بود، ولی بسیار زود بازداشت خانگی ایشان آغاز شد و از دیدار شیعیان با ایشان جلوگیری کردند و دوباره به مدینه بازگردانده شد. این کار پس از آن بود که عباسیان مطمئن شدند که امام در فکر قیام نیست.

۱۳۵

- در این سال ها، ربیعہ الرأی، فقیه عراقی، ضمن سفر حج در دیدار با امام، از روی حسادت، از مجموعه فعالیت های زراره و برادرانش در کوفه شکوه کرد و امام پاسخ داد که آنها در راه حق هستند [و شما فکر خود باش].

۱۳۶

- امام در این سال هاتاپیش از خلافت منصور که اوج فعالیت علمی اش است، هسته و بنیان اولیه سازمان و کالت را برای شیعیان ایجاد کرد.

۱۳۷

- با آغاز خلافت منصور و دشمنی آشکار او با امام و تشیع و تأکید وی به والیان کوفه و مدینه، به تدریج جایگاه مدرسه امام صادق(ع) در مدینه کم رنگ شد. در این دوره، تنها فرصت دیدار شیعیان با امام، منحصر به زمان حج بود؛ به گونه ای که وقتی شیعه ای پس از مدت ها به دیدار امام می رفت، امام از غربت و تنهایی خود و بی وفایی مردم مدینه و فشارهای منصور، شکایت می کرد.

۱۳۸

- درگذشت ابان بن عیاش، از بزرگان شیعه

- در این سال، سوار بن عبدالله بن قدامه تمیمی، شاگرد حسن بصری قاضی بصره شد و تا سال ۱۵۶ ه. ق که مُرد، قاضی بود. او دشمن سرسخت سید حمیری، شاعر اهل بیت؟ مهم؟، به دلیل اشعارش درباره فضایل امیرالمؤمنین(ع) بود. وی در این سال ها، سید را به سبب شعر جدیدش - حدیث طیر مشوی - در فضیلت امیرالمؤمنین، علی(ع) زندانی کرد. ولی با اجتماع بنی هاشم و شیعیان بصره جلوی زندان، او آزاد شد و سید همان جا به هجو قاضی پرداخت و از بصره رفت.

- یکی از برنامه های امام در مدینه، رویارویی اجباری با جاسوسی منصور و خبردهی غیبی از برنامه های آنها و هشدار دادن به آنان یا منصرف کردن آنها از مأموریت شوم آنان بود. امام بارها از عبدالله بن حسن خواست که به تقیه رو آورد و مدعی مهدویت فرزندش نشود، ولی او هیچ گاه نپذیرفت.

ص: ۷۷

- منصور در مکه، پیوسته با نزدیکانش از تصمیم خود درباره قتل امام می گفت. در ربنده هم ایشان را احضار کرد تا نقشه اشرا اجرا کند، ولی با توسل و دعای غیبی امام، در نهایت منصرف شد و امام نجات یافت.

- امام پس از تحولات سیاسی و مرزبندی های مکتبی، امام صادق(ع) کمتر عالمان عامه را به محضر خود می پذیرفت. ابن شبرمه که این سال ها قاضی کوفه بود، در سفر حج همراه دو یست نفر نزد امام رفت و اصرار کرد درباره نقش رأی و قیاسی در جایگاه قضاوت، پرسش هایی کند، ولی امام با بی اعتنایی و بی توجهی، او را از خود راند.

- رحلت ابان تغلب و معروف بن خریوذ، دو نفر از یاران خاص امام باقر و امام صادق؟ عهما؟

- در این سال، سیدیر و ابن عبدالرحمان، دو نفر از بزرگان شیعه زندانی بودند. (احتمالاً در زندان کوفه). امام در مراسم حج، هنگام طواف برای آزادی آنها دعا کرد و آنها از زندان رها شدند.

- احضار امام به عراق که همراه فرزندش، اسماعیل به عراق رفت و مدتی در کوفه (دو - سه ماه که شامل سراسر ماه رمضان آن سال بود، ساکن شد و در پایان ماه رمضان نیز برای تقیه، حکم منصور به اقامه نماز عید فطر را پذیرفت.

- در این سفر، تصور از ابوحنیفه که به گونه ای عالم اول دربار و کانون توجه عباسیان بود، خواست با طراحی مسائل سخت فقهی و مناظره با امام در دربار، امام را درمانده کند، اما نتیجه مناظره، سبب رسوایی ابوحنیفه شد.

- در این سال ها که امام مقیم کوفه بود، سید حمیری، شاعر کیسانی و سپس زیدی مسلک، بیمار شد. امام به دیدارش رفت و او را شفا داد. پس او شیعه شد و از آن هنگام از شاعران معروف شیعه به شمار می آید.

- روزی برخی شیعیان به امام خبر دادند که مأموران حکومتی، خانمی را دستگیر کردند و به زندان می برند و در برابر توسل او به حضرت زهرا؟ عها؟ او را شکنجه می دهند. امام بسیار ناراحت شد و همراه اصحاب خود به مسجد کوفه رفتند و برای نجات او دعا کردند. پس او رها شد و امام برایش هدایایی فرستادند.

- در این سفر و ضمن اقامت امام در کوفه، هشام بن حکم، جوانی اهل علم و متعصب در فرقه جهمیه بود و چون در عقاید خود دچار تزلزل شده بود، به واسطه تشویق های برادر زاده شیعه خود، با تردید به دیدار امام رفت. این دیدار به چند دیدار و مباحث اعتقادی دیگر انجامید که سرانجام آن، شیعه شدن هشام به دست امام صادق(ع) و دانش آموزی اولیه وی در محضر امام و در شهر کوفه بود.

- امام هنگام بازگشت به مدینه، هنگام خروج از کوفه با مشایعت گسترده عالمان کوفه

ص: ۷۸

روبه رو شد.

۱۴۳

- امام رسماً به جهان تشیع، خبر جانشینی امام کاظم(ع) را اعلان کرد. برخی شیعیان کوفه به توهم امامت و جانشینی اسماعیل، فرزند بزرگ امام که در سفر سال پیش همراه حضرت بود، درباره این خبر شک کردند و راهی مدینه شدند، ولی امام تأکید کرد که امام هفتم، امام کاظم(ع) است.

- هشام بن حکم، پس از شتیب و در برابر ادعاهای رهبر معتزله، عمرو بن عبید، به بصره سفر کرد و در مسجد بصره، در جمع شاگردان عمرو، پس از مباحثه ای تاریخی در بحث امامت و خلافت، وی را به چالش کشاند و پس از آن به دیدار امام در حج رفت و امام در جمع یاران نزدیکش، او را تشویق کرد.

۱۴۴

احضار دوباره امام به عراق، با هدف به شهادت رساندن ایشان که امام این بار نیز با معجزه و توسل نجات یافت و به سرعت به حجاز بازگشت.

- امام هنگام خروج کاروان زندانیان علوی از مدینه، از پشت پنجره منزل، با چشمانی اشک بار فرمود که این وضعیت حاصل خیانت انصار در حق پیامبر است. آنها در بیعت ليله العقبه، به پیامبر قول دادند که همواره از خاندانش حمایت کنند، ولی چنین نکردند و اهل بیت؟ عهم؟ او را رها کردند تا چنین شد.

- رزام که مولی خالد قسری بود و پسرش در خانه والی مدینه کار می کرد و از شیعیان امام صادق(ع) بود، پس از عزل محمد بن خالد، والی مدینه، دستگیر و زندانی شد. خبر آن به امام رسید و امام روزی از پنجره زندان، دعایی به او رساند که با خواندن آن نجات یافت.

۱۴۵

- درگذشت اسماعیل فرزند امام صادق(ع)

- امام هنگام کفن و دفن او، اهتمام به تثبیت وفات اسماعیل و جانشینی امام کاظم(ع) تأکید داشت، اما دو پسر اسماعیل با جدایی از امام و همراهی با برخی غلات، زمینه ساز پیدایش فرقه اسماعیلیه شد.

- امام هنگام قیام نفس زکیه، بیعت با او را نپذیرفت و از مدینه خارج شد و به طیبه در حومه شهر رفت.

- امام پس از شهادت نفس زکیه، قاتل او، عیسی بن موسی را نفرین کرد.

- پس از شهادت نفس زکیه، والی موقت شهر، شیبیه بن غفال، بر منبر رفت و در خطبه نماز جمعه به امیرالمؤمنین، علی(ع)

اهانت کرد، و نیز امام صادق(ع) را به تفرقه افکنی متهم کرد، ناگهان امام به او اعتراض کرد و با فریاد بلند، او را فاسق خواند.

- رحلت سماعه بن مهران، از خواص شیعه، بر اساس پیش بینی امام که او با آمادگی به

ص: ۷۹

- هنگام ساختن بغداد، دو تحول اجتماعی مهم برای شیعه در عراق رخ داد. اول اینکه بیشتر جریان های فکری اهل سنت از کوفه به بغداد منتقل شدند. از این رو، کوفه به تدریج، به شهری با جمعیت شیعی غالب تبدیل شد؛ زیرا به سبب وجود مسجد کوفه و مزار تازه پیدا شده امیرالمؤمنین، علی(ع) در نجف، تعلق آنها به کوفه بیشتر شده بود. دوم اینکه بخش مهمی از شیعیان با اجازه گرفتن از امام، به سبب شغل یا تجارت به بغداد منتقل شدند و چون منصور اجازه نمی داد بازار را داخل شهر بسازند، در حومه شهر، محله کرخ، مرکز بازار بغداد شد و از همان آغاز، به محله شیعه نشین شهر تبدیل گردید. از همین زمان، مسجد تاریخی برائا، کانون فعالیت شیعیان گشت؛ مسجدی که امیرالمؤمنین، علی(ع) در مسیر جنگ نهروان در آنجا نماز خوانده بود.

- با شروع این سال، منصور، امام را به عراق احضار کرد تا امام را به اتهام قیام نفس زکیه و جریان معلی بن خنیس و سازمان وکالت، بازخواست کند و به شهادت برساند، اما با معجزه و توسل غیبی امام خطر برطرف شد.

- درگذشت سعد بن طریف حنظلی کوفی از اصحاب باقرین؟ عهما؟ که به تشویق ایشان در کوفه، قاص (قصه گو) و منقبت خوان اهل بیت؟ عهم؟، بود.

- درگذشت فضیل بن یسار، از اصحاب خاص امام.

- درگذشت سُدیر صیرفی، او هنگام جابه جایی قدرت از امویان به عباسیان، برای تثبیت رهبری سیاسی امام بسیار کوشید.

- درگذشت عبدالملک بن اعین، برادر زراره که کوفی بود، ولی در مدینه زمانی که امام در سفر حج بود، درگذشت. پس امام در مکه برای او آمرزش بسیار طلبید و پس از بازگشت، همراه یاران خود بر سر مزارش حاضر شد.

- درگذشت سلیمان بن خالد اقطع کوفی. یک دست او در قیام زید قطع شده بود. وی از راویان حدیث شیعه بود. امام از درگذشت او اندوهگین شد و سفارش بازماندگان او را به یاران خود در کوفه کرد.

- در این سفر، امام، مزار امیرالمؤمنین، علی(ع) را به صورت آشکار و رسمی به شیعیان کوفه معرفی کرد. ایشان در روز هفده ربیع - میلاد پیامبر - به طور ویژه آن مزار را زیارت کرد.

- نامه امام به شیعیان بغداد و درخواست برخی حوایج (عمدتاً مالی) خود از آنها.

- درگذشت عمر بن یزید کوفی (بیاع سابری). کسی که مقید بود هر سال از کوفه به مدینه

ص: ۸۰

برود و با امام دیدار کند.

- امام صادق(ع) در ۶۵ سالگی، در ۲۵ ماه شوال، به دست مأموران منصور مسموم شد و به شهادت رسید. امام در روزهای بستری بودن، بار دیگر از خواص شیعه برای امامت امام کاظم(ع) بیعت گرفت؛ اما به ظاهر در وصیت نامه رسمی اش، پنج نفر را به عنوان وصی خود معرفی می کند.

سال

خاکستری

۱۳۲

- غیلان بن جامع کوفی، قاضی اسبق کوفه، در دوران مروانین که در دیدار با امام صادق(ع) از این منصب استعفا داده بود، به دست عباسیان کشته شد.

- سفاح در این سال چنان در گیر سرکوبی مروانین بود که چندان توجهی به علویان نداشت و می کوشید با ایجاد جریان اموی و مروانی، کشتار گسترده خود را نشانه انتقام الهی و اسلامی و برحق نشان دهد.

- عبدالله بن حسن، رهبر زیدیه، پنهان نشده بود، ولی درمانده و مبهوت از پیروزی سریع عباسیان، به دو فرزندش، محمد و ابراهیم، به سبب بیعت سابق رهبران عباسی با آنها و کینه توزی احتمالی آنها، دستور داد تا به زندگی مخفیانه روی آورند.

۱۳۳

- شریک بن شیخ مهری در بخارا، پس از آشکار شدن گرایش های ضد علوی عباسیان، قیامی گسترده با هدف بازگرداندن خلافت به علویان راه انداخت، ولی به دست ابومسلم خراسانی، به سرعت و شدت سرکوب شد.

۱۳۴

- والی جدید مدینه، دبیری کوفه داشت که شیعه و نامش حفص بن عمر بود. او پنهانی برخی اخبار عباسیان را به علویان می رساند و در زمان سفاح می کوشید والی را از تعقیب و دستگیری نفس زکیه و علویان بازدارد.

۱۳۶

- اختفای کامل نفس زکیه به سفارش پدرش، عبدالله محض و انتظار او برای فراهم شدن شرایط قیام. پنهان شدن و بیعت نکردن محمد و ابراهیم و دعوت های پنهانی آنها سبب وحشت و ترس عباسیان شد. بدین جهت، پس از تثبیت خلافت، مهم ترین مسئله آنها دست یابی به نفس زکیه به عنوان مدعی خلافت بود.

- دستور منصور به فضل بن صالح بن علی امیرالحاج برای دستگیری محمد نفس زکیه و ابراهیم و فرار آنها از مدینه به عدن (یمن) و از یمن با کشتی به سند و از آنجا به کرمان و کوفه و بازگشت به مدینه. این سفر دو سال طول کشید و برای جلب نیرو هم دستاوردی اجتماعی نداشت.

ص: ۸۱

- عبدالله بن حسن، چند بار فریب جاسوسی های منصور را خورد و از آنها برای خلافت فرزندش بیعت گرفت و به آنها دست خطداد.

منصور با جمع آوری این اسناد، آماده اقدام قاطع علیه علویان شد.

۱۴۰

- در این سفر، محمد و ابراهیم که دوباره به حجاز بازگشته بودند، سعی کردند با همراهیکی از فرماندهان خراسانی منصور - عبدویه خراسانی - او را ترور کنند، اما نقشه افشا شد و آنها گریختند. منصور، جمعی از سربازان ایرانی آن فرمانده را کشت.

- منصور در بازگشت از حج در ریزه، عبدالله محض را احضار کرد و با خشونت از او خواست پسرانش را تسلیم کند و چون او نپذیرفت، وی را همراه تمامی مردان و جوانان سادات حسنی، در خانه والی مدینه زندانی کرد.

۱۴۲

- زیاد بن عیبدالله، در آستانه عزل خود مخفیانه به نفس زکیه از اوضاع وخیم آینده خبر داد و از او خواست که از مدینه خارج شود. از این رو، نفس زکیه به کوه های حجاز پناه برد.

۱۴۴

- منصور پس از بازگشت از حج دستور داد زندانیان علوی، عبدالله محض و سادات حسنی را که پانزده تا هفده نفر بودند، را به زندان عراق در هاشمیه انتقال دهند.

۱۴۵

- در این سال، نفس زکیه با مشاهده فشارها بر علویان، با وجود مناسب نبودن شرایط قیام کرد و مدینه و حجاز را گرفت.

در این قیام، عالمان حجاز، حتی مالک بن انس با نفس زکیه همراهی و همکاری گسترده ای کردند که خاندان زبیر و عمر، بیشترین همکاری را با او داشتند.

سفیان بن عیینه از عالمان کوفه، در مراسم حج به شدت به استمرار یافتن سیاست تقیه امام صادق (ع) اعتراض کرد. امام پاسخ داد قیام باید بر ولایت و امانت مبتنی باشد تا به سرانجام برسد.

- محمد، برادرش، ابراهیم را به سوی بصره فرستاد. او هم با همکاری عالمان عراق، از جمله ابوحنیفه، بصره را گرفت، اما به واسطه همکاری نکردن معتزله، سی هزار نفر از او کناره گرفتند.

- قیام محمد پس از سه ماه به دست لشکر منصور سرکوب شد و او به شهادت رسید. (ماه رمضان).

محمد و ابراهیم در مدت حاکمیت خود به ویژه در بصره، مناسک و عبادت ها را به روش عامه انجام می دادند تا آنها را جذب کنند.

- منصور پس از سرکوب قیام نفس زکیه، تک تکساداتحسنى محبوس در کوفه را با شیوه های گوناگون کشت و (اوج کشتار علویان توسط عباسیان). همچنین دستور داد سر چند تن از آنها را در خراسان بچرخانند تا خراسانیان مرگ نفس زکیه را باور کنند و دست به قیام نزنند.

ص: ۸۲

- ابراهیم پس از سه ماه که از شهادت برادرش، نفس زکیه می گذشت، در منطقه باخمری، در نزدیکی کوفه به شهادت رسید.

- منصور پس از سرکوب علویان و کشتار آنها، همانند حجاج بن یوسف و بلکه بدتر از او فرمان داد علویان اجازه سفر ندارند و خرید و فروش زمین و املاک با آنها ممنوع است و بیش از یک غلام نمی توانند داشته باشند.

- در این سفر، پس از کاهش خشم منصور، امام از او خواست حسین بن علی افطس را که در زندان بود و از همارهان نفس زکیه بود، آزاد کند او چنین کرد. اگرچه افطس خیلی زود دشمن امام شد.

- درگذشت سلیمان اعمش از عالمان متمایل به تشیع در کوفه که برای عامه و خاصه محترم بود. او درخواست هشام بن عبدالملک، خلیفه مروانی را برای نوشتن کتابی در فضایل عثمان پذیرفته بود.

- شورش های پیاپی داخلی و اختلافات قبیله های عربی بینمینی ها و مصری ها (حجازی ها)، قیام های مکرر زیدیه و خوارج و نمونه هایی از این دست، چنان مروانیان را آشفته حال و ضعیف کرد که ابومسلم خراسانی، در این سال به سرعت عراق را تصرف و در کوفه، بنی عباس را از زندان آزاد کرد. همچنین مردم با ابوالعباس سفاح در کوفه به عنوان خلیفه عباسی بیعت کردند.

- سفاح پس از خلافت با جدیت تمام به نبرد و نابودی مروانیان از مرکز و بخش غربی خلافت تا شمال آفریقا پرداخت و با کشته شدن مروان حمار، خلافت اموی- مروانی، پس از هزار ماه پایان یافت. البته عبدالرحمان اموی با فرار به اندلس، پایه گذار خلافت مستقل اموی در اندلس شد.

- پایتخت موقت بنی عباس (پس از سال ها پایتخت بودن دمشق) دوباره به کوفه باز گشت.

- حاکمان کوفه و مدینه داوود بن علی، برای چند ماه والی کوفه بود و پس از تصرف حجاز، والی حجاز و یمن گشت. عیسی بن موسی، والی کوفه و سلیمان بن علی والی بصره، شدند.

داوود که فردی خشن بود، در ابتدای ورود به مدینه در رویارویی با امام صادق(ع) برای جلوگیری از ادامه کار ایشان و کنترل مدرسه علمی بسیار کوشید.

- قاضی کوفه، ابن ابی لیلی بود. او که در گذشته نیز قاضی کوفه بود، در منصب خود ابقا

ص: ۸۳

شد.

- کشته شدن خالد بن سلمه کوفی قرشی، از فقهای عامه که ناصبی مسلک و طرفدار امویان بود، او استاد سفیان ثوری، فقیه بزرگ آن عصر بود.

- کشته شدن عبیدالله بن ابی جعفر مصری، از فقهای اموی مسلک که او نیز در مصر کشته شد.

- سفاح پس از استمرار خلافتش، چون گرایش های ابومسلمه خلال مهم ترین داعی عباسیان در کوفه و عراق را به علویان می دانست، او را کشت.

۱۳۳

- عباسیان پس از به دست آوردن خلافت، با اینکه با شعار «الرضا من آل محمد» قیام کرده بودند، به جای گرایش های شیعی، به مکتب فقهی و کلامی عامه و حقانیت خلفای سه گانه رو آوردند.

آنها به تدریج به والیان خود در عراق و حجاز دستور نظارت و کنترل و حتی نابودی جریان های شیعی و علوی (زیدی) را دادند.

- مرگ ناگهانی داوود، والی حجاز سبب وحشت عباسیان و سست شدن آنها در درگیری مستقیم با امام و شیعیان شد.

دومین والی عباسی، دایی سفاح، عبیدالله حارثی بود که پیش تر نیز والی عراق بود. وی همچنین منصب امیرالحاج را بر عهده داشت.

۱۳۴

- سفاح پس از استمرار خلافتش، مرکز خلافت را از کوفه که اینک آشکارا گرایش های شیعی غالب داشت، به شهر هاشمیه در نزدیکی شهر انبار عراق منتقل کرد.

- والی جدید مدینه، زیاد بن عبیدالله حارثی، با مأموریت کنترل و مراقبت شدید علویان به امارت مدینه منصوب شد.

۱۳۵

- مرگ داوود بن حصین المدنی، مهم ترین شاگرد عکرمه بن ابی جهل که به فرقه شراه گرایش داشت و از خوارج بود و مالک بن انس و جمعی دیگر شاگرد او بودند.

۱۳۶

- درگذشت ربیعہ الرأی، از مهم ترین علمای پایه گذار روش رأی و قیاس که ابوحنیفه، شاگرد و ادامه دهنده راه او بود.

- اولین سفر حج منصور - ولی عهد عباسی - پس از قدرت گیری عباسیان برای بررسی امور شیعیان و علویان حجاز. در این سفر به جز نفس زکیه و ابراهیم، پسران عبدالله محض، همه علویان و امام با او دیدار کردند.

- مرگ سفاح در آخر این سال و به خلافت رسیدن منصور.

- منصور به تصریح خود و تأکید مورخان، در روش سیاسی و حکومت داری، هشام بن

۱۳۷

- وحشت منصور از قدرت ابومسلم خراسانی و اجرای نقشه کشتن و نابود کردن او.

- به راه افتادن قیام سنباد در خراسان، به انتقام قتل ابومسلم و مشغول شدن منصور به دفع این شورش تا پایان این سال. بدین سبب وی نتوانست متعرض علویان شود.

۱۳۸

- شورش بزرگ خوارج در موصل و جزیره.

۱۳۹

- منصور پس از سرکوب شورش ها، جنگ بارومی ها را تعطیل کرد و با همه توان، متوجه مسئله علویان شد. از این سال، اولین برنامه او اعزام جاسوس های پیاپی به اسم شیعیها زیدی های خراسانی به مدینه، برای نفوذ در علویان (زیدی) یا شیعیان است.

- در این سال، منصور دستور داد مسجدالحرام را توسعه دهند و پیرامون آن را بازسازی کنند.

۱۴۰

- منصور، عبدالجبار بن عبدالرحمان را والی خراسان کرد و او شماری از سرداران لشکر خراسان را به اتهام گرایش های علوی کشت یا زندانی کرد.

- سفر حج منصور و دستور به احضار و بیعت گیری اجباری از علویان در مدینه، هنگام رفتن به مکه در مسیر بازگشت از مکه به قتل امام و نفس زکیه مصمم شد. پس از بازگشت به جای مدینه، در ربنده و در راه عراق اقامت کرد و دستور داد امام و علویان را حاضر کنند.

سرانجام او از کشتن امام منصور شد، اما همه سادات حسنی را در مدینه زندانی کرد. سپس منصور به بیت المقدس رفت و از آنجا به کوفه بازگشت.

- منصور به جای کوفه، شهر هاشمیه در نزدیکی کوفه را پایتخت خود قرار داد.

- مرگ ابوحازم سلمه بن دینار، از عالمان و مفتی های مدینه که در زمان مروانیان در حزب آنها قرار داشت و به آنها متمایل بود.

- راوندیان خراسانی در هاشمیه، پایتخت منصور، قیام کردند. آنها به الوهیت منصور و غلو درباره او معتقد بودند. از این رو، در هاشمیه به پرستش منصور روی آوردند و مزاحم دیگر مسلمانان شدند. از این رو، منصور همه آنها را کشت و سرکوب کرد.

- منصور از این سال به بعد سعی کرد با اعزام افراد یا گروه های آشکار و پنهان و حتی در قالب جاسوس هایی با نام شیعیان خراسانی به مدینه، به شناسایی و دستگیری نفس زکیه پردازد، امام همواره ناکام ماند.

- در این سال، زیاد بن عبیدالله، والی مدینه، به اتهام بی کفایتی و سستی در دستگیری نفس زکیه، عزل شد و محمد بن خالد بن عبدالله، جای گزین او گشت. او به جست و جوی خانه به خانه در مدینه پرداخت و حتی رشوه های کلان به افراد گوناگون یا جاسوس ها داد تا

سرنخی به دست آورد، ولی او هم ناکام ماند.

منصور پس از احضار امام، به همراه فرزندش، برای به شهادت رساندن ایشان تلاش کرد. یک بار اسماعیل - احتمالاً به تصور اینکه او جانشین بعدی امام خواهد بود، همان گونه که نزد برخی شیعیان شایع شده بود - را به همراه مجرم دیگری احضار کرد تا کشته شوند که اسماعیل به دعای امام نجات یافت و سالم به منزل پدر بازگشت.

۱۴۳

- به تصریح ذهبی، از این سال (۱۴۳ ه. ق) برخی عالمان عامه، همانند ابن جریح (م ۱۴۹ ه. ق) و محمد بن اسحاق (م ۱۵۱ ه. ق) و مالک بن انس (۱۷۹ ه. ق) برای اولین بار تدوین و کتابت حدیث (عامه) را آغاز کردند.

نکته: محمد بن اسحاق، مورخ و از شیعیان و شاگردان باقرین (ع) و مقبول عامه بود، اگرچه او دارای نزاعی طولانی و تاریخی با مالک بن انس رهبر فقهی عامه در حجاز بود.

۱۴۴

- دومین سفر حج منصور، در دوران خلافت خود بود. در این سفر، والی جدید مدینه را بسیار مؤاخذه کرد؛ زیرا با صرف اموال بسیار در مأموریت خود ناکام بود و او را عزل و ریاح بن عثمان مری را به جای او نشانند.

- در این سفر، منصور، مالک بن انس و محمد بن عثمان، از فقهای کوفه را نزد عبدالله محض فرستاد تا او را به تسلیم فرزندانش راضی کنند، ولی آنها ناکام بازگشتند.

- مرگ عمر بن عبید معتزلی، دومین رهبر مهم معتزله. او با وجود بیعت اولیه اش با زیدیه و نفس زکیه در اواخر خلافت مروانی، حاضر به همراهی آنها نشد و از پیوستن معتزله به زیدیه جلوگیری کرد.

- مرگ ابن شبرمه از عالمان عامه در کوفه و اولین قاضی کوفه در زمان منصور که پس از مدتی، منصور بر او خشم گرفت. سرانجام او به خراسان فرار کرد و در این سال درگذشت.

۱۴۵

- منصور با مشاهده فضای نیمه شیعه شهر کوفه، پس از مکان یابی و با انتخاب منطقه بغداد، شهری برای ساختن پایتختی جدید طراحی کرد که با جذب بناها و معماران از سراسر جهان اسلام، ساختن این شهر آغاز شد. در این طرح، قصر منصور به منزله مرکز شهر قرار گرفت و بنایی به نام قبه الخضرا به صورتی بزرگ و با شکوه ساخته شد تا مردم با سیاحت آن به زیارت کعبه نروند. تعداد معماران و بناهای بغداد صد هزار نفر بود.

- به دستور منصور، ابوحنیفه، مأمور محاسبه و بازرسی بناها بود.

- قیام ناگهانی محمد و ابراهیم سبب وحشت منصور شد و لشکری بزرگ به فرماندهی عیسی بن موسی، والی عراق به حجاز فرتاد.

- در مدت قیام محمد و ابراهیم، منصور دستور داد کوفیان لباس سیاه بپوشند که شعار عباسیان بود؛ زیرا باید بیعت عملی می کردند و هر کس نافرمانی می کرد، کشته می شد.

- در ماه شوال این سال، یک ماه پس از شهادت نفس زکیه، سپاهیان در مدینه شورش کردند و چند روز شهر دست خوشغار

توانامنی شد. والی شهر فرار کرد. سرانجام مردم به رهبری این ابی سیره، از عالمان شهر، بر اوضاع مسلط شدند.

- پس از شکست قیام نفس زکیه، والی جدیدی مدینه، عبدالله بن ربیع حارثی، بر عالمانی که با نفس زکیه همکاری کرده بودند، سخت گرفت، از این رو، برخی زندانی شدند و افرادی همانند مالک بن انس، تازیانه خوردند. برخی نیز فراری شدند و در غربت مردند، همانند ابن شبرمه قاضی کوفه.

۱۴۶

- در طول قیام محمد و ابراهیم، ضمن اینکه معتزله از آنها کناره گرفتند، عبدالله بن عون، از عالمان بصره و شاگرد حسن بصری که سابقه استغفار طلبی برای حجاج بن یوسف ثقفی را داشت و طرفدار قعود و سکوت بود، بصریان را به یاری نرساندن به ابراهیم فراخواند.

- منصور پس از شکست قیام ابراهیم، به والی بصره دستور داد خانه آنهایی را که با ابراهیم همراهی کرده بودند، خراب کند و چون سستی ورزید، او محمد بن سلیمان را والی جدید بصره کرد. او نیز خانه های بسیاری را ویران ساخت و نخل های آنان را قطع کرد.

- پس از شکست ابراهیم، منصور به سبب تمایل و حمایت ابوحنیفه از قیام، بر او خشم گرفت و وی را زندانی کرد و به روایتی او تا سال ۱۵۰ هـ. ق که درگذشت یا مسموم شد، در زندان منصور بود.

منصور پس از سرکوب قیام علویان، با جدیت ساختن بغداد را پی گرفت و در این سال قسمت عمده آن را به پایان رساند و پایتخت را از هاشمیه، نزدیکی کوفه، به بغداد منتقل کرد.

- عزل عبدالله بن ربیع حارثی، والی مدینه به سبب سخت گیری بر علمای مدینه و انتصاب جعفر بن سلیمان به جای او.

- امیرالحاج نیز عبدالوهاب بن ابراهیم بود. منصور در این سال کوشید عالمان حجاز و عراق، به ویژه مالک بن انس را در حجاز و نیز شاگردان ابوحنیفه را در عراق جذب کند.

- منصور پس از شکست علویان، اموال سادات بنی الحسن و علویان را در مدینه و حجاز مصادره کرد و تا زمانی که زنده بود، تجارت از سمت دریای سرخ را با اهل مدینه ممنوع کرد.

۱۴۷

- منصور پس از سرکوب شدید علویان در حجاز و عراق کشتار جمعی آنها در زندان و انتقال پایتخت به بغداد، کوشید ولی عهدی را از عیس بن موسی (والی عراق و قاتل نفس

ص: ۸۷

زکيه) بگيرد و آن را برای پسرش، مهدي عباسی قرار دهد.

- در پایان این سال، منصور دوباره برای سامان دهی امور حجاز به سفر حج آمد. در این سفر بار دیگر قصد شهید کردن امام را داشت، اما با توسل غیبی امام، ایشان دوباره نجات یافت. در همین سفر، منصور به جذب و دل جویی دوباره از مالک بن انس پرداخت.

- در این سال ها، منصور پس از تثبیت اوضاع سیاسی و ایجاد شهر جدید بغداد، کوشید از یک سو، نهضت ترجمه را با جذب دانشمندان علوم مختلف راه اندازد و از سوی دیگر، با همکاری عالمان عامه، مذهب رسمی خلافت را نوعی از مذهب اهل سنت غیر اموی و تلطیف شده قرار دهد.

۱۴۸

- منصور در آخرین گام پس از سرکوب ها و جنایت های بسیار، سرانجام تصمیم تاریخی خود درباره شهادت امام را به دست والی-اش در مدینه اجرا کرد.

- در گذشت ابن ابی لیلی، فقیه کوفه که ۳۳ سال قاضی امویان و عباسیان بود.

- منصور هنگام اجرای طرح شهادت امام به دست والی مدینه از او خواست به شدت منزل امام و اخبار آنجا را کنترل کند و به مجرد آشکار شدن جانشین امام، او را نیز بی درنگ به شهادت برساند.

وجود مشارکت بیشتر عالمان فکری و فقهی عراق و حجاز با زیدیه، با گذشت و تساهل و تسامح با آنها، به روش هایگوناگون، در جذب و گسترش آنها (مالک بن انس) و شاگردانشان (ابویوسف، شاگرد مهم ابوحنیفه) کوشیدند. همچنین با کمک آنها، فرقه هایفقهی (مالکی و حنفی) و کلامی (معتزله و اهل حدیث) را برای اهل سنت ساختند، البته با رویکردهای معتدلانه و پالایش شده از اندیشه هایخشن و تعصب آمیز که امویان و مروانیان ایجاد کرده بودند، به گونه ایکه توانستند با یاری آنها به ویژه با توجه به تقویت این دو اصل که مقبول آنها بود (اصل لزوم پذیرش مطلق ولایت حاکم و اصل عدم جواز خروج و قیام بر خلیفه و حاکم، حتی در صورت فسق و فجور)، خلافتی تاریخی و طولانی را برای خود رقم بزنند.

این دگرگونی در جامعه باطل، به مرزبندی تاریخی و رسمی جامعه اسلام عامه از جامعه شیعه منجر شد. همچنین مراقبت فراوان امام برای جلوگیری از تأثیر اندیشه ها و جریان ها و هیجان های زیدیه بر جامعه شیعه سبب شد تا در آستانه برپایی خلافت عباسی، جامعه در حال

ص: ۸۸

شکل‌گیری شیعه با هویت مستقل و غنی، از نظر مبانی فکری و فرهنگی و علمی پدید بیاید.

۲. امام صادق(ع) و توسعه‌بخشی و کاربردی‌سازی سبک زندگی تقيه‌محور

۲. امام صادق(ع) و توسعه‌بخشی و کاربردی‌سازی سبک زندگی تقيه‌محور

در این دوران که خشونت و قدرت طلبی عباسیان با شتاب شروع شد، امام صادق(ع)، زندگی اجتماعی بر محور تقيه را در برنامه و روش کلی زندگی شیعی خود قرار داد. البته تفاوت بنیادی تقيه در این دوران با دوره‌های گذشته که تفصیل و توضیح بیشتر آن در فصل پایانی خواهد آمد، در این بود که در گذشته به سبب باطل بودن و فاصله فراوان و مرزبندی اسلام و نفاق، تقيه به معنای جدایی کامل جامعه شیعه از نظام حکومتی، اداری، اجتماعی و روانی، با حفظ و رشد پنهانی بود و به اصطلاح از گونه‌های تقيه، فقط تقيه حفاظتی کانون توجه بود. در اوضاع جدید با توجه به دگرگونی‌های سیاسی و حتی اجتماعی و آگاهی امام از طولانی بودن زمان این دوره و خلافت، امام به تعریف سه جایگاه از تقيه - تقيه حفاظتی، تقيه نفوذی، تقيه جذبی و توسعه‌ای-(۱) پرداخت و کوشید از این سه مرحله، دست کم دو مرحله حفاظتی و نفوذی را اجرا کند.

۳. مدیریت فعال امام صادق(ع) و طراحی نظام اجتماعی جدید شیعی

۳. مدیریت فعال امام صادق(ع) و طراحی نظام اجتماعی جدید شیعی

خلافت نوبنیاد برای به دست آوردن پایگاه اجتماعی، در نوعی ساختارشکنی تاریخی صد ساله در درون نظام عربی از نظر اجتماعی و اسلام مبتنی بر اندیشه خلفا از نظر فکری، به جهان اسلام ایرانی-خراسانی متوسل شد. البته لشکر ابومسلم شامل ایرانیان خراسانی و عرب‌هایمقیم خراسان - اعراب فتوحات - بود. به هر حال، پس از قیام شیعی مختار، این نخستین باری بود که رسماً در میان اهل سنت، جامعه اسلامی غیر عرب به جای شهروند درجه دو، همانند مسلمانان عرب شمرده می‌شد.

این اتفاق سبب شد فاصله فراوان و تاریخی و مرزبندی اجتماعی عرب و عجم، به

ص: ۸۹

۱- در این زمینه نک: درس‌هایی از انقلاب، علی صفایی حائری، کتاب تقيه، ص ۱۶۶.

معنای وسیع ایرانی و غیرایرانی، به تدریج از میان برود و شرایط برای حرکتی گسترده از آمیزش و امکان رفت و آمدها و پیوندهای بزرگ عرب و غیر عرب، در جهان اسلام فراهم شود.

همچنین خلافت عباسی پس از استقرار و درک لزوم قرار دادن پایتخت در عراق - نه در حجاز، شام یا ایران - به منزله کانون جغرافیایی و جمعیتی جهان اسلام و خاورمیانه دریافت که کوفه به سبب غفلت های تاریخی مروانیان و گرفتاری های سیاسی - نظامی عباسیان، چنان رنگ شیعی گرفته است که دیگر برای حاکمیت عباسیان جایگاه مناسبی نخواهد بود. از این رو، با هدف جمع آوری و نظام بخشی جمعیت های همگن و هم سوی سیاسی، نظامی، علمی و اجتماعی مطلوب خود، شهر بغداد را برپا کرد. با ایجاد بغداد، مهم ترین و دومین تحول اجتماعی در عراق و جهان اسلام رخ داد. بدین گونه عقب نشینی تاریخی اندیشه و جامعه غیر شیعی از مناطق و شهرهای شیعی صورت گرفت. این چنین است که برآیند پنهان دو تصمیم تاریخی و قهری عباسیان، در بلندمدت به سود جامعه و جغرافیای شیعه تمام شد؛ یعنی پیدایش کوفه ای با جمعیت غالب شیعی و امکان دسترسی آسان به جامعه هایی با گرایش های شیعی در ایران، به ویژه شهر قم که تنها شهر شیعی در حال پیدایش این سال ها بود و خراسانیانی که گرایش های شیعی و علوی داشتند.

۴. فرهنگ سازی امام برای جامعه شیعه

۴. فرهنگ سازی امام برای جامعه شیعه

در این سال ها، خلافت عباسی که همواره در ترس و وحشت از امام و برنامه هایش و ائتلاف احتمالی اش با جریان زیدیه به سر می برد، در اضطرابی پنهانی و بی سابقه در طول تاریخ اهل بیت؟ عهه؟، چندین بار امام را از مدینه به کوفه و حتی بغداد فراخواند و گاه امام به اقامت چند ماهه آزاد یا نیمه آزاد در کوفه ناچار می شد بپردازد.

این موضوع از نگاه ظاهری، لایه انفعالی در زندگی امام است، اما با نگاهی تحلیلی و

مدیریت فعال امام در فرصت های تاریخی، امکان مدیریت و طراحی فرهنگی و آسیب شناسی جامعه شیعه از نزدیک و به سازی الگوی اجتماعی شیعه، برای امام فراهم می آمد. در این سفرها بود که امام، فرهنگ زیارت کربلا و نجف را برای جامعه شیعه طراحی و نهادینه کرد و توسعه داد یا روابط اجتماعی شیعه را با همدیگر و دیگر گروه های اسلامی برای جامعه در حال پیدایش، تبیین و اجرایی کرد و برای مدیریت اجتماعی، به طراحی سازمان و کالت در مرحله اولیه اش پرداخت. امام، جامعه شیعه را که به جای جوامع احساسی و قبیله ای گذشته که زیر فرمان و مدیریت رئیس های قبایل بودند، به جامعه ایمانی محور با مدیریت شخصیت های علمی و فرهنگی شیعه تبدیل کرد. بدین گونه، جامعه شیعه از جامعه ای قبیله محور به جامعه شهرنشینی با رهبری فرهیختگان دینی تبدیل شد.

نمونه ایاز نکته هاو ایده های اجمالی در این دوره تاریخی چنین است:

- امام و ایستادگی در برابر مطالبه قیام از ایشان، به دست زبیده به سبب فراهم نبودن شرایط اجتماعی برای قیام؛
- امام و سفارش به شاگردان خاصش برای ایجاد حرکتی گسترده در نگارش و دسته بندی و نظم بخشیدن به احادیث و معارفی که از ایشان و امام باقر(ع) آموخته بودند و نگارش تدریجی اصول اربع مائه (کتاب هایی چهارصد گانه اولیه شیعه)؛
- امام و مدیریت غیبی برای خاص خود برای دنیا و آخرت (نک: فصل آخر)؛

امام و برپایی مناظره های گسترده فقهی، کلامی و علمی با جریان های گوناگون و فرقه های گوناگون اسلامی غیر اسلامی با رویکرد دینی علمی.

جمع بندی و نگاهی کلی به فصل ۱

اشاره

جمع بندی و نگاهی کلی به فصل ۱

مطالعه تاریخی براساس خط زمانی (۱) می تواند یک لایه یا چند لایه و به صورت موازی و چند سطحی باشد. در جدول خط زمانی این فصل، تلاش شد خط زمانی در سه لایه سفید،

ص: ۹۱

خاکستری و سیاه بررسی شود که گاه در هر بخش، خود دو یا سه خط موازی داشت. اینک پس از آشنایی اجمالی با این دوران، شاید مناسب باشد برای تجربه و فهم بهتر و بیشتر برخی رویدادها و جریان‌ها، خط زمانی برخی جریان‌ها را دوباره و به صورت مستقل و اجمالی بررسی کنیم تا پژوهشگران رسانه‌ای و برنامه‌سازان در مقام فهم بهتر روابط و بازتاب‌های متقابل به درک جامع‌تری از روش خط زمانی جامع زندگی امام صادق(ع) برسند و نیز در جایگاه ایده‌یابی در مقام کشف ایده‌های خردتر و بسیط‌تر، امکان استفاده بیشتری از الگوی خط زمانی را در برنامه‌سازی‌ها داشته باشند. از این رو، در این مرحله، برخی جدول‌ها و نمودارهای، فهرست‌وار، دوباره بازخوانی می‌شود:

۱. خط زمانی حق و باطل با رویکرد فلسفه تاریخی و بازشناسی نقش امامت امام صادق(ع) در کانون آن.

۲. برای بازشناسی بهتر و تحلیل کامل‌تر از امامت امام صادق(ع) به جای نگاه گسیخته و مستقل به قبل و بعد تاریخی و اجتماعی این دوران باید به این دوران در قالب نوعی جریان پیوسته تاریخی و مقطعی نگریست. از این رو، برای دریافت بهتر و بیشتر این فرازمهم که چیستی آن جریان پیوسته است، به ناچار باید به جریان تاریخی حق و باطل و سپس بزرگ‌نمایی دوران امامت امام صادق(ع) در میان این جریان تاریخی نگاهی موازی داشت تا حقیقت مکتب جعفری که برخاسته از این دوران مهم است، بهتر دریافت شود. از این رو، در این بخش در قالب چند نمودار خط زمانی اجمالی که در نهایت به نمودار خط زمانی نسبت تاریخی امام با کلیت تاریخ می‌رسد، به تحلیل زندگی و دوران رهبری امام می‌پردازیم:

الف) نمودار ادوار تاریخی حق از هبوط تا پایان تاریخ، از دیدگاه اسلام شیعی

الف) نمودار ادوار تاریخی حق از هبوط تا پایان تاریخ، از دیدگاه اسلام شیعی

رهبری کلان جبهه توحید به دست پیامبران اولعزم و تلاش برای آشنا سازی تاریخی جامعه هایتوحیدی که رو به تکامل می رفت که نقطه اوج آن، تلاش یک هزار ساله برای ایجاد تمدن توحیدی به دست بنی اسرائیل و زیر نظر انبیا بود که سرانجام ناکام ماند.

دین حق، کامل و جامع که سبب ختم وحی و رسالت می شود.

تلاش برای تمدن سازی توحید دین خاتم در جامعه جاهلی عرب، به منزله اعجاز تاریخی - اجتماعی پیامبر اسلام.

عاشورا که محصول دسیسه نفاق با همکاری همه دین ها و جریان های باطل است، سبب تعریف هویت متمایز و بیمه شده حق شده است که بازتاب آن، متمرکز شدن امامان معصوم بر جامعه سازی ویژه حق، جدا از اکثریت باطل در جهان اسلام است.

این گونه است که تجلی اولیه دین خاتم در جامعه شیعه و در مدیریت پیوسته و تاریخی و مستقیم معصومین، به دو و نیم قرن ایجاد و تثبیت شد.

آخرین ولی معصوم عجل الله تعالی فرجه الشریف با توجه به داشتن رسالت اجرا و تحقق جهانی دین حق و آماده نبودن جهان اسلام به پس پرده غیبت رفت، ولی با مدیریت غایبانه به دست چهار نایب خاص

خود کوشید جامعه شکل گرفته شیعه را با دوران جدید و اصول زندگی غایبانه آماده سازد.

غیبت کبرا، یعنی حرکت موازی دو جبهه و جامعه تاریخی حق و باطل.

جامعه باطل در اوج ظهور و غلبه و تجربه گری است، به گونه‌ای که این جامعه پس از تجربه همه ادعاهایش در تمام حوزه هایعلوم انسانی و غیر انسانی، سرانجام بشر را با بحران هاو نابودی ها و تحیرها روبه رو می کند و در نقطه پایان، بخش مهمی از جامعه جهانی- مسلمان و غیرمسلمان - از دنباله‌روی تاریخی آنها خسته می‌شوند و به جست‌وجوی جریان حق آسمانی می‌شتابند.

جامعه حق شیعه زیر نظر مدیریت ترکیبی- پنهان امام غایب و آشکار نواب عام - بدون شتاب و حساسیت‌سازی، در روندی تاریخی و طبیعی و آزمودن تمام بحران‌ها و شرایط، به بلوغفکری، فرهنگی، اجتماعی و سیاسی خود می‌رسد؛ به گونه‌ای که ظرفیت آماده سازی و جذب جهانی را در دوران ظهور به دست می‌آورد.

به معنای مصاف تاریخی و نهایی حق با باطل و شکست تاریخی باطل و فراهم شدن شرایط برای تحقق دین جامع و کامل حق بر سراسر گیتی.

به معنای بازگشت مؤمنان تاریخی و ایجاد بهشت زمینی برای همه مؤمنان سراسر تاریخ.

در دوره هایتاریخی پیامبران، هدف تاریخی کلان ترسیم شده از سوی پروردگار، نزول تدریجیدین حق و تلاش تاریخی و مرحله ای جبهه حق برای جامعه سازی بود. در این دوران، جبهه حق در جهت رشد و توسعه کمی باطل، به رشد کیفی خود پرداخت. در دوران امامان معصوم؟عهمما؟، پس از نزول دین جامع و کامل حق که با همه ابعاد وجودی نیازهای انسانی هم‌راستا بود، امامان عهده دار اجرایی عملی دین حق در گستره جغرافیایی و جهانی شدند. البته این مهم در مثلث - دین حق، رهبری حق و ایجاد جبهه جهانی حق به تحقق ضلع سوم بستگی داشت که متمایل شدن تدریجی اراده انسان‌ها به سوی حق است.

ازاین رو، سراسر دوران امامان معصوم؟عهمما؟، تا آغاز ظهور، به مدیریت جامعه سازی برای دین جامع و کامل حق و معطوف سازی آزادانه و آگاهانه اراده هایانسانی به سوی بهشت زمینیحق در پایان تاریخ بستگی دارد.

(ب) ادوار تاریخی امامت یازده امام

با این نگاه، دوره های امامت امامان معصوم؟ عهدهم؟، پس از غضب غم‌انگیز خلافت در نخستین گام و در تلاشی پنجاه ساله، در پی بازگرداندن جهان اسلام به سوی حکومت حق بود، ولی پس از رخ دادن قیام خون بار عاشورا، به ناچار جبهه حق از جامعه اسلامی روی گرداند؛ جامعه ای که بر شیوه باطل خود پافشاری می کرد. ایشان برای جامعه سازی مستقل و تعریف شده (اقلیت حق، در بطن و میانه جامعه اسلامی، با کمک فرهیختگان و فطرت های بیدار حق طلب و عدالت خواه کوشیدند. بدین گونه تا آغاز غیبت صغرا و کبرا - برخلاف قطع و سکوت ناگهانی ارتباط آسمانی و مدیریت پنهانی اولیای حق در جامعه اسلامی، پس از درگذشت پیامبر از دیدگاه اکثریت حاکم - در دوره ایدویست ساله، جامعه شیعه به تدریج و با صبر و حوصله، دوباره بنیان گذارده و بر بنیاد واقعه های بیعت، غدیر و عاشورا تعریف شد.

ج) ادوار تاریخی باطل از هبوط تا پایان تاریخ (طراحی تاریخی ابلیس در برابر حق)

ج) ادوار تاریخی باطل از هبوط تا پایان تاریخ (طراحی تاریخی ابلیس در برابر حق)

آدم(ع)

به هبوط کشاندن آدم و حوا از بهشت به زمین و گمراه کردن و تفرقه افکنی میان فرزندان آدم.

نوح(ع)

تلاش برای گمراه کردن نخستین جوامع و قرار دادن آنها در برابر انبیا با سلاح شرک و کفر.

ابراهیم(ع)

در کنار طرح آسمانی ایجاد امت توحیدی بنی اسرائیل، ایجاد دین باطل در برابر دین حق و ناکام-سازی تمدن و حق سازی یهودیان.

پیامبر اسلام؟ ص؟

مقاومت با سلاح شرک و کفر و دین-های باطل در برابر نزول و تحقق دین کامل خاتم و در نهایت بر پا کردن جریان نفاق حضور امامان تا عاشورا

به قدرت رساندن منافقان و تلاش برای حذف فیزیکی و نابودی کامل دین و رهبری حق.

عاشورا

تلاش برای محو کامل حق، اما ناکام ماندن و از جبهه حق شکست تاریخی خوردن.

از عاشورا تا عباسیان

تلاش برای انزوا و طرد اجتماعی حق و احیای نظام فکری و اجتماعی مروانیان-امویان اصلاح شده و ناکامی در این هدف.

از عباسیان تا ظهور

در راستای جامعه سازی مکتبی حق و پیشرفت-های تدریجی آن و رشد اجتماعی آگاهی های اجتماعی آگاهی های انسانی؛ سعی در جامعه سازی و تمدن سازی پیوسته و فراوان باطل تا هنگامی که در جامعه جهانی، زمینه برای پذیرش داشته باشد و استفاده از آن در برابر ظهور تاریخی حق و عقب انداختن ظهور.

(د) بررسی تطبیقی حق و باطل در دوران زندگی و امامت امام صادق(ع)

(د) بررسی تطبیقی حق و باطل در دوران زندگی و امامت امام صادق(ع)

حق

بازتاب تاریخی عاشورا، بیمه مکتب تکامل یافته در برابر خطر نابودی است، البته جهان اسلام در عاشورا نشان داد که امیدی به

اصلاح و تحول در آن نیست. از این رو، باید در نهان طرح جدید جامعه حق را پایه گذاری کرد.

۸۳-ه. ق امام سجاد(ع)؛

۹۵-ه. ق امام باقر(ع)

تفاوت فراوان جامعه حق از باطل، مبتنی بر بنیان دانش و فرهنگ محوری و آسمانی بودن آن است، چنان که در جایگاه پی ریزی مکتب تربیت نسلی متخصص و دانشمند، برای برپایی و بلوغ جامعه شیعه ضروری بود و امام صادق(ع) در زمان درگیری داخلی باطل به پی ریزی مکتب حق بر بنیان دانش و فرهنگ آسمانی پرداخت.

۱۱۴-ه. ق امامت در دوره مروانی

ص: ۹۶

در این زمان هم راستا با تلاش‌ها برای نوزایی سیاسی، اجتماعی و فرهنگی، امام کوشید با یاری نخستین و دومین نسل از دانش‌آموختگان دانشگاه‌ها هلیت؟ عهم؟ در شهرها و مناطقی که به تدریج به کانون‌های اولیه جغرافیای شیعه می‌پیوستند، جامعه حق را مبتنی بر ایمان، علم و عمل صالح بنیان گذارد.

۱۳۲ ه. ق امامت در دوره عباسی

۱۴۸ ه. ق شهادت

باطل

به ظاهر مروانیان در این دوران در اوج اقتدار و ثبات هستند، ولی دو قیام بزرگ در عراق، آن هم از سوی جریان‌های داخلی اهل سنت نشانه بحران‌های داخلی جامعه و حکومت بود؛ به گونه‌ای که جریان خلافت اموی- مروانی در دوره‌ای کوتاه (عمر بن عبدالعزیز) ناچار شد ژست اصلاح‌طلبی و دین‌داری بگیرد؛ البته بدون همراهی گسترده بیرونی عالمان و بی‌تحمل بودن دستگاه خلافت و خاندان مروانی با این شرایط جدید و بازگشت به شیوه گذشته، سبب آشکار شدن نهایت فساد و فروپاشی امویان شد. تنها عامل حفظ اقتدار ظاهری آنها، استمرار فتوحات بود.

در این دوره، خلفای مروانی چنان به فساد آشکار روی آوردند و نیز اختلافات فیله‌های عرب طرف دار مروانیان، چنان خلافت را به ابتذال کشانده بود که با قیام زید روبه‌رو شدند. این قیام شکست خورد، اما چنان موجی از نارضایتی در جهان اسلام به پا کرد که عباسیان کوشیدند با شعارهای فریبنده بازگرداندن خلافت به اهل بیت پیامبر و برپایی عدالت و رفع تبعیض نژادی میان عرب و عجم، با برانگیختن احساسات ایرانیان، قیامی بزرگ را هدایت کنند. بدین گونه جریان تازه‌ای از باطل کوشید با مصادره شعارهای مقدس متولد شود.

بنی عباس با شعارهای فریبنده به قدرت رسید. ولی پس از تثبیت شرایط، نشان داد شعارها برای نوزایی و احیای خلافت باطل، متناسب با دگرگونی‌های جامعه و پیشرفت زمانه بوده است.

در ابتدا این اعلان نوزایی باطل، با قیام بزرگ علویان و همراهی طیف گسترده‌ای از عالمان روبه‌رو شد، ولی سرکوب شدید قیام‌های علویان و جذب عالمان عامه با شیوه‌های گوناگون سبب شد با همکاری متقابل خلافت و عالمان عامه، تعریفی جدید و معتدل و ماندگار از اسلام رسمی ارائه شود تا در امتداد قرن‌های آینده بتواند طرحی منسجم از دین علیه دین ارائه دهد.

امام در امتداد جریان تاریخی حق و ناظر به چشم‌انداز آینده می‌کوشید با آگاهی و زمان‌شناسی مناسب از شرایط در حال تحقیق، به پایه‌گذاری جامعه حق یاری برساند. البته این پایه‌گذاری برخلاف پایه‌گذاری‌های جامعه‌های سیاه یا خاکستری بود که بر اساس زور و تزویر

یا استفاده از فرصت‌ها و هیجان‌های موقت و بدون بنیادهای لازم است، بلکه این بنیان‌گذاری بر اساس تقیه جامعه شیعه باید با درک قدرت و جایگاه جامعه اسلامی و پرهیز از درگیری و مصافح یا عرض اندام پیش از رسیدن به بلوغ کافی رخ می‌داد و نیز باید به طراحی، پیدایش، رشد و گسترده‌گی کمی و کیفی آگاهانه و عالمانه تدریجی می‌پرداخت.

در این راه، جامعه‌سازی و فرهنگ‌سازی عالمانه و مؤمنانه، اصل اول و سیاست‌زدگیو هیجان‌زدگی اجتماعی، تابوی اول بود؛ زیرا تفاوت جامعه حق با جامعه باطل در این است که در جامعه حق، همه روابط و حد و مرزها باید براساس طراحی آگاهانه و بر دانش و ایمان توحیدی و غیبی مبتنی‌باشد. از این رو، ایجاد و ارتقابخشی به آن با توجه به رخدادهای رویش‌ها و ریزش‌ها در جامعه، امری زمان‌بر خواهد بود.

از این رو، امام صادق(ع) در نخستین گام که بر اساس تلاش‌های تاریخی امام سجاد(ع) و امام باقر(ع) در دوران خلافت رو به زوال مروانی بود، دانشگاه معارف اهل بیت؟ عه‌م؟ را به اوج کمی و کیفی رساند. آن‌گاه با تغییر اوضاع زمانه و جا به جایی سیاسی و اجتماعی قهری و جبری، بدنه اصلی این دانشگاه را در دوره عباسی پی‌ریخت و با کمک دانش‌آموختگان دانشگاه، در مناطق اصلی آنان، بستر جوامع شیعی و بستر اولیه مدارس علمی و حوزه‌های علمیه شیعه را بنیان‌گذار. رسالت امامان؟ عه‌م؟ و عمق‌بخشی به این جوامع و مدارس نوپا در امتداد زمان و مدیریت تاریخی و راهبردی ریزش‌ها و رویش‌ها تا زمان غیبت ادامه دارد. برای فهم بهتر تلاش‌های تاریخی امام در این دوره، در دو گستره خواص و عوام جامعه شیعه بر بسترهای گذشته و ناظر به آینده به نمودارهای بعدی توجه کنید.

خط زمانی مدرسه علمی و دانشگاه صادقین

اشاره

خط زمانی مدرسه علمی و دانشگاه صادقین

زیر فصل‌ها

الف) روند شکل‌گیری دانشگاه و مدرسه علمی امام صادق(ع) و مکتب شیعه جعفری

ب) نمودار خط زمانی مدرسه و مکتب کوفی شیعه در جایگاه نخستین مدرسه علمی شیعه:

ج) نمودار خط زمانی وضعیت فکری و علمی شاگردان امام

الف) روند شکل‌گیری دانشگاه و مدرسه علمی امام صادق(ع) و مکتب شیعه جعفری

الف) روند شکل‌گیری دانشگاه و مدرسه علمی امام صادق(ع) و مکتب شیعه جعفری

نیمه اول: زمان پدر

گروه نخست از جوانان کوفه که به تدریج جذب امام باقر(ع) شدند، به گونه ای ثابت و تخصصی از محضر امام باقر(ع) حدیث آموختند.

نیمه دوم: امامت امام صادق(ع)

ص: ۹۸

- برگزاری دوره تکمیلی علمی برای شاگردان نسل اول نزد امام صادق(ع) و شکل گیری نسل اول اصحاب اجماع در تاریخ علمی شیعه و بازگشت تدریجی آنها به کوفه.

به تدریج گروه نخست پس از بازگشت به کوفه، جایگاه اجتماعی خود را در جامعه و در میان قبایل شیعی کوفه یافتند و سبب تشویق جوانان خاندان یا قبیله خود برای مهاجرت به مدینه شدند؛ جوانانی که گاه کلاس های مقدماتی علم را نزد نسل اول گذراندند.

در دوران اموی

- راه افتادن موجی از مناظره های فقهی و کلامی میان شاگردان امام و رهبران فکری فرقه های گوناگون و در نتیجه باور همه فرقه ها به قدرت علمی و فکری مکتب تشیع، به گونه ای که غیر مستقیم، به تثبیت فکری و فرهنگی و اجتماعی شیعه در جهان اسلام منجر شد. همه فرقه های اسلامی - به ویژه از نظر فقهی - از دانش مکتب تشیع به صورت مستقیم یا غیر مستقیم از محضر امام صادق(ع) شاگردان کوفی حضرت بهره گرفتند و استفاده یک سویه کردند بدون اینکه تشیع هیچ گونه نیازی به دانش آنها داشته باشد.

- آشکار شدن تدریجی نشانه های غلو در برخی افراد سست نهاد.

امام در دوران عباسی

به موازات محدودیت و تعطیلی شعبه اصلی دانشگاه امام صادق(ع) در مدینه، این رسالت به تدریج و به ویژه در کوفه بر عهده یاران علمی - به ویژه نسل اول و دوم اصحاب اجماع - واگذار می شود.

در این زمان، امام برای گسترش جامعه و تعداد شیعیان و همچنین مقابله با محدودیت های عباسیان، پایه گذار سازمان و کالت به معنای مرجعیت اجتماعی بخشی به شخصیت های علمی به جای رهبران قبایلی شد.

(ب) نمودار خط زمانی مدرسه و مکتب کوفی شیعه در جایگاه نخستین مدرسه علمی شیعه:

(ب) نمودار خط زمانی مدرسه و مکتب کوفی شیعه در جایگاه نخستین مدرسه علمی شیعه:

اصحاب باقرین پس از گذراندن دوره های کافی دانش آموزی در مدینه و مکه، ضمن مراسم حج در محضر امام به گفت و گو و تمرین مناظره با مدعیان یا مراجعان می پرداختند یا در مسجدالنبی، اولین

کلاس های درسی را برگزار می کردند.

بازگشت تدریجی اصحاب کوفه به کوفی در فضای تقیه که سبب شد اصحاب به تدریج در مسجد کوفه در کنار دیگر فرقه ها، به تدریس حدیث و فقه مقارن و تطبیقی بپردازند. آنها از امام صادق (ع) با عنوان های غیرمستقیم و القاب و کنیه نام می بردند.

هم زمان با تحولات تدریجی و تضعیف مروانیان، اصحاب با علنی کردن نام امام صادق (ع) و مستقل کردن فقه و حدیث شیعه به تدریج به مدرسه علمی شیعه هویت و استقلال بخشیدند.

فزونی شاگردان بازگشته از مدینه و تنوع تخصص آنها در اواخر دوره مروانی، مسجد کوفه را با انبوهی از کرس های درس فقه، حدیث، تفسیر و کلام شیعی روبه رو کرد.

این مدرسه در برخورد با روش فکری رأی و قیاس یا انحراف درونی غلوگری، با آسیب هایی روبه رو بود، ولی با نظارت و مدیریت غیر مستقیم امام از آن آسیب زدایی شد.

در پایان دوره خلافت مروانیان و شروع دوره خلافت عباسیان، این مدرسه ضمن آنکه رسمی و بی نیاز از دیگر مکاتب و فرقه های عامه بود، در موارد فراوانی به تغذیه موردی و گسترده پرسش های فکری رهبران و عالمان عامه می پرداخت. در این زمان با توجه به فراوانی حدیث، به تدریج روش های اجتهادی در حدیث شناسی یا روش کشف اصول از منابع حدیثی در دسترس اصحاب قرار گرفت.

ج) نمودار خط زمانی وضعیت فکری و علمی شاگردان امام

ج) نمودار خط زمانی وضعیت فکری و علمی شاگردان امام

در مدرسه علمی امام صادق (ع)، ابتدا شاگردان متناسب با نیازها از محضر امام دانش و حدیث می آموختند. آن گاه پس از بازگشت و استقرار در منطقه زندگی خود به پالایش و نظام بخشی و مهندسی و معماری اطلاعات فراگرفته، مشغول می شدند. از این رو، زندگی علمی شاگردان حضرت شامل دو دوره مهم بود. در مقطع اول، فراگیری حدیث از امام، فرآیند حدیث آموزی بر اساس دو ویژگی و نیاز بود. نخست، نیازمندی های زیربنایی و طبیعی جامعه شیعه برای تبدیل شدن به مکتبی علمی و فرهنگی؛ نیازمندی برای روبه رو شدن با دیگر فرقه ها و ابطال آنها یا دفع شبهه ها و هجوم های فکری انحرافی و تحریفی آنها.

امام صادق (ع) متناسب با هر دو نیاز کلی و کلان، به جذب استعدادها و تربیت علمی پرداخت، به گونه ای که در چندین مورد، یاران امام در محضر ایشان با ارباب جریان های انحرافی افراد متأثر از آنها مناظره کردند. امام در برابر مردم به توصیف شخصیت و

ویژگی های علمی و فکری یاران خود می پردازد. برای نمونه، تفاوت های تخصصی و روشی هشام بن حکم و حُمران و مومن الطاق و هشام بن سالم و همچنین ... را با یکدیگر بیان کرد.

از دیگر فعالیت های امام، دانش آموزی های ویژه به یارانش در مقام دفع شبهه ها به ویژه کلامی و فرقه ای در این زمان بود که نمونه عالی آن، توحید آموزی تخصصی به شاگردش، مفضل است. با توجه ویژه ای است که امام به تربیت شاگردان کلامی خود، مانند هشام بن حکم یا مومن الطاق داشت.

در دوره دوم نیز اصحاب و شاگردان امام (ع) پس از بازگشت به مناطق تبلیغی خود، به نظام بخشی دانش های فراگیری شده پرداختند. ابتدا این کار مهم در کوفه شروع شد. همزمان با مدرسه بزرگ شیعه در مسجد کوفه، نهضت عمومی نگارش حدیث و تدوین اصول و کتاب های چهارگانه موضوعی آغاز گشت. پس از شکل گیری بغداد و مناطق شیعه نشین در آن، به تدریج، بخشی از این نهضت به مدرسه در حال شکل گیری بغداد منتقل شد.

با این نگاه، نمودار خط زمانی وضعیت فکری و علمی شاگردان امام چنین است:

نمونه ای از نمودارهای اجتماعی شیعه در زمان امام صادق (ع)

اشاره

نمونه ای از نمودارهای اجتماعی شیعه در زمان امام صادق (ع)

زیر فصل ها

الف) جامعه شیعه از جامعه اسمی تا جامعه رسمی و هویت یافته

ب) حضور فعال امام در مراسم سالانه حج و رویدادهای مرتبط با آن

ج) نمودار خط زمانی سفرهای امام و خلفا، دیدارهای ایشان با یکدیگر و بازتاب های اجتماعی آنها

الف) جامعه شیعه از جامعه اسمی تا جامعه رسمی و هویت یافته

الف) جامعه شیعه از جامعه اسمی تا جامعه رسمی و هویت یافته

دوران امام باقر (ع)

کانون تشیع در برخی قبایل کوفه دارای گرایش های شیعی تاریخی و عاطفی بود. با این حال، فشارهای مروانی و فاصله های جغرافیایی، رنگ تشیع را در آنها، در حدی سطحی و عاطفی نگاه داشته بود، به گونه ای که حتی قبایل شیعی مهاجر به قم که پایه گذار اولین شهر شیعی در تاریخ اسلام و تاریخ ایران هستند، حامل تشیع عاطفی اند.

دوره امامت امام در دوره مروانی

تا پیش از قیام زید

جامعه شیعه با وجود ایجاد نهضت علمی و فرهنگی هنوز مرزبندی با جریان های التقاطی و فرقه ای درون گروهی نرسیده بود
و هنوز از فرقه های

ص: ۱۰۱

دیگر شیعی اثر می پذیرفت.

البته موضع گیری قاطع امام در برابر غالیان، شیعه و رهبران آن را از این زمان متوجه خط غلو کرده است تا آن را به عنوان خطری داخلی کنترل کند.

پس از قیام زید

موضع آشکار و قاطع امام در برابر قیام زید و مشخص شدن سیاست های کلی جریان زیدیه که مبتنی بر تفکری التقاطی بود، سبب استقلال کامل اجتماع شیعه از همه جریان ها و فرقه ها شد. همچنین دانشگاه گسترده شاگردان امام در مسجد کوفه سبب تحول فرهنگی اجتماعی مهم شیعه از شیعه عاطفی به شیعه مکتبی انجامید.

در این سال ها، دو جریان موازی ثابت در جامعه شیعه شکل گرفت؛ یکی، مهاجرت های علمی و دانش آموزی چند ساله نزد معصومان و سپس بازگشت به منطقه و نشر و تعمیق تشیع. دیگری، استفاده جامعه و رهبران شیعه از ظرفیت سالانه حج برای پیوند مستمر عاطفی، فکری، سیاسی و اجتماعیو رهنمود گیری مستمر از امام.

این جریان در ابتدا بین کوفه و مدینه آغاز شد، ولی تحت تأثیر شیعیان کوفی به تدریج به تمام جغرافیای شیعه به ویژه قم و دیگر مناطق ایران شیعی سرایت کرد.

دوره امامت در دوره عباسی

جامعه شیعه کوفه پس از انتقال پایتخت از کوفه و ایجاد فضای باز و غالب اجتماعی برای شیعه در کوفه، تحت تأثیر حضورهای مکرر نزد امام به فرهنگ پذیری از طرح های فرهنگ سازی امام برای جامعه شیعه پرداخت. جامعه شیعیان کوفه با پذیرش رهبران علمی و فرهنگی خود، بلوغ فکریو اجتماعی خود را نشان داد و رسماً در آستانه شهادت امام صادق(ع)، کوفه در عراق (با اکثریت شیعی خود) و قم، به دو کانون مهم جغرافیای شیعه تبدیل شد.

(ب) حضور فعال امام در مراسم سالانه حج و رویدادهای مرتبط با آن

(ب) حضور فعال امام در مراسم سالانه حج و رویدادهای مرتبط با آن

حج گزاری، آیینی است با ویژگی های عبادی و سیاسی که مسلمانان را سالی یک بار در خانه خدا گرد می آورد. در به جای آوری این آیین، مسلمانان ضمن سیر و سلوک معنوی و عبادی ویژه و تطهیر نفس و عمل باید درباره مسائل سیاسی، اجتماعی مهم جهان اسلام با یکدیگر گفت و گو کنند و به یاری رهبران بر حق برای تنگناهای عمومی مسلمانان راه چاره ای بیابند. پس از رحلت پیامبر

راسمی برای تجدید بیعت سالانه با خلیفه باطل تبدیل کردند.

در زمان امام صادق(ع) که دوران تحولات مهم در دو جبهه حق و باطل بود، چه در اوج دوران تقیه و قدرت باطل و چه در دوران تضعیف باطل و اوج گیری نشاط جبهه حق، مراسم حج، یکی از عناصر و ابزارهای مدیریت فعالانه سیاسی اجتماعی امام بود. بدین گونه که:

دوران امام سجاد(ع)

در این زمان خفقان و خشونت مروانیان و نومیدی و فساد اجتماعی در جهان اسلام بالا گرفت. امام سجاد(ع) با مناجات و نشان دادن حقیقت این آیین، بسیاری از افراد و گروه های گوناگون را به سوی جبهه حق کشاند و به تدریج، باورها و رفتارهای آنها را دگرگون ساخت.

دوران امام باقر(ع)

امام در فضای باز این سال ها و با حضور جوانان کوفی در حج، افراد با استعداد و دوستدار اهل بیت؟ عهده؟ را شناسایی کرد و کوشید با کمک آنان، مدرسه شیعه را پی بریزد.

در این سال ها، علما از سراسر جهان اسلام برای موسم حج گرد می آمدند؛ علمایی که از زمان وحی، دور و در وادی شک و شبهه و حیرت، گرفتار بودند و یگانه راهنمای آنها امام باقر(ع) بود.

حج، امیرالحجاج مروانی داشت، اما هر سال پس از حضور امام، نگاه ها و دل ها به تدریج با امام گره می خورد و ایشان، امیرالحجاج معنوی مسلمانان بود. این دگرگونی، خشم و حسد هشام خلیفه مروانی را بر می انگیخت. (۱۰۶ هـ - ق.)

ولید، خلیفه مروانی به سال ۸۸ هـ. ق به سفر حج رفت و آثار به جا مانده از اهل بیت را در مکه و مدینه ویران کرد.

امامت در زمان مروانیان

امام به وصیت پدرش، ده سال در منا برای ایشان عزاداری کرد.

پس از به بارنشینی اولین نسل از شاگردان مدرسه اهل بیت؟ عهده؟، ایام حج، فرصتی در خور برای گردهم آیی آنها در پیشگاه امام بود تا دانش خود را بگسترانند، پاسخ شبهه هارادر یابند یا راه چاره ای برای گرفتاری های اجتماعی بیابند.

مراسم حج این سال ها، شاهد اوج تجمع یا فعالیت های سیاسی تبلیغی فرقه ها و گروه های گوناگون کلامی، سیاسی و تبلیغی، چون بنی عباس است. خوارج بارها

برای حج گزار می آمدند و امام در کلام و فقه با آنها مناظره می کرد.

در حج، رهبران شیعه و امام گرد هم می آمدند و جامعه شیعه در برابر یورش جریان های گوناگون انحرافی، چون زیدیه، عباسیان، معتزله، صوفیه، غالیان و...، از امام خود بهره می گرفتند.

امام از شاگردانش می خواست در مناظره های علمی مکه و مدینه به ویژه در ایامحج، حضوری پررنگ داشته باشند.

علمای عراق برای شاگردانی نزد امام، دو سال در حجاز اقامت گزیدند. (۹۲ هـ. ق)

امامت در زمان عباسیان

پس از به خلافت رسیدن منصور، خفقان آغاز شد و امام راه تقیه را در پیش گرفت. مدرسه علمی امام در مدینه تعطیل شد. از این رو، امام و شیعیان مهم ترین پل ارتباطی و امن معرفی شد.

منصور با درک جایگاه حج و بهره گیری امام از آن، بارها به حج رفت، علویان را دستگیر کرد و حضور امام را در اجتماع محدود ساخت. در مقابل، به علمای عامه، چون مالک بن انس، اعتبار بخشید تا بتواند حج را به سود خلافت عباسی مصادره کند.

منصور در سال های ۱۳۶، ۱۴۰، ۱۴۴ هـ. ق، برای مراسم حج راهی حجاز شد.

ج) نمودار خط زمانی سفرهای امام و خلفا، دیدارهای ایشان با یکدیگر و بازتاب های اجتماعی آنها

ج) نمودار خط زمانی سفرهای امام و خلفا، دیدارهای ایشان با یکدیگر و بازتاب های اجتماعی آنها

امام صادق(ع) در دوران زندگی خود خلفای فراوانی را به چشم دید، بیش از دیگر امامان معصوم؟ عهه؟ به سفر رفت و در آن سفرها با خلفای جور رودرو شد. پیش از ایشان، پدران بزرگوارشان به جز چند سفر به حج، سفرهای انگشت شماری داشتند. پس از ایشان نیز بیشتر امامان معصوم به تبعید رفته بودند.

در دوره امامت جعفر بن صادق(ع)، با پی گیری دو هدف از سوی حرکت ها، شمار سفرها فزونی گرفت که این سفرها دو گونه اند؛ نخست، سفرهای حاکمان جور به مکه برای حج و دوم، سفرهای امام به شهرهای دیگر. حاکمان جور در سفرهای گونه نخست می کوشیدند امام را در تنگنا بگذارند و در سفرهای دیگر رفتارها و خواسته های امام را ارزیابی می کردند. فرزند ایشان، موسی کاظم(ع) هنگام بازگشت از زیارت خانه خدا به دنیا آمد. به سخن دیگر، حج

برای امام صادق(ع)، از دوران کودکی تا سال هایپایان عمر، در مقام رهبری جبهه حق، جایگاه ویژه ایداشت، مگر آن گاه که این سفر با مانعی روبه رو می شد، همانند سال ۱۱۴ هـ. ق که پدر گرامی شان، امام باقر(ع)، همزمان با ایام حج آن سال، در بستر بیماری بود تا جان به جان آفرین تسلیم کرد. پس از آن سال، بنا به وصیت پدرشان، به مدت ده سال، همزمان با ایام حج، در منا در ماتم پدر عزاداری کرد.

نمودار سفرهای رهبران حق و باطل به جز سفرهای خانه خدا چنین است:

دوران امامت امام سجاده(ع)

سفر حج ولید بن عبدالملک و مشاهده آثار و مشاهد نبوی و علوی که در بازگشت به بهانه طرح سراسر توسعه مساجد، به نابودی میراث تاریخ اسلامی و اهل بیت (۸۷ و ۸۸ هـ. ق) پرداخت.

دوران امامت پدر

سفر حج هشام (۱۰۶ هـ. ق)

سفر امام باقر و امام صادق؟ عهما؟ به شام (۱۰۷ هـ. ق)

دوران امامت در زمان مروانین

امامت در زمان عباسیان

سفر امام به کوفه و حیره (۱۳۵ هـ. ق)

سفر حج منصور عباسی (۱۳۶ هـ. ق)

سفر حج منصور عباسی (۱۴۰ هـ. ق)

سفر دوم امام به کوفه (۱۴۲ هـ. ق)

سفر حج سوم منصور (۱۴۴ هـ. ق)

سفر آخر و سوم امام به کوفه و بغداد (۱۴۷ هـ. ق)

گفتنی است نمودارهای خط زمانی فقط می توانند بخشی از رویدادهای این دوره را ارزیابی کنند؛ چرا که بسیار کلی و عمومی اند. برای ارزیابی دقیق رویدادهای این دوره به نمودارهایی تخصصی تری نیازمندیم:

الف) نمودار خط زمانی که شخصیت های برجسته شیعه را در این دوره بشناساند؛

ب) نموداری که مراقبت های ویژه امام از جامعه شیعه را در برابر دگرگونی های سیاسی اجتماعی فکری و فرهنگی در جهان اسلام باز گوید، خواه دگرگونی های گسترده و ریشه دار، خواه سطحی و کم دامنه؛

ص: ۱۰۵

ج) نمودار خط زمانی، جریان سازی فرهنگی امام را هم‌زمان با تغییر و تحول در جامعه نشان دهد.

در مقام بازشناسی بهتر سیره تاریخی امام صادق(ع) و به ضرورت قانون «تُعرف الاشياء باضدادها» باید افزون بر نمودارهای پیش گفته، از نمودارهایی که جنبه باطل را ارزیابی می‌کنند، حتی به صورت محدود یاری گرفت. اکنون به چند نمونه از آنها اشاره می‌کنیم:

نمودارهای خط زمانی جنبه باطل در روزگار امام صادق(ع)

اشاره

نمودارهای خط زمانی جنبه باطل در روزگار امام صادق(ع)

در اینجا، درباره چند و چون گروه‌ها باطلی که در برابر حق قد برافراشتند، نمودارهای گوناگونی در حوزه‌های سیاسی، اجتماعی، فکری و فرهنگی می‌توان ترسیم کرد. برای نمونه، برای ارزیابی میزان بطلان راه‌ها و منش‌ها از دو گروه می‌توانیم نام ببریم:

الف) گروه‌هایی که به سیطره بی‌چون و چرای حاکمان جور دل سپرده‌اند؛

ب) آنهایی که با شیوه‌های گمراه‌کننده و فریبنده، باطل را با حق درآمیخته‌اند.

فهرست کوتاه برخی از این نمودارهای پیش‌گفته چنین است:

الف. سیر خط زمانی خلفای روزگار امام جعفر صادق(ع)، از کودکی تا شهادت آن امام

الف. سیر خط زمانی خلفای روزگار امام جعفر صادق(ع)، از کودکی تا شهادت آن امام

عبدالملک بن مروان (۶۵ - ۸۶)

سیاست‌های کلی

او به دستاری والیان خشن، خفقان دوره مروانی (دوره دوم خلافت امویان) را در گستره سیاسی و اجتماعی، برای نیم قرن آینده تثبیت کرد.

جهان اسلام در دوران او

جهان اسلام به ویژه عراق و حجاز زیر شدیدترین فشارهای سیاسی و اجتماعی کمر خم کرده بودند و خشن‌ترین سرکوب‌ها را به چشم خود می‌دیدند.

نوع مواجهه با امام معصوم

امام معصوم در محاصره و محدودیت شدید اجتماعی بود و ارتباط ایشان با اندک شیعیان عراقی هم قطع یا به شدت محدود شد.

نوع مواجهه او با شیعیان

جامعه شیعه، قربانی شدن بزرگان خود را در عراق به چشم دید. همچنین پیوندش با امام در مدینه گسسته شد و قبایل شیعی کوفه به ناچار راه ایران را

ص: ۱۰۶

در پیش گرفتند.

ولید بن عبدالملک (۸۶ - ۹۶)

سیاست های کلی

او با اجرای برنامه های مذهبی - فرهنگی چون مسجد سازی در جهان اسلام، اسلام مروانی را با ویژگی فرهنگی - مذهبی استوار کرد و با گسترش سرزمین های اسلامی در بخشی به شرق و غرب، ذهن مسلمانان را از اصل دین دور کرد.

جهان اسلام در دوران او

پی گیری سیاست مشت آهنین در عراق و حجاز و گسترش مرزها در شرق و غرب سبب شد موج مهاجرت در جهان اسلام فزونی گیرد و حکومت نیز کوشید تا این موج را مهار کند.

نوع مواجهه با امام معصوم

هدف سیاست ها و طرح های حکومت و از آن میان، شهادت امام چهارم و سخت گیری بر امام پنجم در آغاز روزگار امامت، سست کردن فرهنگ اهل بیت در عراق و حجاز و جلوگیری از گسترش آن فرهنگ بود.

نوع مواجهه او با شیعیان

حکومت، شخصیت های شیعی را کشت و گستره ترس و وحشت را بر شیعیان، به ویژه در عراق گستراند.

سلیمان بن عبدالملک (۹۶ - ۹۹)

سیاست های کلی

او به یاری مشاور برجسته خود، عمر بن عبدالعزیز کوشید تا برخی اصلاحات سیاسی - اجتماعی را در جهان اسلام اجرا کند و به یمن آنها برای حکومت مروانیان، پایگاهی اجتماعی به دست آورد.

جهان اسلام در دوران او

با مرگ یا عزل والیان خشن، جهان اسلام پس از سال ها، نفسی تازه کرد. از این سال، سفرهای سالانه حج، به جریانی مهم اجتماعی، فرهنگی و علمی در جهان اسلام بدل شد.

نوع مواجهه با امام معصوم

در روزگار امامت امام پنجم، از تنگناها کاسته شد و برای ایشان فرصتی فراهم آمد تا دوباره شیعیان عراق به ویژه جوانان را در

ایام حج گرد آورد.

نوع مواجهه او با شیعیان

جامعه شیعه با رهایی نسبی از فشارهای سیاسی و اجتماعی، در ایام حج، به امام توجه کرد.

عمر بن عبدالعزیز (۹۹ - ۱۰۱)

ص: ۱۰۷

سیاست های کلی

او در پرتو طراحی و اجرای برخی اصلاحات اجتماعی-اقتصادی و ابطال برخی فرمان های تند مذهبی اموی- مروانی کوشید اسلام مروانی را میانه رو و عالمانه معرفی کند و جلوی فروپاشی زود هنگام آن را بگیرد.

جهان اسلام در دوران او

جامعه اسلامی به ویژه جریان های علمی و اجتماعی در جهان اسلام، فرصتی برای بازسازی و سازمان دهیافت. البته بیشتر آنها از همکاری با خلفا خودداری کردند.

نوع مواجهه با امام معصوم

خلیفه، برخی آزادی ها و حقوق را به علویان اعطا کرد تا نشان دهد به امام و اهل بیت پیامبر دل لستگی دارد، به شرط آنکه آنها از ادعای حق خلافت دست بردارند.

نوع مواجهه او با شیعیان

برداشتن فشارها و آزاد گذاشتن شیعیان و رفع لعن گویی رسمی به امیرالمؤمنین، علی(ع) برای شیعه مجالی کوتاه فراهم آورد تا ارزش های خود را زنده کند.

یزید بن عبدالملک (۱۰۱ - ۱۰۵)

سیاست های کلی

انتخاب او به خلافت نشان داد که مروانیان، اصلاحات در سیاست، اجتماع و فرهنگ را بر نمی تابند.

جهان اسلام در دوران او

با خلافت یزید ضمن کم رنگ شدن اصلاحات، موجی از ابتدال، فضای عمومی جامعه را فرا گرفت.

نوع مواجهه با امام معصوم

فسق و فجور خلیفه، او را از توجه جدی به امام باز داشت و فرصتی تاریخی فراهم آورد تا امام در گسترش مدرسه علمی خود بکوشد.

نوع مواجهه او با شیعیان

در پی آرامشی موقت، جامعه شیعه با هدف پی ریزی دوباره مدرسه شیعه، به سوی امام شتافت.

سیاست های کلی

جهان اسلام دوباره گرفتار خفقان و سرکوب شد، ولی این بار از پاننشست و به قیام زید و علما و خواص عراقیاری رساند، ولی ناکام شد. همچنین در این سال ها، فعالیت های تبلیغی عباسیان، محدود و تضعیف گردید.

جهان اسلام در دوران او

والیانی توانا بر می گزیدند و با پی گیری روش سیاسی و اجتماعی پدرش

ص: ۱۰۸

کوشید تا خلافت مروانی را زیر چتر سیاست مشت آهنین احیا کند. او نشان داد در اسلام مروانی، حاکم سیاسی خودکامه، بنیان همه چیز است.

نوع مواجهه با امام معصوم

هشام که در رویارویی با مدرسه امام باقر(ع)، ناکام ماند و نمی توانست او را در تنگنا بگذارد، سرانجام ایشان را شهید کرد. همچنین کوشید تا امام صادق(ع) را در کنج تنهایی نگه دارد و شیعیان عراقی را از او دور کند.

نوع مواجهه او با شیعیان

شیعیان در این دوره دچار تنگنای اجتماعی شدند و کمتر توانستند رفت و آمد کنند. نبود آنها در میدان، به فرقه های انحرافی غلات، مجالی برای عرض اندام داد.

ولید بن یزید (ولید فاسق) (۱۲۵ - ۱۲۶)

سیاست های کلی

جهان اسلام زیر سایه سنگین خلیفه فاسد و حاکمان ناکارآمد، آرامش یافت، ولی این اوضاع به سود دعوت گران عباسی در عراق و ایران تمام می شد.

جهان اسلام در دوران او

او خلیفه ای فاسد و فاسق بود و به امور خلافت چندان توجهی نداشت. سرانجام مروانیان، او را با کمک پسرش کشتند تا خلافت مروانی نابود نشود.

نوع مواجهه با امام معصوم

امام صادق(ع) در این دوره که چراغ خلافت مروانی رو به افول بود، مدرسه علمی خود را گسترش داد.

نوع مواجهه او با شیعیان

جامعه شیعه از فشار والیان خشن رها شد و بر پایه مکتب جعفری برای نوسازی خود برخاست.

یزید بن ولید (یزید ناقص) (۱۲۶ - ۱۲۷)

سیاست های کلی

امویان در شام با درگیری های داخلی دست به گریبان بودند. قیام عباسیان در خراسان شکل گرفت و مدرسه ها و فرقه های

فقهی و کلامی پا به میدان نهادند.

جهان اسلام در دوران او

خلافت کوتاه مدت ازدودستگی میان مروانیان و قبایل پشتیبان آنها و درگیری های داخلی گذشت. سرانجام خلیفه کشته شد.

نوع مواجهه با امام معصوم

امام در پرتو آزادی و آرامش نسبی، بنیان مکتب تشیع را پی ریخت.

نوع مواجهه او با شیعیان

جامعه شیعه به ویژه در کوفه به آرامی در حال شکل گیری بود و مسجد کوفه از شاگردان امام آکنده شد.

ص: ۱۰۹

مروان بن محمد (حمار) آخرین خلیفه مروانی (۱۲۷ - ۱۳۲)

سیاست های کلی

جهان اسلام پس از قیام عباسیان با سکوت و رضایت و حمایت آشکار و پنهان خود از آنها، دگرگونی در حکومت و سیاست را خواستار شد.

جهان اسلام در دوران او

حکومت کوتاه مدت و ابادرگیری های داخلی مروانیان گذشت. پس از آن، عباسیان سر به شورش برداشتند و کار حکومت اموی مروانی را یکسره کردند.

نوع مواجهه با امام معصوم

خلیفه مروانی در گرداب مسائل داخلی گرفتار بود و امام این فرصت را مغتنم شمرد و برای بنیان گذاری مدرسه شیعه کوشید.

نوع مواجهه او با شیعیان

جریان های مخالف مروانی در قیام بر ضد حکومت، کوشیدند شیعیان را به سوی خود بکشانند، ولی امام مانع شد.

ابوالعباس سفاح، اولین خلیفه عباسی (۱۳۲ - ۱۳۶)

سیاست های کلی

جهان اسلام پس از سال هادردورنج، از سقوط مروانیان خشنود شد و امید داشت تا از عباسیان، دادگری ببیند، اما به تدریج مشخص شد در بر همان پاشنه اصول اموی می چرخد.

جهان اسلام در دوران او

او پس از اعلان نابودی خلافت اموی مروانی و آغاز خلافت عباسی، خلافت را بر بستر اسلام سنی تعدیل شده پی ریخت و بنی عباس را اهل بیت پیامبر و شایسته خلافت دانست.

نوع مواجهه با امام معصوم

خلافت جدید با شعار پشتیبانی از اهل بیت، قدرت را به دست گرفت، ولی پس از رسیدن به خلافت، اسلام سنی را دین رسمی اعلان کرد. سپس خلیفه، امام را به کوفه فراخواند و از او برای خودش بیعت گرفت و از ایشان تعهد ستاند که بر خلافت جدید خروج نکند.

نوع مواجهه او با شیعیان

عباسیان پس از اعلان دین رسمی، جامعه شیعه را مهم-ترین رقیب خود می دانستند و با انتقال پایتخت از کوفه، بر آن بودند تا جلوی گسترش تشیع را در میان ایرانی ها و خراسانی ها بگیرند.

منصور دوانیقی (۱۳۶ - ۱۴۸)

سیاست های کلی

جهان اسلام و علمای عامه، ناخشنود از سیره سیاسی-اجتماعی عباسیان، به

ص: ۱۱۰

یاری علویان برخاستند، اما پس از شکست خونین آنها، عباسیان، فرقه هاو علمای اسلامی را با آغوش باز پذیرفتند و جهان اسلام را به خویش پیوند زدند.

جهان اسلام در دوران او

او کوشید پایه های خلافت عباسی را استوار کند. بدین جهت، پس از سرکوب قیام نفس زکیه، علویان را کشت و با شیعیان جنگید و هم-زمان، هماهنگ با شرایط جدید، برای مدرسه اهل بیت نگاه های جایگزین آفرید.

نوع مواجهه با امام معصوم

خلیفه که از دانش و آگاهی امام و مدرسه علمی و شاگردان و پیروان ایشان می هراسید، سرانجام ایشان را شهید کرد.

نوع مواجهه او با شیعیان

جامعه شیعه شکل گرفته بود و مکتب فکری و فقهی خود را داشت، اما با یورش عباسیان و جریان های فکری هم سوی آنها رویارو بود و در خفقان سیاسی، گرفتار.

ب. نمودار پیدایش یا خیزش تدریجیا ناگهانی فرقه ها و جریان های گوناگون اسلامی در برابر جبهه حق

ب. نمودار پیدایش یا خیزش تدریجیا ناگهانی فرقه ها و جریان های گوناگون اسلامی در برابر جبهه حق

سال

سیاسی - اجتماعی

۱۰۰

- آغاز تبلیغ گسترده عباسیان در عراق و خراسان

۱۲۰

- قیام زید و پیدایش زیدیه

- قیام عبدالله بن معاویه از بنی هاشم

- اوج فراخوانی عباسیان

- قیام حارث در ماوراءالنهر

۱۳۰

- تبلیغ علویان برای مهدویت نفس زکیه و زمینه سازی قیام

- قدرت گیری موقت خوارج در حجاز

- خلافت عباسیان

۱۴۰

- قیام نفس زکیه و بردارش

- قیام های ایرانی به خون خواهی ابومسلم خراسانی

سال

کلامی

۹۰

فرقه قدریه و فرقه کیسانیه (رو به افول)

ص: ۱۱۱

۱۰۰

- فرقه معتزله (۱۰۵ هـ. ق.)

۱۱۰

- جریان غلو مغیره بن سعید (شیعی)

- فرقه های غالی شیعه (خطابیه و بیانیه و ۱۱۹ هـ. ق.)

۱۲۰

- فرقه جهمیه (۱۲۸ هـ. ق.)

۱۳۰

- فرقه کلامی مجسمه

۱۴۰

- فرقه راوندیه (غلو درباره عباسیان)

سال

فقهی - حدیثی

۹۰

- مکتب کلامی - فقهی اباضیه از خوارج (۸۳ هـ. ق.)

- بنیان گذاری مدرسه رأی و قیاس کوفه از سوی حماد و ربیعہ الرأی، استادان ابوحنیفه

۱۰۰

- مدرسه فقهی حسن بصری در بصره (۱۱۰ هـ. ق.)

- فرمان خلیفه عمر بن عبدالعزیز، به کتابت حدیث که عملی نشد (۱۰۱ هـ. ق.)

- فرار علمای عراقی (عمده از کوفیان) به مدت دو سال به حجاز و دانش آموزی برخی از آنها نزد محمد بن باقر (ع) (۹۲ هـ.)

(ق.)

۱۳۰

- اوج گیری مدرسه فقهی حنفی به ریاست ابوحنیفه (۱۰۵ هـ. ق.)

۱۴۰

مدرسه فقهی در کوفه و عراق (۱۴۸ هـ. ق.)

- مدرسه فقهی - حدیثی مالک بن انس در حجاز

- مدرسه فقهی اوزاعی در شام (۱۵۷ هـ. ق.)

- مدرسه فقهی لیث در مصر (۱۷۵ هـ. ق.)

آغاز نهضت تدوین حدیث (۱۴۳ هـ. ق.)

ج. خط زمانی علویان و گروه های کجروی درون شیعه یا نزدیک به جامعه شیعه و بازتاب آنها در جامعه شیعه

ج. خط زمانی علویان و گروه های کجروی درون شیعه یا نزدیک به جامعه شیعه و بازتاب آنها در جامعه شیعه

خط غلو

زمان امام باقر(ع)

در سال های پایانی دوره امام باقر(ع) برخی شاگردان کم سواد و متأثر از جریان های عرفانی و صوفیانه و اهل کتاب، پایه گذار موج غلو در جامعه شیعه شدند.

ص: ۱۱۲

امامت دوره مروانی

رهبران غالی به سرکردگی ابی الخطال، در فضای باز سیاسی، آیین‌ها و برنامه‌های تند و خطرناکی را بیان کردند. او زود مرد، اما پایه گذار خط جدید غلو بود و در بیشتر جریان‌های غلو در آینده اثر می‌گذارد.

امامت دوره عباسی

خط غلو آسیب بسیاری دید، ولی جای پای خود را در جامعه شیعه استوار کرد و گه‌گاه فرصت‌ها بهره‌گرفت. رهبران شیعی، همواره از رفتارها و گفتارهای آشکار و پنهان غالیان و پی‌آمدهای فکر آسیب‌زای آنها برای جامعه شیعه، نگران بودند.

قیام‌های علوی

زمان امام باقر(ع)

در این دوره، فرقه کیسانیه که بنیادهای فکری استوار، رهبران توانا و دستگاه اجتماعی هماهنگی نداشت، در پی ضربه‌های سنگین دشمن بر کالبدش، فرو پاشید، ولی بنی عباس، مرده ریگ آنها را به نام خود مصادره کرد.

امامت دوره مروانی

قیام زید، نقطه چرخشی در فراخوانی شیعیان کم‌خرد، تندرو و هوچی است که خط سومی میان شیعه و سنی و بنیان‌گذار فکری التقاطی شدند. این حرکت در آغاز رنگ شیعی داشت، اما با گذشت زمان و پس از شهادت رهبران پرچمدار، از شیعه بیشتر فاصله گرفت و به جریان‌های فکری و فقهی عام نزدیک‌تر شد. (معتزلی - حنفی)

امامت دوره عباسی

قیام نفس‌زکیه و برادرش ابراهیم، با همراهی علما و فقهای عراق و حجاز کنار نشستن شیعیان، آشکارا جدایی قیام‌های علوی - زیدی را از راه شیعه نشان داد. البته در سده اول، رهبران این جنبش‌ها چون زید و حسین بن علی شهید فح، افرادی ظاهرالصلاح و شایسته بودند، اما شیعه، روش سیاسی آنها و پیامد قیام آنها را نپذیرفت.

د. آغاز انحراف در مهدویت

د. آغاز انحراف در مهدویت

در این زمان مراد از تفکر مهدویت، اعم از ادعای مهدویت یا قیام به ادعای مهدویت یا ایجاد موج و جریان و هیجان اجتماعی، توقع و انتظار قیام امام صادق(ع) است.

پیش از تولد تا کودکی امام

کیسانیه و ادعای مهدویت محمد حنفیهیا فرزندش، ابوہاشم

ص: ۱۱۳

دوره امامت امام باقر(ع)

غالیان و ادعای مهدویت و یا خاتمیت امام باقر(ع)

دوره امامت امام در دوره مروانی

زید از امام باقر(ع) چشم یاری داشت و ایشان رضایت داد.

- قیام زید زمینه پیدایش زیدیه در جهان اسلام: حق خلافت و امامت از آن علوی صاحب شمشیری است که به پا خیزد. این فکر پشتوانه ادعاهای آینده زیدیان درباره زید بود.

- حارث بن سریج در ماوراءالنهر خود را مهدی خواند.

عبدالله محض (علوی) با شعار نفس زکیه، پسرش، محمد را مهدی خواند.

- بنی عباس بر اساس شعار «الرضا من آل محمد» که در باطن خود گونه ای داعیه مهدویت داشت، جریانی نو به راه انداخت.

- شیعیان کوفه هنگام کشمکش میان حاکمان و نزاع-های خونین میان عباسیان و امویان، توقع داشتند امام قیام کند. در این فکر، ادعای مهدویت نهفته بود و ایشان امام صادق(ع) را همان امام قائم می دانستند.

- پیروان ابی الخطاب، امام صادق(ع) را مهدی خواندند.

برخی غالیان پس از مرگ اسماعیل، فرزند امام را مهدی نامیدند.

دوره امامت امام در دوره عباسی

نفس زکیه، آشکارا خود را مهدی آخرالزمان خواند و بر ضد عباسیان به پا خواست و بیشتر فقها و علمای حجاز و عراق، او را یاری کردند.

- منصور عباسی، فرزندش را مهدی نامید و در برابر نفس زکیه، به سود پسرش تبلیغ کرد.

هـ. جریان های علمی و فکری حاکم بر جامعه اهل سنت در دوره امام صادق(ع)

هـ. جریان های علمی و فکری حاکم بر جامعه اهل سنت در دوره امام صادق(ع)

کلامی

دوران امام باقر(ع)

- خلافت اموی بر پایه جبرگرایی و اطاعت مطلق از خلیفه بود، حتی اگر فاسق باشد. با مشاهده ظلم و فساد و تبعیض های اموی، در ذهن شاگردان جوان علمای عامه به پرسش های فراوانی سر برآورد که به کمک اثرپذیری از تفکر اهل کتاب سبب پیدایش اولین فرقه کلامی، یعنی قدریه شد.

امام صادق(ع) در دوران مروانی

پس از ورود افکار غیر اسلامی، گسترش پرسش هاوی بی پاسخ ماندن آنها از سوی علمای عامه، ناگهان دو موج جهان اسلام را در بر گرفت. نخست فرقه

ص: ۱۱۴

های کلامی گوناگون برای به چالش کشیدن خلافت و مبانی فکری مروانیانیا موشکافی کلامی در وضع موجود سر بر آوردند. (معتزله، مرجئه، قدریه...) الحاد و کج روی فکری برآمده از کج روی داخلیا تحریف بیرونی گسترش یافت. (زنادقه، مجسمه، مشبهه و معطله)

امام صادق(ع) در دوره عباسی

بنی عباس پس از نشستن بر تخت خلافت، افکار علوی را کنار گذاشتند و با حمایت از فرقه گرایی به ویژه با راه اندازی نهضت ترجمه در برابر جریان حق تشیع، سرانجام باورهای عامه را بر کل جامعه اسلامی حاکم کردند؛ باورهایی با درون مایه آرای معتزلیان درباره توحید و باورهای سیاسی شیعیان عراق درباره خلفای راشدین.

فقهی

دوران امام باقر(ع)

خلیفه دوم برای رویارویی با اهل بیت، اصحاب غیرعلوی را به شهرهای گوناگون فرستاد و در پرتو فرمان منع تدوین حدیث و منع گسترده نقل احادیث، بستری فراهم آورد تا جریان ها و مکتب های فقهی عامه آشکار و پنهان سر برآوردند. این جریان ها در سایه پشتیبانی امویان و مروانیان، شیعیان را سرکوب کردند و در کوفه، بصره، مکه، مدینه و دمشق، مدارس فقهی پر شمار برپا کردند. در آغاز، این مدارس در اصول کلی عبادات و معاملات اسلامیکسان بودند، اما در فروع، به تدریج باورها و نگاه-های گوناگونی آفریدند. با گسترش مدرسه امام باقر(ع)، خلافت مروانی در فکر و عمل، آزادی بیشتری به آنها داد تا مدرسه امام در تنگنا قرار گیرد.

امام صادق(ع) در دوران مروانی

- در این سال هازسویی بر شمار علما افزوده شد و از سوی دیگر، نزاع میان آنها بالا گرفت و جهان اسلام، پریشان گشت.

به دلیل ناسازگاری در روش و فکر، مدارس رأی و اجتهاد را در عراق و مدارس گوناگون حدیث و تفسیر در حجاز برپا شدند. این مدارس که به فقر علمی خود آگاه بودند، آشکار و پنهان، به ناچار، از امام یا شاگردان او بهره می گرفتند.

خلفا به آنها آزادی دادند و ایشان را یاری می کردند، اما این مدارس بدون برنامه و اصول کلی، با جریان های مخالف اموی، چه زیدی و چه غیر زیدی، همراه شدند.

بنی عباس، که قدرت را به دست آورد، نقاب از چهره برداشتند. آنها شعارهای علوی را کنار گذاشتند و کوشیدند علما و فقهای عراق و حجاز را با خود همراه و هم دلکنند، اماخیزش های زیدیان و قیام نفس زکیه مانع جدی برای جذب آنها بود. بیشتر علما با قیام نفس زکیه همراهی کردند. سرانجام پس از تثبیت خلافت عباسی و ناتوانی قیام های زیدی، ائتلافی تاریخی میان عباسیان و علما و فقهای عامه شکل گرفت و با کمک عباسیان، جریان نظام مندفرقه سازی در فقه اهل سنت در برابر مکتب اهل بیت آغاز شد.

خلافت عباسی برای برآوردن اهداف خود با اعطای منصب قضا یا اعتباربخشی به فقه و فتاوی مدارس فقهی عامه می کوشید علمای عامه را به سوی خود بخواند.

فصل دوم: اطلس جعفری

اشاره

ص: ۱۱۶

توجه به چند نکته در اطلس شناسی ضروری است:

الف) اطلس نگاری، پایه ایده‌یابی رسانه‌ای

الف) اطلس نگاری، پایه ایده‌یابی رسانه‌ای

اطلس نگاری، دانش اقلیم‌شناسی و بررسی و ارزیابی رویدادها در متن اقلیم‌هاست. در علم تاریخ، رویدادهای گذشته را به زبان روایت یا گزارش باز می‌گویند و مکان‌ها و سرزمین‌ها در حاشیه این دانش قرار دارند، ولی در اطلس‌شناسی می‌کوشند تا دانش تاریخ جغرافیا را همراه با یکدیگر به کار گیرند.

در اطلس‌شناسی هنگام بررسی‌های تاریخی، نقشه‌های جغرافیایی و تاریخی اولویت دارند، ولی امروز هر ویژگی تصویری غیر از نوشتار ساده به کار می‌آید، مانند جدول‌ها، عکس‌ها، نمودارها و آمارهای تصویری.

دانش اطلس‌شناسی تطبیق رویدادهای تاریخی بر نقشه‌های جغرافیایی، پیشینه‌ای طولانی

دارد، اما به صورت تخصصی و عمومی، پدیده قرن بیستم است به ویژه در جهان اسلام که اطلس‌نگاری به پیروی جهان غرب در این قرن ایجاد شد و اوج گرفت.

متأسفانه اطلس‌نگاری در جهان تشیع حتی در قرن بیستم، از دیده‌ها پنهان مانده است. در این میان، رسول جعفریان، تاریخ‌نگار معاصر، پیش‌گام اطلس‌نگاری، تخصصی شیعی است. درباره تاریخ زندگی امامان معصوم، هنوز اطلس‌نگاری‌های تخصصی در دست نیست. این در حالی است که دانش اطلس‌نگاری و رسانه به سبب سرشت تصویریشان، بسیار با یکدیگر نزدیکند. از یک سو، نقشه‌های توصیفی تحلیلی گوناگون و تخصصی درباره رویدادهای تاریخی می‌توانند موضوع و دیدگاهی برای برنامه‌سازی مستقل باشند و از سوی دیگر، این نقشه‌ها می‌توانند در ذهن هنرمندان و نویسندگان و رسانه، نگاه نو بیافرینند.

رسانه ملی برای موشکافی درباره تاریخ اسلام، اطلس‌نگاری را به کار نمی‌گیرد. از این رو، محتوا و ساختار برنامه‌های رسانه ملی درباره معارف اسلامی، سست و ناکارآمد است و نویسندگان برنامه‌های گوناگون در بازگویی رویدادهای تاریخی، گرفتار کج فهمی‌اند.

در نبود نگاهی ویژه به حقایق تاریخی جغرافیایی درباره سرزمین‌های اسلامی، امروز بیشتر نویسندگان و برنامه‌سازان و مردمان جامعه اسلامی ما در قالب دگرگونی‌های دنیای امروز و آینده در خاورمیانه، از پیوند زندگی خود با مکان، جغرافیا و محیط زندگی خود بی‌خبرند و سرشت آن را به درستی نمی‌شناسند و درباره آن بینشی روشن ندارند یا بیش از مسائل زیست‌محیطی و اطلاعات عمومی جغرافیای درباره آن چیزی نمی‌دانند. آنها درک جامعی از جغرافیای حق و باطل در گذشته، حال و آینده، در منطقه و نسبت خود با آن جغرافیا ندارند. این در حالی است که این مطالعات و اطلاعات برای رسانه‌های رقیب و دشمن، جایگاه ویژه‌ای دارد. وجود واژگانی چون **Map Islam** و **Map Shia**، در بخش تصاویر موتورهای جستجوگر و گردآوری نقشه‌ها که بیشتر آنها را دنیای علمیا سیاسی غرب تولید کرده است، نشان می‌دهد دشمن در این باره بسیار هوشیار و آگاه است.

کوتاه سخن اینکه انسان کامل که معصوم و به دور از خطاست و انتخاب‌ها و پاسخ‌های سیاسی - اجتماعی او برآمده از تصمیم‌گیری‌های آگاهانه و هوشیارانه در گستره زمان و در

امتداد جریان مستمر گذشته، حال و آینده است، باید رابطه‌اش با محیط و مکان زندگی‌اش و پیرامونش، معنادار و هدفمند باشد. بدین جهت، در مطالعه جامع زندگانی هر معصوم، مثلثی پدید می‌آید که یک ضلع آن، انسان کامل است و دو ضلع دیگر آن، پیوندهای او با زمان (تاریخ) و مکان (جغرافیا) و داد و ستد زمان و مکان.

بر این اساس رفتار سیاسی سیدالشهدا را پس از شهادت امام مجتبی (ع) می‌توانیم را بررسی کنیم. ایشان در زمان حیات معاویه، پافشاری کوفیان قیام را نپذیرفت و آن را در گرو مرگ معاویه دانست. پس از مرگ معاویه نیز ایشان در آغاز به سوی مکه رفت. سپس ناسازگار با نگاه همه خبرگان آن روز، راه کوفه را در پیش گرفت. بدین جهت، موشکافی درباره رویکردهای زمانی- مکانی در قیام سیدالشهدا به دریافت چیستی و چرایی قیام سرخ عاشورا بسیار کمک می‌کند و رویکردی کلیدی و مبنایی است. به یاری این رویکرد زندگانی سیاسی-اجتماعی امام صادق (ع) را می‌توانیم بررسی کنیم و در پرتو این نگاه، اطلس جعفری شکل می‌گیرد. (۱)

(ب) نگاهی گذرا به جغرافیا و اطلس تاریخی حق و باطل

(ب) نگاهی گذرا به جغرافیا و اطلس تاریخی حق و باطل

بر پایه دانش جغرافیای طبیعی و زیستی، حدود یک سوم کره زمین خشکی است و بخش فراوانی از خشکی‌ها، خالی از سکنه اند، با این حال، پرسش مهم و مشترک تصویر بالا، درباره آغاز و سرشت زندگی بشر، دانش در خوری به دست نمی‌دهد.

علم تاریخ، جغرافیا، انسان‌شناسی و باستان‌شناسی و دانش‌هایی از این جنس در این باره

ص: ۱۱۹

۱- در این زمینه موسسه اطلس تاریخ شیعه در شهر مقدس قم به تازگی گام‌هایی برای اطلس نگاری ۱۴ معصوم آغاز کرده است.

است که زندگی بشر از کجا، و چگونه آغاز شده است. در این زمینه دو دیدگاه وجود دارد؛ نظریه تکامل داروین که سست و لرزان است و نظریه مشترک ادیان آسمانی و ابراهیمی که داستان آفرینش آدم و حوا و هبوط آنها را آغاز حیات بشر در کره خاکی می‌داند.

بر پایه داستان آفرینش و تأیید مطالعات جدید، آدم و حوا و فرزندانشان در سرزمین خاورمیانه می‌زیستند؛ سرزمینی میان اروپا و افریقا، در جنوب غرب آسیا، از نیل تا ماوراءالنهر. به باور ادیان ابراهیمی، بشر از این سرزمین برخاست و ادیان آسمانی اسلام، مسیحیت، یهود و زرتشت در این سرزمین ظهور کردند و تمدن‌های بزرگی چون مصر و ایران باستان، در این سرزمین پا گرفتند. تمدن‌های بیرون از این جغرافیا اندکند، هر چند از تمدن‌های این سرزمین رنگ گرفته‌اند، مانند تمدن یونان و رم، تمدن‌ها و ادیان شبه قاره هند و تمدن چین باستان.

به نظر می‌آید یکی از علل آسمانی گزینش این سرزمین برای زایش، رشد و دامن گسترش برای حق، جایگاه درخور آن میان قاره هاست؛ کانون خشکی‌های طبیعی زمین، از نگاه جغرافیای ارتباط انسانی (۱).

از منظر قرآن و تفسیر تاریخی شیعی، تاریخ بشر نه با تمدن‌ها و دوره‌های گوناگون جغرافیایی تاریخی، بلکه با آدم و حوا آغاز شد و یگانه سنجه رویدادهای آن، جبهه حق (تاریخ انبیا) است. دعای ندبه الگوی حق محور از تحلیل خط زمانی تاریخی از آغاز تا پایان تاریخ به دست می‌دهد. با این نگاه، رویدادهای مهم و کشمکش‌های سرنوشت ساز تاریخ بشر را در این سرزمین می‌توان پی گرفت؛ سرزمین رویارویی‌های بزرگ، ادیان،

ص: ۱۲۰

۱- این سرزمین از نظر انسان شناختی و تاریخی و مطالعات فرهنگی _ تاریخی، در محاصره جغرافیای نژادها و فرهنگ‌های تک بُعدی منطقه‌ای است. اروپا کانون زیست نژاد سفید با رویکرد عقل گرایی خودبنیاد زمینی و منطق گرایی است. شبه قاره هند، مهد عرفان و عاطفه گرایی است. سرزمین چین و ماچین، کانون نژاد زرد و اخلاق گرایی اجتماعی است. افریقای سیاه هم پیوسته عقب مانده و دور از تمدن و نماد زندگی غریزی است، اما خاورمیانه در کانون این مناطق و نژادها، همه این رویکردها را یکجا و به اعتدال و هماهنگی، درون خود دارد و یگانه امتیازش این است که سرزمین وحی به شمار می‌آید. در این میان، تمدن و فرهنگ ایرانی نماد اعتدال در گرایش هاست و طی تاریخ در برابر وحی کمتر عناد نشان داده است.

تمدن‌ها، پیامبران، پادشاهان، حاکمان و جوامع گمراه ستمگر؛ آینه جغرافیای تاریخی حق و باطل. به سخن همه ادیان آسمانی و بر پایه تجربه تاریخی، هیچ سرزمینی چون خاورمیانه، تاریخ را نساخته است و در آینده نیز هیچ سرزمینی به پای آن نمی‌رسد. هند، چین و خاور دور، با بیش از سه میلیارد جمعیت و توان افزایی در تولید و با آفرینش ابرقدرت‌های تاریخی و دیگر سرزمین‌های کره خاکی، هیچ کدام از اهمیت خاورمیانه نمی‌توانند بکاهند؛ زیرا سرشت تاریخی و دینی بشر، با جغرافیا و تاریخ این خاک گره خورده و رمز چیرستی تاریخی و دینی او در این سرزمین نهفته است.

از این رو، در مطالعه معارف اسلامی، تاریخی و جغرافیای انسانی، شناخت خاورمیانه با رویکرد بازشناسی حق و باطل، در طول تاریخ و گستره جغرافیای این سرزمین، همواره باید از دانش‌ها و شاخه‌های پژوهشی و برنامه‌سازی بسیار مهم نزد ارباب فرهنگ، دانش و اصحاب رسانه باشد، به ویژه برای شیعه ایرانی که وارث بهترین تمدن و مکتب از برترین دین است و در ممتازترین نقطه جغرافیای این سرزمین زندگی می‌کند.

به سخن دیگر، تاریخ این جغرافیا آستن نگاه‌های تازه است و در دل آن، هزاران راز سر به مهر و داستان‌های شگفت‌انگیز از مردان خدا در دالان‌های گمشده، خفته است. از این رو، با کاوش تاریخی در جغرافیای حق و باطل خاورمیانه، می‌توان از دیدگاه‌های مناسب برای پژوهش و برنامه‌سازی سپاهی پدید آورد و گنج‌های پنهان نزاع میان ملل و نحل را جست و از نو به یگانه پرستان در مثلث بین النهرین (نوح و ابراهیم)، فلسطین (از اسحاق تا عیسی)، حجاز (اسماعیل و پیامبر اسلام) نگریست. همچنین دگرگونی‌های جغرافیایی و تاریخی شام، حجاز، عراق و ایران و افت و خیزها و جا به جایی و نزاع حق و باطل را در این سرزمین بررسی کرد. آن‌گاه به یاری کتاب‌هایی چون اطلس تاریخ اسلام، نوشته مونس حسین و اطلس شیعه نوشته رسول جعفریان و دیگر اطلس‌های اسلامی مسیحی و یهودی، جغرافیای رفتارهای امامان شیعی را از فردای خاتمیت و رحلت، گام به گام بررسی و ارزیابی کرد تا چیرستی و چگونگی سیره و زندگانی آنان را در قرن‌های گذشته، بر ما روشن

شود و جا به جایی چند باره میان حجاز، عراق و ایران را به درستی دریابیم.

اطلس زندگانی امام صادق(ع)

اشاره

اطلس زندگانی امام صادق(ع)

در نگاه ترکیبی و میان رشته ای بین نمودار خط تاریخی حق و باطل و اطلس جغرافیایی آن می توان گفت خداوند برای سیر کلی زندگانی بشر روی کره زمین، طرح و برنامه دارد و کانون جغرافیایی تجربه تدریجی این برنامه آسمانی تا تحقق کامل آن، خاورمیانه است. با این نگاه، اگر امام صادق(ع) در نمودار خط زمانی حق و باطل در مرحله ای حساس و مهم باشد، بدیهی است که جغرافیا و اطلس حق و باطل هم در آن زمان، یکی از محورها و کلان سوژه های شایسته و بایسته مطالعه و بررسی است. فرآیند مکتب سازی تاریخی امام صادق(ع) در بستر جوامعی صورت گرفته است که اطلس های جغرافیایی زیستی و ایمانیداشته و صحنه رویدادها، درگیری ها و تحولات در عرصه مکانی و جغرافیایی بوده اند. از منظری کلان تر، رابطه مکان با جوامع حق و باطل از منظر دین، رابطه ای دوسویه است؛ یعنی همان گونه که فعالیت انسانی و رویدادها و تحولاتش نیازمند مکان است، ویژگی های مکان ها و زیست بوم ها و شرایط اقلیمی بر ساختار جوامع و تعریف نقش های آنها هم اثر می گذارد.

امام صادق(ع) هم با آگاهی از این رابطه متقابل مکان و جغرافیا با ساکنانش و تقسیم بندی مکان ها و جغرافیاهای حق و باطل بر اساس ساکنان آن باید نقش تاریخی خود را ایفا می کرد.

برای فهم بهتر اطلس جبهه حق در این زمان و چگونگی مدیریت امام، همانند الگوی خط زمانی، تقسیم بندی سه گانه سفید، خاکستری، سیاه و شیوه کنش و واکنش هر جغرافیا بر دیگری می تواند یاریگر پژوهشی و رسانه ای باشد.

مبنای این تقسیم بندی بر محوریت اولیای تاریخی حق است که از جهت جغرافیایی در منطقه خاورمیانه، مثلی از مناطق و اماکن حق را طراحی و ایجاد کرده اند. بدیهی است تقسیم بندی جغرافیایی سفید و خاکستری و سیاه در پیرامون آنها و در نوع تعامل جوامع بشری با آنان شکل می گیرد.

مثلت حضور تاریخی اولیای حق از آدم تا خاتم چنین است: (۱)

از آدم تا نوح: نوار مرکزی جغرافیایی خاورمیانه، از حجاز تا شمال خاورمیانه، با محوریت عراق

ابراهیم: تکمیل مثلث حق بین کوفه + بیت المقدس + کعبه (عراق + فلسطین + حجاز)

از اسحاق تا عیسی: فلسطین (دوره اوج ضلع غربی)

از اسماعیل تا محمد: حجاز و جزیره العرب (دوره اوج ضلع جنوبی)

با این نگاه، گستره جغرافیایی حق در طول چند هزار سال در این مناطق، با ایجاد مکان‌های مقدس و کانون‌های توحیدی برای جامعه جهانی، از جهت جغرافیای اماکن و بقاع متبرکه، درصدد است از نظر جغرافیای انسانی، در فرصت تاریخی و زمانی طولانی، به جامعه سازی تعریف شده و باثبات بپردازد. در نگاهی کلی، در جبهه حق از آدم تا نوح، به دلیل گستردگی و پراکنده نبودن جغرافیایی انسان‌ها، یک پیامبر می‌کشید بر جوامع گوناگون اثر بگذارد. از حضرت ابراهیم به بعد، به دلیل پیدایش تمدن‌ها و جغرافیاهای گوناگون که بیشتر مبتنی بر ارزش‌ها و روش‌های باطل بود، انبیا بر جامعه سازی ویژه در راستای حق، آن‌هم در گوشه غربی مثلث توحید؛ یعنی قوم بنی اسرائیل تلاش می‌کردند. در این میان، ناسپاسی‌های تاریخی سبب شد کانون جغرافیایی حق در زمان حضرت محمد؟ ص؟ از فلسطین به ضلع جنوبی و حجاز منتقل شود. در این زمان، سرانجام پیامبر اسلام در مدینه اولین جامعه اسلام‌پایان گذاشت، ولی به تصریح قرآن، می‌دانست در آینده به این جغرافیا اعتبار و امیدی نخواهد بود. (۲)

به همین دلیل، اهلیت پیامبر اسلام در مسیر آخرین جغرافیاسازی برای حق، با انتقال جغرافیای حق به منطقه بین‌النهرین جنوبی (نیمه جنوبی و مرکزی عراق) کوشیدند مبتنی بر احادیث پیامبر اکرم، آنجا را پلی برای اثرگذاری بر تمدن شرقی بین‌النهرین، یعنی ایران (ضلع شرقی مثلث تاریخی حق) قرار دهند. پس رسالت تاریخی امام صادق (ع)، طراحی

ص: ۱۲۳

۱- مبنای این نگاه تاریخی و نمودار زمانی، نگاه تحلیلی دعای ندبه است.

۲- تبار انحراف، پژوهشی در دشمن‌شناسی تاریخی، کاتب و نویسندگان، ص ۵۲.

اجتماعی این وضعیت جدید در عراق و ایران، در اوج تحولات و درگیری هایجبهه حق با باطل بود. هدف کلان جبهه توحیدی حق از این انتقال، طراحی جغرافیای تشیع با مرکزیت عراق و ایران، به عنوان آخرین پایگاه تاریخی حق و مرکز قرار دادن آن برای نشر معارف اهل بیت در گستره آینده تاریخ برای جهانیان بود.

با این نگاه، جغرافیاهای سیاه و خاکستری در خط زمان تاریخی در برابر این مثلث جغرافیای توحیدی ایجاد می شود. بنابراین، تقابل های تاریخی جغرافیاهای سیاه و خاکستری در برابر جغرافیای حق شامل این موارد می شود:

الف) جلوگیری از ایجاد منطقه جغرافیایی برای حق؛

ب) ایجاد جوامع باطل موازی با حق و در برابر آن؛

ج) نفوذ و تصرف در کانون جغرافیایی حق و مصادره و تحریف آن به نفع خود.

الف) جلوگیری از ایجاد منطقه جغرافیایی حق

الف) جلوگیری از ایجاد منطقه جغرافیایی حق

این گزینه، نمونه های متعددی در تاریخ صدر اسلام دارد که ابتدا مشرکان مکه و یهود حجاز آن را پی گیری می کردند. هدف آنها نیز تلاش برای جلوگیری از اثرگذاری پیامبر بر مردم مکه و ایجاد فاصله بین ایشان و مردم مکه بود تا پیامبر از مکه قطع امید کند و زمین گیر شود. بعدها منافقان همین سیاست را با آگاهی از احادیث نبوی، درباره ایرانیان اجرا کردند. اعراب با اجرای گسترده و قاطع طرح تبعیض میان عرب و عجم، فاصله گذاری بین موالی مسلمان و اعراب مسلمان، دور کردن جریان شیعه و اهل بیت از ایران زمین در کنار اجرای فتوحات گسترده در ایران و تلاش برای اسلامی سازی آن به نفع جریان خلافت، تلاش کردند ایران اسلامی به جای تبدیل شدن به صحنه آرزوهای تاریخی پیامبر، به صحنه اجرای نیات شوم آنها تبدیل شود.

ب) ایجاد جغرافیاهای موازی

ب) ایجاد جغرافیاهای موازی

نقطه اوج دست یابی به این هدف، تلاش تاریخی خلیفه دوم برای طراحی و بزرگ نمایی

جغرافیای شوم و فاسد تاریخی شام و واگذاری آن منطقه - در همسایگی روم و یهود - به امویان بود که بعدها به مهم ترین رقیب در برابر جغرافیای حجاز و جغرافیای عراق تبدیل شد. چون خلیفه دوم و خلفای بعد می دانستند که سرانجام روزی امیرالمؤمنین علی (ع) با خواست مسلمانان به خلافت خواهد رسید، پیشاپیش مرکزی را برای جبهه باطل در برابر او طراحی کردند.

این کار همانند تلاش تاریخی عباسیان برای طراحی شهر بغداد در برابر کوفه بود که با هدف ایجاد مرکزیت جدید و مدرن برای جریان باطل در مرکز بین النهرین انجام شد.

ج) نفوذ و تصرف کانون جغرافیایی حق

ج) نفوذ و تصرف کانون جغرافیایی حق

منافقان پس از رحلت پیامبر اکرم؟ ص؟ برای در اختیار گرفتن مدینه و ایجاد تحولات فکری و اجتماعی در آن تلاش کردند، به گونه ای که دیگر در گستره آینده تاریخ، همواره جبهه حق در مدینه، غریب و مظلوم باشد. (۱) امویان نیز برای تغییر بافت اجتماعی کوفه و تبعید یا کشتارهای مکرر قبایل شیعه کوفه با هدف پاک سازی جغرافیایی کوفه از جریان تشیع کوشیدند. (۲)

این وضعیت سیاه جغرافیایی باطل، از نظر سیاسیو اجتماعی بود. جغرافی سازی های فکری و معنوی، ایجاد مدارس علمی و مکتب های فکری موازی و رقیب جبهه حق با الگوها و تنوع های گوناگون برای هر سلیقه ای متناسب با نوع جغرافیا و آب و هوا و گروه خونی در مناطق گوناگون اسلام، از دیگر طرح های سیاه جغرافیایی باطل بود.

جبهه خاکستری هم در میانه مصاف جغرافیاهای سفید و سیاه، کم کم در صدد جذب نیروهای میانه در جهان اسلام و ایجاد جغرافیاهای تاریخی خاص خود بود. این جبهه پس از ناکامی از اثرگذاری ماندگار بر جریان علمای حجاز و عراق، به جریان های افراطی شیعی در مناطق مستعد روی آورد تا بهره جغرافیایی آینده خود را از این آشفته بازار کسب کند؛

ص: ۱۲۵

۱- شرح حدیدی ج ۴ ص ۱۰۴، امام سجاده؟ ع؟ پس از عاشورا می فرمود: ما در مکه و مدینه حتی بیست نفر علاقمند هم نداریم.

۲- فتوح البلدان ص ۱۸۸.

همان دولت های زیدی و اسماعیلی آینده که بیشتر در مناطق حاشیه ای آن روز جهان اسلام شکل گرفتند؛ مناطقی همانند یمن در حاشیه جنوبی و بحرین و در حاشیه شرقی جزیره العرب و طبرستان ایران یا مصر.

وضعیت عمومی و تقسیم بندی جغرافیای حق و باطل در جهان اسلام، در آستانه امامت امام صادق(ع) را بیان کردیم. نمودار تقابل تاریخی حق و باطل از جهت جغرافیایی در آن زمان رانیز می توان چنین ترسیم کرد:

جغرافیای مصاف تاریخی و خط زمانی حق و باطل

حق

گذشته (پیامبران و حضور امامان)

از آدم تا نوح(ع)

کانون جبهه حق، خاورمیانه بود، ولی به دلیل شکل نگرفتن جوامع و تمدن ها، تبلیغ توحید به صورت گسترده و فراگیر بود.

ابراهیم(ع)

به موازات رشد و پیشرفت تاریخی درک و فهم و زندگی بشری، تلاش ابراهیم پایه گذاری جامعه و تمدن توحیدی است. به همین دلیل، پس از ناکامی از انجام دادن آن در بین النهرین، به فلسطین می رود.

موسی تا عیسی(ع)

تلاش تاریخی انبیا پس از بازگرداندن بنی اسرائیل از مصر بر ایجاد تمدن توحیدی و سپس مبنا و کانون قرار دادن آن برای توسعه جریان حق به سراسر گیتی بود. حتی در ملک سلیمان نیز تفاوت ماهوی این تمدن با دیگر تمدن ها در جمع ملک و ملکوت به نمایش گذاشته می شود.

پیامبر خاتم؟ ص؟

پیامبر خاتم با دریافت دین خاتم که کامل و جامع است، کوشید در مکه و سپس مدینه، پایه گذار جامعه توحیدی اسلام باشد. آن گاه از مدینه به توسعه اسلام در جزیره العرب پرداخت تا بعدها با کمک امامان، اسلام پذیری اعراب نهادینه تر شود و مناطق به جهان اسلام گسترش یابد.

امامان؟ عهم؟

پس از آشکار شدن نفاق نهادینه شده در جزیره العرب و اسلام

اموی، امامان بر اساس پیش بینی های پیامبر در مناطق باسابقه تمدن در خاورمیانه (عراق + ایران + یمن + لبنان و ...) سرمایه گذاری کردند. به این ترتیب، کانون های تشیع در این جوامع شکل گرفت.

حال گسترده (دوره غیبت)

پس از ایجاد جوامع جغرافیایی حق در گستره خاورمیانه، تلاش برای رشد و بلوغ تدریجی این جوامع حق و گسترش تدریجی آن با کمک دو کانون جغرافیایی ایمانی و علمی نجف و قم به سراسر جهان آغاز شد. در آخرالزمان با وجود تمام هجوم های ابلیسی، ندای توحیدی حق و ارزش های آن به گوش تمام جهانیان می رسد و مردم در کنار خستگی از باطل، پذیرای ظهور جغرافیای جهانی حق می شوند.

آینده (پیش از ظهور تا رجعت)

پیش از ظهور

بر اساس پیش گویی ها، در آستانه ظهور، دو تحول مهم برای جریان حق خواهی رخ می دهد. اولی که جهانی است و همان میل عمومی جهانیان به عدالت خواهی است و دیگری، منطقه ای و در خاورمیانه است که سبب خیزش های جغرافیای حق در خاورمیانه به ویژه در گستره جغرافیای شیعه برای زمینه سازی می شود.

آغاز ظهور

ظهور بر اساس مثلث تاریخی توحیدی، پایه گذاری می شود. نقطه شروع آن، مکه (و مدینه) و مرحله دوم، تثبیت اولیه ظهور در کوفه و ایجاد مرکزیت دولت ظهور در آنجاست. در نهایت نیز بیت المقدس است که در آنجا مواجهه نمایی با سه جریان نفاق، یهود و اهل کتاب رخ خواهد داد تا دین حق جهانی شود.

باطل

گذشته (پیامبران و حضور امامان)

از آدم تا نوح(ع)

تلاش ابلیس در این مرحله ایجاد جریان باطل در تمام گستره حق و توسعه سطحی و جغرافیایی آن بود. بازتاب این رخداد، توفان نوح است که عذابی جهانی برای جریان اولیه باطل است.

ص: ۱۲۷

در فترت تاریخی پس از نوح، ابلیس کوشید با بهره گیری از پیشرفت طبیعی و تاریخی انسان ها، تمدن های غیر توحیدی در سراسر مناطق خاورمیانه و دیگر مناطق مستعدی ایجاد کند که انسان ها به آنجا مهاجرت کرده بودند.

موسی تا عیسی(ع)

ابلیس با استفاده از نقطه ضعف بنی اسرائیل و گمراه کردن آنها، فاسدترین ملت و تمدن را با سلاح دین علیه دین در فلسطین ایجاد کرد. بعد با مهاجرت آنها به دیگر جغرافیاهای دینی و غیر دینی، برای گسترش جغرافیایی ارزش های باطل یهود کوشید.

پیامبر خاتم؟ص؟

ابلیس با کمک یهود و اهل کتاب کوشید جریان نفاق را در کانون اسلام ایجاد کند. پس از ناکامی مشرکان، از درون اسلام، منافقین را در برابر پیامبر اکرم؟ص؟ سامان داد تا با کُنندسازی اهداف پیامبر، را برای تصرف جغرافیای عرب مسلمان پس از پیامبر آماده سازد.

امامان؟عهم؟

ابلیس پس از مصادره اسلام و جغرافیای جزیره العرب در پی کودتای منافقین کوشید از ایجاد کانون های جدید حق جلوگیری کند و یا در کنار آنها به اضافه حجاز، شام و بغداد را به عنوان کانون های علم و قدرت اسلام انحرافی بنیان نهد.

حال گسترده (دوره غیبت)

ابلیس پس از شکست تاریخی در نابودی کامل حق (در عاشورا) و پذیرش ایجاد جغرافیای حق (شیعه) کوشید با استفاده از ظرفیت غیبت ولی حق، در گستره زمانی و مکانی جغرافیای باطل با تنوع و تکامل بخشی تمدن های باطل اسلامی و غیر اسلامی، ذهن بشر را از اسلام حق دور نگه دارد و راه نجات و سعادت را در تمدن های گوناگون باطل نشان دهد. این راه بر خلاف عذاب های آسمانی، عذاب ها و بحران های زمینی و جهانی خودساخته بشر را به همراه خواهد داشت.

آینده (پیش از ظهور تا رجعت)

پیش از ظهور

ابلیس با آشکار شدن نشانه های پایان (و نزدیک شدن ظهور که مرگ اوست) تلاش می کند خاورمیانه را که کانون ظهور خواهد بود، به گرداب آشوب، فتنه، درگیری و نابودی بکشاند.

همچنین با ایجاد ائتلاف جهانی اسلام انحرافی (نفاق و نصب) با جهان غرب، بزرگ‌ترین لشکرکشی را برپا نمودی جبهه حق (شیعه کش) در منطقه راه می اندازد.

آغاز ظهور

جریان ابلیس در مواجهه با ظهور، سه عقب نشینی تاریخی از حجاز، عراق و فلسطین خواهد داشت. مهم ترین عامل این عقب نشینی ها، یاری رسانی جنوب (یمن) و شرق (ایران) به جبهه حق است تا اینکه سرانجام جغرافیای باطل از کره خاکی برچیده خواهد شد.

جغرافیای مصاف حق و باطل از بعثت تا غیبت

حضرت محمد؟ ص؟

حق

پیامبر اکرم؟ ص؟ پس از ناکامی در مکه، جامعه توحیدی را در مدینه پایه گذاری کرد. پس از رسوخ جریان نفاق در مدینه، کوشید در کنار اقلیت صحابه حق طلب در مدینه، جغرافیاهای دیگری هم برای جبهه تاریخی حق ایجاد کند. بدین دلیل، با سفر تاریخی امیرالمؤمنین علی (ع) به یمن و اعزام برخی صحابه به شرق (بحرین)، برای رشد تشیع در این دو منطقه بسترسازی شد.

باطل

جریان ابلیس در برابر پیامبر اکرم؟ ص؟ در ابتدا اتحاد اهل کتاب و مشرکان را ایجاد کرد، ولی پس از ناکامی های پیایی در پیشرفته ترین مدل باطل سازی، جریان نفاق و گسترش کمی و کیفی آن در جامعه نبوی را به وجود آورد. سپس کوشید با مقدمه چینی گسترده ضمن گندسازی و مانع تراشی پیایی در برابر جغرافیای حق سازی پیامبر، خود را برای کودتای بعد از رحلت پیامبر آماده سازد.

ص: ۱۲۹

حق

پس از غصب خلافت و موضع گیری آشکار حجاز علیه امام علی (ع)، ایشان با کمک صحابه صالح و با بهره گیری از روش تقیه و بر اساس پیش گویی های نبوی، در شهر کوفه را دل جریان باطل بنا کرد. سپس با مهاجرت اکثر قبایلیمنی علاقه مند تشیع به آنجا، اولین کانون تاریخی و اجتماعی تشیع را در کوفه بنیان نهاد. البته این کانون در این سال ها بیشتر عاطفی و احساسی بود و در همان کوفه هم در اقلیت اجتماعی و سیاسی قرار داشت.

باطل

کودتای تاریخی جریان نفاق که با همکاری اهل کتاب و تازه مسلمانان مکه و دیگر قبایل عرب همراه بود، فرصتی تاریخی به کودتاگران داد تا ضمن مصادره همیشگی تاریخی جغرافیای حجاز برای خود، با آگاهی از پیش گویی های پیامبر درباره توسعه قریب الوقوع اسلام و با راه اندازی جریان فتوحات به جای اسلام راستین، اسلام تحریف شده شان را توسعه دهند. آنها با توسعه کمی باطل به نام اسلام، جلوی پیش بینی های نبوی درباره جغرافیای آینده حق در مناطق جدید و متمدن را گرفتند. در این راستا تلاش شد شام، کانون توجه آینده اسلام اموی باشد.

امام سجاد و امام باقر؟ عهما؟

حق

عاشورا، مهم ترین درگیری تاریخی حق و باطل بود که سبب ایجاد مهم ترین کانون جغرافیایی و فرهنگی جبهه حق شد. پس از عاشورا، خط امامت با نومیادی از حجاز کوشید با سرمایه گذاری بر ارزش های عاشورا به جذب و احیای جغرافیاهای مستعد برای جبهه حق و پایه گذاری مستقل و مستحکم جامعه حق پردازد. بدین ترتیب، در این دوران، کوفه و به تدریج، مناطقی از ایران آماده بنیان گذاری جامعه شیعی شدند.

باطل

جغرافیای باطل در این سال ها بر دو گستره می چرخید: یکی، جغرافیای سیاسی که در شام بود و دیگری، جغرافیا و مدارس نوپای علمی و فکری که در سراسر جهان اسلام عربی در حال شکل گیری بودند. به سبب خشونت بیش از حد اسلام و جغرافیای سیاسی، تفرقه و تکثر در جریان باطل به وجود آمد و همین امر کم کم سبب ایجاد بحران در جریان باطل شد.

حق

امام صادق(ع) در امتداد رسالت پدرانیش و با استفاده تاریخی از بحران های سیاسی و جغرافیایی باطل تلاش کرد با راه اندازی موقت دانشگاه حق در مدینه با حضور شاگردانی که بیشتر کوفی و برخی ایرانی بودند، در فرصت به دست آمده، کوفه و کم کم قم (در ایران) را به جغرافیای تاریخی حق بر مبنای علم و فرهنگ تبدیل کند. همچنین با احیای کربلا و نجف و تأکید بر فرهنگ زیارت، جغرافیای زیارت را طراحی کرد. در مقابل تلاش باطل برای ایجاد بغداد نیز به طراحی جامعه شیعه بغداد پرداخت.

باطل

اسلام سیاسی اموی در این سال ها چنان از درون فاسد شده بود که نه تنها جریان های خاکستری، بلکه جریان های سیاسی و فکری از داخل اسلام رسمی هم به شورش و قیام علیه آن برخاستند. سرانجام خلافت عباسی به جای امویان روی کار آمد. عباسیان پس از به قدرت رسیدن و درک جغرافیای حق و باطل کوشیدند با انتقال کانون قدرت به بغداد، از جغرافیای باطل در برابر جغرافیای حق در حال گسترش تعریفی جدید ارائه دهند.

امام کاظم تا امام حسن عسکری؟ عهما؟

حق

در این دوران، دانشگاه مدینه تعطیل شده بود، دانشگاه کوفه و قم و حتی بغداد در جغرافیای منطقه، شروع به جذب و گسترش جغرافیای تدریجی حق با سلاح علم و فرهنگ و ایمان کردند. در این سال ها، مهاجرت امام زادگان در جغرافیای جهان اسلام و به ویژه ایران در کنار مهاجرت تاریخی اهل بیت معصوم به ایران و عراق سبب نهادینه شدن رسمی تشیع در ایران و عراق و دیگر مناطق جهان اسلام شد.

باطل

خلافت عباسی پس از آشکار شدن چهره باطنی اش که سبب ریزش اکثریت جغرافیای ایرانیان همراه با آنها شد، تلاش کرد با جذب جریان های علمی و فرقه ای در همان جهان اسلام عربی و غیر عربی و حمایت فرقه های فقهی و کلامی به نظام سازی تاریخی و فکری و فرهنگی باطل در برابر مکتب رو به رشد تشیع بپردازد.

با توجه به این مقایسه تطبیقی، جغرافیایها و اطلس های حق و باطل مشخص می شود در دوران امام صادق(ع) با نگاه به گذشته و چشم انداز آینده، از جهت جغرافیایی، تحولات و مسائل و نکات جغرافیایی به اوج می رسد؛ زیرا از یک سو، جریان تاریخی حق در حال

جامعه سازی تاریخی است و از سوی دیگر، جامعه و جریان باطل با درک ضرورت تغییر و خانه تکانی، دست به تغییر و تحولات جغرافیایی مهمی می زند.

بدین جهت، برای فهم و بررسی و پژوهش بیشتر محورها، سوژه ها و ایده های جغرافیایی دوران زندگانی امام صادق(ع)، این بحث در سه بخش سفید، سیاه و خاکستری، با محوریت نقشه خاورمیانه تحلیل اجتماعی و بررسی می شود که عبارتند از:

۱. اطلس جغرافیای سفید (حق)؛

۲. اطلس جغرافیای سیاه (باطل)؛

۳. اطلس جغرافیای خاکستری (مخلوطی از حق و باطل که از حق اکثری شروع، و به تدریج، رنگ حق تضعیف می شود).

جغرافیای سه گانه سفید، خاکستری و سیاه در زمان زندگانی امام صادق(ع)

سفید

دروان امام سجاد و امام باقر؟ عههما؟

امامان معصوم؟ عههم؟ با وجود محصور بودن در مدینه و مکه کوشیدند با برنامه هایعرفانی و علمی، اولین گروه از جوانان متمایل به تشیع را جذب نموده و با تربیت نمودن آنها و بازگرداندنشان به کوفه، تشیع را در آنجا احیا کنند.

امامت زمان مروانیان

امام با یاری شاگردان پدر می کوشد بزرگ ترین دانشگاه علمی دوران امامت را در مدینه ایجاد کند. پس از بازگشت فارغ التحصیلان به کوفه، کم کم کوفه به پایگاه علمی و فرهنگی تشیع تبدیل شد. سپس از مدینه و کوفه به گسترش تدریجی و آرام تشیع در عراق و ایران به ویژه بغداد و قم پرداخت. البته قم هنوز جایگاه واقعی اش را نیافته بود، ولی امام برای آینده آن تبلیغات فرهنگی وسیعی می کرد.

امامت زمان عباسیان

تثبیت خلافت عباسی سبب تعطیلی تدریجی مدرسه علمی امام در مدینه شد، ولی امام با تشکیل تدریجی سازمان وکالت و استفاده از سفرهای اجباری به عراق، به نظام سازی و انسجام بخشی جامعه شیعه در کوفه که مدخل مبنا بود، یاری رساند و سپس در عراق، کانون و مرکز جغرافیایی تشیع، به احیای مزارهای نجف و کربلا و فرهنگ سازی مبتنی بر زیارت برای این جامعه جدید و در حال شکل گیری پرداخت. در آخرین مرحله، در برابر پایتخت سازی جدید عباسیان، به نفوذ دادن

شیعیان در جامعه و بدنه سیاسی باطل در مرکز جدید کوشید.

خاکستری

دروان امام سجاد و امام باقر؟ عهما؟

فشارهای گسترده مروانیان بر جامعه اسلامی، نارضایتی‌های اجتماعی حتی در میان علما و فقهای عراق و حجاز پدید آورد و آنها را آماده پیوستن به قیام‌های احتمالی کرد.

امامت زمان مروانیان

در مواجهه با فساد و ظلم مروانیان و آمادگی بخشی از جامعه برای شورش، قیام زید و سپس فرزندش، زمینه ساز پیدایش خط سومی بین مروانیان و عباسیان با شعار مبهم دعوت به اهل بیت پیامبر شد این رویداد قشر فرهیخته جامعه عامه را به سوی آنها جذب کرد. البته این جریان به دلیل در اقلیت بودن و عمق نداشتن به نتیجه نرسید.

امامت زمان عباسیان

خلافت عباسی پس از پیروزی تلاش کرد به جذب گسترده طبقات گوناگون جامعه اسلامی که اهل سنت بودند و دور ریختن شعارهای اهل بیت، ضربه‌های سنگینی بر قیام‌های علوی وارد آورد. آخرین تلاش علویان در آغاز خلافت عباسی در حجاز و عراق متمرکز بود، ولی شکست سریع آن‌ها، این جریان را به جست‌وجو در جغرافیاهای جدید وا داشت.

سیاه

دروان امام سجاد و امام باقر؟ عهما؟

در این زمان، خلافت مروانی با مرکزیت شام در اوج قدرت بود. بدین دلیل، مهم‌ترین تلاش جغرافیایی آن ضمن محصورسازی اهل بیت پیامبر در مدینه، پاک‌سازی خونین و گسترده جوامع و قبایل شیعیان متمایل به شیعه در عراق با مرکزیت کوفه بود. این جریان خشن و گسترده، اعتراض و همراهی تدریجی برخی جریان‌های علمی و فکری اهل سنت را علیه آنها به همراه داشت.

امامت زمان مروانیان

فساد درونی خلفای مروانی و تضعیف آن‌ها، فرصتی تاریخی را در اختیار بنی عباس گذاشت که با سرمایه گذاری معنوی در مورد مسلمانان ایرانی به ویژه خراسانی، آنها را به سوی خود جذب کنند. (خراسان به دلیل دوری از شام و حجاز و وجود زمینه‌ها و تمایلات به اهل بیت که ناشی از قیام زید بود) بدین گونه نزاع و جنگ داخلی شرق (عباسی) و غرب (مروانی) اسلامی شروع شد که در نهایت به سقوط غرب و آغاز خلافت عباسیان با کمک ایرانیان انجامید.

خلافت عباسی در آغاز کوفه را مقرر خود قرار داد، ولی خیلی زود متوجه شد که این شهر شیعی، ظرفیت پایتختی آنها را ندارد. آنها هماهنگ با شرایط جدید در جغرافیای جدید خاورمیانه و در برابر تشیع رو به رشد و درک اهمیت منطقه شرقی خاورمیانه، به ایجاد بغداد در مجاورت کوفه و ایران- دو جغرافیای مستعد برای تشیع- پرداختند. البته آنها نمی دانستند که در بغداد، جامعه شیعه در حال بنیان گذاری است.

۱. اطلس جغرافیای حق در دوران امام صادق(ع)

اشاره

۱. اطلس جغرافیای حق در دوران امام صادق(ع)

در دوران امامت امام صادق(ع)، کانون فعالیت و تبلیغ و دعوت اهل بیت، همچنان در مدینه بود. دلیل محدودیت اقامت، از یک سو، علاقه تاریخی اهل بیت به مدینه النبویه و از سوی دیگر، ناشی از اقامت اجباری و ممنوعیت و محدودیت سفر به دیگر مناطق و جغرافیاها بود. خلیفه دوم این سیاست را پایه گذاشت و بر اساس آن، از سفر و هجرت اهل بیت به دیگر مناطق، به جز سفر حج جلوگیری می کرد.

مدینه در این سال ها، همانند تمام دوران پس از رحلت پیامبر (بر خلاف تعهدات مردم با پیامبر در ليله العقبه، مبنی بر حمایت دائمیاز خاندانش)^(۱) چندان میل و تعلق به اهل بیت پیامبر نداشت، ولی امام صادق(ع) چاره ای جز جذب و دعوت استعدادهای انسانی در مکه و مدینه نداشت. بدیهی است مهم ترین فرصت تاریخی امام برای جذب استعدادها، فرصت سالانه سفر حج بود. بدین جهت، در این سال ها، مهم ترین جغرافیای فعالیت امام، حد فاصل مکه و مدینه، آن هم در ماه های حج بود، امام پس از ماه های حج، برای تربیت یک ساله افراد جذب شده در مدینه (منزل یا مسجد پیامبر) می کوشید.

در مراسم حج، با وجود تمام پاکی و عصمت و علم غیب امام معصوم، به دلیل تبلیغات مسموم سیاسی و اجتماعی و فرهنگی، محدودیت ها و مراقبت ها و همچنین وجود جریان های موازی فکری و علمی، بیشتر افرادی که جذب امام می شدند، افراد و جوانان کوفی بودند که

گرایش های شیعیداشتند یا از تازه مسلمانان ساکن کوفه بودند که کمتر عقاید باطل و اسلام اموی در آنها رسوخ کرده بود.

ازاین رو، با تلاش ده ساله امام صادق(ع) (و البته در امتداد تلاش ده ساله آخر عمر پدرش، امام باقر(ع)) پس از فارغ التحصیلی و بازگشت شاگردان امام باقر و امام صادق، در کوفه، ابتدا در خانه بزرگان علمی شیعه و به هنگام تضعیف خلافت مروانی و والیان آنها در کوفه، دانشگاه شیعه در مسجد کوفه راه اندازیشد. سپس از کوفه به دیگر مناطق دارای گرایش های شیعی، در عراق، ایران و به ویژه قم - که به تازگی قبایل شیعیمنی الاصل ساکن کوفه آن را پایه گذاری و نوسازیکرده بودند - گسترش یافت. جغرافیای شیعه نه با سلاح و زور (همانند فتوحات خلفا) و با شعارهای فریبنده دعوتگران اعزامی همانند داعیان بنی عباس، بلکه با حضور شاگردان علمی اهل بیت که بیشتر هم نسل اول و دوم آنها از جوانان همان منطقه زیست بوم خود بودند، گسترش یافت.

با این نگاه، به دلیل محدودیت قالب تصویر در این اثر، برای ترسیم نقشه های جغرافیایی، نخست فهرستی از ایده ها و سوژه های اطلسی جغرافیای سفید ارائه می شود. سپس برخی موارد را به صورت تلفیقی با نمودار خط زمانیشان می دهیم.

الف) فهرست ایده های جغرافیای حق

الف) فهرست ایده های جغرافیای حق

- اطلس زندگانی شخصی حضرت

شامل تمامی مکان ها و محیط های است که در دایره زندگانی فردی و سیاسی و اجتماعی حضرت قرار می گیرد. حتی با توسعه بخشی ماورایی می تواند طی الارض ها (یا جغرافیاهای ماورایی) را هم شامل شود.

دست کم دایره این جغرافیا در مدینه، دایره خانه امام، مسجد پیامبر، باغ ها یا زمین های است که محل کشاورزی امام یا میراث رسیده به آن حضرت یا موقوفه های امامان قبل بوده اند.

ص: ۱۳۵

اطلس سفرهای امام از جمله سفر حج، شام و سفرهای عراق است. امام صادق(ع) در این دوره تاریخی و حساس، با بهره‌مندی از ظرفیت‌های سفرهای تاریخی، به فرهنگ‌سازی و تاریخ‌سازیمکتب تشیع می‌پرداخت. نمونه آن، احیای غدیر و جغرافیای غدیر در ضمن سفر حج، احیای مزار امیرالمؤمنین علی(ع) و پایه‌گذاری شهر نجف، احیا و توسعه فرهنگ زیارت کربلا در ضمن سفر عراق یا احیای مقام‌ها و مکان‌های معنوی و تاریخی در کوفه به ویژه در مسجد کوفه و مسجد سهله است. از نکات مهم سفرهای زیارتی امام صادق(ع)، در مدت اقامتشان در کوفه و عراق، تلاش ایشان برای زیارت نجف یا کربلاست همراه یاران متعدد و متنوعشان است؛ به گونه‌ای که گزارش زیارت‌های امام صادق(ع) از مزارها در موارد بسیار از اصحاب گوناگون و همراه با آنها روایت شده است؛ کسانی همانند صفوان جمال، معلی بن خنیس، مفضل بن عمر، مبارک خباز، ابوالفرج سنّی، ابی‌العلاء طائی، محمد بن مسلم، ابان بن تغلب، یونس بن ظبیان و...).

- اطلس مدرسه علمی و شاگردان حضرت صادق(ع)

این اطلس شامل جغرافیای اماکنیاست که فرد یا افرادی از آنجا برای علم‌آموزی نزد امام آمده باشند. جغرافیایی که مراحل و ابعادی همانند اعزام شاگرد، بازگشت شاگرد، ایجاد مدرسه علمیا تحول اجتماعی برای جامعه شیعه می‌تواند داشته باشد.

از دیگر زیرشاخه‌های این جغرافیا، دایره سفرهای علمیا مناظره‌ای شاگردان امام در جهان اسلام، برای تبلیغ تشیع یا مناظره با مدعیان علمی و فکریاست.

در این بخش، جدول و اطلس یاران و شاگردان ایرانی امام صادق(ع) از موارد بسیار جالب و مهم به شمار می‌رود.

این اطلس دو رویکرد کلی دارد: جغرافیای جامعه شیعه و جغرافیای سازمان و کالت که در حقیقت، همان رهبران اجتماعی جامعه شیعه و واسطه بدنه جامعه و امام معصوم بودند.

بررسی نسبت پراکندگی این جامعه، تحولات درونی آن، ریزش ها و رویش ها در این جامعه، تعیین خاستگاه جغرافیایی بیشترین خاندان های شیعی، نسبت جامعه شیعه با دیگر جوامع خاکستریا سیاه، اطلس جوامع شیعی عرب و عجم و آمار کمی و کیفی هر یک از این جوامع از مباحث مهم این بخش به شمار می روند.

در این زمینه، اطلس گزارش های حدیثی ملاقات کنندگان امام از گستره جغرافیایی دین اسلام که همراه با گرایش های شیعی است، می تواند بیانگر جغرافیای اولیه تشیع در سرزمین های دور باشد.

- اطلس مهاجرت قبایل شیعه یا شهرها و محله هایی با اکثریت مردم شیعی در حال پیدایش

مهاجرت قبایل شیعه، اعم از مهاجرت های اجباری مستقیم یا غیر مستقیم قبایل شیعی کوفه و عراق به ایران، پس از مهاجرت تاریخی آنها از یمن و شرق جزیره العرب در زمان خلفای ثلاث به عراق.

- اطلس مهم پیش گویی های امام صادق (ع) (برای جغرافیای تشیع)

امامان معصوم به واسطه علم غیبی شان، هماهنگ با شرایط زمانه، پیش گویی های غیبی نزدیک، میانه و دور از جهت زمان انجام می دادند. زمانه امام صادق (ع) به دلیل گستردگی تحولات، اوج گیری مدرسه علمی امام و فراوانی احادیث، یکی از زمان های انتشار فراوان ترین احادیث پیش گویی در تاریخ اهلیت است. آن بخش از پیش گویی های نزدیک که معاصر با زندگانی حضرت است یا مربوط به سده اول زندگانی ایشان و پس از آن می شود، عبارت است از: پیش گویی شهادت زید و نفس زکیه، به خلافت رسیدن عباسیان، حرم حضرت معصومه؟ عها؟ در قم و نقش قم در آینده ایران، پیش بینی پیدایش حرم های اهل

- اطلس سفرهای علمی و مناظره ای شاگردان مکتب جعفری

با ایجاد دانشگاه امام صادق(ع) در مدینه و جذب افراد گوناگون به آن، جغرافیای سفرهای علمی آنها یا جغرافیا و آمار نوسان جذب یا فارغ التحصیلی این دانشگاه یا بازتاب تحولات سیاسی اجتماعی بر این سفرها یا حضورها می تواند از موارد جالب جغرافیایی باشد.

برای نمونه، سفر امام صادق(ع) به کوفه در آغاز خلافت عباسیان سبب جذب هشام بن حکم، از اعضایفرقه های انحرافی، به مکتب تشیع و دانش آموزی کوتاه مدت او در محضر امام در کوفه شد. پس از بازگشت امام به مدینه، هشام با آگاه شدن از جولان دهی عمرو بن عبید معتزلی، با استفاده از فضای باز زمان عباسیان، به بصره رفت و در مناظره ای تاریخی، او را در مسجد بصره رسوا کرد. هشام از آنجا عازم سفر حج شد و در مکه به محضر امام صادق(ع) رسید و امام در جمع اصحاب، او را بسیار ستود.

- اطلس مقام ها و مکان های منسوب به امام صادق(ع)

همانند مقام های امام صادق(ع) در مسجد کوفه و مسجد سهله و نیز در کربلا و نجف یا خانه امام صادق(ع) در مدینه، که در زمان غیبت صغرا، امام به برخی شیعیان سفارش فرموده بود در آن ساکن شوند و آنجا را از غربت و تنهایی در بیاورند.

۲. اطلس و جغرافیای سیاه

اشاره

۲. اطلس و جغرافیای سیاه

دوران امام صادق(ع) از جهت جغرافیا و اطلس جریان باطل و سیاه، یکی از حساس ترین دوران های تاریخی مصاف حق و باطل است؛ زیرا در جریان مستمر تاریخی باطل، تمام تلاش جریان باطل بر تصرف و تخریب یا تحریف جغرافیاهای حق به نفع خود بود. جریان باطل در آغاز پیدایش اسلام، حجاز را کانون خود قرار داده بود و البته از فلسطین هم غافل نبود، ولی

در آن زمان به آن، دسترس نداشت. پس از آن، ائتلاف جریان های باطل داخلی و خارجیلافاصله برای مصادره حجاز به نفع باطل برنامه ریزی کردند.

با آغاز خلافت علوی، وقتی امامعلی(ع) مرکز جریان حق را به کوفه منتقل کرد، پس از شکست تاریخی بصره در طرح فتنه انگیزی در برابر امام، دمشق و شام به کانون تاریخی باطل تبدیل شد. پس از آن، به مدت یک قرن، دمشق، کانون جغرافیایی باطل بود؛ زیرا این مکان اجتماعی نسبت به عراق و حجاز، از جهت فکری و نژادی، یک دست بود و در قبضه و اختیار کامل جریان اموی- مروانقرار داشت. جریان باطل با تکیه بر دمشق و با کمک جریان های باطل مستقر در حجاز و عراق کوشید در حجاز، اهلیت را نابود یا محاصره کند و در عراق هم به مدت نیم قرن از امارت زیاد بن ابیه در سال ۵۰ ه. ق تا پایان دوران یوسف بن عمر ثقفی در ۱۲۶ ه. ق، با حذف افت و خیزهای تاریخی و سیاسی، به سیاست شیعه کشی، تحقیر و تبعید و آزار آنها پرداخت.(۱)

در این زمان، یکی دیگر از سیاست های اجتماعی- جغرافیایی مهم، استمرار دو سیاست مهم خلیفه دوم بود؛ یعنی اجرای گسترده فتوحات برای مشغول کردن مسلمانان از جهت دغدغه و اولویت مهم اجتماعی و فرهنگی آنها و طبقه بندی نژادی بین عرب و غیر عرب به ویژه عجم و موالی که بیشترشان ایرانیان بودند. این تبعیض از نظر اجتماعیسبب رسمیت یافتن جزیه گرفتن حتی از عجم های مسلمان شد. همچنین آنها را از مناصب اجتماعی، سیاسی و دینی رسمی محروم می کرد و حتی ازدواج عجم با عرب ممنوع بود. از این رو، در جغرافیای جهان اسلام آن دوران، مرزبندی اجتماعی نهفته ای وجود داشت که همان مرز جغرافیای اسلام عربی و غیر عربی بود.(۲)

از دیگر جغرافیاهای مهم این دوران، ایجاد مدارس و جریان های علمی و فکری و فرقه ایدر جهان اسلام در برابر اهلیت بود. این وضعیت از نظر جغرافیایی و به واسطه تنوع اقلیم ها، از جهت جمعیتی و فکری و فرهنگیسبب ایجاد و رشد مدارس گوناگون شد.

ص: ۱۳۹

۱- در این زمینه نک: کوفه و نقش آن در قرون نخستین اسلامی ص ۲۹۷ و ۳۷۷ و ص ۳۷۹.

۲- تاریخ تشیع در ایران ج ۱ ص ۱۱۱ موالی و گرایشات مذهبی

بازتاب درازمدت این سه وضعیت (فشار سیاسی، تبعیض اجتماعیو فرقه سازی فکری) در جغرافیاهایی که از کانون قدرت باطل دور باشد، خیزش ها و شورش هایی را پدید آورد. از این رو، در دو دهه پایانی خلافت مروانی، جغرافیای جدید قیام ها و شورش ها به وجود آمد که از جهت تنوع جغرافیایی و بازتاب های تاریخی و اجتماعی، زمینه فراوانی برای ایده یابی و سوژه شناسی دارد. این قیام ها سبب تضعیف جریان جغرافیای امویان شام و با کمک جغرافیای خراسانیان مسلمان، زمینه ساز به خلافت رسیدن عباسیان در مرکز خاورمیانه در عراق شد.

در نهایت، درگیری های شرق عباسی و غرب اموی به واسطه همراهی امواج عمومی جامعه اسلامی در همه جغرافیاهای گوناگون برای تحول و نوزایی در باطل (اسلام مکتب خلفا)، سرانجام به پیروزی عباسیان انجامید. آنها پس از پیروزی با درک این نکته که نمی توانند مرکزیت خلافتشان را در ایران عجم و دمشق امویا حجاز دور از مراکز جمعیتی خاورمیانه قرار دهند، کوشیدند همانند انتخاب امیرالمؤمنین علی(ع)، کوفه را پایتخت خود در مرکز خاورمیانه قرار دهند.

گسترده گی جغرافیای تشیع در کوفه و اطرافش، آنها را به تدریج از کوفه به حیره در حومه آن و هاشمیه، کمی آن سو تر و در نهایت، به طراحی شهرینو بر مبنای شرایط جدید وادار کرد.^(۱)

بغداد در مرکز سرزمین عراق و نزدیک به ایران، آسیای صغیر، قفقاز، شام و فلسطین با جذب سریع انواع طبقات و گروه های اجتماعی عامه (اهل سنت) و رهبران فرقه های گوناگون آنها از کوفه، بصره، حجاز، دمشق و ایران، به کانون اول، از نظر جمعیت، سیاست، اجتماع و اندیشه خلافت عباسی تبدیل شد و تا پنج قرن، مرکز جغرافیایی جهان اسلام بود.

با توجه به این مباحث، عنوان برخی ایده های جغرافیایی سیاه چنین است:

ص: ۱۴۰

۱- کوفه و نقش آن در قرون نخستین اسلامی ص ۴۰۳ و ۴۰۹.

– جغرافیای جهان اسلام و جغرافیای فتوحات

– جغرافیای جهان اسلام و جغرافیای فتوحات

جهان اسلام در زمان امامت امام صادق(ع). دوران مروانیان (به جز ده سال آخر هم زمان بود، بسیار گسترش یافت و اندلس، تمام ماوراءالنهر و سرزمین سند، فتح شد. سرانجام این تحولات در شرق به زیان مروانیان و در غرب به سود آنها تمام شد؛ زیرا در شرق به دلیل اثرگذار فرهنگ و تمدن ایرانی و تحمل نکردن ظلم مروانیان، بی درنگ به کانون قیام ها یا پذیرش دعوت عباسیان علیه مروانیان تبدیل می شد. در مقابل، غرب به ویژه اندلس، به دلیل دوری از پیکره اصلی جهان اسلام و نداشتن نقل و انتقال گسترده جمعیتی مسلمانان به آنجا و پس از سقوط مروانیان، به کانون جدید خلافت اموی در باختر دور تبدیل گشت.

این اطلس از نظر گسترش کمی جغرافیای اسلامی و بازتاب های آن در جغرافیای سفید و خاکستریاهمیت دارد.

– جغرافیای استان ها و تقسیم های سیاسی جهان اسلام

– جغرافیای استان ها و تقسیم های سیاسی جهان اسلام

این تقسیم بندی از نظر تقسیم بندی های سیاسی و اجتماعی و نوع انتخاب استانداران و بازتاب آن در جهان تشیع مهم است. (به ویژه برخی مناطق که جوامع فراوان شیعی داشتند یا والیانی با گرایش های علوی برای آن انتخاب می شد؛ همانند نجاشی والی اهواز).

– اطلس تحولات و مهاجرت های بزرگ جمعیتی

– اطلس تحولات و مهاجرت های بزرگ جمعیتی

در دوره مروانیان با وجود فتوحات، جهت مهاجرت اجتماعی، از مرکز عربی جهان اسلام به سمت مرزهای شرقی و غربی بود، ولی با شورش ها و آغاز مبارزات عباسیان، روندی معکوس و ایرانی از نقل و انتقال و مهاجرت های جمعیتی در جهان اسلام رخ داد و گروه بسیاری از ایرانیان به بین النهرین منتقل شدند. از هم چنین، این روند، مرزبندی جمعیتی عرب و عجم را از بین برد و تقسیم بندی استان ها را تغییر داد و در نهایت، تحولات جمعیتی مناسیرا به سوی جبهه حق پدید آورد.

– جغرافیای فکری و فرهنگی و اطلس مدارس علمی فقهی و کلامی در جهان اسلام

– جغرافیای فکری و فرهنگی و اطلس مدارس علمی فقهی و کلامی در جهان اسلام

با غصب خلافت و مرجعیت بخشی علمی برای همه صحابه و پراکنندگی آنها در جهان اسلام در زمان خلیفه دوم، زمینه های ایجادتکثر و تعدد در مکتب توحیدی اسلام و فرقه سازی های گوناگون در برابر مکتب حق فراهم شد. هر چه زمان پیش رفت، با ورود افکار و آثار فرقه های غیر اسلامی در جامعه اسلامی، روند این فرقه سازی بسیار گسترش یافت. از این رو، جغرافیای پیدایش و گسترش فرقه های فقهی، کلامی و تصوف در جهان عامه و نسبت آن با جغرافیای حق، اطلسی مهم است. در این زمینه، اطلس مهاجرت موقت علمای عراقی و فرار آنها از ولایت عراق به حجاز، پیدایش بغداد و مهاجرت تاریخی آنها به بغداد، نوع مواجهه آنها با قیام های زیدیا نوع واکنش آنها در درگیری های عباسی-اموی از دیگر موارد این جغرافیا می تواند باشد. در این زمینه، جغرافیای ادیان بزرگ در مرزهای جهان اسلام و بازتاب آنها بر فرقه سازی های انحرافی نیز جالب است؛ همانند اثرگذاری مستقیم یا غیر مستقیم عرفان هندی و مسیحی بر تصوف، بودیسم و مانویت بر زنادقه، یهود بر فرقه های کلامی عامه و نهضت ترجمه آثار یونان و اسکندریه.

– اطلس بازتاب خلافت عباسی بر تغییرات سیاسی، اجتماعی و فکری جهان اسلام

– اطلس بازتاب خلافت عباسی بر تغییرات سیاسی، اجتماعی و فکری جهان اسلام

این اطلس در امتداد دو اطلس یاد شده است و به مقایسه دو دوران اموی و عباسی بر جهان اسلام، از نظر جغرافیای سیاسی، فکری و فرهنگی و اجتماعی و بازتاب های آن تا امروز می پردازد.

– اطلس پایتخت های سیاسی و مراکز فکری و اجتماعی آن دوران

– اطلس پایتخت های سیاسی و مراکز فکری و اجتماعی آن دوران

زیر فصل ها

– اطلس جنگ ها، قیام ها و شورش ها

– اطلس جنگ ها، قیام ها و شورش ها

شامل همه جنگ های فتوحات، شورش های داخلی، به جز قیام های علویان و مراحل درگیری عباسیان و امویان، از آغاز تا سرنگونی مروانیان است. مجموعه قیام های صورت گرفته ایران به خون خواهی از ابومسلم خراسانی نیز شامل این مورد می شود.

دوران امام صادق(ع)، زمان پیدایش تدریجی قیام های علویان و جریان فکری و سیاسی زیدیه است. کانون پیدایش رهبران این جریان به دلیل ریشه های علوی اش، از نظر اجتماعی، فکری، فرهنگی و جغرافیایی، حجاز و مدینه است. چون حجاز با خطوط فکری منشعب از تفکر اهل بیت هانگ نبود، کم کم کانون جغرافیایی این جنبش ها و جریان ها به شمال (عراق)، جنوب (یمن)، شرق (بحرین بزرگ) و غرب (مصر و شمال آفریقا) جزیره العرب منتقل شد. البته روند این انتقال، یعنی از اولین قیام ها تا پیدایش اولین فرقه ها و دولت های زیدیا اسماعیلی، دو سده طول کشید.

به هر حال، در آن سال ها، از جهت جغرافیایی، به دلیل وجود نارضایتی های فراگیر در بدنه فکری و روشنگری اهل سنت و ایجاد بحران و نارضایتی از خلافت مروانین که کم کم موجب از دست رفتن مشروعیت سیاسی- فکری آنها نزد علمای عامه شد، در مراکز جغرافیایی فکری اهل سنت، زمینه هایی برای همکاری اولیه بین قیام های علویان و رهبران سیاسی و فکری و فقهی عامه فراهم آمد. در سده اول، قیام علویان و پس از اعلام جدایی رسمی جامعه شیعه از این قیام ها، ائتلافی نانوشته بین علویان و علمای عامه ایجاد شد. از این رو، جغرافیای خاکستری در سده اول که معاصر امام صادق(ع) است، کانون خیزش هایش حجاز و عراق بود. بنابراین، یکی از معضله های تاریخی از نظر سیاسی و حتی فکری و اجتماعی برای جامعه شیعه، رخ دادن همین قیام های علوی است؛ زیرا یکی از دغدغه های مهم امام صادق(ع)، مراقبت و هدایت دشوار جامعه شیعه در مرز آزارها و خشونت های مروانین و عباسیان، از سویی و خیزش ها و قیام های شتاب زده و بدون طرح و برنامه و پر حاشیه علویان، از سوی دیگر بود.

نمونه ای از اطلس های جغرافیایی- تاریخی این بخش چنین است:

-اطلس قیام های علویان در دوره مروانین (شامل مسیر سفرهای زید از مدینه به شام تا کوفه یا مسیر سفرهای یحیی بن زید یا مراحل قیام عبدالله بن معاویه در عراق و ایران)

- اطلس قیام های علویان در دوره عباسیان (معاصر با امام صادق(ع))

- اطلس و آمار و محل شهادت علویان در دوره عباسیان

- اطلس مهاجرت علویان و امام زادگان به جهان اسلام، به ویژه ایران

نکته پایانی

نکته پایانی

در جمع بندی بحث جغرافیا و اطلس و بازشناسی این شیوه از پژوهش های تاریخی و اجتماعیو همچنین فهم بهتر زندگانی و رهبری تاریخی امام صادق(ع) برای جامعه شیعه، همین بس که جغرافیا و جامعه شیعه، در آغاز و پایان امامت آن حضرت مقایسه شود. بنابراین، جبهه حق برخلاف جبهه باطل، ضمن دوری از هر گونه تبلیغات فریبنده و تزویر یا فشار زور و خفقان یا مصلحت سنجی ائتلاف ها و باج دهی های سیاسی و اجتماعی، تنها بر مبنای اراده ها و انتخاب آگاهانه بخشی از جامعه که حق طلب، عدالت خواه و سعادت جوست، به جذب و تربیت اراده های انسانی پرداخت. سپس با یاری آنها به گسترش کمی و کیفی جامعه حق مبتنی بر تبلیغ ارزش ها و بینش های تفکر شیعیست یازید.

از نکات جالبی که تشیع در زمان امام صادق(ع) از آن بهره مند می شود، رویکرد بسیار غنی و اثرگذار عاطفی و احساسی تشیع مبتنی بر ارزش های عاشورایی، البته هماهنگ با عقل، شریعت، فطرت و به دور از تحریف و انحراف است که در آینده تاریخ، یکی از عوامل گسترش اولیه تشیع در جغرافیای اسلامی و غیر اسلامی است. به این ترتیب، نقطه ورود تشیع، این جلوه های عاطفی و احساسی بود و به دنبال آن، رویکردهای رفتاری و اجتماعی و سپس رویکردهای علمی و دانش های دینیبه جوامع جدید وارد شد.

این روند تاریخی و اجتماعی در گسترش جغرافیای تشیع، آن هم به تدریج، درست عکس قیام ها یا کودتاهای سریع جریان های سیاه و خاکستری است که ابتدا به قبضه کردن سیاست و جامعه می پرداختند و سپس به فکر فرهنگ سازی و نظریه پردازی می افتادند. چون در این زمینه پشتوانه لازم را نداشتند، کم کم افول می کردند. در این میان، جریان تاریخی مکتب

جعفری

ص: ۱۴۴

تشیع در طول تاریخ و عرض جغرافیا، پیوسته رو به رشد است.

فصل سوم: امام صادق(ع) و طراحی سبک زندگی شیعی

اشاره

ص: ۱۴۵

سبک زندگی، چیستی و جایگاه آن

ضرورت بحث سبک زندگی در زندگی امام صادق(ع)

چگونگی سبک سازی امام صادق(ع)

سبک زندگی، چیستی و جایگاه آن

سبک زندگی، چیستی و جایگاه آن

سبک زندگی که در زبان انگلیسی **life style** نامیده می شود، از مفاهیم تازه ای است که پژوهشگران حوزه جامعه شناسی و مطالعات فرهنگی برای بیان واقعیت های فرهنگی زندگی انسانی به کار می برند. این مفهوم در حوزه مطالعات فرهنگی به مجموعه رفتارها و الگوها و کنش های هر فرد گفته می شود که معطوف به ابعاد هنجاری و معانی زندگی اجتماعی نشان دهنده کم و کیف نظام باورها و کنش های فرد است. به بیان دیگر، سبک زندگی نشان دهنده ماهیت و محتوای خاص تعامل ها و کنش های انسان در هر جامعه و اغراض و معانی و تفاسیر فرد در جریان زندگی روزانه است. (۱)

ص: ۱۴۷

مفهوم سبک زندگی به معنای پیروی کردن از ره یافتی در زندگی است؛ مثلاً هنگامی که برای فردی مهم باشد که مانند شخص خاصی باشد و کارهای روزمره خود را همانند او انجام دهد یا نظام زندگی اش را شکل دهد. از سویی دیگر، سبکی شدن زندگی با شکل گیری فرهنگ مردم رابطه ای نزدیک دارد.

بنابراین، سبک زندگی نظامی ترکیب یافته از باورها، ارزش ها و رفتارهاست. بدین معنا که با مطالعه سبک زندگی؛ یعنی شیوه زندگی روزمره افراد یک جامعه، به پشتوانه فرهنگی و ارزشی این سبک ها می توان پی برد.

مفهوم سبک زندگی از مفاهیم جدید است، اما از گذشته، حقیقت آن - که برابر با اخلاق عملی فقه زندگی است - مهم ترین دغدغه ادیان و مکاتب بشری بوده است؛ زیرا بشر با درک محدودیت عمر و زندگی و ابعاد وجودی خود و روابط گسترده خود با ملک و ملکوت، (جهان غیب و شهود، آشکار و پنهان) همواره بر آن بوده است که در محدوده زندگی خود بهترین و بیشترین دستاوردها را داشته باشد. مهم ترین پرسش های مشترک انسان ها، از درباره فطرت، چیستی و چگونگی زندگی بوده است و به تعداد پاسخ ها در ادیان و مکاتب و فرقه ها شیوه ها و الگوهای زندگی را می توان دید.

موضوع سبک زندگی در جهان مدرن و معاصر چنان جایگاه یافته که به یکی از موارد مهم جنگ نرم یا تهاجم فرهنگی تبدیل شده است؛ زیرا امروز برای تسخیر ملت ها و کشورها به جای اشغال نظامی، با تغییر سبک زندگی آنان، می توان با کم ترین هزینه سبب وابستگی آن کشورها به قدرت های بزرگ شد. بدین سبب، امروزه سلاح تهاجم فرهنگی در حوزه سبک زندگی، «جنگ بدون خون ریزی و همراه با اثرگذاری بلندمدت» نام گرفته است.

ضرورت بحث سبک زندگی در زندگی امام صادق(ع)

ضرورت بحث سبک زندگی در زندگی امام صادق(ع)

نقش و جایگاه تاریخی امام صادق(ع) در سیر تاریخی جبهه حق، چنان برجسته است که تشیع که امتداد تاریخی جبهه حق است، از زمان آن حضرت تشیع جعفریاً مکتب جعفری نامیده

می شود. تأثیر آن حضرت از جنبه های سیاسی، اقتصادی اجتماعی نیست، بلکه از جنبه فکری و فرهنگی است. پرسش اساسی این است که چگونه این رسالت تاریخی-فرهنگی موجب پیدایش تشیع جعفری شد؟

همواره ادوار تاریخی مکتب حق، ریزش های فراوان داشته است. مهم ترین علت این ریزش ها، وابستگی نوایمانان به شیوه های باطل پیشین و نبود آمادگی برای تحول خالصانه و کامل در مسیر حق و پذیرش شیوه متعالیان برای نظام زندگی بوده است. این مسئله، به ویژه در تاریخ یهود دیده می شود که به سبب چند قرن زندگیدر مصر و اثرپذیری مستقیم و غیر مستقیم از نظام فرهنگی و ارزشی گذشته مصر، شیوه زندگی آنان به شیوه ای در هم آمیخته از حق و باطل تبدیل شده بود. این شیوه التقاطی به مدت هزار سال سبب زحمت تاریخی انبیای آسمانی، از حضرت موسی تا حضرت عیسی، برای راهنمایی آنان به سبک و نظام زندگی توحیدی شد. سرانجام پافشاری آنان بر آن سبک التقاطی سبب شد سنت تحویل و تبدیل اعمال شود و جریان تاریخی حق از یهود به جزیره العرب انتقال یابد.

در جزیره العرب نیز که در گرداب جاهلیت فرو رفته بود، تلاش های ۲۳ ساله پیامبر در اولین گام خود، تغییر سبک و نظام زندگی جاهلی به شیوه اسلامی بود، ولی ائتلاف نظام ها و سبک های مشرکانه، منافقانه و اهل کتاب، سرانجام به غضب خلافت پس از رحلت پیامبر منجر شد.

تحلیل تاریخی و فرهنگی غضب خلافت از منظر بازشناسی سبک و نظام زندگی، نشان می دهد که غاصبان خلافت نظام و شیوه زندگی توحیدی خالصانه را بر نمی تافتند که حق تعالی در بالاترین جایگاه آن و مبنای نظام زندگی بر پایه قرآن و عترت پیامبر است؛ عترتی که خانه هایشان محل نزول وحی و کانون نور و زندگانی است.

غضب خلافت پیامبر؛ یعنی نفی و طرد شیوه زندگانی توحیدی اهل بیت عصمت و طهارت پیامبر، و در برابر آن، طراحی سبکی نو که در ظاهر، اسلامی و در باطن، التقاطی است. از رحلت پیامبر تا حادثه عاشورا، تلاش تاریخی معصومان برای احیای شیوه زندگانی توحیدی در جهان اسلام بود. حادثه عاشورا مرزبندی نهایی و همیشگی را میان دو جریان اسلام

توحیدی اهل بیت پیامبر و اسلام التقاطی ایجاد کرد. پس از عاشورا تا زمان امام صادق(ع)، امامان در محاصره و محدودیت بودند و فرصت احیای این شیوه توحیدی را نیافتند.

امام صادق(ع) با فرصت شناسی تاریخی، به احیا و بازسازی سبک و نظام زندگی توحیدی بر مبنای دانش و ایمان و اخلاقی و فرهنگ آسمانی می پردازد. تشیع پیش از امام صادق(ع)، نزد خواص شیعه، سبک و نظام داشت، اما این سبک و نظام که امتداد سبک و نظام زندگانی خواص صحابه پیامبر بود، در قبایل و گروه های مدعی تشیع نهادینه نشده بود. به ویژه، در شهر کوفه که کانون عمده تجمع قبایل شیعی بود، نام تشیع بیشتر اسمی اعتقادی و ایمانی بود. این اعتقاد در برخی از حوزه های فقهی و شعایر دینی، تعریف و حدود و ثغور داشت، ولی به فرهنگ عمومی تبدیل نشده بود و جامعه ای به نام جامعه شیعه بیرون از ساختار قبیله ای و احساسی و هیجانی شکل نگرفته بود.

در زمان امامت امام صادق(ع) و به یاری مدرسه علمی باقرین با حدود چهار هزار شاگرد و طالب علم و ارتباط نزدیک و گسترده و پیوسته شیعه با امام، فرصت تاریخی برای بنیان گذاری تشیع در قالب مکتب، فرهنگ و ایجاد نظام اجتماعی توحیدی فراهم شد. از این تاریخ به بعد، شیعه دارای مکتب، جامعه، هویت و نظام های ارزشی، فرهنگی و اجتماعی مستقل می شود.

مطالعه گزاره ها و روایت های تاریخی، اهتمام امام صادق(ع) را به انتقال و تحول تشیع از وضعیت احساسی ساختار قبیله ای به وضعیت تشکل یافته اجتماعی دارای نظام و سبک و ساختار تعریف شده نشان می دهد.

براینمونه، وقتی امام صادق(ع) از مفضل بن قیس، تعداد شیعیان کوفه را می پرسد، او می گوید: آنان نزدیک به پنجاه هزار نفر هستند. امام می فرماید: هر آینه دوست داشتم در کوفه ۲۵ نفر آن گونه وجود می داشتند که حق معرفت ما را به گونه ای بدانند که ما می دانیم تا از ما جز حق نگویند.^(۱) همچنین مردی خراسانی نزد امام آمد و از ایشان خواست قیام کنند، با این

۱۵۰:۳۰ ب.ظ ۰۲/۰۲/۱۳۹۷:۳۰ ب.ظ ۰۲/۰۲/۱۳۹۷:۳۰ ب.ظ ۰۲/۰۲/۱۳۹۷

ص: ۱۵۰

استدلال که در خراسان هزاران نفر آماده‌پیکار در رکاب حضرت هستند، ولیامام از او می خواهد که داخل تنور رود. او برای رفتن داخل تنور تردید کرد. در این هنگام، یکی از یاران تربیت شده امام به نام هارون مکیوارد شد. او به اشاره امام داخل تنور رفت. امام از خراسانی می پرسد که در خراسان چند نفر شیعه همانند این مرد هستند؟ او می گوید: هیچ. (۱)

این موارد بیانگر به چالش کشیدن ادعاهای شیعیان آن زمان به وسیله امام است. در برابر، امام پس از تربیت شاگردان عالم و فرهیخته خود، آنان را به بازگشت به قبایل شیعه و تبلیغ در میان ایشان، به ویژه جوانان شیعه، فرا می خواند و اصرار دارد این رهبران علمی و فکری، مراقب نفوذ سبک زندگی (ارزشی و رفتاری) التقاطی جوانان شیعهباشند که متأثر از فرقه هایی همانند مرجئه یا زیدیه بودند. این بدان معناست که از آن زمان و تحت رهبری امام و شاگردانش، مکتب و جامعه، شیعه که آئینه تمام نمای تاریخی حق است، باید دارای نظام و سبک و حدود و ثغور خود باشد.

چگونگی سبک سازی امام صادق(ع)

اشاره

چگونگی سبک سازی امام صادق(ع)

پیدایش تشیع در زمان پیامبر و در دو کانون جغرافیایی ریشه دارد که عبارتند از مدینه و یمن. در مدینه که اقلیتی از خواص اصحاب پیامبر کانون صحابه شیعی را تشکیل می دادند، کسانی چون سلمان و ابوذر و مقداد و عمار افرادی تربیت شده و دارای هویت شیعی خالص بودند، ولی به دلیل اقلیت بودن و شکل نگرفتن نظام اجتماعی بر محوریت آنان، جامعه ای شیعی شکل نگرفت.

دومین کانون شیعیقبایل عرب جنوب جزیرهالعرب. ساکن یمن، تا حدودی متأثر از فرهنگ و تمدن عربی- ایرانی بودند. آنان در سال نهم و دهم ه. ق، در پیدو سفر تاریخی امیرالمؤمنین، علی(ع) به یمن که به سفارش پیامبر بود، به دست آن حضرت اسلام آورده بودند. بنابراین، اسلام آنان رنگ و بوی علوی و اهلیتی داشت. (۲)

ص: ۱۵۱

۱- بحارالانوار، ج ۴۸، ص ۷۹.

۲- نقش قبایل یمنی در حمایت از اهل بیت، اصغر منتظر القائم ص ۱۳۱.

پس از رحلت پیامبر، غصب خلافت سبب شد جهان اسلام جز اقلیتی از خواص صحابه، اسلام غیر اهلبیتی و نظام اجتماعی-سیاسی شیوه زندگی آن را بپذیرند. پس از مدتی، دستگاه خلافت برای تأمین نیروهای نظامی خود در جریان فتوحات در شمال غرب و شمال شرق جزیره‌العرب، ناچار به کوچاندن گسترده قبایل سراسر جزیره‌العرب به مرزهای شمالی و آن‌گاه ساخت شهرهای جدید برای اسکان آنان در مرزهای سرزمین‌های فتح شده شد. در سال ۱۷ ه. ق، شهرهای بصره و کوفه در جنوب و مرکز بین‌النهرین ایجاد شدند.

مکان یابی و تعیین منطقه کوفه بر عهده سلمان فارسی و حذیفه،^(۱) دو صحابه شیعی، بود.* پس از اسکان قبایل عرب در این دو شهر، بیشتر قبایل یمن که گرایش‌های شیعی داشتند (احتمالاً با تدبیر کسانی چون مالک اشتر و کمیل بن زیاد و دیگر یاران شیعی امیرالمؤمنین علی(ع)) ساکن کوفه شدند.

در دوران خلافت خلفا، سیاست‌های فرهنگی و اجتماعی خلفا مبتنی بر منع دانش‌اندوزی و حدیث‌آموزی بود. بدین سبب، یاران و خواص اصحاب امیرالمؤمنین برای ارتقای معرفتی و رفتاری و فرهنگی قبایل شیعی فرصت کافی نیافتند و تنها توانستند اصل اعتقاد آنان را حفظ کنند. البته این قبایل شیعی در دوران خلافت کوتاه مدت امیرالمؤمنین علی(ع)، مهم‌ترین بخش از یاران و سپاهیان حضرت در جنگ‌های ایشان بودند.

پس از شهادت امام علی(ع) و صلح امام حسن(ع)، معاویه بسیار کوشید تا این بافت قبایل شیعی کوفه - که در کوفه جزو اقلیت، اما اقلیتی مهم بودند - از بین ببرد. بنابراین سیاست تبعید و کوچ اجباری آنان را به ایران یا شمال عراق در پیش گرفت و تعدادی از رهبران شیعه را کشت و شماری را نیز زندانبانیا تبعید کرد. این وضعیت ضربه‌ای بزرگ به جامعه شیعه زد و

ص: ۱۵۲

سبب شد از اواخر دوران معاویه تا نزدیک دوران امام باقر(ع)، جامعه شیعه کوفه از تشیع آگاهانه به تشیع احساسی و عاطفی و بعضاً مستقل و خودرأی تبدیل شود و رهبری این جامعه به جای افراد خالص و فرهیخته در تشیع، همانند مالک اشتر، به افراد متزلزل و خودرأی برسد. این اوضاع از یک سو، سبب دور ماندن مدعیان تشیع از قیام عاشورا و از سوی دیگر، پس از عاشورا، موجب قیام های خودجوش بدون کسب اجازه از مقام عصمت و امامت شد؛ جریانی که بازتاب آن، به حکومت رسیدن حجاج در عراق و تحقق سیاه ترین دوره تاریخی برای جامعه شیعه عراق بود.

بنابراین، جامعه شیعه در زمان امام باقر(ع)، به قبایل مدعی تشیع در کوفه محدود بود. آنان رهبران فکری و اجتماعی مقتدر و فهمیده ای نداشتند و به تنگ آمده از فشارهای سیاسی- اجتماعی، گراینده به قیام یا جذب مدعیان قیام، همانند کیسانیه و زیدیه و... بودند.

بنابراین، جامعه شیعه کوفه در آستانه دوران باقرین؟ عهما؟، از سوی جامعه ای عمدتاً اسمیو پیوسته در معرض تحریک جریان های هیجانبرای قیام بود که باعث ریزش های فراوان و انشعاب های داخلی در تشیع می شد، و از سوی دیگر، ساختاری قبیله ای، ولی بدون رهبرانیمدیر و مدبر و آگاه و بصیر داشت. (۱)

در این دوران، امام باقر(ع) و در اوج خود امام صادق(ع)، با اجرای طرح جذب جوانان مستعد از عرب و غیر عرب- مانند زراره و خاندان علمی او، اعم از برادران، فرزندان و برادرزادگان که در اصل از بزرگان رومی بودند- در تربیت علمی و اخلاقی آنان کوشیدند. این دوران در تاریخ تشیع و حتی تاریخ اسلام، اولین دورانی است که برنامه اصلی امامان، ایجاد مدرسه علمیو آموزش و تربیت شاگردان به صورت تخصصی و پیوسته، طی چندین سال است. برای نمونه، محمد بن مسلم، چهار سال در کوفه می ماند و به حدیث آموزی از امام باقر و امام صادق؟ عهما؟ می پردازد. (۲)

البته باقرین؟ عهما؟ در این دوره تنها به آموزش نمی پرداختند، بلکه به پرورش شاگردان و

ص: ۱۵۳

۱- ۳ به نقل طبری، این دو از طرف خلیفه مأمور یافتن مکان مناسبی در غرب رود فرات برای اسکان اعراب بودند، ولی به سبب تشیع آن دو و نیز صاحب سرّ بودنشان نزد پیامبر و امیرالمؤمنین و پیش گویی هایی که از آنان درباره سرزمین کوفه شنیده بودند، می توان ادعا کرد انتخاب کوفه با مدیریت پنهانی اهل بیت، برای ایجاد یکی از شهرهای مهم و تاریخی و مقدس در آینده تاریخ اسلام همراه بود.

۲- کوفه و نقش آن در قرون نخستین اسلامی / ۳۲۰ و ص ۴۷۰.

نظام بخشی به زندگی فردی آنان بر اساس الگوی حق نیز اهتمام داشتند و می‌کوشیدند الگوهایی عینی و مجسم از تعالیم اهلیت؟ عهم؟، همراه با تخصص و دانش باشند.

این شاگردان پس از دانش آموختن، به سفارش امام به کوفه باز می‌گشتند. به قرینه سفارش امام به برخی از آنان که در مسجد کوفه به نشر احادیث پردازند یا به قرینه آنکه امام شیعیان کوفه را به برخی از شاگردان کوفی خود ارجاع می‌دادند. امام از آنان می‌خواست با راه اندازی کلاس‌های درس در قبایل شیعه، به تدریج موجی از تحول علمی و فرهنگی و تربیتی در جامعه شیعه بر پا کنند. (۱)

بر اساس این طرح، جامعه شیعه - به طور عمده در کوفه - باید از ساختار قبیله‌ای به جامعه ایمانی شیعه تبدیل شود. البته قبیله و روابط خویشاوندی نفی نمی‌شد، بلکه تحت الشعاع ارزش‌های ایمانی قرار می‌گرفت. در نتیجه، امام به تدریج با یاران و شاگردان تربیت شده خود می‌کوشیدند برای جامعه شیعه کوفه، نظامی کامل و جامع از بینش، ارزش و منش طراحی کنند و همواره مراقب نفوذ فرهنگ یا خرده فرهنگ‌های مهاجم به این جامعه باشند، به ویژه آنکه کوفه در آن سال‌ها نه تنها کانون تشیع، بلکه کانون جریان‌های گوناگون سیاسی (زیدیه و عباسیان)، فقهی (مکتب اهل رأی)، کلامی (مرجئه)، اخلاقی (صوفیه) و جریان‌های افراطی شیعه (غالیان) بود؛ جریان‌هایی که هر از چند گاه با ایجاد هیجان اجتماعی به فرهنگ یا تفکر شیعی هجوم می‌بردند، اما امام با مدیریت درست، به شدت مراقب اوضاع بود و می‌کوشید جامعه و تفکر و فرهنگ و مکتب تشیع از خطر آمیختگی و انحراف و تحریف در امان ماند.

امام صادق(ع) که در اوج این دوره مکتب‌سازی قرار داشت، برای تحقق جریان صحیح مکتب‌سازی جامعه حق، این مراحل را پیمود:

۶. بحارالانوار، ج ۵۱، ص ۱۴۳.

دوره اول و آغازین امامت در دوره اقتدار مروانین

دوره اول و آغازین امامت در دوره اقتدار مروانین

امام با امتداد و گستردن برنامه شاگردپروری پدرش امام باقر(ع)، سعی در نهادینه کردن فرهنگ

ص: ۱۵۴

دانش اندوزی در جامعه شیعه و محور قرار دادن آن در نظام و ساختار اجتماعی شیعه داشت.

دوره دوم امامت هم زمان با افول خلافت مروانیان

دوره دوم امامت هم زمان با افول خلافت مروانیان

امام با فعال سازی نیروهای تربیت شده در مناطق شیعه نشین و به ویژه در کوفه، برای تبدیل و تحول ساختار اجتماعی شیعه از ساختار قبیله ای به ساختار جامعه ایمانی دانش محور می کوشید. در این دوران به سبب امکان سفرهای حج گسترده شیعیان به مدینه و ارتباط مستقیم آنان با امام، آن حضرت برای القای مرجعیت و رهبری دینی و اجتماعی شاگردان علمی خود به جامعه شیعه و نهادینه کردن آن نیز تلاش کرد.

دوره سوم امامت هم زمان با خلافت تازه تأسیس عباسی

دوره سوم امامت هم زمان با خلافت تازه تأسیس عباسی

به برکت سفرهای اجباری امام به عراق و کوفه، آن حضرت با حضور مستقیم در مرکز تشیع، ضمن آسیب شناسی و رسیدگی مستقیم به جامعه نوپا و در حال شکل گیریشیعه، اقدام به فرهنگ سازی برای جامعه شیعه کرد که محور عمده آن فرهنگ زیارت و انتظار است. در تاریخ امامان شیعه، کسی همانند امام صادق (ع)، فرصت زیارت حضوری مزار نبوی و علوی و حسینی در مدینه و نجف و کربلا و فرهنگ سازی برای آن را نیافته است.

بازتاب مراحل یاد شده، تبدیل جامعه شیعه از جامعه ای احساسی و اسمی صرف به جامعه ای علمی، فرهنگی و دارای هویت و تشخیص و نظام و سازمان رهبری پنهان است. برخی بازتاب های این جامعه و ساختار اجتماعی جدید چنین است:

* کوفه به تدریج، شهری شیعی می شود، ولی نه با سلاح نظامی سیاسی، بلکه با ابزارهای علمی و فرهنگی؛ به گونه ای که در آغاز خلافت عباسی، همه کوفه را شهری با اکثریت شیعه و هویت شیعی می شناسند.

* جغرافیای تشیع با محوریت شیعه کوفه در جهان اسلام، به ویژه ایران رو به شکل گیری و گسترش می نهد و مهم ترین پایگاه آن قم است که با یاری قبایل شیعی کوفی مهاجر به این

* سازمان وکالت (نمایندگان امام در شهرها) و همچنین نهاد مرجعیت علمی، دو ساختار اجتماعی و علمی جدید، در حال شکل گیری در جامعه شیعه اند. سازمان وکالت باید نقش مدیریت اجتماعی جامعه شیعه را ایفا کند. مرجعیت علمیاران دانشمند امامان نیز باید رهبری فکری و فرهنگی جامعه شیعه را بر عهده گیرد. از این تاریخ، جریان هایی مانند غلات یا رهبران فقهی و کلامی اهل سنت، با مشاهده رشد و بالندگی شیعه و امکان نداشتن اثرگذار بر جامعه، شیعه به سبب یاران دانشمند امامان، به هجوم گسترده به یاران علمی امام صادق(ع) رو می آورند تا آنان را بی اعتبار و در جامعه شیعه نفوذ کنند. (۱)

مبانی و ساختار سبک زندگی در مکتب جعفری

اشاره

مبانی و ساختار سبک زندگی در مکتب جعفری

با توجه به تحلیل های جامع از جریان های تاریخی حق، دریافتیم مکتب سازی امام صادق(ع) در امتداد رسالت تاریخی انبیا، پیامبر اسلام و اهل بیت ایشان بوده است. در حقیقت، امام صادق(ع) با فرصت شناسی، بخشی از آرزوهای تاریخی پیامبران و امامان پیشین درباره جامعه سازی حق را محقق می کند.

بنابراین، ریشه مکتب جعفری در جامعه اسلامی اولیه مدینه الرسول و نظام و سبک زندگی توحیدی مورد نظر قرآن و پیامبر و عترت اوست. شیوه زندگی توحیدی که از دوران هبوط آدم و حوا، در شکلیساده شروع می شود، به موازات پیشرفت تاریخی جبهه حق و تکامل عقول و علوم و تمدن بشری، رو به تکامل می گذارد تا آنکه سرانجام در دین خاتم پیامبران به شیوه ایجامع و کامل تبدیل شود. (۲)

ص: ۱۵۶

۱- برای فهم این مدعا، مطالعه رابطه دو سویه امام صادق(ع)؟ و غلات با یاران کوفی حضرت درخور توجه است که چگونه از یک سو، امام در فتنه غلات، معیار را امثال زراره قرار می دهد و از سوی دیگر، زراره مورد هجوم فکری شدید غلات قرار می گیرد. همچنین جریان های فکری اهل سنت به سبب ناتوانی علمای خود در برابر شاگردان امام صادق(ع)؟، شروع به اتهام های فرقه سازی انحرافات اعتقادی تضعیف رجالیاران امام می کنند.

۲- مفاد آیه اکمال (۳ مائده: آیه ۳) تمامیت و کامل و جامع بودن دین است و این به معنای جامعیت شیوه زندگی توحیدی است.

با این نگاه، مبانی‌شویه زندگی توحیدی بر مبنای مکتب جعفری چنین است:

الف) ضرورت نگاه جامع در طراحی مکتب

الف) ضرورت نگاه جامع در طراحی مکتب

موضوع سبک زندگی توحیدی اسلام، هدایت و سعادت و کمال انسان است. بنابراین، اولین اصل در سبک سازی توحیدی، سعی در انسان شناسی جامع و کامل است تا بعد طراحی و مهندسی‌شویه‌ها برای جنبه‌ها و حوزه‌های گوناگون انسانی، دچار نقص و حذف و کمبود یا ناهماهنگی و تناقض یا تضاد و اختلال نشود. معیار و مبنای برای انسان شناسی نیز خودشناسی فطری انسان است که درکی مشترک در همه انسان‌هاست. با کمک انسان شناسی توحیدی قرآن، خودشناسی فطری تعمیق و تکمیل می‌شود و به نگاهی جامع و هماهنگ می‌رسد یا برخی فضاها و جنبه‌ها و عوالم مبهم اما درک شده با فطرت، رمزگشایی، و راه و بیراهه آن معلوم می‌شود.

در این زمینه، داستان آفرینش طبق آیات قرآن که به تحلیل انسان و ابعاد و صفات او می‌پردازد، مبنای قرار می‌گیرد.

ص: ۱۵۷

بنابراین، مهم ترین مبنا و معیار در سبک زندگی دینی، انسان شناسی جامع و کامل و شناخت ابعاد وجودی انسان است. آن گاه چگونه پی می بریم دین به منزله پدیده ایفرازمینی، طراحی جامع و هماهنگ برای زندگی انسانیداشته است.

(ب) ضرورت نگاه توحیدی به ابعاد متکثر و گاهی (به ظاهر) متضاد سبک ها

(ب) ضرورت نگاه توحیدی به ابعاد متکثر و گاهی (به ظاهر) متضاد سبک ها

پس از شناخت انسان، توجه به طراحی الگویی که ضمن نگاه جامع، طرحی واحد و هماهنگ ارائه دهد، ضروری است. با نبود این رویکرد واحد و هویت متحد، مکتب دچار ناقص بینیا آشفته بیندرباره ابعاد و اجزا خواهد شد.

بنابراین، مهم ترین ویژگی شیوه حق برای نظام زندگی، توحیدی بودن آن است، در حالی که نقص بزرگ همه سبک های دیگر- که همگی در گروه باطل قرار می گیرند -تکثر و پراکندگی و آشفتگی آنها (با شدت و ضعف) در طراحی سبک های زندگی است.

در مکتب حق، با اصل قرار دادن توحید غیبی و غیب توحیدی؛ یعنی خداوندی که آفریدگار و منبع و کانون همه هستی است، کوشیده می شود انسان و ابعاد وجودی او را در چارچوب جهت دهی به سوی این آفریدگار نظم و نظام ببخشد. در نتیجه، طرح زندگی اسلام شیعی، طرحی جامع، کامل و واحد است، اما طرح های باطل به دلیل نداشتن معیار و مبنای واحد، نگاهی جامع و حتی در نگاه های ناقص خود، نظم و نظام و هماهنگی ندارند. در این زمینه، با نگاه به بحث مغالطات در منطق می توان انواع و ریشه ها و چگونگی پیدایش سبک های باطل را دید. (۱)

(ج) ضرورت وجود انسانی کامل به عنوان الگو، معیار و مبنای زندگی انسانی

(ج) ضرورت وجود انسانی کامل به عنوان الگو، معیار و مبنای زندگی انسانی

بر اساس طرح نگاه جامع و کامل، انسان از روی فطرت، درک می کند از آغاز تولد و کودکی،

ص: ۱۵۸

استعدادهای بسیاری دارد که به تدریج باید رشد و تربیت یابد. البته رشد و تربیت نباید خودبه خودی و بدون برنامه باشد، بلکه بودن سرمشق و راهنما و برنامه لازم است. بدون آنها، منجر به یک یا چند نوع از مغالطات در نگاه به ابعاد وجودی انسانی خواهد شد. در حقیقت، انسان ها از روی فطرت درمی یابند که همواره باید انسان یا انسان هایی کامل در همه ابعاد وجودی گریز از انسان ها برای سلوک در مسیر تعالی و کمال باشند. با این نگاه و بر اساس طرح جامع، ابعاد وجودی انسانی، دسته بندی انسان ها چنین خواهد بود:

کمال انسان انسان کامل

بنابراین، بر اساس مکتب حق، طرح و نظام کمال و تعالی متشکل از مثلث زیر است:

این مثلث همان مثلث خدا، ولایت و انسان است. بنابراین، ضرورت وجود اصل انسان کامل که همان امام معصوم است- انسانپاک از هر عیب و نقص و گناه و خطا و آگاه به علوم و دانش های زمینی و آسمانی- و ضرورت وجود پیوسته جریان امامت و ولایت تا - زمانیکه عالم انسانی بر روی کره زمین وجود دارد، اثبات می شود.

(د) توجه به رابطه ثابت و متغیر در طراحی سبک زندگی دینی

(د) توجه به رابطه ثابت و متغیر در طراحی سبک زندگی دینی

از دیگر مبانی مهم در طراحی سبک و الگو و نظام برای زندگی، توجه به امور ثابت ابعاد وجودی انسان در کنار متغیر های زمانی و مکانی است. بدین معنا که موضوع این طراحی چون انسان است و ذات انسانی از جنبه جسمی و فطری، هویت و تشخیص ثابتی دارد، باید اصول و مبانی سبک سازی برای زندگی انسان نیز بر امور ثابت انسانی مبتنی باشد. با این حال از جنبه گستره زمانی و مکانی، تغییراتی در فرهنگ و عادت ها و ابزارها و امکانات روی می دهد. هر

چند این متغیرها در ذات انسانی تغییری ایجاد نمی‌کنند، اما در نوع روابط او و کنش‌ها و واکنش‌هایش موجب دگرگونی می‌شوند.

بنابراین، در سبک‌سازی و نظام‌سازی، نگاه هماهنگ به امور ثابت و متغیر زندگی انسانی، ضرورت نگاه جامع و کامل است تا سبک طراحی شده ضمن پایه‌گذاری بر اصول ثابت توحیدی و انسانی، پویا، فعال، بانشاط، رو به آینده و مناسب و سازگارپذیر با هر زمان و مکان باشد. (۱)

ه) سبک‌سازی مبتنی بر اصل تقیه

ه) سبک‌سازی مبتنی بر اصل تقیه

تقیه یعنی پنهان‌کاری و مراقبت و دوری از افراطی‌گری سیاسیو اجتماعی در زمانه‌ای که باطل در اکثریت و حق در اقلیت است.

بر اساس خط زمانی درگیری تاریخی حق و باطل، دو نکته به دست می‌آید: اول آنکه درگیری حق و باطل جریان پیوسته تاریخ بود و تا دوران ظهور که اوج این درگیری است، ادامه می‌یابد تا در نهایت، به پیروزی حق و نابودی باطل منجر شود. دوم آنکه در طول تاریخ تا پیش از ظهور، همواره حق در اقلیت و باطل در اکثریت خواهد بود و با وجود در اکثریت بودن، بر ایحفظ خود پیوسته در تمام حوزه‌های و نیازهای انسانی مشغول نوزایی و مدرن‌سازی و به روزسازی جریان‌ها و گرایش‌ها و مکتب‌ها و فرقه‌های باطل خود است.

بنابراین، امام صادق (ع) در مقام مکتب‌سازی، مبنایکار خود را برای سراسر دوران پیش از ظهور قرار می‌دهد؛ یعنی امام می‌داند جریان حق در امتداد تاریخی آینده دو دوره‌سازسی دارد: دوران پیش از ظهور و دوران ظهور. مدیریت دوران ظهور - که تجلی کامل حق است - با خاتم‌الاولیاست. این دوران با همه دوره‌های تاریخی تفاوت اساسی دارد و تحقق آن نیز جز به اراده حق تعالی و ظهور خاتم‌الاولی نخواهد بود. بنابراین، امام صادق (ع) و دیگر امامان؟ عهده‌دار این دوران تنها آگاهی‌رسانی کرده‌اند و تأکید شده است که تحقق این دوره جز به دست خاتم‌الاولی نخواهد بود تا مبدا گروهبیندارند با تلاش انسانی خود می‌توانند آن را ایجاد

ص: ۱۶۰

کنند یا در ایجاد آن نقش داشته باشند.

از همین رو، مکتب سازی امام صادق(ع) با درک دوران طولانی‌دوره غیبت، به زمینه سازی در این دوران معطوف است تا جامعه شیعه ضمن حفظ خود، وضعیتی پویا و رو به گسترش داشته باشد و سرانجام پس از به ستوه آمدن جهانیان و ناکامی مدعیان باطل زمینه ساز ظهور باشند.

بدیهی است در این دوران که به سبب شدت فتنه ها و هجوم های باطل، غیبت آخرین ولی معصوم صورت می گیرد و باطل در اکثریت است، الگو و ساختار کلان برای سبک سازیاید مبتنی بر تقیه باشد.

تقیه، یعنی سبک و ساختاری که به حفظ اقلیت حق در میان انواع باطل ها بینجامد. این درست در مقابل جریان هایی همانند خوارج، زیدیه و اسماعیلیه است که به قیام به شمشیر در هر شرایط و محیطی حتی با کمبود امکانات و نیروها معتقدند. (۱)

بر این اساس، تقیه به معنای قیام نکردن بی هدف و بدون امکاناتی است که منجر به هدر رفتن نیروها و یا آسیب زدن به جامعه می شود، اما به معنای رکود و سکون نیست، بلکه به معنای پویایی و نشاط علمی و فرهنگی و اجتماعی حق در میان باطل حاکم است که با هدف های سه گانه حفظ و گسترش جبهه حق، نفوذ در باطل و سرانجام نیروگیری از باطل همراه است.

ص: ۱۶۱

۱- البته تقیه با انقلاب منافاتی ندارد؛ زیرا انقلاب همانند انقلاب اسلامی در جامعه ای رخ می دهد که اکثریت آن شیعه و دین رسمی جامعه هم تشیع باشد و این غیر از وضعیت جامعه شیعه در کلیت جامعه اسلامی است که همواره در اقلیت است. این در حالی است که وقتی این انقلاب محقق می شود _ اگر چه مبانی آن تشیع است _ به ناچار، شعارهایش به گونه ای است که وحدت اسلامی حفظ شود. بنابراین، با اینکه انقلاب صورت گرفته است، همین انقلاب برای همزیستی با دیگر مسلمانان ناچار به تقیه است.

بنابراین، تقیه بر اساس روایات شیعی، دوری از هیجان زدگی و زیاده روی و تلاش برای بازدهی بسیار با کم ترین نیروها و امید و تلاش با وجود محدودیت ها و کمبودها و هجوم ها و به چالش کشیدن باطل با سلاح فکری و فرهنگی است تا زمانی که جامعه جهانی آماده اقدامی جهانی در حوزه سیاسی و اجتماعی علیه باطل شود.

بر مبنای شیوه تقیه، جامعه شیعه، به حال خود رها شده و بدون ساختار نیست، بلکه دارای نظام و ساختار و طرح و برنامه است؛ نظام و ساختاری منحصر به فرد در طول تاریخ و بی نظیر در جهان اسلام که مبتنی بر رهبری سیاسی و اجتماعی علما و رهبران فکری و دینی است. اقدام ها و موضع گیری های این رهبران و جامعه باید با درک دوران و شرایط غیبت، مبتنی بر حفظ جامعه حق و گسترش آن با سلاح فکر و فرهنگ باشد. (۱)

نتیجه

نتیجه

با توجه به آنچه در باره مبانی و ساختار سبک سازی برای زندگی بر مبنای حق بیان شد، در نگاهی کلی و با رویکرد مقایسه ای و تطبیقی بین سبک زندگی توحیدی انواع سبک های زندگی غیر توحیدی می توان ادعا کرد مهم ترین ویژگی سبک های غیر توحیدی، نبود جامعیت و شمول و پوشش همه ابعاد وجودی انسان است.

از منظر تاریخی، در برابر مکتب جعفری که طراح سبک زندگی شیعی است، انواع سبک های زندگی اسلامی وجود دارد که نمونه وار به برخی از آنها و نقاط ضعف شان اشاره می شود: (۲)

شیعه غیر امامی

کیسانیه

این فرقه متأثر از محمد حنفیه و در دوران خلافت سیاسی - اجتماعی پس از عاشورا و مرگ یزید ایجاد شد. فرقه ای مبهم و با شعارهای حماسی که بسیار زود، بحث مهدویت و انتقام را مطرح کرد و ضمن آنکه چندان دوام نیاورد، بنی عباس و معتزله و مرجئه از برخی افکارش استفاده کردند.

زیدیه

این فرقه در آغاز با ادعای انتقام عاشورا پایه گذاری می شود، ولی در رویارویی با واقعیت های اجتماعی، با پیش گرفتن شعارهای جزم گرایانه اعتزال و ارجاء، در نهایت رو به زوال می رود.

غالیان

از اصول مهم آنان، قیام با شمشیر در هر زمان و مکان است. بدین سبب این

- ۱- درس هایی از انقلاب، کتاب تقيه، ص ۱۵۴.
- ۲- در این زمينه نك: فرق تسنن، مهدي فرمانيان، ص ۱۷؛ الامام الصادق و المذاهب الاربعه، ج ۱، ص ۱۵۷ و ۱۹۷.

فرقه به فرقه ای انقلابی تبدیل شد که لحظه ای آرام نیافت و موجب قیام های بی بنیاد کوتاه مدت شد که به سرعت سرکوب گشت. پس از مدت ها هم که چند حکومت کوچک به وجود آورد، به سبب فقر علمی و روشی، در کلام دست به دامان معتزله و در فقه، دست به دامان فقه حنفی اهل سنت شد و نظام و سبکی التقاطی از شیعی و سنی پدید آورد که همین امر افول تدریجی آن را در پی داشت.

سنی

سیاسی اجتماعی

اسلام اموی و مروانی

با جمع بین اطاعت مطلق از خلیفه و شرط نبودن عدالت و عمل صالح برای خلیفه و اعتقاد به جبر، نوعی از شیوه زندگی در جامعه اسلامی پیدا شده بود که لازمه آن، دین فردی، جایز نبودن امر به معروف و نهی از منکر در حوزه سیاسی و رضایت داشتن از وضع موجود سیاسی و اجتماعی به سبب اعتقاد به جبر بود.

در این نظام، از نظر اجتماعی، میان عرب و عجم و در تقسیم بیت المال، تبعیض حاکم بود. این نظام با ممنوعیت حق دخالت مسلمانان در امور سیاسی و اجتماعی، اجازه انواع دین داری از شیوه زاهدانه تا شیوه همراه با لهو و لعب را می داد.

اسلام عباسی

خلافت عباسی، پیدایش خود را وام دار شعار بازگرداندن اسلام به اهل بیت پیامبر بود، اما پس از کسب قدرت، این شعار و طرح را حذف کرد. برای مدتی نیز کوشید به مشی فکری معتزله رو بیاورد و بر اساس آن، نظام سازی کند، ولی اکثریت جامعه اسلامی با برخی اصول فکری آن همراهی نکرد.

بنابراین سرانجام عباسیان با ایجاد تعدیل در اسلام سنی (حذف برخی تبعیض ها و افراطی گری ها)، از نظر اعتقادی کوشیدند سبک تاریخی و رایج در جهان اسلام - اسلام سنی - را مبنای حکومت قرار دهند. در این سبک، بین دین و حکومت تفکیک شده و بدون آنکه در خلیفه التزامی به شرایط خلافت باشد، اطاعت مطلقه از او لازم است. حوزه رفتارهای دینی فرد مسلمان نیز حوزه ای فردی است البته نه به معنای سکولار، بلکه به معنای جایز نبودن دخالت در امور سیاسی و لزوم

ص: ۱۶۳

اطاعت مطلق از خلیفه، چه فاسق و چه عادل، بدون حق اعتراض و قیام و بدون حق امر به معروف و نهی از منکر.

مشکل عمده این نظام و سبک زندگی، فقر اخلاقی و عرفانی، پذیرش جبر و سکوت سیاسی، نداشتن طرح اجتماعی و نگاه آینده نگر و پیوسته ماندن در وضع موجود بود.

کلامی

جبریه

باور به جبر، آنان را دچار ایستایی اخلاقی و فکری در حوزه فردی و اجتماعی کرد.

مرجئه

باور به جدایی ایمان از عمل و تأثیر نداشتن عمل صالح یا فاسد در ایمان سبب رواج اباحه گری و گسترش مفسد اخلاقی و اجتماعی در لایه های جامعه شد.

معتزله

این مدرسه از نظر فکری و کلامی در جهان اهل سنت، جریانی روشن فکری به شمار آمد. باین حال، به سبب تناقض های درونی که از سویی معتقد به عدل و امر به معروف بود و از سوی دیگر، از نظر تاریخی و هم در زمانه خود، جریان سیاسی خلافت را با تمام عیوب و مفسد خود امضا می کرد نتوانست به جریانی اثرگذار و اجتماعی تبدیل شود و خود به خود رو به زوال گذاشت.

مشبّهه

آنان با انتساب تجسیم و تشبیه به حق تعالی و خدشه دار کردن مسئله توحید در عمل، مهم ترین بنیاد اسلام و اعتقاد دینی را که توحید غیبی است، زیر سؤال بردند در نظام زندگی، به شرک و انحراف فکری و رفتاری دچار شدند.

فقهی

مکتب رأی

این مدرسه به سبب نفی حدیث پیامبر و اهل بیت و اولویت دادن به رأی و نظر خودبنیاد فقیه سبب پدید آوردن شریعتی التقاطی از اسلام اصیل و رأی و نظر مجتهدان خودرأی شد؛ روشی که نه استناد قرآنی و سیره ای داشت و نه مبنای عقلانی.

مکتب حدیث

این مدرسه به سبب جمود بر احادیث که همراه با نفی احادیث اهل بیت و پالایش نکردن احادیث نبوی برآمده از مدرسه عامه

بود که سبب ایجاد مکتب و شریعتی جامد و ساکن و دارای گرایش های تشبیه و تجسیم شد. از زمان پیدایش تاکنون، پیروان آن تفکری خشک و گرایش گذشته گرا در جهان اسلام داشته اند.

ص: ۱۶۴

این مکتب به ستوه آمده از انحراف ها و انحطاط های سیاسی - اجتماعی و متأثر از فرهنگ های غیر اسلامی، به زهد و عرفان به معنای انزوا از جریان ها و مسائل سیاسی و دنیاگریزی روی آورد. این شیوه در تاریخ اسلام ضمن رکود و سکوت و سکون سیاسی و اجتماعی سبب شد در اوج فتنه ها و بحران ها، مسلمانان به جای قیام و حرکت های امیدبخش به عرفان های آرام بخش منزوی کننده روی آورند.

خوارج

این فرقه اگرچه در آغاز مبتنی بر اصل تکفیر دیگر مسلمانان و معتقد به قیام به شمشیر علیه آنان بود، ولی از قیام های ناکام فراوان، ناچار به فرقه سازی مستقل برای نظام سازی سیاسی و اجتماعی روی آورد. محصول این جریان، نظام هایی بسته و محدودیت گرا و خشن بود که جز در حاشیه های جهان اسلام طرف داری نیافت.

آنچه ارائه شد، نگاهی اجمالی به مهم ترین فرقه های موجود یا در حال پیدایش در زمان امام صادق (ع) بود که غالباً تا زمانه ما استمرار داشته اند. این استمرار تاریخی افت و خیزهای فراوان همراه بوده و سبب پیدایش اوضاع آشفته در دیروز و امروز جهان اسلام، از نظر اجتماعی و فکری شده است. از همین رو، اینک پس از چهارده قرن، مجال بهتری برای قضاوت درباره نظام سازی آنها برای سبک زندگی پیش روی علاقه مندان و پژوهشگران است. شاید دور از انصاف نباشد اگر ادعا شود ارائه سبک های ناقص و متناقض و گذشته گرا یا جمودگرا به وسیله این فرقه ها و مکتب ها، مهم ترین علل انحطاط تدریجی جهان اسلام در سده های اخیر و در دوره معاصر است.

از همین رو، یکی از حوزه های شایسته پژوهش کاربردی و مفید، بررسی تطبیقی و تاریخیشیوه های زندگی پیشنهادی فرقه های گوناگون اسلامی از رؤیا تا واقعیت های تاریخی است؛ سبک هایی که در حوزه های کلان تر به مطالعات تمدنی هم می رسد. این بررسی، تلاش تاریخی فرقه های اسلامیرا برای تمدن سازی طبق اصول و موازین خود را به نمایش خواهد

گذاشت که سرانجام یکی پس از دیگری به ناکامی منجر شدند.^(۱)

براینمونه، یکی از نکات مهم در سبک زندگی در تاریخ جهان اسلام، نظام و سبک غالب زندگی مسلمانان در مکه و مدینه در دوران خلافت مروانیان تا هنگام سقوط آنان است؛ نظامی که از یک سو در برابر نظام و سبک اهل بیت است و از سوی دیگر، با قرار داشتن در مراکز معنوی و فرهنگی و دینی جهان اسلام می توانست مورد توجه دیگر مناطق اسلامی باشد.

این دو شهر متأثر از نوعی طراحی فرهنگی که پایه های آن در دوران معاویه و یزید گذاشته شده بود، پس از گذار از دوران خلافت زبیریان، به ویژه در دوران امام سجاد و امام باقر؟ عهما؟ دوران کودکی و جوانی امام صادق(ع)، به مهم ترین مراکز غنا و موسیقی و آوازخوانی در جهان اسلام تبدیل شدند، به جای آنکه کانون نشر اخلاق و فرهنگ دینی باشد. علل این امر، سیاست خلافت مروانی، همانند ممنوعیت و متروک شدن امر به معروف و نهی از منکر، جدایی عمل از ایمان، نبود مرجعیت دینی و اخلاقی، نه برای خلیفه و نه برای علما در ساختار کلی جامعه اسلامی، و حمایت های پنهان و آشکار خلافت از رواج غنا و موسیقی بود. در نتیجه، جامعه به جامعه ای رها شده به حال خود تبدیل شد.^(۲)

در این شرایط، سبک زندگی مسلمانان در حجاز آن روز در سیر تاریخی خود، آمیخته با شیوه های گوناگون بود. شیوه غالب نیز در میان توده ها، اباحه گریو در میان خواص یا قشر متدین عامه، آکنده از سبک های گوناگون با محوریت شخصیت های گوناگون فکری یا اجتماعی بود. این آشفتگی اخلاقی و فرهنگی گسترده در حجاز و حیدر دیگر مراکز اجتماعی اسلامی عربی وجود دارد که سبب انحطاط جامعه اسلامی عربی و سهولت قیام عباسیان با کمک مسلمانان ایرانی و خراسانیشد.

در دوره عباسی نه تنها برای بهبود این آشفتگی در نظام ها و سبک های زندگی و

ص: ۱۶۶

۱- امام صادق؟ ع؟ می فرماید: دولت ما آخرین دولت است و ظهور آن زمانی محقق خواهد شد که هر صاحب ادعایی ادعای خود را به محک تجربه بگذارد تا ناکامی آن مشخص شود و به هنگام ظهور دیگر ادعایی نداشته باشد. بحار الانوار ج ۵۱ ص

۱۴۴؛ ج ۵۲ ص ۳۳۲.

۲- عقد الفرید ج ۶ ص ۱۰۰۸.

انسجام سازی و یک پارچگی توحیدی آنها تلاشینشد، بلکه با روی گردانیعباسیان از شعارهای علوی و حمایت از علمای گوناگون عامه، بیش از پیش، به تعدد و تنوع نظام ها و سبک های زندگی اجتماعیدامن زده شد.

براینمونه، در کتاب ارزشمند اطلس شیعه، بررسی نقشه شهرهای بزرگ اسلامیز قرن سوم تا پنجم هجری- تا پیش از حمله مغول- با توجه به جنبه اجتماعی آن نشان دهد و چگونه شهرهای بزرگ اسلامی در این قرن ها از نظر سبک ها دچار تشتت اجتماعی و درگیری و رقابت های درونی اند؛ به گونه ای که گاهی رویارویی سبک ها، مردم، یک شهر را به درگیری های بزرگ داخلی می کشاند. (۱)

این وضعیت پس از رحلت پیامبر پایه گذاری شد و تا دوران ظهور، نه تنها سیر نظام ها و سبک سازی های اسلامی- در شاخه های گوناگون فکری و عاطفی و رفتاری و...- کند نمی شود یا زوال نمی پذیرد، بلکه هماهنگ با پیشرفت زمانه، سیر سبک سازی هایی بنیاد به نام اسلام، سیریفزاینده و پیوسته رو به انحطاط بیشتری خواهد داشت.

سیمای کلی سبک زندگی شیعی بر مبنای مکتب جعفری

اشاره

سیمای کلی سبک زندگی شیعی بر مبنای مکتب جعفری

بر اساس آنچه در اصول و مبانی سبک زندگی شیعی ارائه شد، موضوع اصلی طراحی سبک زندگی انسان است. بر اساس جنبه هایسه گانهزندگیانسان که شامل دانش، ارزش، کنش و منش است، می توان فهمید تلاش تاریخی امام صادق(ع) برای سبک سازی چگونه بوده است. مطالعه تحلیلی مجموعه ۲۲ جلدی مفسد الامام الصادق- که در بردارنده سخنان آن حضرت است و نیز سیره تاریخی ایشان در سیر مراحل مدیریت، جذب و تربیت شاگردان یا هدایت جامعه شیعه نشان دهنده توجه امام به این جنبه هایسه گانه در جریان سبک سازی است. در این بخش، فهرست کلی نظام سبک سازی امام در چارچوب زیر ارائه می شود:

ص: ۱۶۷

۱- اطلس شیعه، رسول جعفریان نقشه ۸۹ ص ۲۱۷ و نقشه ۸۳ ص ۲۰۸ و نقشه ۸۲ ص ۲۰۴.

یادآوری: مهم ترین منابع ایده یابی در این بخش، فهرست تفصیلی مجموعه ۲۲ جلدی مسند الامام الصادق و جلد ۴۸ بحارالانوار و فهرست تفصیلی زیرمجموعه امام صادق(ع) در نرم افزاری «نمایه موضوعی بحارالانوار» از مجموعه «نرم افزارهای مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی (نور)» و... است.

۱. حوزه دانشی و معرفتی مکتب جعفری، مبنای سبک زندگی شیعی

۱. حوزه دانشی و معرفتی مکتب جعفری، مبنای سبک زندگی شیعی

استاد مطهری به این باور است که «در تمام کتب حدیث اهل تسنن: صحیح بخاری، صحیح مسلم، جامع ترمذی، سنن ابی داوود و صحیح نسائی، جز مسائل فرعی چیزی نیست. احکام وضو این است، احکام نماز این است... و یا سیره است؛ مثلاً پیامبر در فلان سفر این طور عمل کردند، ولی شما به کتاب های حدیث شیعه که وارد می شوید، می بینید اولین مبحث و اولین کتابش کتاب العقلو الجهل است. اصلاً این جور مسائل در کتب اهل تسنن مطرح نبوده. البته نمی خواهم بگویم منشأ همه اینها امام صادق(ع) بود. ریشه اش امیرالمؤمنین است و ریشه ریشه اش، خود پیامبر است، ولی اینها این مسیر را ادامه دادند. امام صادق(ع) بود که چون در زمان خودش این فرصت را پیدا کرد، مواردی را خودش را حفظ کرد و بر آن

ص: ۱۶۸

افزود. بعد از دو کتاب العقول الجهلوارد کتاب التوحیدمی شویم. ما می بینیم صدها و بلکه هزارها حدیث در باب توحید و صفات خداوند و مسائل مربوط به شئون الهی و قضا و قدر الهی و جبر و اختیار و مسائل تعقلی در کتب شیعه مطرح است که در کتب دیگر نیست. اینها سبب شده است که گفته اند اولین کسی که مدارس فلسفی را (مدارس عقلی و احادیث عقلی را) در دنیای اسلام تأسیس کرد امام جعفر صادق بود» (۱).

بنابراین، بنیان سبک سازی شیعه بر خلاف دیگر مکاتب ها و فرقه ها، بر پایه مدیریت و طراحی مستقیم پیشوای معصوم و معارف عقلی و حیانی است. از این منظر، ساختار مبانی معرفتی شیعی بر همان نظام سه گانه ای است که اشاره شد؛ یعنی خدا و مسئله توحید غیبی، انسان کامل و ولایت تامه معصوم بر تاریخ و جامعه و انسان که موضوع هدایت و سعادت است. در این سه حوزه، طرح و برنامه امام بر دو برنامه متمرکز است: یکی، ارائه تعریف و مبانی صحیح در هر یک از حوزه های سه گانه، و دیگری، دفع شبهات و افکار انحرافی و باطل فرقه ها و مکاتب ها. از این رو، برای بازشناسی مبانی معرفتی نظام و سبک زندگی شیعی، فهرست نکات معرفتی در هر یک از حوزه های سه گانه به شرح زیر ارائه می شود:

۱-۱. خداشناسی و جهان بینی و روش شناسی در حوزه دین شناسی

ریشه همه ضعف ها و آسیب ها در سبک زندگی و نظام سازی اجتماعی، ضعف یا نقصیا تحریف و انحراف در مسئله اساسی زندگی بشر، یعنی درست خدا و تعریف نقش واقعی او در متن زندگی و رابطه دو سویه بین انسان و خداست.

در زمان امام صادق (ع)، جهان اسلام به سبب ممنوع بودن تدوین احادیث پیامبر و راه یافتن اندیشه های اسرائیلی، مسیحی، بودیسم، مانوی و زرتشتی و ورود فلسفه مادیونانی در جهان اسلام در بحث خداشناسی و توحید، به تدریج دچار آسیب ها و چالش های فراوانی شده بود. افکار تعطیل و تشبیه و تجسیم در حوزه ذات خدا یا صفات ذاتیا فعلیاو نیز به آشفتگی فکری و رفتاری مسلمانان دامن زده بود. از این رو، مهم ترین برنامه های امام در این

ص: ۱۶۹

زمینه به شرح زیر بود: (۱)

برنامه های کلی

- معیار قرار دادن تفکر عقلانی در معرفت شناسی؛

- توجه دادن مردم به علم آموزی و تبیین روش صحیح علم آموزی دینی؛

- توجه دادن جامعه به قرآن و تفسیر قرآن و روش صحیح تفسیر قرآن و هشدار درباره آسیب های تفسیر به رأی؛

- توجه دادن به حدیث و سنت و سیره نبوی و تعریف درست و پالایش اقوال و نظریات و آرای صحابه و تابعین که به اسم دین وارد اسلام شده بود؛

- توجه دادن خواص یاران به علم کلام و عقاید، و توان افزایی آنان در کلام تطبیقی و مقایسه ایبرایدرک بهتر تشیع و دفع شبهات و انحراف ها از آن.

برنامه های جزئی

- توحید آموزی تفصیلی برای خواص یاران، مانند توحید مفضل؛

- تعریف درست صفات ذاتی و سلبی خداوند؛

- تعریف درست بحث قضا و قدر، و جبر و تفویض، و تبیین حقیقت «امر بین الامرین»؛

- تبیین درست صفات متشابه قرآنی خداوند؛

- مناظره هایگسترده با دهریه و زنادقه در زمینه اثبات آفریدگار؛ (۲)

- مناظره هایگوناگون با فرقه هایمختلف اسلامی در بحث صفات خداوند و نقش او در جهان هستی؛

- تشویق اصحاب به راه اندازی کلاس های درسی و همچنین مجالس مناظره در زمینه های اعتقادی؛

ص: ۱۷۰

۱- مسند الامام الصادق، ج ۱ ص ۴۳۷، ۴۵۵، ۴۷۳.

۲- مسند الامام الصادق ج ۹ ص ۳۷۰ و الاحتجاج طبرسی ج ۲ فصل احتجاجات الامام الصادق.

- هشدار دادن به شاگردان علمی و رهبران اجتماعی شیعی برای حفظ جوانان از هجوم و اثرگذاری افکار انحرافی فرقه‌هایی، همانند مرجئه و قَدَریه در موضوع توحید و ایمان.

۱-۲. انسان کامل و امام شناسی

در این زمینه، امام می‌کوشید با احیای تعریف درست از مقام نبوت و به ویژه، نبوت پیامبر و خاتمیت ایشان، مسئله ضرورت امامت و ولایت معصوم را بر طبق عقل و قرآن و سنت و سیره نبوی اثبات کند و با معرفی مصادیق واقعی آن در برابر رهبران سیاسی (جریان خلافت امویا عباسی) و در برابر رهبران مدعی علم و اخلاق (علما و فقها و متصوفه آن زمان)، به تبیین مسئولیت‌هایغیبی و دنیوی امام معصوم پردازد و بر اساس آن، جامعه حق را بر محوریت امام و رهبری امام معصوم شکل بخشد و طراحی کند. (۱)

فهرست محورهای کلی و جزئی مهم در برنامه و سیره امام صادق(ع) به شرح زیر است:

برنامه های کلی

-تعریف درست تاریخ و فلسفه تاریخ بر محور جریان نبوت و ولایت؛

-تعریف مهدویت به منزله هدف غایی تاریخ؛

-تلاش برای اثبات مسئله عصمت انبیا و ارائه روایت صحیح از تاریخ انبیا در مقابل اسرائیلیات؛

-احیای شخصیت کامل و جامع پیامبر اسلام در برابر روایت‌های تحریفی خلفا یا مدرسه حدیثی حجاز؛

-تأکید بر بحث ضرورت و نیاز بشر به امام و حجت معصوم؛

-تأکید بر معیار تشخیص امام حق از باطل و تأکید بر نصوص تاریخی امامان حق؛

-اثبات و تأکید بر دو اصل عصمت و علم غیبی امام معصوم؛

ص: ۱۷۱

-توجه دادن شیعه به مدیریتغیبی امام (علم غیب؛ عرضه اعمال؛ جفر و جامعه؛ کتاب اسامی شیعه؛ علم بلایا و منایا؛ عرضه تقدیر سالانه شب قدر؛ ولایت تکوینی؛ طی الارض و حجاب نبودن موانع برای امام و...).

برنامه های جزئی

-احیای شخصیت و سیره امیرالمؤمنین علی (ع) (۱۴۵ حدیث)؛

-ارائه تفسیر درست از عاشورا و قیام سیدالشهدا (۳۶۱ حدیث)؛

-احیای شخصیت و جایگاه حضرت زهرا؟ عها؟ در میان جامعه شیعه (۶۱ حدیث)؛

-آگاهی بخشی غیبی به بیشتر شیعیان درباره برخی اعمال و رفتارهای آنان برایشیبت مسئله علم غیب و مدیریت غیبی امام و تقویت باور مراقبت غیبی نزد شیعیان و نهادینه کردن آن؛

- سفارش به یاران متکلم خود که درباره موضوع امامت با مخالفان مناظره کنند؛

-تشویق هشام بن حکم به سبب مناظره تاریخی اش با رئیس معتزله در موضوع امامت؛

-سعی بر حفظ جامعه شیعه از فریفته شدن به رهبران سیاسی و اجتماعی مدعی اصلاح و قیام (زیدیه و عباسیان)؛

-سعی بر دور نگه داشتن جامعه شیعه از خطر جریان های غلو و افراط و تفریط درباره مقام امام؛

- توجه دادن شیعه به مسئله غیبت امام دوازدهم و کوشش برای طراحی فرهنگ انتظار در آن دوره؛

-انجام دادن کرامات موردی برای استحکام و تقویت ایمان شیعیان یا به کار بستن برنامه های تربیتیدرباره آنان؛

-انجام دادن مکاشفات برزخی برای برخیاران؛

- حل کردن برخی مشکلات شیعیان خود با اعجاز یا مدیریت یا اخبار غیبی.

انسان شناسی، شاخه ای از علوم جدید شمرده می شود، ولیحقیقت آن و موارد و مصادیق و مباحث آن از مهم ترین مباحث علوم دینیاست. مستقل نبودن آن در مباحث دینی، به دلیل پرهیز از خطر انسان گرایبیا امانیسم است. ازاین رو، اگرچه مباحث انسان شناسی در سراسر مباحث معرفتی و حقوقی و دینیهست، از تمرکز استقلالی بر آن پرهیز شده است. در قرآن -که مهم ترین منبع معرفتی اسلام است - آیات انسان شناسی چنان پرشمار است که مجموعه های گوناگونی از آیات را برای حوزه های گوناگون انسان شناسی می توان شناساییکرد. براینمونه، فهرست برخی از این عنوان هایقرآنی این بحث چنین است:

-آیاتی که در مقام بازشناسی حقیقت جسم و بدن انسان و دوره هایرشد آدمی از نطفه تا مرگ است؛

-آیاتی که در مقام بازشناسی حقیقت روح و نفس انسان است؛

-آیاتی که در مقام بازشناسی پیشینه و تبار انسان در قالب مجموعه آیات داستان آفرینش آدم و جریان ابلیس است؛

-آیاتی که در مقام بازشناسی شخصیت و صفات و ویژگی های مهم روحی و اخلاقی انسان است؛

-آیاتی که در مقام بازشناسی عوالم وجودی (موازی و طولی) حیات انسانی است؛

....و

بنابراین، مهم ترین تلاش های امام صادق(ع) در چارچوب انسان شناسی، در کنار خداشناسی و امام شناسی، سعی در بازشناسی جامع و کامل حقیقت انسان به جامعه اسلامی است. امام به ویژه در مقام مناظره با جریان های مخالف، کانون بحث را انسان قرار می داد و به یاریادراک های فطری و مشترک انسان ها از خود، به اثبات یا مستدل کردن مباحث توحیدبیا امامت می پرداخت. در مقام روش آموزی به شاگردانش هم بر همین روش تأکید داشت. مهم ترین ویژگی مناظره معروف هشام با عمرو بن عبید معتزلی- که امام آن را بسیار تشویق کرد -اتکای آن بر مباحث انسان شناسی است. از سوی دیگر، امام به سبب

نبود ظرفیت فکری جامعه، درباره برخیاز مباحث انسان شناسی به صورت مفصل و گسترده بحث نمی کرد، ولیتوجه ویژهایشان به آنها در مقام برنامه های تربیتی و نظام سازی اخلاقی و رفتاری، بیانگر توجه آن حضرت به همه ابعاد وجودی انسان در حوزه سبک سازی و نظام سازی برای زندگی آدمی بود. همچنین وقتی امام در برابر نفیهمه مکتب ها و روش ها و سبک ها و نظام ها می فرماید: «چه به سوی شرق بروید چه به سویغرب، هیچ جا دانش صحیحی نخواهید یافت، مگر نزد ما.» (۱) نشان می دهد مدعیان دیگر در حوزه دانش انسان و راه کمال شناسی، دچار نقص و کمبود هستند و بازتاب این نقص نیز در نظام سازی آنان دیده می شود. در مقابل در مکتب تشیع، وقتی ضرورت وجود انسان کامل اثبات شد، ضرورت علم غیبی او برای پاسخ گویی جامع و کامل به همه نیازهای زندگی انسانی اثبات می شود.

از جنبه تاریخی نیز اثبات پذیر است که هیچ مکتبی همانند تشیع - پس از خاتمیت نبوت - رهبران معصومی نداشته اند که در جریانبلندمدت به جامعه سازی عالمانه و مؤمنانه پردازند.

بنابراین، محورها و برنامه هایمهم در حوزه انسان شناسی در زندگانی امام صادق(ع) چنین است: (۲)

برنامه های کلی

- استفاده امام از برهان نظم انفسیو آفاقیدر مباحث توحیدی؛

- توجه ویژه امام به داستان آدم و بحث طینت و سرشت انسان ها؛

- مکاشفه ها و کرامت هایامام درباره عالم برزخ و مثال برای شیعیان خود با هدف بازنمایی عوالم غیبی انسانی به آنان با رویکرد و اهداف تربیتی؛

- باب روایت هایجنود عقل و جهل؛

- توجه دادن امام به فرهنگ های ویژه دینی به صورت بزرگ نمایی شده، همانند فرهنگ دعا که از امتیازهای شیعه به شمار می آید؛

ص: ۱۷۴

۱- الکافی ج ۱ ص ۳۹۹.

۲- مسند الامام الصادق، ج ۱، ص ۴۵۵ و ج ۲، ص ۱۰۲.

- روایت های تفسیری فراوان امام در حوزه آیات گوناگون انسان شناسی؛

- روایت های فراوان امام در حوزه های تربیت اخلاقی؛

- روایت های فراوان امام در حوزه روابط اجتماعی با طبقات و اصناف گوناگون جامعه؛

- سیره عملیو جامع امام برای جامعه شیعه در حوزه های گوناگون تربیتی، فرهنگی، هنری، اقتصادی، اخلاقی و

برنامه های جزئی

- توحید مُفضّل و انسان شناسی توحیدی.

۲. حوزه گرایش ها و باورها

۲. حوزه گرایش ها و باورها

امام صادق(ع) در مقام مکتب سازی و طراحی نظام و سبک زندگی مبتنی بر نظام توحیدی، به حوزه گرایش ها و باورهای انسانی، به منزله زیربنای ایمان و لزوم تحقق ایمان عالمانه، آگاهانه و عاشقانه که به دور از تعصب های کور باشد، توجه ویژه داشت. بدین معنا که پس از مشخص شدن حق و باطل در عالم مفاهیم و معانی، تجلی حق و باطل در عالم انسانی و نظام اجتماعی به صورت گرایش و تعلق انسان ها به معارف حق یا ارزش های باطل است. به سبب وجود گرایش یا نبود آن یا وجود گرایش التقاطیاز حق و باطل است که مرزبندی های ایمانی و اجتماعی و فرهنگی شکل می گیرد. بنابراین، بحث ایمان و کفر یا ایمان و نفاق، تعریف کننده نوع و شکل و جهت گرایش های انسانو در حقیقت، تعیین کننده گستره باورهای انسانی - اعم از حق یا باطل - در عالم زندگی انساناست.

امام صادق(ع) بر پایه معارف حق و پس از تبیین جامع و کامل آنها، در مرحله گرایش و باور، به معرفی جریان اعتقادی شیعه برای پیروان و رهروان معارف حق و پیشوایان حق می پرداخت.

در مجموعه احادیث شیعه، بحث های گسترده ای درباره ایمان و کفر و نیز فضائل الشیعه است که بیشترشان از امام صادق(ع) است. در این احادیث، امام در مقطع تاریخی خود، در

ص: ۱۷۵

مقام طراحی و تبیین و تعریف گرایش صحیح شیعی است، به ویژه، در آن دوران، جامعه مدعی تشیع از یک سو، پیشینه تشیع عراقی (تشیع به معنای محبت عمومی به اهل بیت بدون ملازمه با اعتقاد به اولویت آنان برای خلافت) را داشت و از سوی دیگر، به سبب جریان های کیسانیه و زیدیه و غالیان، همواره با خطر تحریف های افراطییا تفریطیاز نظر فکرییا عرفانی روبه رو بود. پس تلاش مهم امام صادق(ع) در این دوران، بر تعیین حدود و ثغور و تعریف روشن از گرایش شیعیبود تا پس از این دوران، شیعه از شیعه احساسی به شیعه اعتقادی تغییر هویت بدهد تا در مرحله بعد که مرحله طراحی نظام رفتاری است، خطر آمیختگیحق و باطل در مکتب تشیع ایجاد نشود. در این زمینه برخلاف مکتب ها و فرقه های دیگر که به نوعی گرفتار تعصب ها یا باورهای غیر عقلانیبودند، امام می کوشید به کمک مدرسه علمی و تربیتی خود، نظام ایمان و باورهای شیعی را بر باوری عاقلانه و عالمانه قرار دهد؛ ایمانی که حقیقتیدارای مراتب داشته باشد و پیوسته راه ارتقا و تعمیق را بییماید و مراقب سست شدن یا انحراف و آسیب هایآن باشد. در مکتب تشیع، عوامل ارتقای ایمان، توجه به دانش اندوزی پیوسته دینی، تهذیب نفس و سیر و سلوک اخلاقی و عمل صالح رو به رشد کمی و کیفی است که این ایمان نیز - به صورت مستقیم یا غیر مستقیم - با مواردی همانند عرضه عقاید به کارشناسان دینی پیوسته باید آسیب شناسیشود.

برخی از مهم ترین محورها و برنامه هایاین بخش چنین است: (۱)

برنامه های کلی

-مجموعه احادیث در حوزه اسلام و کفر و اسلام و ایمان؛

-روایات فضائل الشیعه؛

-روایات صفات الشیعه؛

-مراقبت شیعه از نفوذ گرایش های زیدی، غالی و... در تشیع.

ص: ۱۷۶

۱- مسند الامام الصادق، ج ۵، ص ۳ کتاب الایمان و الکفر ج ۵ ص ۱۰۲ کتاب فضائل الشیعه و ج ۶ ص ۶۳ کتاب الاداب و المعاشره.

۳. حوزه عمل و رفتار، حوزه سبک سازی و نظام دهی به جامعه شیعه

آدمی در مسیر ترکیبی دانش و گرایش است که به عمل و رفتار می رسد و این عمل و رفتار، هرگاه در متن زندگی انسان نهادینه شود، به سبک و نظام تبدیل می شود. از این روست که عمل در حقیقت، بازده مستقیم یا غیر مستقیم دو مرحله قبل است. بر این اساس، سبک زندگی شیعی بر پایه اصول و مبانی فکری و اعتقادات و گرایش های شیعی و اهلیتی شکل می گیرد. چون در مراحل قبل از نظر معرفتی، تلاش دستگاه فکری و معرفتی امامان شیعه برای ایجاد نگاه جامع و کامل به ابعاد و گستره وجودی و نیازهای انسانی بود، در این مرحله نیز در مکتب تشیع - بر خلاف تمام فرقه ها و مکاتب - کوشش می شود سبک سازی و نظام سازی جامع و کامل صورت گیرد.

مطالعه تحلیلی جلوه های گوناگون سیره امام صادق (ع) بیانگر آن است که امام در مرحله حساس تاریخی خود و در مقام مکتب سازی، کاملاً مراقب بود ساختار و نظام شیعه را چنان جامع و کامل به جامعه ارائه دهد که در نهایت، جامعه شیعه نه تنها نیازی در هیچ حوزه انسانی به دیگر جوامع و مکاتب و فرقه ها نداشته باشد، بلکه تغذیه کننده آنها باشد و مستقیم یا غیر مستقیم بر آنها اثر بگذارد.

در این بخش، به سبب گسترده گیتون ها و فهرست ها تلاش می شود بر اساس گستره سبک سازی زندگی که شامل سه مرحله فردی، خانوادگی و اجتماعی است، فهرست مهم ترین موارد نظام سبک سازی امام برای زندگی شیعی ارائه شود.

۳-۱. سبک زندگی شیعی در حوزه فردی زندگی

۳-۱. سبک زندگی شیعی در حوزه فردی زندگی

حوزه فردی زندگی، چه در حوزه جسمی و چه روحی، اولین و بنیادی ترین مرحله زندگی در زمینه سبک سازی است. در این حوزه، به دلیل تعدد و تنوع ابعاد وجودی انسان، دامنه ای گسترده از طرح ها و برنامه ها وجود دارد. مهم ترین طرح در این زمینه شریعت اسلامی شیعی است. بنیان های این شریعت را گذاشته بود، ولی رحلت پیامبر و بحران های پس از آن، فرصتی برای نظام بخشی تفصیلی برای این شریعت باقی نگذاشت. از این رو، در آستانه آغاز قرن دوم، جهان

اسلام شاهد موجی از فرقه های فقهی لجام گسیخته بود، اما جهان تشیع با رهبری امام صادق(ع) و بر پایه احادیث اهل بیت عصمت و طهارت؟ عهم؟ که متصل به وحی و پیامبر بود، توانست به دور از افراط و تفریط، به نظامی جامع همراه با تعریف اصول و مبانی و تشریح و تبیین کافی فروع و جزئیات دست یابد. البته نظام و سبک زندگی فردی مسلمان شیعه منحصر به شریعت نیست، بلکه به دلیل تنوع و گستره ویژگی ها و نیازهای فردی، مباحث بهداشتی و اخلاقی را نیز شامل می شود. مهم ترین موارد برنامه های این بخش از منظرهای گوناگون چنین است: (۱)

از منظر فقهی

- آموزش روش شناسی کشف فقه الحیاه (فقه زندگی) از قرآن و روایت های معتبر پیامبر و اهلیت به جامعه علمی شیعه،
- آموزش احادیثی که دربرگیرنده فقه جامع شیعه در حوزه طهارت و نجاست و عبادت ها و به دور از بدعت ها، تحریف ها یا اجتهاد به رأی است که از ویژگی های مکتب و فقه خلفا و فقهای عامه است. امام باقر(ع) پایه گذار این نظام فقهی بود و امام صادق(ع) و انبوه احادیث فقهی و شاگردان فقهی ایشان آن را به اوج رساندند،
- طب الصادق که شامل مجموعه احادیث امام در حوزه بهداشت جسمی بازشناسی اصول دینی شیعه در حوزه تغذیه و بهداشت و درمان پیش گیرانه است،
- بر خلاف مکتب علمای رأی عراق، از استفاده از خمر و نیند در زمینه درمان در جامعه شیعه جلوگیری کرد؛
- احیای عید بودن جمعه و تأکید بر نقش آن در بهداشت فردی و تربیت دینی و سلوک عبادی؛
- امام با رد تفکر مرجئه (جداییایمان از عمل) و شرط دانستن عمل صالح در ایمان، بر عبادت در زندگی فردی مؤمن تأکید داشت.

ص: ۱۷۸

۱- نقش ائمه در احیای دین، علامه عسگری ج ۲ ص ۹۰؛ مسند الامام الصادق، ج ۵ ص ۳ و ص ۱۰۲ و ج ۶ ص ۶۳.

- توجه دادن به استفاده شایسته از نعمت‌ها و زینت‌ها و دوری از رفتارهای صوفی‌گرایانه در جامعه اسلامی شیعه،

- طراحی سیمای اخلاقی فردی شیعه در قالب عنوان‌های هممانند صفات‌الشیعه.

کوتاه سخن آنکه در میان مکتب‌ها و فرقه‌های دنیا، اسلام، و در میان فرقه‌های اسلامی، تشیع، بیشترین آداب، مناسک و برنامه‌های دینی در موضوع‌های آرایش و پیرایش جسم و نظافت و حتی قضای حاجت و حمام رفتن، تا آداب کلی پوشش و پوشاک و آداب و فرهنگ تغذیه، آداب و برنامه ریزی برای خواب، و حتی برنامه ریزی برای رؤیاهای و مکاشفات و آداب سفر و حضر و... را دارد. بسیاری از روایت‌های گفتاری سیره عملی مکتب شیعه در این زمینه نیز از امام صادق (ع) است.

همچنین در نظام زندگی دینی شیعه یا همان شریعت که در میان همه فرقه‌های اسلامی، منسجم‌ترین نظام شریعت است، عبادت جایگاه ویژه‌ای دور از تحریف و بدعت دارد. مهم‌ترین نشانه شیعه هم از نگاه اهل بیت و هم از نگاه تاریخی - اجتماعی، شناخته شدن آنان به فراوانی عبادت یا انس با مکان‌های مقدس به دور از آسیب تصوف یا رهبانیت زدگی است.

امام صادق (ع) به سبب جایگاه مهم شریعت در مکتب تشیع توجه و مراقبت ویژه‌ای درباره شریعت آموزی به جامعه شیعه داشت تا ضمن ایجاد نگاه جامع به همه حوزه‌های فردی زندگی آدمی - شامل نیازها و ویژگی‌های جسمی و عاطفی و روحی - مراقب جریان‌های موازی در این زمینه نیز باشد؛ جریان‌هایی که به سبب جدا شدن از مکتب و مرجعیت علمی حق، دچار نگاه ناقص به حوزه نیازهای فردی و افراط یا تفریط شدند. مواردی همانند افراط تصوف در زهد دنیوی در کنار توجه کمی فراوان به برخی عبادت‌های بی‌روح و معرفت، تفریط برخی گروه‌های غالی که به اباحت‌گری در عبادت‌ها یا احکام مرتبط به حدود و حریم‌های شرعی منجر شد یا نگاه تفریطی برخی فرقه‌های اهل سنت به نفی عمل از ایمان (مرجئه)، نشان‌دهنده خطرهای سبک‌های این سبک‌ها زندگی در فرقه‌های باطل است. اثرگذاری‌های مستقیم و غیر مستقیم

چنین انحراف هایی بر جامعه شیعه می توانست سبب ناکامی امام در طرح نظام سازی شود، اما امام با طراحی سبک و نظام منسجم علمی و اجتماعی برای این جامعه و مکتب - که در صفحات بعد به آن اشاره خواهد شد - کوشید از این آسیب ها یا اثرگذاری خرده فرهنگ ها بر فرهنگ و نظام و شریعت دینی تشیع جلوگیری کند.

۲-۳. سبک زندگی شیعی در حوزه خانوادگی

۲-۳. سبک زندگی شیعی در حوزه خانوادگی

مکتب تشیع بر اساس آیات قرآنی و سنت و سیره نبوی، به جای فردگرایی (اصالت فرد در تفکر غربی) یا جامعه گرایی (اصالت جامعه در تفکر کمونیستی)، خانواده گرا است؛ زیرا هم نظام خلقت مبتنی بر زوجیت است و هم آفرینش انسانی با آدم و حوا آغاز می شود و هم وجود آدمی محصول پدر و مادر است. شخصیت و ایمان خود انسان نیز بدون ازدواج به تکامل نمی رسد.

اصالت خانواده ممکن است مورد ادعای برخی دیگر از فرقه های اسلامینیز باشد ولی آنها به سبب نداشتن الگوهای معصومانه و جامع و عملی برای خانواده، در این زمینه دچار شعارزدگی شده اند.

مکتب تشیع با بیان و طراحی امام صادق(ع)، الگو و نظام خانواده خود را بر خانواده اهل بیت پیامبر و مثلث معصومانه (زن، مرد، فرزندان = معصوم) پایه گذاشته است؛ خانواده ای که در خانه ای پاک و نورانی، در همسایگیخانه خدا و خانه پیامبر و کانون وحی و علم و اخلاق و دعا و عرفان و تربیت و ایثار و... تربیت می یابد؛ در خانه ای که هم چشم امید پیامبر، هم کانون رفت و آمد فرشتگان و هم کانون امید مسلمانان و به ویژه، صحابه جویای دانش و معرفت بود.

امام صادق(ع) با تمرکز بر نظام الگویی اهل بیت پیامبر می کوشید مهم ترین جنبه از سبک سازی در زندگی شیعی را در چارچوب خانه و خانواده شیعی، در محورها و چارچوب های زیر طراحی کند:

-اهتمام به مسئله ازدواج و حتیسفارش به شاگردان جوانش، همانند زراره به امر ازدواج؛

- فراوانی روایات فقهیایشان در باب نکاح و طلاق و حقوق خانوادگی؛

- فراوانی احادیث تربیتی و ویژه در مسئله تربیت فرزند؛

- سفارش های تربیتی درباره تربیت دینی و علمی نوجوانان و جوانان شیعه؛

- سفارش به رهبران علمی و اجتماعی شیعه درباره حفظ جوانان شیعه از خطر فرقه های انحرافی؛

- دعا برای امر ازدواج و تشکیل خانواده شایسته برای بر خیارانش؛

- شادمانی و دعای ویژهایشان درباره برخی خانواده های شایسته علمی و اخلاقی شیعه همانند خانواده زراره؛

- احیای ازدواج موقت به منزله طرحی اسلامی برای کنترل غرایز جنسی، ضمن هشدار دادن به خواص یارانش که برای پرهیز از انجام دادن آن به سبب ایجاد نشدن حاشیه های اجتماعی برای امام (ع) (۱).

کوتاه سخن آنکه امام صادق (ع) با فرصت شناسی، با دو الگو و روش مستقیم درباره یاران در محضرش و غیر مستقیم درباره جوامع شیعی، نظام خانوادگی تشیع را بر مبنای زندگی اهل بیت پایه گذارد. در این زمینه، علاوه بر سیره عملی آن حضرت، انبوه روایات ایشان در حوزه های ضرورت همسرگزینی، معیارهای انتخاب همسر، حقوق همسران و آداب زناشویی، اهمیت فرزندخواهی در زندگی خانوادگی، آداب تولد فرزند، آداب و اصول تربیت فرزندان، آداب و اصول معاشرت در خانه، اصول و آداب انتخاب یا طراحی خانه و آرایش و پیرایش داخلی آن یا حتی نکته هاییدر باره باغ دار یا باغچه خانگی نگه داری حیوانات خانگی با اهداف منافع ظاهری یا ماورایی آن در تأمین زندگی سالم دینی، از نکات ارزنده در نظام سازی برای زندگی خانوادگی شیعی است.

از نکته هایجالب دیگر در این حوزه، مسئله ازدواج موقت است. امام صادق (ع) از نظر تئوری و شاگردان و شیعیان ایشان از نظر برخی موارد علمی، این مسئله را که امتیازی برای

ص: ۱۸۱

شیعه است و بعد از رحلت پیامبر مهجور مانده بود، احیا کردند که برایمدیریت غریزه جنسی، فراتر از ازدواج دائم و نهاد خانواده است.

از دیگر موارد، استفاده از برده و کنیز در آن زمان با داشتن نگاه ویژه به آنان به منزله بخشی از اعضای خانواده است که منجر به رعایت اصول انسانی و دینی و تربیتدرباره آنان در همان حد تربیت فرزندان شد تا بدین گونه، این گروه از طبقه اجتماعی، با گذراندن تربیت عملی در خانه های اسلامی و کسب آزادی فردی، خود، به افرادی ارزشمند برای جامعه اسلامی تبدیل شوند.^(۱)

۳-۳. سبک زندگی شیعی در حوزه اجتماعی

۳-۳. سبک زندگی شیعی در حوزه اجتماعی

ساختار کنونی شیعه در طراحی و پایه گذاری امام صادق(ع) برای نظام اجتماعی شیعه ریشه دارد. در دوران آن حضرت و با توجه به رفع موقت فشارهای سیاسی- اجتماعی از جوامع شیعی در جریان انتقال خلافت و در زمانه ای که سراسر جهان اسلام شاهد تحول و دگرگونی بود، امام کوشید به جای تغییر و تحولات محدود و با هدف بهره وری سیاسی سریع، جامعه ای اصولی و مکتبی و غنی از شعایر و فرهنگ والا- پایه گذاری کند؛ مکتبی که توانایی حفظ خود و بالندگی و گسترش را در سراسر دوران آینده تاریخ تا دوره ظهور داشته باشد. امام برای تحقق این هدف، با توجه به شرایط تقیه، دو جنبه را در نظر گرفت: یکی، جنبه از نظر نظام بخشی داخلی شیعه و طراحی جامعه حق و دیگری، در نظر بیرونی و طراحی نوع رویارویی، تعامل و روابط این جامعه با جهان و جوامع اسلامی در سطوح مختلف اجتماعی و سیاسی و علمی.

مهم ترین ویژگی های سبک زندگی و نظام اجتماعی شیعی در لایه های مختلف به این ترتیب است:

ص: ۱۸۲

۱- مسند الامام الصادق، ج ۱۵، ص ۴۱۸؛ ج ۱۶، ص ۵.

رویکرد اجتماعی (و سیاسی) این جامعه چنین است:

- تربیت شاگردان علمی و مرجعیت بخش علمی به شخصیت های برجسته علمی در جامعه شیعه؛

- طراحی سازمان و کالت با محوریت یاران و شاگردان علمی که قدرت مدیریت اجتماعی هم داشتند؛^(۱)

- هشدار دهی درباره باطل بودن هرگونه جریان مخالف با مشی فکری و اجتماعی رجال علمی شیعه در رویارویی با جریان غلو؛

- قراردادن و کلاهی آشکار و پنهان در میان جامعه شیعه و در مهم ترین مسیرهای سفرهای حج آن سال ها (نصر بن قاموس، بیست سال و کیل پنهانی امام در مدینه بود)؛^(۲)

- کنترل و کلا- و رهبران علمی و اجتماعی شیعه و مراقبت از آنان در برابر انحراف و لغزش های فکری مدیریتتیرايتضمین سلامت جامعه شیعه؛

- سفارش درباره بازماندگان برخی رجال شیعه پس از رحلتشان (سلیمان بن خالد)؛

- اسکان دادن برخی بزرگان اصحابش در بغداد به ویژه هشام بن حکم در پوشش شغل بازرگانی و بر گزاریدرس و کلاس های علمی شیعی در محل کسب و کار که منجر به جذب و تحول ایمانی برخی از عامه و اهل کتاب در بغداد شد.

- در این دوران، با اتکا به برخی یاران امام باقر و امام صادق؟ عهما؟، اولین نسل از خاندان های علمی شیعه پایهگذار میشد (خاندان هایی که دو یا سه نسل شخصیت های علمی برجسته دارند) و این الگو و شیوه از خانواده و تربیت فرزند مورد توجه و حمایت و تشویق ویژه امام قرار گرفت.

- زراره جمعه ها که به مسجد کوفه می رفت، از نظر وضعیت ظاهری (پوشش و هیبت راه رفتن) چنان باوقار و عظمت به مسجد می رفت که همه مردم در مسیر راه و در مسجد در

ص: ۱۸۳

۱- در بحث سازمان و کالت نک: سازمان و کالت و نقش آن در عصر ائمه؟ عهم؟ / محمد رضا جباری / ج ۱ ص ۴۷ و ۶۷.

۲- مسند الامام الصادق، ج ۵؛ فضائل الشیعه و کتاب الایمان و الکفر، ج ۶؛ کتاب الاداب و المعاشره.

برابری برمی خاستند و متوجه او می شدند و کار به جایی می رسید که گاه از شدت ازدحام مردم به دور او، ناچار به منزل باز می گشت.

- امام هنگام رحلت فرزندش، اسماعیل، حدود سینفر از خواص شیعه را فرا خواند و در کنار پیکر اسماعیل، ضمن گواهی گرفتن درباره رحلت وی، پیمان های محکم از آنان برای وصایت و امامت فرزندش امام کاظم (ع) گرفت و به آنان درباره خطر لغزش یا فرقه سازی انحرافی هشدار داد.

- امام هنگام ایجاد اختلاف فکری اجتماعی بین شیعیان، وکلای خود را برارفع اختلاف نزد آنان می فرستاد تا با مشاوره فکری با کمک مالی به حل مشکل پردازند (ماجرایمفضل بن عمر و رفع اختلاف بین دو نفر شیعه با کمک مالی به سفارش امام).

- مفضل بن عمر، وکیل و نماینده ویژه امام در کوفه، ضمن ارتباط هایی که با همه گروه های اجتماعی شیعه داشت، می کوشید گروهی از جوانان را جذب کند که لابیالی و دارا رفتارهای ناپسند بودند. در این طرح، برخی شیعیان از او انتقاد کردند، ولی حمایت ضمنی امام و نشان دادن نقش اجتماعی این جوانان، به اقناع شیعیان پرداخت.

- امام با توجه به جغرافیا و جامعه شیعه و تعیین وکلا در مناطق گوناگون، سیستم ارتباط غیر مستقیم در قالب مکاتبات دو سویه را طراحی و راه اندازیکرد.

- امام در جامعه اسلامی، با شناسایی جوانان با استعداد یا جوانانی که تخصصی علمیا هنری و گرایش های عدالت خواهی و حقیقت جویداشتند، اما گرفتار فرقه های انحرافی شده بودند، به جذب و آشنا کردن آنان با مکتب حق پرداخت و از استعداد و مهارتشان در مسیر حق یاریگرفت (ماجرایرویارویامام با هشام بن حکم، متکلم گرفتار مکتب جهمیه و سید حمیری، شاعر کیسانی مسلک).

کوتاه سخن آنکه امام صادق (ع) در کنار معرفی اصول کلی نظام اجتماعی شیعه در قالب عناوین کلی، مانند حقوق مؤمنان یا صفات الشیعه یا آداب معاشرت با مؤمنان کوشید این اصول را به منزله راهبرد نرم جامعه حق، جانشین نظام های قبایلیا سنتی کند. مدیران اجرایی و تبلیغی این نهضت نرم فرهنگ سازی در جامعه حق، شاگردان علمی و دینی آن حضرت بودند؛ شاگردانی که با

معیارهای علم و تقوا و فارغ از مسئله سن (جوانی) یا طبقه اجتماعی (غیر عرب یا قبایل پست) به ابراز وجود در جامعه پرداختند و ضمن تربیت جامعه، رهبری و مدیریت اجتماعی شیعه را به عهده گرفتند.

امام، در این دوران، با توجه به تحولات زمان و فرصت شناسی، به دو رویکرد کلی در جامعه سازی شیعه هم توجه داشت: یکی، ایجاد جوامع جغرافیایی حق برای اولین بار با اکثریت شیعه و دیگری، جذب خواص سرخورده از جریان های باطل و هدایت آنان به مکتب حق و استفاده بهینه از جایگاه اجتماعی فکری و علمی و فرهنگی آنان در شتاب بخشیده نظام سازی اجتماعی برای شیعیان.

۳-۳-۲. رویکرد علمی و فکری مکتب شیعه (۱)

-امام، جامعه شیعه جدید را مبتنی بر رویکرد علمی و فرهنگی و با محوریت شاگردان علمی خود پایه گذاری کرد.

-از سیاست ها و آرزوهای علمی امام این بود که اگر می توانستم، همه شیعیان را مجبور می کردم فقه و علوم دینی بیاموزند؛ اگرچه به ضرب تازیانه باشد. (۲)

-سیاست اعزام مبلغ در قالب شاگردان علمی خود به مناطق مستعد برای پذیرش تشیع و حمایت معنوی از آن مبلغان در مواقع مورد نیاز. امام از آنان می خواست به صورت مرحله ای و غیر مستقیم و آن گاه مستقیم به نشر ولایت اهل بیت و مکتب تشیع بپردازند.

-توجه به تربیت شاگردان در حوزه های گوناگون علوم دینی و علوم انسانی و حتی علوم تجربی با رویکرد توحیدی.

-سفارش به شاگردان برجسته خود برای راه اندازی نهضت علمی شیعی در مسجد کوفه و ایجاد نظام تربیت شخصیت های علمی در جامعه شیعه. (مسجدالنبی در مدینه نیز به صورت محدودتر پایگاهی دیگر برای این دانشگاه بود).

ص: ۱۸۵

۱- مسند الامام الصادق، ج ۱، ص ۴۷۱؛ ج ۴، ص ۲۷۵.

۲- مسند الامام الصادق، ج ۱، ص ۴۸۲.

-امام ضمن آنکه محل مراجعه علمای بزرگ عامه در مشکلات فقهی و فکری بود، به برخی خواص یاران خود اجازه داده بود در کرسی تدریس خود به تدریس فقه مقارن و جذب استعدادها از مذاهب عامه بپردازند یا به گونه ای عمل کنند که مستقیم و غیر مستقیم، محل مراجعه متفکران و علمای اهل سنت قرار گیرند.

- سفارش و تأکید فراوان به دسته بندی معارف و علوم شیعه و توجه به آشکار نکردن اسرار یا مطالب سنگین علمی شیعه در جامعه که مبادا سبب هجوم یا دست مایه فرّق انحرافی قرار گیرد.

- ایجاد چندگانگی روایی و حدیثی و علمی بین خواص اصحابش تا دشمن متوجه هم سویی و نظام متشکل آنان نشود و از جانب آنان احساس خطر نکند. از این رو، برای حفظ خواص یاران علمی خود گاهی عیب جویی محدود و معنی دار از آنان می پرداخت.

-امام هم خود و هم یارانش را به مناظره علمی و مجادله احسن با انواع و اقسام گروه های فکری و فقهی و سیاسی تشویق می کرد تا بدین گونه ضمن محدود کردن قدرت نمایمکتب های باطل، برای جامعه حقانیت حق و بطلان باطل، آشکار و قوت منطق فکری و علمی شیعه معلوم شود.

- مرجعیت علمی بخشی به یاران و شاگردان علمی درجه اول و ارجاع دادن شاگردان نسل دوم به آنان در مسائل عمیق تر علمیا رفع شبهات و اختلاف ها یا حلّ گشودن مشکل علمی آنان.

-مراقبت خواص یاران خود از لغزش های علمی و گاهی فرستادن پیک های ویژه نزد آنان برای اصلاح فتوایا روایت حدیث آنان و به ویژه، مراقبت آنان از افکار التقاطی متأثر از فرقه ها و جریان های فقهی و کلامی عامه و غیره.

- برحذر داشتن طبقه عمومی شاگردان خود از دانش آموزی نزد فرقه ها و علمای عامه به بهانه علم آموزی یا بهانه آشنایی با آنان در مقام رد و مناظره به سبب خطر التقاط فکری تشیع با دیگر جریان های انحرافی.

-امام در مناسبت های مختلف به ویژه هنگام رحلت فرزندش، اسماعیل، بر وصایت و

امامت امام کاظم(ع) تأکید ورزید و سعی از (فرقه سازی انحرافی به ویژه در شرایط بحرانی هنگام شهادت خود و آغاز امامت فرزندش جلوگیری کند).

-امام پس از مناظره با برخی سران یا عوام مخالفان که منجر به تحول ایمانی و بیداری آنان و علاقه مندی آنان به کسب معارف اهل بیت می شد، آنان را برای کسب معارف کامل تر به خواص شاگردانش می سپرد.

-توجه به تحولات فکری زمانه و برگزاری دوره های ویژه تخصصی و تکمیلی برای خواص یارانش در بحران ها و حیرت های ویژه فکری (توحید مفضل برای مفضل در برابر دهریان یا ارشادهای علمی ویژه برای مؤمن الطاق...).

-امام صادق(ع) در بیشتر سفرهای سالانه حج، گروهی از خواص یاران علمی اش را همراه خود می برد تا ضمن سفر، جلسات علمی و آموزشی (مسائل حج و غیره) برای آنها برگزار کند و به مناظرات کلامی با فرقه های اسلامی، با کمک یارانش در قالب طرح های آموزشی با هدف معرفی یارانش به جامعه پردازد و نیز به جایگاه یاران علمی اش را جامعه شیعه نشان دهد و مرجعیت علمی آنان را تثبیت کند.

-تشویق معنوی و اجتماعی ویژه خواص یارانش پس از مناظره های تاریخی و علمی مهم با رهبران فکری برجسته جریان های مخالف.

-نیاموختن برخی اسرار و معارف عمیق شیعه به آن دسته از شیعیان یا شاگردانی که ظرفیت تحمل آن معارف را نداشتند یا در معرض خطر غلو بودند.

-روشنگری صریح و مکرر و به موقع هنگام ایجاد شک و شبهه و حیرت فکری در جامعه شیعه، در مواردی همانند جریان غلات یا توهم برخی شیعیان درباره امامت فرزندش، اسماعیل، یا خطر نفوذ مدرسه رأی در اجتهاد شیعی.

-امام از افتادن شاگردان و شیعیانش به دامن علوم غیر نافع و مضر (ستاره بینی و فال گیری و بخت و اقبال) جلوگیری کرد و از آنان می خواست با دورسازی و نابودسازی کتاب ها و منابع این علوم بیهوده، خود را از وسوسه ها و گرایش به این علوم مضر برای ساختار زندگی شیعی دور کنند.

-مناظره های علمی و جدال احسن امام با رهبران ده‌ریه (بی دینی و زمانه گرایی) سبب تحول ایمانیا رسوایاجتماعی و فکری آنان شد و جریان فکری باطل را از تحرک و پویایی در جهان اسلام انداخت و خطر و فتنه آنها را کم اثر کرد).

-امام با مناظره با ارباب علوم تجربی و پزشکی که از نظر فکری بی دین و دهریبودند، نشان داد علوم طبیعی و تجربی و پزشکی در نظم و نظام آیه ای جهان هستی ریشه دارد و با کفر و بی اعتقادیدانشمندان خود جمع نمی شود.

کوتاه سخن آنکه امام صادق(ع) برای تحقق آرزوی تاریخی پیامبر و قرآن که در فطرت و سرشت انسان ها هم ریشه داشت، کوشید مبنای جامعه حق را بر پویایی تعقل و اندیشه دینی در چارچوب علوم اسلامی (و علوم انسانی اسلامی) قرار دهد. از این رو، اگرچه هدف غایی در جامعه شیعه، عبودیت است که نتیجه و بازتاب آن در حوزه های انسانی و دنیوی عدالت آشکار خواهد شد، مبنای این عبودیت و آن عدالت، تعقل و علوم دینی است.

بنابراین، در طراحی و نظام سازی اجتماعی شیعه به وسیله آن حضرت باید در جریان پیوسته تاریخ حق، گروهی از استعداد های جوان شیعه به دانش اندوزی در حوزه معارف دین و اسلامیبپردازند و پس از کسب شایستگی های علمی، تربیتی، دینی و مدیریتی (درون دینی)، مدیریت و رهبری جوامع شیعه را بر عهده گیرند.

اگرچه امام صادق(ع) برای تحقق این هدف، اولین دانشگاه شیعی را در مدینه و در مسجدالنبی منزل خود پایه گذاریکرد، با آگاهی از تعطیلی قریب الوقوع این دانشگاه در مدینه، کوشید کانون این حوزه علمی را به سرعت به کوفه و بغداد و در افقی بلندمدت، به قم و حتی شهرهای دیگر شیعیمنتقل کند. این انتقال بدان سبب بود که در طول تاریخ تشیع، پیوسته در مراکز دینی و مهم ترین مراکز اجتماعی شیعی، کانون ها و حوزه های علمی شیعی نهادینه شوند و با رواج روحیه دانش اندوزی دینی در همه سطوح اجتماعی، ضمن آنکه نظام اجتماعی شیعه بر نظام و فرهنگی اندیشه محور مبتنی باشد، رهبری و مدیریت آن به ویژه در دوره غیبت، به عهده رهبران علمی و فکری و مدیران دینی مجتهد و عالم باشد. از آن پس، در مکتب تشیع، بر خلاف دیگر فرقه های اسلامی و غیر اسلامی، مرجعیت و رهبری دینی،

اجتماعی و حتی سیاسی به عهده رهبران علمی و دینی شیعه است. از این رو در تاریخ تشیع، اگر گاهی شیعه حکومت های سیاسی هم داشته است، هیچ گاه حاکمیت سیاسی سلاطین و حاکمان شیعیتوانسته است جایگاه و نقش رهبری دینی و اجتماعی و حتی سیاسی علمای شیعه را داشته باشد.

۳-۳-۳. رویکرد فرهنگی (هنری) (۱)

-امام در مقام مکتب سازی برای شیعه، به فرهنگ سازی و به ویژه ایجاد شعایر مذهبی و عاطفی، از نظر درونی (استحکام فرهنگی) و ایجاد جاذبه پرداخت.

-عاشورا از نظر حماسی و عاطفی، مهم ترین کانون فرهنگ سازی امام صادق (ع) برای مکتب شیعه است. برای این هدف، امام با مدیریت شاعران شیعه و راه اندازی مجالس سوگ و عزا در خانه خود و سفارش به گسترش آن، به فرهنگ سازی در این زمینه پرداخت.

-امام صادق (ع) در سفرهای تاریخی خود به عراق، به فرهنگ سازی برای زیارت مزارهای نجف و کربلا اهتمامی ویژه داشت و حتی گاهی به شیعیان عراق را به سبب سهل انگاری کم توجهی به این فرهنگ سرزنش می کرد.

-امام در سفر حج یا سفر به کوفه، به احیای اماکن و آثار فرهنگی ولایی و علویو فرهنگ سازی درباره غدیر و دیگر مناسبت های ولایی شیعی پرداخت.

-امام با در نظر گرفتن چشم انداز آینده جغرافیای حق، به ویژه درباره ایران، به فرهنگ سازی برای شهرهای مذهبی ایران در آینده توجه ویژه ایداشت (قم و مشهد).

-امام با توجه به آینده پیش رو و آگاهی از رخداد غیبت، به صورت گسترده و در قالب احادیث فراوان، درباره غیبت امام مهدی [، به فرهنگ سازی انتظار برای این دوره پرداخت.

-امام در فرهنگ سازی برای زندگی شیعی، به اوضاع زمانه توجه داشت و کوشید از خشک اندیشیو تعصب و سکون در فرهنگ شیعه جلوگیری کند و ضمن معرفی اصول

ص: ۱۸۹

فرهنگی، برون داده‌های زمانی آن را انعطاف پذیر طراحی‌کنند (پوشیدن لباس های فاخر و متناسب جامعه خود و پرهیز از فرهنگ صوفیانه یا شیوه ترین منزل، همانند وضعیت اجتماعی و عرف دینیو فرهنگی روز).

-حمایت از شاعران و شعرهای معارفی و حماسی اهل بیتی در جریان فرهنگ سازی برای اهل بیت(امام، مروج و حامی شعر آیینی در تاریخ تشیع بود).

-امام کوشید با ایجاد ارتباط مناسب با اصحاب فرهنگ و هنر که زمینه های عدالت خواهی و حقیقت جویداشتند، اما گرفتار فرقه های گوناگون بودند، ضمن جذب آنان به مکتب حق، از سلاح فرهنگی و هنری آنان به نفع جریان و مکتب حق استفاده کند (ماجرای سید حمیری).

-امام در طراحی سبک زندگی شیعی برای دوران حضور امامان، ضمن تأکید به شیعیان برای انجام مراسم حج، پایان آن را زیارت مدینه و مزار پیامبر و دیدار با امام معصوم هر زمان در مدینه قرار داد تا مراسم حج، پل ارتباطی سالانه شیعیان با امامان معصوم باشد.

-امام، جامعه شیعه را از فرهنگ در حال رواج قصاصین (قصه گویان باطل) برحذر داشت.(1)

کوتاه سخن آنکه مکتب شیعه با نگاه به ابعاد عاطفی و احساسی انسان و نیاز به جامعه سازیدر حوزه های فرهنگی و آداب و رسوم کوشید به جایها کردن برنامه فرهنگ سازی شیعه و در نتیجه، اثرپذیری از جوامع رهاشده از مدیریت وحیانی همانند جهان اهل سنت یا مسیحیت، با برنامه ایهماهنگ در جمع کردن بین نیازهای انسانی و اصول و مبانی دینی و مبتنی بر رویدادهای تاریخی جبهه حق و اولیای حق به فرهنگ سازی پردازد. ازاین رو، یکی از ابعاد مهم فرهنگی که رویکرد عاطفی و احساسی بسیار قوی هم دارد، مسئله فرهنگ عاشوراست. فرهنگ سازی امام برای شیعه که مبتنی بر عاشورا بود، سبب ایجاد نظامی فرهنگیشد که به شدت عاطفی و احساسی و مبتنی بر اصول و مبانی حق بود

ص: ۱۹۰

تا به سبب آن، تشیع در برابر فرهنگ های مهاجم و پیوسته متغیر باطل سالم بماند و نیز مهم ترین ابزار تبلیغی مبنای اصول عقلی و فطری و علمی و به ویژه، عاطفی این فرهنگ عظیم را در اختیار تشیع بگذارد. امام با ترکیب شور و شعور، فرهنگی غنی ایجاد کرد که به سبب شور و هیجان مقدس آن، جاذبه اولیه را برای فطرت های پاک پدید می آورد و زمانیکه انسان در عمق این شور قرار می گرفت و با مظلومیت و اشک آن همراه و هم نوا و هماهنگ می شد، شعور و فطرت و گرایش های متعالی فطری اش شکوفا می شد.

از جلوه های دیگر فرهنگی شیعه، فرهنگ مهدویت و غیبت و انتظار است که ضمن تداوم بخشی به جریان پیوسته و تاریخی مکتب حق و جلوگیری از انقطاع مدیریتی غیبی اولیای حق، رویکردی آینده نگر و پویا و عدالت خواه را به تشیع می دهد، درست برخلاف فرقه های اسلامی و حتی اهل سنت که همگی گذشته گراند.

البته نظام فرهنگی شیعه، جدا از حوزه های کلان فرهنگی عاشورا و انتظار و دیگر مناسبت های ولایی، به سبب حضور دوازده امام و مدرسه علمی باقرین؟ عهما؟ کوشیده است برای همه حوزه های زندگی خانوادگی و اجتماعی، فرهنگ سازی های کوچک و بزرگ و آشکار و پنهان داشته باشد تا تشیع از نظر آداب و رسوم و شعایر، به غنی ترین مکتب فرهنگی تبدیل شود؛ چه در حوزه فرهنگ های دینی و چه در حوزه فرهنگ های اجتماعی و چه در زمینهای فرهنگ های عرفی سالم منطقه ای.

۳-۳-۴. رویکرد اقتصادی (۱)

اقتصاد و نظام معیشت زندگی پس از اصل حیات، مهم ترین بخش از نظام زندگانی است؛ زیرا پشتوانه ای برای دیگر فعالیت های انسانی است. از این رو، نبود تعریف درست و نگاه جامع به نظام اقتصادی، مشکل همه ادیان و فرقه های زمینیا آسمانی تحریف شده است.

در دوران پیامبر، اصول کلی اقتصاد اسلامی با روایت اهل بیتی، تبیین و طراحی شد، ولی

ص: ۱۹۱

غصب خلافت و درآمیختن ارزش‌ها و روش‌های اقتصادی خرد و کلان-جاهلی با اقتصاد اسلام‌سیمی‌هجور شدن نظام اقتصادی راستین اسلام‌گشت. همین امر، انحراف گسترده اقتصاد را در جامعه اسلامی به وجود آورد، به گونه‌ای که قیام‌ها و شورش‌ها و درگیری‌ها به سبب بی‌عدالتی و تبعیض در پی داشت.

نظام اجتماعی تشیع پس از پیامبر تا زمان امام صادق(ع) به سبب ضعف و پراکندگی و در اقلیت بودن یا قطع ارتباط با رهبران معصوم خود یا محاصره‌ها و محرومیت‌های شدید اقتصادی، به حدی از توان‌مندی و بلوغ برای نظام‌سازی نرسیده بود، به گونه‌ای که حتی در دوران امام باقر(ع)، گزارش‌های چندان قابل‌اعتنایی از ارتباط اقتصادی جامعه شیعه با امام موجود نیست. (۱)

در زمان امام صادق(ع) که تحولات اجتماعی تدریجی در جامعه شیعه به موازات تحولات اجتماعی در جهان اسلام صورت گرفت، جامعه شیعه در حاشیه جهان اسلام به نوعی نشاط اقتصادی دست‌یافت و به تدریج، به حدیاز توان‌آی رسید که براینخستین بار در تاریخ تشیع، شاهد سرازیر شدن اموال از شرق و غرب به مدینه نزد امام معصوم هستیم. همین بالندگی اقتصادی صحیح، با وجود در حاشیه بودن، یکی از عواملی است که امام، ساختار و نظام و کالت را برای جامعه شیعه طراحی کرد. رویکرد اقتصادی امام در این دوره تاریخی، مبتنی بر طراحی و آموزش مبانی کلی و اجرایی عملی نظام اقتصادی شیعه که برخی جلوه‌های آن چنین است: (۲)

- تبیین و طراحی اصول کلی معیشت و کسب روزی حلال در قالب فقه و اخلاق اقتصادی؛

- تلاش برای نهادینه کردن فرهنگ کار و تلاش در جامعه شیعه و دور کردن آن جامعه از خطر افکار ریاضت‌طلبانه یا کارگری صوفیانه با پرداختن به کشاورزی و بازرگانی؛

- احیای مسئله خمس (وزکات) و ضرورت رساندن آن به امام معصوم در جامعه شیعه؛

ص: ۱۹۲

۱- ۸. سازمان و کالت، جباری، ج ۱ ص ۲۷۹.

۲- علامه عسگری، نقش‌آئمه در احیای دین، ج ۲؛ آیت‌الله سبحانی، تاریخ فقه‌الشیعه.

- تفویض رسالت جمع آوری خمس به وکلای خود و فرستادن آشکار و پنهان آن نزد امام؛

- فرستادن وکیلی همراه اموال بسیار برایتوزیع بین خانواده شهدای قیام زید و حمایت اقتصادی از آنان (البته امام پس از ایجاد خط سیاسی فکری و اجتماعی زیدیه، از کمک و صدقه دهی شیعیان به زید جلوگیری کرد)؛

- فرصت شناسیدر سفرهای اجباری به عراق و کوفه برای نظم دادن به مسئله خمس و نهادینه کردن آن در جامعه شیعه؛

- رسیدگی مخفیانه و دستگیری اقتصادی از نیازمندان شیعه (و غیر شیعه) و ترویج این رفتار در میان شیعیان؛

- باز داشتن شاگردان و شیعیان از شیوه های باطل و انحرافی اقتصادی، همانند گران فروشی و احتکار و تبلیغ کاذب و معرفی الگوهای تجارت و اقتصاد سالم دینی و اسلامی؛

- ویژگی اجتماعی بیشتر یاران امام، جمع کردن آنان بین تخصص علمی و علم آموزی و عبادت و داشتن شغلی ویژه برای معیشت زندگی است (مثلاً صفوان جمال عالم حدیث، کثیرالعباده و شتردار بود یا جمیل بن دراج عالم فقه، کثیرالسجود و بقال بود)؛

- امام، شیعیان توانگر اقتصادی را به سبب رد کردن فقرای شیعه از خانه خود و دوریجستن از آنان، به شدت سرزنش می کرد؛^(۱)

- اعطای برخی اموال به شیعیان برایتحصیل سرمایه اولیه برای راه اندازی کار (قرض الحسنه بدون سود و ربا یا مضاربه)؛^(۲)

- دستور دادن به فروش انبار غله سالانه خود هنگام قحطی در مدینه؛

- انفاق مخفیانه در مدینه، حتی به نیازمندیانی که دشمنش بودند و به وابستگی که با امام قطع رحم کرده بودند؛

- در مواردی، امام ضمن خبر دادن از بلایای طبیعی، شیعیان خود را از معامله های اقتصادی

ص: ۱۹۳

۱- بحار الانوار، ج ۷۳، ص ۲۰.

۲- همان، ج ۴۷، ص ۵۲.

ضرربخش برحذر می داشت؟

-در مواردی، امام، اموال شیعیان توانگر را که به انگیزه هایی چون خرید خانه به مدینه فرستاده می شد، به انفاق اجتماعی تبدیل می کرد و در برابر، ضامن خانه ایبھستی برای آنان می شد؛

-امام صادق(ع) همانند جدش، امام سجاد(ع)، طرح تربیتی خرید غلامان و تربیت آنان و آزاد کردنشان به بهانه ای اندک را اجرا می کرد.

کوتاه سخن آنکه امام صادق(ع) برای احیای سیره پیامبر و اجداد معصوم خود، ضمن پرهیز از روحیه دنیاگریزی صوفیانه یا اقتصادهای دنیوی باطل، همانند ربا و احتکار، بر پایه اصول اقتصادی قرآن، نظامی را برای جامعه شیعه پایه گذار کرد که مبتنی بر تلاش حداکثری اقتصادی، اما بهره مندی حداقلی فردی در کنار خیر رسانی حداکثری اجتماع است.

در این زمینه، امام در فرصت های غیر علمی را به کشاورزی می پرداخت و اهتمام داشت شیعیان و حتی شاگردان علمی اش با وجود بی نیازی، در فراغت های خود به فعالیت اقتصادی کشاورزی بازرگانی و... پردازند.

همچنین امام با وجود کسب درآمد بسیار از فعالیت های اقتصادی خود یا از مسیر خمس دریافتی، هیچ گاه خانه یا وضعیت معیشتی و رفاهی منزل را تغییر نداد و به شدت مراقب رفاه زدگی و رواج اخلاق تجمل گرایی و ایجاد فاصله بین ثروتمندان و فقیران در جامعه شیعه بود. همچنین، از شیعیان می خواست با ایجاد نظام مواسات اقتصادی بر مبنای اصول عقد اخوت که در زمان پیامبر طراحی شده بود، به از بین بردن فقر از جامعه شیعه پردازند و آن را با وجود همه محدودیت های نظام خلافت، از نظر اقتصادی به جامعه ای پویا، غنی و الگو و با کم ترین وابستگی تبدیل کنند.

امام در رویارویی جامعه شیعه و جامعه اسلامی، ضمن حلال و پاک شمردن بازار اسلامی، از جامعه شیعه می خواست با حضور فعال و بانشاط و مبتنی بر اصول اخلاقی، اقتصاد اسلامی راستین را با شیوه های مستقیم و غیر مستقیم در معرض دید بازار و فعالان اقتصادی جامعه اسلامی قرار دهند و در نتیجه، این جامعه به امین و معتمد جامعه اسلامی تبدیل شود.

امام از حضور و فعالیت اقتصادی شیعیان در حاکمیت و نظام اداری جریان باطل جلوگیری

می کرد، ولی گاهی از نفوذ افراد شایسته و متخصص در ساختار اداری و حاکمیتی باطل که نتیجه نهایی آن، دفع ظلم اقتصادی از جامعه شیعه یا کسب منافع برای جامعه شیعه بود، حمایت می کرد. امام از فعالیت اقتصادی مستقیم توانگران شیعه با حاکمیت باطل (و نه جامعه اسلامی) و با اشتغال آنان در ساختار اداری که منجر به خدمت رسانیکسویه به ساختار حاکمیتی باطل می شد، خشنود نبود و شیعیان را به شدت از آن باز می داشت.

همچنین با احیای مسئله خمس می کوشید ضمن پاک سازی اموال شیعه، نوعی مالیات اسلامی بر اساس قرآن برای جامعه قرار دهد تا شیعیان با دادن خمس به امام معصوم، ایشان را برای مدیریت اقتصادی جامعه شیعه یاری رسانند.

۳-۳-۵. رویکرد تربیتی و اخلاقی جامعه شیعه

- امام سفارش اکید داشت که افراد و جامعه شیعه، با توجه به شرایط تقیه، باید پیوسته با رفتار و عمل خود، نشانه خیر و دعوتگر جامعه به سوی اهل بیت و مکتب حق باشند و دل های مردم را متوجه ایشان کنند.

- امام با نگاه جامع به ابعاد وجودی انسانی کوشید از وجود افراط و تفریط در قالب (تصوف) یا دنیازدگی در جامعه شیعه جلوگیری کند و با ایجاد طرح تقسیم فرصت های زمانی بر حسب نیازها، طرح جامع برای زندگی شیعی ارائه کند. (طرح جامع تقسیم اوقات روزانه بر اساس عبادت، کار، تفریح خانوادگی، حضور اجتماعی و خواب).

- ایشان در جایاز محمد بن مسلم، از خواص اصحابش که از خاندان سرشناس در کوفه بود و به سفر حج آمده بود، خواست در بازگشت به کوفه برایاز تکبر و غرور و ابراز تواضع عملی، به طور موقت، به دست فروشی در کنار مسجد کوفه پردازد. (۱)

- امام در نظام اجتماعی شیعی با تبیین و تعریف حقوق شیعه بر یکدیگر و صفات و نشانه های شیعی، برایتربیت شیعیان بر اساس مبانی تربیتی توحیدی اهلیت و ایجاد هم گرایی دینیاستوار میان آنان می کوشید.

ص: ۱۹۵

- امام به اصول اخلاقی که به استوار روابط اجتماعی بنجامد، اهتمام ویژه ایداشت؛ مواردی همانند صله رحم یا رعایت حقوق همسایگان.

- امام به تربیت و نظارت اخلاقی بر روابط یارانش در حوزه محرم و نامحرم و جنس مخالف اهتمامی ویژه داشت و موارد لغزش را به آنان گوشزد می کرد. (نگاه؛ شوخی؛ صدای نامحرم و...).

- فرهنگ سازی برای شیعیان رشد یافته که هر از چند گاه به عرضه دین خود به امام می پرداختند تا از آسیب ها و انحراف های احتمالی جلوگیری شود. حتی شاگردان علمای امام نیز روش های فقهی و اجتهادی خود را به امام عرضه می داشتند تا از خطا و لغزش در روش شناسی فقه و عقاید شیعی مصون باشند.

- مدیریت مرگ آگاهی خواص یارانش و آماده سازی افرادی که مرگشان نزدیک بود. گاهی پس از درگذشت آنان نیز به زیارت قبورشان می رفت.

۳-۳-۶. رویکرد طراحی جغرافیایی

- پس از مهاجرت جریان های فکری و سیاسی مخالف از کوفه به سبب ایجاد شهر جدید بغداد، امام صادق (ع) برای ایجاد جامعه ای متمرکز و تعریف شده از شیعه در کوفه، با محوریت و رهبری شخصیت های علمی شیعه می کوشید.

- پس از ایجاد بغداد، ایشان شخصیت های برجسته فکری اجتماعی شیعه را به اقامت در بغداد توصیه و تشویق می کرد و به تعریف نقش آنان نیز می پرداخت کسانی همانند هشام بن حکم و علی بن یقین و... نقش هشام، ایجاد مدرسه و پایگاهی علمی در بازار بغداد است و نقش علی، با توجه به جایگاه پدرش در خلافت عباسیان، نفوذ در ساختار حاکمیتی-سیاسی خلافت عباسی، برای دفع بلا و خدمت رسانی به جامعه شیعه در آینده).

- در آستانه تحول خلافت و ایجاد ارتباط آسان با جامعه ایرانی، امام تبلیغات متمرکزی را درباره آینده قریب الوقوع و دور شهر قم به عنوان حرم اهل بیت و کانون تشیع در ایران به راه انداخت.

-یکی از شیعیان ساکن مرزها، از امام درباره مسافرتش به سرزمین های کفر برای تجارت و بازرگانپرسید. امام پاسخ داد: اگر هنگام سفر و اقامت در سرزمین های کفر، بر مکتب حق هستی و در شرایط مناسب، اهالی آنجا را به اهلیت دعوت می کنی، این سفر و تجارت اشکالی ندارد.

- در دوره بنی عباس، پس از آشکار شدن تدریجی شکاف میان خراسانی ها و عباسیان و ایجاد موج اجتماعی سرخوردگی در خراسانیان، امام، برخی شاگردان خود را برای تبلیغ تشیع به خراسان فرستاد.

کوتاه سخن آنکه در زمان امام صادق(ع) که تقریباً مرزهای جغرافیایی و تاریخی جهان اسلام مشخص شده بود، امام با شناسایی مناطق مستعد از نظر اجتماعی و تمدنی و سرزمینی، با محوریت خاورمیانه، که در طول تاریخ همواره کانون جریان های حق پیامبران و امامان بوده است، کوشید پس از نومیثی از کانون های سنتی اسلامی در حجاز، به طراحی کانون های جغرافیایی شیعی و شهرهای مقدس شیعی (کربلا، نجف، کوفه و قم) بپردازد و براسرزمین های آینده فرهنگ سازیکند (کاظمین و مشهد). همچنین با پراکندن یاران علمی خود در جهان اسلام و حتی سرزمین های غیر اسلامی، با سلاح علم و فرهنگو شور و شعور، تشیع را تبلیغ کنند.

۳-۳-۷. امام و رویارویی جریان های انحرافی در جامعه شیعه(۱)

-امام صادق(ع) در رویارویی با جریان غلو، به تبیین معرفت صحیح حق و تأکید دوباره بر آن برای جامعه شیعه پرداخت.

-امام در رویارویی با تفکر، غلو عرفانیو صوفیانه یا قیام های سیاسی زیدیه، به مرزبندی شیعه، از آنها به صورت شفاف و روشن اهتمام داشت.

-امام آشکارا غالیان را لعن و طرد کرد و از رهبران و جامعه شیعه خواست آنان را از خود

ص: ۱۹۷

-امام به علما و خواص جامعه شیعه سفارش کرد که جوانان را از خطر تفکر غلو محافظت کنند.

-امام در ماجرای قیام های زیدیه، از رهبران علمی شیعه خواست با مناظره علمی، آنان را از نظر فکری به چالش بکشند و ماهیت حقیقی آنان را برای جامعه افشا کنند.

-امام هنگام اوج گیری جریان های انحرافی در جامعه شیعه، رهبران علمی و فکری شیعی را ملاک حق و باطل قرار داد و از جامعه شیعه خواست آنان را کانون توجه خود قرار دهند.

-امام هنگام آشکار شدن انحراف برخی شیعیان، برخی دوستان سابق آنان را که از علما نیز بودند، برای تمام حجت، مناظره علمی، هدایت آنان یا در نهایت، اعلام تبریامام از ایشان، نزد آنان فرستاد.

-موضع گیری در برابر جریان های فکری و اجتماعی که سبب بدنامی اسلام و تشیع و ایجاد دافعه برای آن می شد؛ همانند فردی که اموال دزدی را انفاق می کرد و گمان می کرد نه دهم ثواب دارد یا مسلمانی که با سخت گیری عبادی بر تازه مسلمانی، سبب گریز او از اسلام شد.

کوتاه سخن اینکها امام با آگاهی از وجود افراد کم ظرفیت یا کم دانش یا دچار وسوسه های گوناگون فکری و اجتماعی و اقتصادی، ضمن اینکه مسئله وجود ریزش ها در جامعه حق را امری طبیعی دانست، می کوشید با آگاهیدادن و ارتقای علمی و فکری و فرهنگی جامعه حق و سفارش مؤمنان به برنامه های عبادی و تربیتی و اخلاقی، خطر ریزش ها را به حداقل برساند. در صورت تحقق ریزش در جامعه و پیدایش جریانی انحرافی، در آغاز با ایجاد ارتباط با رهبران جریان انحرافی، ضمن آگاه سازی سفارش های اخلاقی هشداردهنده پی آمدهای آن، به اصلاح آنان می پرداخت و در صورت پافشاری آنان، ضمن اعلامبیزاریو موضع گیری شفاف می کوشید در جامعه به تدابیر پیش گیرانه پردازد. از این رو، محور قرار دادن شخصیت های علمی و فکری شیعه در فتنه ها و نیز درخواست از علمای شیعه برای حضور

فعال در برابر رهبران انحراف و فتنه از راهبردهای اجتماعی و فرهنگی امام بود.

۳-۴. سبک زندگی اجتماعی شیعه از نظر رویارویی با جامعه اسلامی

۳-۴. سبک زندگی اجتماعی شیعه از نظر رویارویی با جامعه اسلامی

در زمان امام صادق(ع) با طراحی مکتب و جامعه مستقل شیعه و هماهنگی با تحولات اجتماعی در جهان اسلام و پیدایش خلافت عباسی، پرسش مهم، نوع رویارویی جامعه حق با جامعه اسلامی بود.

امام با مرزبندی میان جامعه اسلامی و حاکمیت آن، از جامعه شیعه خواست بهترین و بیشترین تعامل را با جامعه اسلامی مبتنی بر اصول فطری مکتب تشیع، یعنی عدالت، صداقت و امانت داشته باشند و حتی در این جامعه تا آنجا خود را رشد و ارتقا دهند و نفوذ کنند که به مرجعیت علمی، اجتماعی و اقتصادی جامعه تبدیل شوند. سیره تربیتی امام صادق(ع) برای جامعه شیعه آن بود که چون جامعه اسلامی خود را از اهلیت و معارف اصیل اسلامی جدا کرده است، هیچ گاه نخواهد توانست به جامعه سازی و تمدن سازی جامع و کامل توفیق یابد و پیوسته از جنبه های گوناگون دچار آسیب ها و بحران ها و چالش های فکری و فرهنگی و اقتصادی و اجتماعی خواهد بود. حال اگر شیعیان ملتمز به اصول تربیتی اهلیت به رشد و تعالی خود پردازند و در جامعه اسلامی نفوذ کنند، به تدریج به سبب سیره علمی و عملی جامع خود، کانون توجه جامعه اسلامی و غیر اسلامی قرار خواهند گرفت و به گونه ای غیر مستقیم، نقش تبلیغی و ترویجی خود را برای جامعه حق ایفا خواهند کرد. البته انجام این رسالت به شخصیت رشد یافته شیعیان وابسته است که هنگام حضور در جوامع گوناگون اسلامی و حتی غیر اسلامی، به جای اثربندی یا داشتن شخصیت انفعالی، به تدریج و با عمل صالح و ابراز اخلاق عملی مبتنی بر مکتب تشیع، به نفوذ اجتماعی و ایفای نقش فعال بدون حساسیت برانگیزی مستقیم پردازند.

امام در رویارویی جریان حاکمیت در جهان اسلام، جامعه شیعه را از همراهی و همکاری انفعالی با حاکمیت باطل باز می داشت، اما در شرایط ویژه، برای شیعیان فهمیده و متخصص،

تقیه را با هدف نفوذ و یاری رسانی پنهانی به جامعه شیعه اجازه می داد.

۳-۴-۱. موضع گیری سیاسی (۱)

- تأکید ویژه امام بر رعایت شدید تقیه برای حفظ نیروها و جامعه شیعه از هجوم ها و آسیب های حاکمان ستمگر.

- هنگام قیام زیدیه، امام با در پیش گرفتن سکوت سیاسی و کناره گیری، ضمن پرهیز از تأیید این قیام های بی بنیاد و ریشه های فکری و اجتماعی، می کوشید آینده جامعه شیعه را از نظر سیاسی- اجتماعی، پس از شکست آن قیام ها، از انتقام و هجوم های خلافت حاکم در امان نگه دارد.

- امام در برابر خلافت امویان، شیعیان را از هر گونه همکاری و مشارکت در نهادهای سیاسیو اجتماعی آنان باز می داشت. در زمان خلافت عباسیان، با استمرار اصول کلی این سیاست برای جامعه شیعه، تنها به خواص آگاه و بصیر شیعه اجازه نفوذ در ساختار حکومتی باطل را برای یاری رسانی به جامعه شیعه می داد و به الگوسازی برای تقیه نفوذی در حکومت باطل با هدف خدمت به جامعه حق می پرداخت.

- امام در خلافت منصور، زمانی که در کوفه در اقامت اجباری به سر می برد و در پایان ماه رمضان، خلیفه عید اعلام کرد، حکم او را به سبب رعایت تقیه، با وجود علم به خلاف بودن آن پذیرفت. در مواردی نیز به یاران نفوذ یافته خود در ساختار حکومت، احکام تقیه را آموزش می داد.

- امام در آستانه شهادت با درک حساسیت شدید عباسیان به وصی خود، در وصیت نامه اش، شش نفر را وصی خود قرار داد و به روشی غیر مستقیم، ضمن حفظ جان امام بعدی و وصی خود، بر اساس نشانه های کلامی شیعه، در به معرفی ایشان پوشش تقیه پرداخت.

ص: ۲۰۰

۱- الامام الصادق و المذاهب الاربعه ج ۱ ص ۱۰۹ و ص ۳۷۳.

- جوانی شیعه به سبب داشتن مهارت کتابت و محاسبه دیوان و به واسطه برادرش که از کارگزاران عباسیان بود، در سازمان اداری عباسیان به اجبار به کار گرفته شد. او جریان را هنگام سفر امام به کوفه با ایشان مطرح کرد. امام فرمود: ای کاش کتابت خود را آشکار نمی کردی (کاری نمی کردی که در شرایط و جامعه باطل به تخصص خاص شناخته و به اشتغال در جامعه باطل مجبور گردی یاری گر حکومت آنان باشی). (۱)

- امام از شیعیان خود می خواست در جامعه اسلامی با در پیش گرفتن اخلاق نیکو با همسایگان خود، به تدریج، به جذب آنان به مکتب تشیع و تحول ایمانی و رفتاری آنان پردازند. (داستان ابابصیر و همسایگی با مردی که در دستگاه امویان شاغل بود).

- امام کمک های اقتصادی خود به محرومان و نیازمندان را به شیعیان منحصر نمی کرد و به همه محرومان مدینه، آشکار و پنهان، یاریمی رساند.

- امام در زندگی اقتصادی خود با در نظر گرفتن شرایط عمومی اقتصادی جامعه اسلامی، می کوشید در سختی و رفاه جامعه، در مقام رهبر شیعه، همراه و همانند آنان باشد و در سختی ها و قحطی و بلا به تافته جدا بافته و بی اعتنا در جامعه اسلامی تبدیل نشود.

۳-۴-۳. موضع گیری علمی

- امام قدریه، حروریه و مرجئهرا لعنت می کرد؛ زیرا نتیجه باور آنان، تطهیر و اثبات ایمان دشمنان اهل بیت؟ عههم؟ و حقانیت بخشی به آنان بود.

- امام در رویاروییبا علمای اهل رأی و رهبران فکریآنان به ویژه ابوحنیفه، آنان را به سبب ایجاد مکتب و روش فقهی باطل هشدار می داد و در مناظره علمی، روش آنان را به چالش می کشید.

- امام در رویاروییبا معتزله، مبانی کلامی آنان را در حوزه رهبری و سیاست اسلامی به

ص: ۲۰۱

چالش می کشید و نظام فکری و کلامی شان را ابطال می کرد.

-امام با مناظره و موضع گیری شفاف فکری، از همراهی جریان افراطی و شتاب زده زیدیه و حتی سکوت و رضایت در برابر آن پرهیز می کرد.

-امام به شدت مراقب اثرپذیری علمی و فرهنگی علما و جامعه شیعه از افکار التقاطی و خرده فرهنگ های جامعه اسلامی بود و با مشاهده آن، به سرعت به افراد یا جامعه هشدار می داد و از گسترش آن جلوگیری کرد.

- خانه امام در مدینه کانون و محل رفت و آمد عالمان جریان های فکری و فقهی گوناگون بود. ایشان از خواص شاگردان خود می خواست در مناطق خود از یک سو، به ایفای نقش علمی برای جامعه اسلامی بپردازند و از سوی دیگر، با علمای مسلمان گفت و گو و جدال علمی احسن داشته باشند.

-امام صادق(ع)، پایه گذار مناظره های متنوع کلامی و فکری و فقهی و حتی علمی (در علوم تجربی، همانند طب و نجوم) بود و از شاگردانش می خواست با توجه به اوضاع زمانه، به ترویج فرهنگ مناظره علمی بپردازند.

سخن پایانی

سخن پایانی

سبک زندگی و نظام اجتماعی شیعی از نظر اصول و مبانی فکری و همچنین طراحی اولیه اجتماعی، در زمان امام صادق(ع) پایه گذار شد، اما بدیهی است این اصول و نظام سازینوز کلی بود و در رویارویی شرایط گوناگون و تغییر و تحولات زمانه و مسائل داخلی و بیرونی، نیازمند غنی سازی و پرورش بیشتر بود. اگر این اصول در حد نظام سازی امام صادق(ع) متوقف می شد، تشیع جعفرینیز در امتداد تاریخ دچار آسیب ها و چالش های اجتماعی و سیاسی و فرهنگی فرقه هایی همانند اسماعیلیه و واقفیه و زیدیه می شد که اگرچه در دوره های تاریخ، حکومت های مقتدر و بزرگی تشکیل دادند، پس از گذشت مدتی تاریخ پیوستند و اینک در دنیای علمی و اجتماعی امروز جایی ندارند.

از این رو، نظام اجتماعی و سبک زندگی شیعی پس از امام صادق(ع)، به ویژه از این نظر که برای دوران غیبت طراحی شده بود، باید بیش از یک قرن دیگر (از ۱۴۸ تا ۲۶۰ ه. ق. از شهادت امام صادق(ع) تا شهادت امام عسکری(ع)) با مدیریت مستقیم امامان معصوم اداره می شد و رشد و بالندگی بیشتری می یافت. به ویژه در دورانی که جامعه شیعه به سرعت رو به گسترش بود و امامان نیز دیگر در کانون حوزه های علمی شیعه نبودند، بلکه حوزه های علمی شیعه تدریج در کوفه، بغداد و قم شکل گرفته بود. در این شرایط، باید امامان معصوم؟ مهم؟ پیوسته ساختار اجتماعی و نظام های فکری آن را کنترل می کردند تا از هرگونه خطر و آسیب و انحراف دور باشد.

امتیاز منحصر به فرد تشیع از نظر نمودار خط زمانی نظام سازی اجتماعی و طراحی سبک زندگی شیعی این است که این نظام ساز را باقرین؟ عهما؟ طراحی کردند و یک قرن بعد تا زمان شهادت امام عسکری(ع)، رشد و گسترش یافت و آسیب زدایی شد. آن گاه به مدت ۶۹ سال دوران غیبت صغرا، در الگوی فاصله ای در میان حضور و غیبت کلی است، دوباره آزموده شد و پس از دو قرن آزمون و بالندگی، برای دوران غیبت کبریه شیعیان توصیه و اجرا شد.

آنچه ارائه شد، نگاهی کلی و از منظر برنامه یابی، به رندگانی امام صادق(ع) بود؛ به امید آنکه امروز، ما و رسانه ملی با بازشناسی ابعاد جامع و کامل این نظام و سبک و ایده یابی ها و برنامه سازی های مناسب با آن، بر اساس تنوع مخاطب داخلی و خارجی، بتوانیم آرزوهای بزرگ امام صادق(ع) را از دریچه رسانه عینیت ببخشیم؛ آرزوهایی همانند اینکه:

۱. شیعه به جای شعار، با عمل (سبک زندگی خود) نزد جهانیان شناخته (۱) شود؛

۲. ناکامی مدعیان نظام سازی پس از اجرای ادعای خود (۲) و پس از ظهور آشکارتر شود؛

۳. هنگامی که مردم جهان از نظام سازی های باطل به تنگ آمده و شیفته و تشنه مکتب حق سبکو نظام اجتماعی شیعه شوند تحقق یابد.

ص: ۲۰۳

۱- بحار الانوار، ج ۵۱، ص ۱۴۴.

۲- بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۳۳۲.

کتابنامه

اشاره

کتابنامه

زیر فصل ها

کتاب:

نرم افزار:

کتاب:

کتاب:

قرآن کریم

آقانوری، علی، خاستگاه تشیع و پیدایش فرقه های شیعی در عصر امامان، قم، پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی، ۱۳۸۵

ابن ابی الحدید عبد الحمید بن محمد، شرح نهج البلاغه، بیروت، دار الاحیاء التراث العربی

ابن عبد ربه، احمد بن محمد، عقد الفرید، بیروت، دار الکتب العربی، ۱۴۱۱ ق.

ابوالفرج الاصفهانی، مقاتل الطالبین، بیروت، الرالمعرفه

ابوجعفر محمد بن جریر طبری، تاریخ الامم و الملوک، بیروت، دار التراث، ط الثانیه، ۱۹۶۷

اسد حیدر، الامام الصادق و المذاهب الاربعه، دار الکتب المصطفی، دوره ۴ ج لدی، ۲۰۰۴ میلادی

ص: ۲۰۵

بابایی، سعید، سیره امام صادق در برخورد با اهل سنت، مرکز پژوهش‌های اسلامی صدا و سیما، قم، ۱۳۸۴

بلاذری احمد بن یحیی، فتوح البلدان، مؤسسه المعارف، بیروت لبنان، ۱۴۰۷ ه. ق

تاریخ تشیع، جمعی از مؤلفان زیر نظر احمد رضا خضری - تهران، انتشارات سمت، ۱۳۸۴

جباری، محمد رضا، سازمان و کالت و نقش آن در عصر ائمه، مؤسسه آموزشی، پژوهشی امام خمینی

جعفریان، رسول، تاریخ تحول دولت و خلافت؛ از برآمدن اسلام تا برافتادن سفیانیان، مرکز مطالعات و تحقیقات اسلامی،

۱۳۷۷

جعفریان، رسول، تاریخ تشیع در ایران از آغاز تا قرن دهم هجری، ج ۱، قم، انصاریان، ۱۳۸۰

جوادی (آیه‌الله)، عبدالله، تفسیر موضوعی قرآن کریم، صورت و سیرت انسان در قرآن، قم، اسراء، ۱۳۷۹

_____، فطرت در قرآن، قم، اسراء، ۱۳۷۶

حسن ابراهیم حسن، تاریخ الاسلام، الجزء الثاني الحصر العباسی الاول، دار الجبل، بیروت، ۲۰۰۱

خضری، احمد رضا، تاریخ خلافت عباسی از آغاز تا پایان آل بویه، تهران، سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاه

ها (سمت) ۱۳۷۸

خمینی، روح الله، امامت و انسان کامل از دیدگاه امام خمینی، فروع السادات رحیم پور، تهران مؤسسه نشر و تنظیم آثار امام

خمینی، ۱۳۸۱

رجبی، محمد حسین، کوفه و نقش آن در قرون نخستین اسلامی، دانشگاه امام حسین، تهران ۱۳۷۸

رجبی، محمود، انسان شناسی، قم، مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی، ۱۳۸۴.

سهرابی، فرامرز، مهدویت و فلسفه تاریخ، آینده روشن، قم، ۱۳۸۹

ص: ۲۰۶

شریف القرشی، باقر، موسوعه سیره اهل بیت، الامام جعفر بن محمد الصادق مجلد ۱۹ تا ۲۷، دار المعروف وزارت ارشاد، قم، ۱۳۴۰

شناختنامه اهل بیت، معاونت فرهنگی مجمع جهانی اهل بیت، تهران، ۱۳۸۳

صفائی حائری (ع - ص)، علی، حرکت، قم، لیلهاقدر، ۱۳۸۵

_____، درس هایی از انقلاب، دفتر دوم:

تقیه، ۱۳۸۶

_____، صراط، قم، لیله القدر، ۱۳۸۵

_____، مسئولیت زندگی، قم، لیله القدر،

۱۳۸۲

صفری فروشانی، نعمت الله، غالیان و کاروشی در جریان ها و برآیندها تا پایان سده سوم، مشهد آستان قدس رضوی، بنیاد پژوهشهای اسلامی، ۱۳۷۸

طالبی (مهدی) و محققین، تبار انحراف: پژوهش در جریان شناسی انحراف تاریخی، قم، لوح و قلم ۱۳۸۳

عسکری، سید مرتضی، نقش ائمه در احیای دین (۲ جلد) تهران، مرکز فرهنگی انتشاراتی منبر، ۱۳۸۲، معالم المدرسین (۳ جلدی) تهران

عطاردی قوچانی، شیخ عزیز الله، مسند الامام الصادق، تهران، عطارد، ۱۳۸۴ دوره ۲۲ جلدی

علیزاده موسوی، از اوج تا فرود: نگاهی به جامعه اسلامی در عصر اسلامی

فاضلی، نعمت الله، سبک زندگی، تهران، وزارت ارشاد اسلامی، ۱۳۸۳.

فرمانیان، مهدی، فرق تسنن، قم، نشر ادیان، ۱۳۸۶

قرا ملکی، فرامرز، روش شناسی مطالعات دینی، دانشگاه رضوی، مشهد، ۱۳۸۸.

کارگر، رحیم، آینده جهان، بنیاد فرهنگی حضرت مهدی موعود، قم، ۱۳۸۳

کاظمی پوران، محمد، قیام های شیعه در عصر عباسی، تهران، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی سازمان چاپ و انتشارات،

۱۳۸۰

مجلسی، محمد تقی، بحار الانوار، تهران، دارالکتب الاسلامیه، ۱۳۷۲

مجموعه مقالات همایش امام صادق، مرکز چاپ و نشر مجمع جهانی اهل بیت، تهران

محمد بن سعد بصری، الطبقات الکبری، بیروت، دارالکتب العلمیه، ۱۹۹۰

محمد رضایی، آیین برنامه سازی زندگانی امام کاظم، مرکز پژوهشهای اسلامی صداوسیما، ۱۳۸۹

مطهری، مرتضی، مجموعه آثار مجلات ۱، ۲، ۳ و ۱۸، قم، صدرا، ۱۳۶۸

منتظر القائم، اصغر، نقش قبایل یمنی در حمایت از اهل بیت (در قرن اول هجری) قم، بوستان کتاب، ۱۳۸۰

منظورنژاد، محمد، هدف و معنای زندگی، چاپ اول، تهران، انتشارات جوان پویا، ۱۳۸۶

مونس، حسین، اطلس تاریخ اسلام، مترجم آذرتاش آذرنوش، تهران، سازمان جغرافیای نیروهای مسلح، ۱۳۷۵

نصری، عبدالله، سیمای انسان کامل از دیدگاه مکاتب، تهران، دانشگاه تهران، ۱۳۷۶

نرم افزار:

نرم افزار:

نرم افزارهای مرکز کامپیوتری نور:

جغرافیای جهان اسلام

معجم موضوعی بحارالانوار

گنجینه روایات نور

درایه النور، ۲، ۱ (نرم افزار تخصصی علم رجال)

نور السیره ۲؛ جامع منابع تاریخ اسلام.

مجموعه آثار آیه الله سبحانی

نرم افزار آثار علامه عسگری

ص: ۲۰۸

بسمه تعالی

هَلْ يَسْتَوِي الَّذِينَ يَعْلَمُونَ وَالَّذِينَ لَا يَعْلَمُونَ

آیا کسانی که می‌دانند و کسانی که نمی‌دانند یکسانند؟

سوره زمر / ۹

مقدمه:

موسسه تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان، از سال ۱۳۸۵ هـ. ش تحت اشراف حضرت آیت الله حاج سید حسن فقیه امامی (قدس سره الشریف)، با فعالیت خالصانه و شبانه روزی گروهی از نخبگان و فرهیختگان حوزه و دانشگاه، فعالیت خود را در زمینه های مذهبی، فرهنگی و علمی آغاز نموده است.

مرامنامه:

موسسه تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان در راستای تسهیل و تسریع دسترسی محققین به آثار و ابزار تحقیقاتی در حوزه علوم اسلامی، و با توجه به تعدد و پراکندگی مراکز فعال در این عرصه و منابع متعدد و صعب الوصول، و با نگاهی صرفاً علمی و به دور از تعصبات و جریانات اجتماعی، سیاسی، قومی و فردی، بر مبنای اجرای طرحی در قالب «مدیریت آثار تولید شده و انتشار یافته از سوی تمامی مراکز شیعه» تلاش می نماید تا مجموعه ای غنی و سرشار از کتب و مقالات پژوهشی برای متخصصین، و مطالب و مباحثی راهگشا برای فرهیختگان و عموم طبقات مردمی به زبان های مختلف و با فرمت های گوناگون تولید و در فضای مجازی به صورت رایگان در اختیار علاقمندان قرار دهد.

اهداف:

۱. بسط فرهنگ و معارف ناب ثقلین (کتاب الله و اهل البیت علیهم السلام)
۲. تقویت انگیزه عامه مردم بخصوص جوانان نسبت به بررسی دقیق تر مسائل دینی
۳. جایگزین کردن محتوای سودمند به جای مطالب بی محتوا در تلفن های همراه، تبلت ها، رایانه ها و ...
۴. سرویس دهی به محققین طلاب و دانشجو
۵. گسترش فرهنگ عمومی مطالعه
۶. زمینه سازی جهت تشویق انتشارات و مؤلفین برای دیجیتالی نمودن آثار خود.

سیاست ها:

۱. عمل بر مبنای مجوز های قانونی
۲. ارتباط با مراکز هم سو
۳. پرهیز از موازی کاری

۴. صرفا ارائه محتوای علمی

۵. ذکر منابع نشر

بدیهی است مسئولیت تمامی آثار به عهده ی نویسنده ی آن می باشد .

فعالیت های موسسه :

۱. چاپ و نشر کتاب، جزوه و ماهنامه

۲. برگزاری مسابقات کتابخوانی

۳. تولید نمایشگاه های مجازی: سه بعدی، پانوراما در اماکن مذهبی، گردشگری و...

۴. تولید انیمیشن، بازی های رایانه ای و ...

۵. ایجاد سایت اینترنتی قائمیه به آدرس: www.ghaemiyeh.com

۶. تولید محصولات نمایشی، سخنرانی و...

۷. راه اندازی و پشتیبانی علمی سامانه پاسخ گویی به سوالات شرعی، اخلاقی و اعتقادی

۸. طراحی سیستم های حسابداری، رسانه ساز، موبایل ساز، سامانه خودکار و دستی بلوتوث، وب کیوسک، SMS و...

۹. برگزاری دوره های آموزشی ویژه عموم (مجازی)

۱۰. برگزاری دوره های تربیت مربی (مجازی)

۱۱. تولید هزاران نرم افزار تحقیقاتی قابل اجرا در انواع رایانه، تبلت، تلفن همراه و... در ۸ فرمت جهانی:

JAVA.۱

ANDROID.۲

EPUB.۳

CHM.۴

PDF.۵

HTML.۶

CHM.۷

GHB.۸

و ۴ عدد مارکت با نام بازار کتاب قائمیه نسخه :

ANDROID.۱

IOS.۲

WINDOWS PHONE.۳

WINDOWS.۴

به سه زبان فارسی ، عربی و انگلیسی و قرار دادن بر روی وب سایت موسسه به صورت رایگان .

در پایان :

از مراکز و نهادهایی همچون دفاتر مراجع معظم تقلید و همچنین سازمان ها، نهادها، انتشارات، موسسات، مؤلفین و همه

بزرگوارانی که ما را در دستیابی به این هدف یاری نموده و یا دیتا های خود را در اختیار ما قرار دادند تقدیر و تشکر می
نماییم.

آدرس دفتر مرکزی:

اصفهان - خیابان عبدالرزاق - بازارچه حاج محمد جعفر آواده ای - کوچه شهید محمد حسن توکلی - پلاک ۱۲۹/۳۴ - طبقه
اول

وب سایت: www.ghbook.ir

ایمیل: Info@ghbook.ir

تلفن دفتر مرکزی: ۰۳۱۳۴۴۹۰۱۲۵

دفتر تهران: ۰۲۱ - ۸۸۳۱۸۷۲۲

بازرگانی و فروش: ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹

امور کاربران: ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹



مرکز تحقیقات رایانگی

اصفهان

گامی

WWW



برای داشتن کتابخانه های تخصصی
دیگر به سایت این مرکز به نشانی

www.Ghaemiyeh.com

www.Ghaemiyeh.net

www.Ghaemiyeh.org

www.Ghaemiyeh.ir

مراجعه و برای سفارش با ما تماس بگیرید.

۰۹۱۳ ۲۰۰۰ ۱۰۹

